

ویژه شانزدهمین
جشنواره کتاب‌های
آموزشی و تربیتی رشد



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی

جوانه
۶۱
رشد

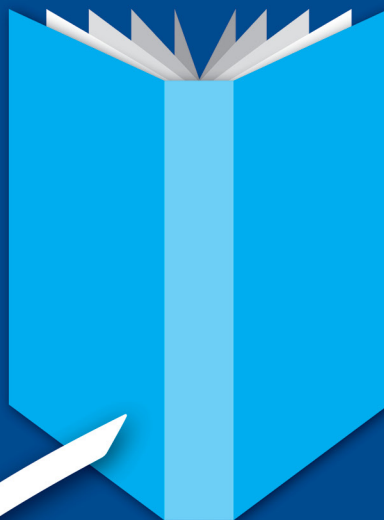
samanketab.roshdmag.ir

ISSN1735-4862

فصلنامه تخصصی سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی / پاییز ۱۳۹۷ / ۲۰۰ صفحه
برای ناشران، پدیدآورندگان، معلمان، مدیران مدارس، اولیا و کارشناسان آموزشی و پرورشی



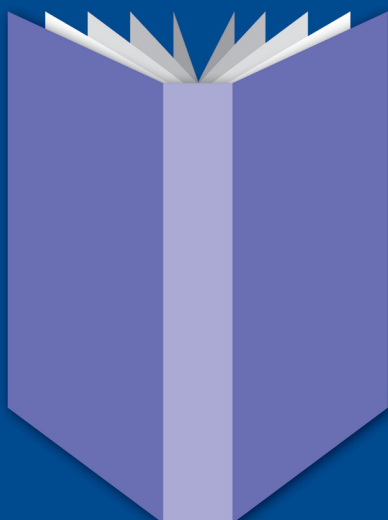
وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی



شانزدهمین جشنواره کتاب‌های رشد

مکان: بلوار کشاورز خیابان حجاب، مرکز آفرینش‌های فرهنگی و هنری کانون پرورش فکری
کودکان و نوجوانان، سالن شهید بهنام محمدی زمان: ساعت ۱۵ تا ۱۷ روز دوشنبه ۱۲ آذر ماه ۱۳۹۷

مرکز آفرینش‌های فرهنگی و هنری کانون پرورش فکری



مراسم تقدیر از پدیدآورندگان
کتاب‌های برتر آموزشی و تربیتی

سال ۱۳۹۷





اهابازی
برای آرام سازی کودکان

باله، پروکلی پاهوش
چرا باید غذای سالم بخوریم؟

بازی کودکان ۶-۹ ساله

نخستین بازیهای شاد و کودگانه
۱۸۵ بازی و سرگرمی

گیلی گیلی گرمش شده

کلاس های چند پایه
برنامه ریزی درسی

دوست های خفایا

یادداشت های یک نویسنده
یک نویسنده

حیات پویا

اردوی بچه ها
فرقش

ستاره های دوست داشتنی

حل و فصل اختلافات در محیط کار
FOR DUMMIES

ستاره های دوست داشتنی

استاره پلوری

تق و تق و تو رو چوبه
نقاش می گوید

شادی چنانچه

روایت های

2018 مرجع کامل 3ds Max

سرزمین عرمانی

ستاره

پدیده نجومی

ریاضیات لعنتی
آبیس در سرزمین اعداد

ستاره های دوست داشتنی

شکفت های بدن انسان

کتاب طراحی خلاق
عزیزه کوجوب ۲

سوغاتی

سرزمین عرمانی

فرهنگ

هنگامه

مادر خلاق
کودکی خلاق

تاریخ سحر

تاریخ سحر

شادی

دوچرخه

مشکلات حرکتی

فرهنگ

تحلیل یادگیری

مادر خلاق
کودکی خلاق

تاریخ سحر

تاریخ سحر

ارباب

مادری مباحث کارشناسی

مشکلات حرکتی

فرهنگ

تحلیل یادگیری

مادر خلاق
کودکی خلاق

تاریخ سحر

تاریخ سحر

پارس و هابرماس

افغان در باب

نخستین بازیهای شاد و کودگانه

فرهنگ

تحلیل یادگیری

مادر خلاق
کودکی خلاق

تاریخ سحر

تاریخ سحر

پارس و هابرماس

افغان در باب

نخستین بازیهای شاد و کودگانه

فرهنگ

تحلیل یادگیری

مادر خلاق
کودکی خلاق

تاریخ سحر

تاریخ سحر



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی

جوانه رشد

فصلنامه تخصصی سامان‌دهی
منابع آموزشی و تربیتی

یادداشت سردبیر

جشنواره در کلیدواژه‌ها

۲

گفت‌وگو

والدین باید از مدرسه عشق، امید، صلح و شادی بخواهند نه نمره / هماهنگی و وحدت روبه مانع سودجویی می‌شود

۴

میزگرد

جشنواره از آثار برگزیده پشتیبانی کند / فرصت انتخاب بیشتر، یعنی خواندن کتاب‌های بیشتر

۱۲

یادداشت داوران

از خودرو حمایت می‌شود، از فرهنگ نه / رشد کیفی، تنزل کمی / سنگ ماشینی و کتاب‌های مهارت‌های زندگی / آزاد کردن انرژی پنهان و متراکم معلمان با تربیت معلمان مؤلف / کتاب‌هایی شبیه روغن، شامپو و برنج... / بازی یک ضرورت است، نه وسیله‌ای برای اوقات فراغت / پنجره‌هایی به گلستان آسمانی / اهمیت زبان و ادبیات / در جذابیت منابع آموزشی / بازار نشر در سیطره ترجمه‌های ضعیف / کتاب‌ها را ساده، کاربردی و کم‌حجم بنویسیم

۲۳

گفت‌وگو با نویسندگان

کودکان بدون مرز، سیال و آزاد به دنیا می‌آیند / می‌گویند زیاد سخت می‌گیری! / با بچه‌ها هم‌بازی می‌شوم / کتاب‌های خوب به دست بچه‌ها نمی‌رسند / غول ترافیک را با دانش‌افزایی مهار کنیم! / پول بچه‌ها یا پول خدا؟ / اسلام در پرداختن به اقتصاد جلوتر از دیگر ادیان / منعطف چون طناب، بی‌شمار همچو سنگ و بخشنده مانند چوب / مدرسه‌های آینده چند منظوره‌اند

۳۳

نقد کتاب

کتابی با زبان برنامه‌نویسی تصویری برای کودکان / سهم‌شدن مخاطب در کشف پیام پنهان / تمرینات اصلاحی برای ده ناهنجاری قامتی / کلیشه را از پرز بکشیم / "اعتماد به نفس" با شیوه‌ای خلاقانه و سرگرم‌کننده / پیکارجویان بی‌نام و نشان!

۵۲

گزارش نشست داوران

بیش از هزار کتاب زیر ذره‌بین ۹۰ داور

۶۳

گفت‌وگو با سرگروه داوران جشنواره

مخاطب به کتاب خوب کمتر رغبت دارد / ضرورت نیازسنجی پیش از تولید کتاب‌های دینی / نویسنده باید روایت و نگاه معاصر داشته باشد / دوری فیزیک از زندگی / کتاب خوب خواننده را به تفکر وامی‌دارد / نیاز واقعی و گم شده / معلمان توانمند دیده شوند / تغییر رویکرد کتاب‌های عربی / از قاعده‌محوری به درک متن حوزه‌ای با موضوعات متنوع و کتاب‌های کم

۶۶

جشن جهانی کتاب

بزرگ‌ترین رخداد کتاب در جهان

۷۹

کتاب و کتاب‌خوانی در دنیا

جایزه کتاب مدرسه ۱۰۶۶

۸۲

گزارش

کار جمعی پر رنج اما اطمینان‌بخش

۸۴

گفت‌وگو

عروسک‌هایی که می‌خواهند بداندند

۹۰

تدبیر

تدبیر جمعی برای حسن اجرای مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش

۹۲

کارنامه علمی-اجرائی و بینیه‌های گروه‌های داوران

۹۷

تا مرز برگزیدگی

۱۵۹

یادبود صادق صندوقی

۱۸۹

مدیر مسئول:

محمد ناصری

سردبیر:

فریبا کیا

شورای برنامه‌ریزی:

فریبرز بیات

بهروز رضایی

دکتر محمود معافی

ناصر نادری

محبت‌الله همتی

حبیب یوسف‌زاده

مدیر داخلی:

مهتاب میرایی آشتیانی

ویراستار:

بهروز راستانی

طراح گرافیک:

سید جعفر ذهنی

کاریکاتوربست:

سعید رزاقی

عکاس‌ها

رضا بهرامی

اعظم لاریجانی

نشانی پستی دفتر مجله:

تهران، ایران‌شهر شمالی، پلاک ۲۷۰

صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۴۵۸۵

تلفن: ۸۸۳۰۶۰۷۱

دورنما: ۸۸۳۰۶۰۷۱

پیامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵۱۸

وبگاه: samanketab.roshdmag.ir

پیام‌نگار: javaneh@roshdmag.ir

جشنواره در کلیدواژه‌ها

روز
پاییز
۱۳۹۷



در جهان امروز، تقریباً در همه نظام‌های آموزش و پرورش، متمرکز یا غیرمتمرکز، فرایند یاددهی یادگیری بر محور برنامه درسی که در کتاب‌های درسی و منابع آموزشی کمکی تبلور می‌یابد، صورت می‌پذیرد.

در کشور ما، به دلایل گوناگون فرهنگی و اجتماعی، این بار سنگین، سال‌های متمادی بر دوش کتاب‌های درسی قرار داشته است که به صورت متمرکز از سوی سازمان پژوهش منتشر می‌شده است. وجود کتاب‌های درسی واحد، شرایط فرهنگی و اجتماعی جامعه که طبقات گوناگون را به تحصیلات دانشگاهی تشویق می‌کرد، و نبود امکانات کافی برای پاسخ‌گویی به سیل گسترده مشتاقان، منجر به تشدید رقابت‌های آموزشی و متعاقب آن رواج انواع کتاب‌ها و آزمون‌های کمکی به منظور گذر از مانع کنکور شد. کتاب‌هایی که بی‌توجه به حداقل

اصول یاددهی یادگیری و حتی چهارچوب‌های ظاهری و فنی قابل قبول، در شمارگان انبوه و صرفاً با هدف فرونشاندن تقاضای بازار، منتشر می‌شدند و نه تنها با رویکردهای تعلیم و تربیت همسویی و همخوانی نداشتند که اغلب در تضاد با آن‌ها بودند، آموزش و پرورش را واداشت تا پا در میدان بگذارد و بکوشد به وضعیت این کتاب‌ها سر و سامانی بخشد و جشنواره کتاب رشد این چنین شکل گرفت.

امروز که دست‌به‌کار برگزاری شانزدهمین دوره جشنواره کتاب رشدیم، مروری بر بیابان‌های دبیر جشنواره و گروه‌های داوری آن، خصوصاً در شش دوره اخیر که دامنه داوری‌ها، همه دوره‌های آموزشی و حتی پیش‌دبستانی و کودکان استثنایی را دربرمی‌گرفته است، خالی از فایده نیست. این بیابان‌ها به‌واقع آینه‌ای هستند که انتظارات آموزش و پرورش و سازمان پژوهش را به عنوان متولی برنامه‌ریزی رسمی این نهاد برمی‌تابند.

آشکار است که تماشای تمام دغدغه‌های دست‌اندرکاران و داوران، در مجال این مقاله میسر نیست و ناگزیر باید به نکات عمده و کلیدواژه‌های اصلی بسنده کرد.

سند تحول بنیادین

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مهم‌ترین سند بالادستی نظام تعلیم و تربیت کشور است که هفت سال از ابلاغ آن سپری شده است. توجه به این سند و اصول و رویکردهای آن، از سوی پدیدآورندگان کتاب‌های آموزشی، از محورهای مورد تأکید در دوره‌های مختلف جشنواره بوده است: «با تصویب سند تحول بنیادین نظام آموزشی، فصل تازه‌ای در مسیر سرعت‌بخشی و تثبیت و تعمیق یادگیری و تربیت دانش‌آموزان گشوده شده است. به تبع آن سند برنامه درسی ملی نیز به عنوان راهنمای فرایند یاددهی یادگیری، رویکردهای نوینی را برای تولید محتوای آموزشی و تربیتی مناسب ترسیم کرده است. توجه به همه ابعاد وجودی و ساحت‌های تربیتی و بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌های درون و برون مدرسه‌ای، از جمله این جهت‌گیری‌هاست که سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی به عنوان متولی اصلی محتوای آموزشی، خود را مکلف به اجرای آن می‌داند.» (جشنواره دهم)

همسویی با رویکردهای برنامه درسی

همسویی پدیدآورندگان و ناشران با اصول، رویکردها و هدف‌های برنامه درسی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین اهداف جشنواره کتاب رشد بوده است. تدوین راهنماهای تولید کتاب‌های آموزشی، از نخستین جشنواره‌ها آغاز شد. پس از تصویب سند تحول و به تبع آن برنامه درسی ملی، بازتولید راهنماهای پیشین و در موضوعات تازه، تدوین راهنماهای جدید در دستور کار قرار گرفت؛ و البته پیش از تدوین این راهنماها یا هم‌زمان با آن‌ها، برنامه‌های متعدد برای آشنایی ناشران و پدیدآورندگان با رویکردهای جدید برنامه درسی ترتیب یافت.

در هر حال، داوران همواره انتظار داشته‌اند، پدیدآورندگان

کتاب‌های آموزشی، خصوصاً کتاب‌های کمک‌درسی که مستقیماً برای دانش‌آموزان تدوین می‌شوند، پیش از تدوین کتاب، برنامه درسی مربوط را و اگر نمی‌توانند دست کم این راهنماها را که در وبگاه سامان کتاب در دسترس همگان قرار دارد، از نظر بگذرانند.

در بیابان‌های جشنواره، ناشران و نویسندگان به طور مکرر از رویکرد حافظه‌محوری پرهیز داده شده‌اند. مکرر از آن‌ها خواسته شده است ضمن پرهیز از طرح مباحث نامناسب با سطح ذهنی، به اصل تنوع قالب‌ها و تنوع شیوه‌ها اهتمام ورزند و در این مسیر، به جای تولید کتاب کمک‌درسی، به تدوین بسته آموزشی ببیندیشند که متضمن قالب‌های غیرمکتوب نیز هست: «خواهش ما این است ناشران در تولید سایر اجزای بسته آموزشی همت بیشتری به خرج دهند.» (جشنواره سیزدهم) «مروزه حوزه‌های تازه و جدیدی مانند تفکر و پژوهش، کار و فن‌آوری و آموزش‌های مربوط به مهارت‌ها و سبک زندگی بسترهای تازه‌ای را در این زمینه گشوده‌اند... این حوزه‌های جدید قالب‌ها و سبک‌های جدیدی را می‌طلبند که باید با دقت و هوشمندی مورد توجه ناشران قرار گیرد.» (جشنواره یازدهم)

تألیف و فرهنگ بومی

یکی از سیاست‌هایی که در جشنواره‌های کتاب رشد، به‌صورت مستمر دنبال شده است، تشویق ناشران به سرمایه‌گذاری بر تولید آثار تألیفی به جای آثار ترجمه‌ای بوده است.

آثار ترجمه‌ای آب و رنگ بهتر و در نتیجه در جلب توجه مخاطب قدرت بیشتری دارند و هزینه تمام شده تولید آن‌ها در مقایسه با آثار تألیفی کمتر است؛ اما حقیقت آن است که مسائل مطرح شده در بیشتر آن‌ها، به این دلیل که در زمینه فرهنگی متفاوت و برای مخاطبی دیگر نوشته شده‌اند، آثاری را که باید و شاید، برجا نمی‌گذارند و ضمن آن که به نیاز مخاطب ایرانی پاسخی درخور

رشد جوانه
شماره ۶۱
پاییز ۱۳۹۷



نمی‌دهند، ممکن است آثار تربیتی سوء نیز در پی داشته باشند. بنابراین کتاب تألیفی، خصوصاً اگر مقدمات تدوین آن صحیح طی شده باشد، با حال و هوای دانش‌آموز ایرانی به مراتب سازگارتر خواهد بود.

جشنواره در تشویق معلمان به تألیف، تا بدان‌جا پیش‌رفت که در دوره یازدهم، جایزه آن‌ها را به دو برابر مقدار معمول افزایش داد و دبیر جشنواره با اشاره به این اتفاق مبارک گفت: «توجه ما بیشتر معطوف به معلمانی بوده است که گنج در دست دارند و به عنوان معلم رسمی آموزش و پرورش، با حضور در کلاس درس، ارتباط مستقیمی با دانش‌آموز، مدرسه و کلاس درس دارند.»

البته این بدان معنی نیست که تمام آثار ترجمه شده نامناسب‌اند. هم در روند ارزیابی مستمر کتاب‌ها و هم در داوری‌های جشنواره نسبت به کتاب‌های خوب ترجمه، واکنش مثبت و درخور نشان داده شده است. گرچه کوشیده شده، در شرایط برابر، کفه ترازوی داوری به نفع آثار تألیفی سنگینی کند.

خلاقیت و نوآوری

از دیگر توصیه‌های همیشگی داوران، به ناشران و نویسندگان پرهیز از تکرار مکررات است. تولید کتاب‌های مشابه پس از حوزه کمک‌درسی، در حوزه‌های مهم دینی و مذهبی، چشم‌گیر است و آثار جالب توجه و بدیع در این حوزه اندک‌شمارند. داوران کتاب‌های دینی و قرآن، ضمن انتقاد از فقر مشهود در تولیدات دینی و قرآنی خصوصاً در حوزه کودک و نوجوان، همواره از این نکته گلایه کرده‌اند که نویسندگان و ناشران این آثار از نوآوری و ورود به فضاهای جدید و استفاده از قالب‌های نو و خلاقانه و حتی از به‌کار گرفتن زبان و ادبیات تازه نپرهیزند: «... گویی برای انتقال مفاهیم قرآنی فقط باید از زبان وعظ و خطابه استفاده کنیم. ادبیات به کار رفته در آثاری که توسط داوران بررسی شده‌اند نشانگر آن است که این موضوع نیاز به بازنگری جدی دارد و یکی از مهم‌ترین دلایلی که کتاب‌های این حوزه مورد استقبال لازم قرار نمی‌گیرند، این است که ادبیات به‌کار رفته در آن‌ها با مخاطب ارتباط برقرار نمی‌کند.» (بیانیه دبیر جشنواره دوازدهم)

تولید براساس نیازسنجی

تکیه بر نیازسنجی و توجه به نیازهای مخاطب و عدم انتشار آثار با مضامین تکراری بدون مخاطب مشخص، یکی دیگر از توصیه‌های داوران در طول این سال‌ها بوده است: «داوران پس از بررسی آثار تأکید داشتند که میان محتوا و ادبیات آثار با نیازهای مخاطب ارتباط عمیقی وجود ندارد. در واقع ناشران بر اساس پژوهش و نیازسنجی دست به تولید آثار نمی‌زنند.» (جشنواره دوازدهم)

کنکور

کنکور زدگی و توجه مغرط به فوت و فن‌های تست‌زنی، به قیمت بی‌توجهی به یادگیری عمیق، مؤثر و پایدار یکی از گلایه‌های پیوسته داوران جشنواره بوده است که در بیانیه دبیر جشنواره نیز نمود و بازتاب یافته است: «متأسفانه انتشار کتاب‌های حل‌المسائل ... به‌گونه‌ای است که خود فریاد می‌زنند هدفشان سودجویی است و معلوم است که دردی از فرهنگ و آموزش و پرورش دوا نخواهند کرد.» (جشنواره یازدهم)

این کتاب‌ها ضمن آن‌که روح گرسنه و تشنه دانش‌آموز را به معنای واقعی سیر و سیراب نمی‌کنند، به تدریج ذائقه‌ها را تغییر و ذهن‌ها را به پخته‌خواری، تنبلی و فعالیت‌های حافظه‌مدارانه بی‌ارزش و

سطحی، عادت می‌دهند و مانع از شکوفایی توانایی‌های مخاطب می‌شوند و دریغا که در این مسیر، خانواده‌ها نیز ندانسته با موج تبلیغات همراه و به دست خود موجب نابودی استعدادهای فرزندان می‌شوند: «متأسفیم که در جامعه، بازاری با عنوان بازار کتاب‌های کمک‌درسی وجود دارد که توسط تبلیغات گسترده حمایت می‌شود. ذائقه دانش‌آموز به شکل بیمارگونه‌ای به این بازار معطوف می‌شود و اولیا هم از این موضوع حمایت می‌کنند.» (جشنواره چهاردهم) و اگر در سال‌های پایانی دوره متوسطه دوم، این رویکرد به بهانه ورود به آموزش عالی توجیه می‌شود، برای ترویج این شیوه‌ها در سال‌های پایین‌تر چه دلیلی می‌توان تراشید؟ دبیر جشنواره کتاب رشد، در سال ۱۳۹۶ در جشنواره پانزدهم با اشاره به گسترش دامنه استفاده از کتاب‌های نامناسب کمک‌درسی به پایه‌های پایین‌تر و از جمله دوره‌های ابتدایی، تذکر می‌دهد که تداوم این جریان با اهداف وزارت آموزش و پرورش مغایرت قطعی دارد و قابل چشم‌پوشی نیست. و اتفاقاً دیری نمی‌پاید که آموزش و پرورش مجبور می‌شود راه‌ها را برای ورود کتاب‌های کمک‌درسی به مدارس ابتدایی سد سازد. پیش از آن نیز مشفقانه از ناشران خواسته شده بود با همراهی و همکاری هم، خود عرصه را بر سودجویان تنگ کنند و دریغا این اتفاق رخ نداد. در همین زمینه، موضوع خودداری رسانه‌ها از تبلیغ کتاب‌ها و منابع آموزشی و تربیتی نامناسب نیز قابل ذکر است که به شکل مکرر طرح شده است.

توجه به ظرفیت‌های فنی و هنری

داوران، افزون بر دغدغه‌هایی که درباره محتوا و سازمان‌دهی آن دارند، در بسیاری از بیانیه‌های خود ناشران کتاب‌های آموزشی را به استفاده از ظرفیت‌های گرافیکی و استانداردهای فنی و زیباشناسانه فراخوانده‌اند. تردید نیست که یکی از رازهای جذابیت آثار فرنگی در همین نکته است که آن‌ها در تولید کتاب از انواع ظرفیت‌های هنری و فنی مانند طراحی جلد، تصویرگری، گرافیک، صفحه‌آرایی و حتی قطع و صحافی و بهره می‌گیرند. این موضوع در جشنواره‌های متعدد و از جمله در جشنواره یازدهم مورد تأکید قرار گرفته است.

کوشش برای خرید کتاب‌های مناسب

داوران جشنواره در کنار انتظاراتی که از ناشران و نویسندگان برشمرده‌اند، مکرر بر حمایت و پشتیبانی از کتاب‌های خوب و مناسب از طرق مختلف از جمله معرفی آن‌ها در کتاب‌های درسی و عرضه کتاب‌های مناسب در نمایشگاه‌های کتاب مدارس از سوی متولیان پای فشرده‌اند. این دغدغه هم در گفته‌های داوران و هم در بیانیه دبیر جشنواره دیده می‌شود. برای نمونه در جشنواره یازدهم از آغاز فعالیت "پخش مدرسه" به منظور تکمیل و توسعه فعالیت‌های حمایتی و در دسترس قرار دادن کتاب‌های مناسب برای خرید، در قالب نمایشگاه و فروشگاه دائمی کتاب‌های مناسب سخن به میان می‌آید.

چنان که گفته شد، این کلیدواژه‌های تکرار شونده، بازتاب بخشی مهم از دغدغه‌های جشنواره‌ای است که در هجده سال گذشته دوام یافته است. با این آرزو که روزبه‌روز کیفیت کتاب‌های آموزشی و تربیتی در این سرزمین تعالی یابد و رونق کتاب‌های خوب و خواندن آن‌ها، عرصه را بر کتاب‌های معیوب و نامرغوب و خصوصاً گندم‌نمایان جوفروش تنگ سازد، در انتظار اتفاق‌هایی شیرین و دل‌پذیر در هفدهمین جشنواره کتاب رشد می‌مانیم.



والدین باید از مدرسه عشق، امید، صلح و شادی بخواهند نه نمره

نشستی با دکتر حیدر تورانی، سرپرست سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

شانزدهمین دوره جشنواره کتاب‌های آموزشی تربیتی رشد در حالی برگزار می‌شود که سرپرست سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، سیاست‌های راهبردی و اجرایی را برای نیل سریع‌تر این سازمان به اهداف خود اعلام کرده است. بنا به گفته دکتر تورانی این سیاست‌ها واجد برنامه جدیدی نیستند و اهداف سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی را دنبال می‌کنند. در این گفت‌وگو کوشیده‌ایم تأثیر سیاست‌های اعلام شده را از دیدگاه معاون محترم وزیر آموزش و پرورش بر تولید کتاب‌های آموزشی بررسی کنیم.

دستور کار قرار دهیم. منظور از سیاست، مجموعه‌ای از قوانین و مقررات و بایدها و نبایدهایی است که برنامه‌ها را برای رسیدن به هدف همسو می‌کند. سیاست مانند حفاظ یا پرچین‌های تعبیه شده در بزرگراه است که به خودروها برای حرکت در مسیری واحد و جلوگیری از انحراف به خارج از جاده کمک می‌کند. می‌توان گفت «اهداف» ارتباط عمودی و «راهبرد» ارتباطات افقی را برقرار می‌کند و نقش راهبردها برای همسو شدن برنامه‌ها و منابع بسیار مهم است. عملکرد جزیره‌ای بسیاری از بخش‌ها، در این مشکل ریشه دارد که فاقد سیاست و جهت‌گیری درست و واحدند.

سیاست‌های راهبردی و اجرایی که ما در سازمان دنبال می‌کنیم، یکدیگر را کامل می‌کنند و سیاست چندتألیفی و

یکی از راهبردها سیاست‌های شش‌گانه سازمان، که جناب عالی مطرح کرده‌اید، سیاست چندتألیفی است که البته پیش از این هم اعلام شده بود. به نظر می‌رسد پی‌گیری این سیاست، موجب می‌شود زمینه و فرصتی مهم برای مشارکت ناشران فراهم آید تا به جای تولید کتاب‌های کمک‌درسی در تدوین و تألیف کتاب‌های درسی مشارکت کنند. لطفاً سیاست مشخص سازمان را در این موضوع تبیین بفرمایید.

بحث چندتألیفی یک فرایند است و از سیاست‌های اجرایی سازمان محسوب می‌شود و البته باید توجه داشت که سیاست چندتألیفی باید هم‌زمان با چند سیاست دیگر به اجرا درآید. ما برای اینکه به اهداف و منویات سند تحول بنیادین آموزش و پرورش برسیم، لازم است در سازمان چندین سیاست را در



**ما باید نیازهای
سازمانی خودمان را
- با استانداردهایی
که در نظر داریم-
به مؤسسات و
اشخاص توانمند
بخش خصوصی
سفارش بدهیم**

دشمن ما نیستند و باید به این افراد علاقه‌مند و دلسوز تعلیم و تربیت، فرصت داده شود که در این مسیر مشارکت کنند. هنگامی که ما به عنوان مشتری، کالای درخواستی خود را با دقت سفارش دهیم، تولید کنندگان به سمت تولید آن خواهند رفت. متأسفانه گاهی ما تعریف و تصویر درستی از نیازهای خود یا استانداردهای مشخصی نداریم و در ابهام حرکت می‌کنیم. اگر سیاست چندتألیفی اجرا شود، تنوع موضوعات و منابع اتفاق می‌افتد و محیطی سرشار از نوآوری و رقابت سالم شکل می‌گیرد. اگر ما ندانیم و نگوئیم چه می‌خواهیم، تولیداتی که مورد نیاز ما نیست منتشر می‌شوند. اگر زمین شخم زده شود و بذری در آن کاشته نشود، علف هرز در آن رشد خواهد کرد. بذری ما شاخص‌ها و استانداردها هستند.

آموزشگاه‌هایی در کشور هستند که کالا و محصولات آموزشی نامناسب تولید می‌کنند که آسیب زنده هستند و آموزش و پرورش هم با آن‌ها مخالفت می‌کند. این تولیدات بیشتر رنگ و بوی تجاری دارند و به یادگیری واقعی و پداگوژی (هنر یاددهی یادگیری) توجهی ندارند. آن‌ها به جای مواد مغذی، در شب امتحان به بچه‌ها مواد نیروزا می‌خورانند؛ مثل ورزش کارانی که با دوپینگ و تقلب رکورد می‌شکنند. به آن‌ها یاد می‌دهند به جای آموختن، با مهارت‌های تست‌زنی وارد دانشگاه‌ها شوند. محصولات غیراستاندارد مانند فست فودها، ظاهر و مزه خوشی دارند و خیلی زود خانواده‌ها و دانش‌آموزان را جذب می‌کنند، اما نهایتاً سودمند نیستند و بلکه آسیب‌رسان‌اند. با این آموزشگاه‌ها باید مقابله شود و راه آن هم اشاعه کارهای درست است، نه فقط برخورد با کارهای نادرست. برخورد با کارهای نادرست، راه حل کاملی نیست و بهترین راه حل هم نیست. ما باید به مصرف کنندگان آموزش دهیم که چه کالاهایی خوب و چه کالاهایی مضر هستند و آن‌ها باید چه کالایی را مصرف کنند.

■ به سیاست انطباق با سند تحول بنیادین به جای سیاست همسویی با آن اشاره فرمودید. لطفاً در این خصوص بیشتر توضیح دهید و در ضمن بفرمایید که در موضوع حمایت از مؤلفانی که کتاب‌های مناسب و همسو با برنامه درسی تولید می‌کنند، چه اقداماتی در دستور کار سازمان است؟

من تأکید دارم که دفاع همه‌جانبه از تولیدات استاندارد ضروری و لازم است. اساساً یکی از اهداف طرح سامان‌دهی، حمایت از تولید کنندگان همسو با برنامه درسی است. گرچه در حال حاضر، عملاً ناشرانی هستند که همسو و هم‌راستا با ما حرکت می‌کنند، اما حمایتی از آن‌ها نمی‌شود. مثلاً آن‌ها کتاب‌هایی را تولید می‌کنند که پرسش و پاسخ صرف نیستند و به پرسش‌ها به صورت مستقیم پاسخ نمی‌دهند. ولی از این کتاب‌ها به دلیل ناآگاهی مشتریان، استقبال نمی‌شود. ما باید از کتاب‌هایی که بر اساس استاندارد تولید می‌شوند، حمایت کنیم. ما خودمان را

تولیدات چند رسانه‌ای یکی از ملموس‌ترین آن‌هاست. نباید غافل شد که موضوعی مانند چندتألیفی و چند رسانه‌ای، در اولین گام، تابع سیاست ماندگاری کتاب‌های درسی است. در همین ارتباط، قرار گذاشتیم بعد از اینکه کتاب‌های درسی پایه دوازدهم نگارش شد، تا سال ۱۴۰۰ کتاب جدیدالتألیف نداشته باشیم تا بتوانیم ابعاد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و فرایندی و ساختاری سازمان را تقویت کرده، برای دوره جدید آماده شویم.

عمده نکاتی که در این مدت باید به آن پرداخته شود این است که اهداف دوره‌های تحصیلی را که بر اساس ساحت‌های شش‌گانه تصویب شده است، تبیین کنیم؛ برنامه درسی ملی را اشاعه داده، مورد پایش قرار دهیم؛ راهنمای برنامه درسی حوزه‌های یازده‌گانه تربیتی-یادگیری را به تصویب برسانیم؛ راهنمای تولید بسته‌های آموزشی را تدوین و منتشر کنیم و برنامه‌های نیمه تجویزی و اختیاری و برنامه ویژه مدارس و آموزش مستمر معلمان و مدیران مدارس را پی بگیریم، چون اگر معلمان ما از توانمندی بالایی برخوردار نباشند، کاری از پیش نخواهد رفت.

■ یکی از فعالیت‌هایی که در دوره ماندگاری کتاب انجام می‌شود، حمایت از تولید و بخش رسانه‌های آموزشی است. بفرمایید برای توسعه و گسترش رسانه‌های آموزشی منطبق با سیاست‌های سازمان و دسترسی به آن‌ها، چه حمایت‌هایی در نظر گرفته شده است؟

در دوره ماندگاری کتاب و جلوگیری از تغییر مداوم کتاب‌ها، ما فرصت خواهیم داشت از «همسویی با سند تحول بنیادین» به «انطباق با سند تحول بنیادین» گذر کنیم. انطباق با برنامه درسی ملی، کاری سخت‌تر، دقیق‌تر و مؤثرتر از همسویی است. برای این منظور ما باید نقشه دقیق و چارچوب مفهومی برای کار خود داشته باشیم و شاخص‌ها و استانداردهایی داشته باشیم که چگونگی انطباق تولیدات را برای ما روشن سازد. وقتی استانداردها و راهنمای برنامه درسی را در اختیار داشته باشیم، می‌توانیم به سمت تولید چندتألیفی و چند رسانه‌ای (در حوزه تولیدات الکترونیکی) برویم. این اهداف سال‌ها در برنامه‌های سازمان بوده، ولی به آن پرداخته نشده است. بنده این اهداف و برنامه‌ها را احیاسازی کردم. ما معتقدیم سازمان‌ها و مؤسساتی (اعم از ناشران، انجمن‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد، دانشگاه‌ها، آموزشگاه‌ها و...) هستند که از توانمندی تولید کتاب‌های درسی بر اساس استانداردها برخوردارند. ما باید به این ظرفیت‌های بیرون از سازمان اعتماد کنیم. مقام معظم رهبری در نشستی که با دولت داشتند، بر برون‌سپاری امور و فعال کردن بخش‌های خصوصی و بردن تصدی‌گری دولتی به سمت مدیریت کارها تأکید داشتند. خب تا کی می‌توان تصدی همه امور را بر عهده داشت؟ بخش‌های خصوصی، دوستان ما هستند و رقیب و



**قرار بر این است
که تا سال ۱۴۰۰
کتاب جدید التالیف
نداشته باشیم
تا بتوانیم ابعاد
سخت افزاری
و نرم افزاری و
فرایندی و ساختاری
سازمان را تقویت
کرده، برای دوره
جدید آماده شویم**

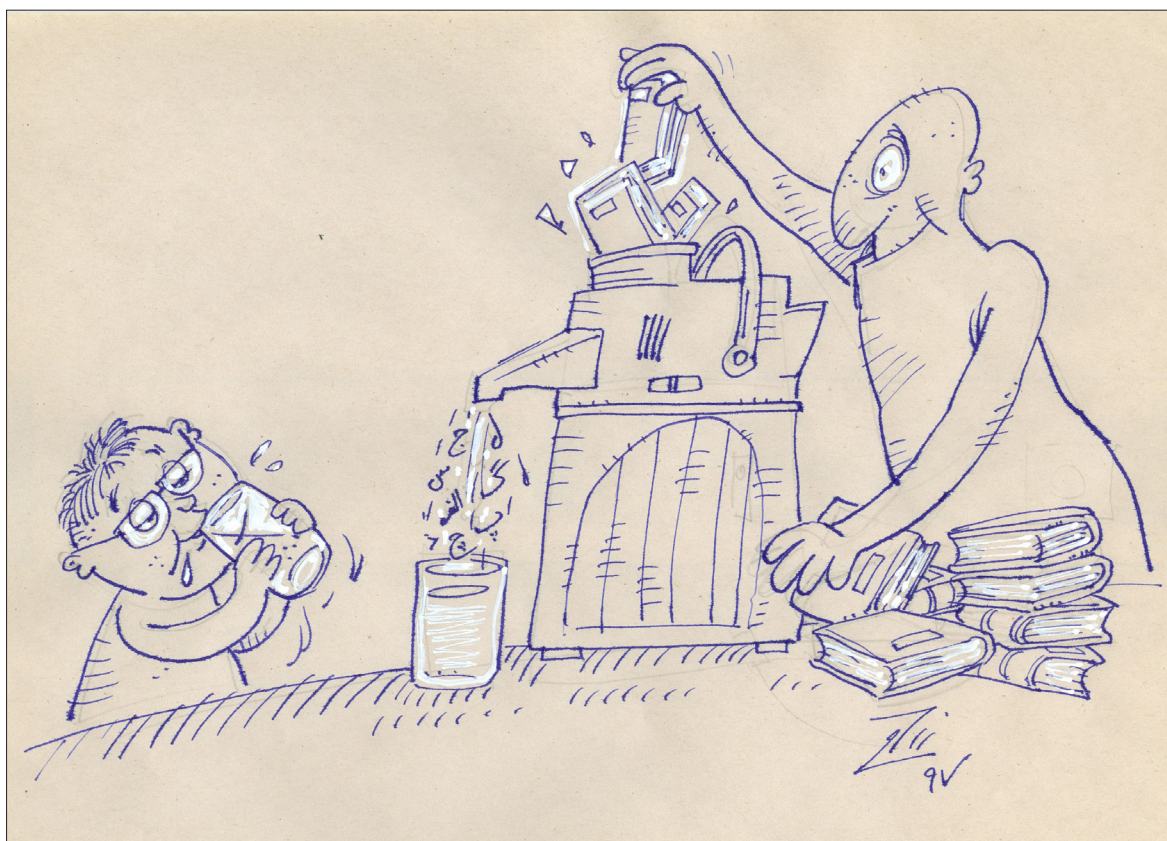
موظف به پشتیبانی از این کتاب‌ها و توسعه آن‌ها می‌دانیم. یکی از راهکارهای ما برای حمایت از ناشران، معرفی کتاب‌های منتخب جشنواره کتاب رشد در کتاب‌های درسی است. در این کار حتی به تأیید دفتر تألیف هم نیازی نیست. نکته دیگر حضور در نمایشگاه‌هاست. ما می‌توانیم نمایشگاه‌هایی را مثلاً با همکاری پخش مدرسه در کل کشور راه‌اندازی کنیم و سالی دو سه بار، این کتاب‌ها را در معرض دید مردم قرار دهیم. در این زمینه با معاونت پرورشی هم صحبت کرده‌ایم. این‌ها از جمله گام‌هایی هستند که می‌توانیم برداریم.

گرچه به اعتقاد من، اگر آموزش و پرورش هیچ‌یک از این حمایت‌ها را هم نداشته باشد، همین که مانع و بازدارنده کار ناشران نباشد، ناشران خود خواهند توانست مسیرشان را بیابند. چون مشکل این ناشران همیشه عدم حمایت آموزش و پرورش نیست، بلکه گاهی مشکل ناشی از این است که در مسیر کار آن‌ها سنگ‌اندازی می‌شود. پس از طرفی باید میدان برای محصولات استاندارد فراهم شود و از طرف دیگر باید به خانواده‌ها و دانش‌آموزان و مدارس آگاهی داد تا خانواده‌ها مطالبات خود را به سوی نیازهای واقعی تغییر دهند؛ زیرا تا زمانی که ذائقه

خانواده‌ها اصلاح نشود، در خصوص مقابله با آثار غیر استاندارد و مضر برای دانش‌آموزان کار زیادی از ما برخواهد آمد.

با کمال تأسف در حال حاضر همه مطالبات والدین از مدرسه نمره است و از آن عشق، امید، صلح و شادی طلب نمی‌کنند. محیط هم (مانند فضای مجازی) در این امر تأثیرگذار است. نگرش دانش‌آموزان نسبت به رشته‌های پول‌سازی مثل پزشکی نیز به شکل‌گیری چنین فضایی دامن می‌زند. بنابراین اگر همه با هم هماهنگ نشویم، اتفاقات مطلوب و مؤثر رخ نمی‌دهد.

■ راهبرد دیگری که شما مطرح کرده‌اید، چاپک‌سازی و متناسب‌سازی برنامه درسی است که در حقیقت به کاستن حجم کتاب‌های درسی و برخی از عناوین منجر خواهد شد. چنین اقدامی می‌تواند به این معنا باشد که کتاب‌های درسی به موضوعات کمتری بپردازند، در نتیجه موضوعات بیشتری وجود خواهد داشت که دستمایه کار ناشران آموزشی و تربیتی برای تولید آثار مناسب قرار بگیرد. لطفاً بفرمایید برای اینکه از این تولیدات در مدارس بهره‌برداری شود، شما چه همکاری‌های بین بخشی را پیش‌بینی کرده‌اید تا محصولی که وارد مدرسه



رشد جوانه
شماره ۶۱
پاییز ۱۳۹۷



**با کمال تأسف در
حال حاضر همه
مطالبات والدین از
مدرسه نمره است
و از آن عشق، امید،
صلح و شادی طلب
نمی‌کنند**

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش هستید. هم‌زمان رویکرد ماندگاری کتاب‌های درسی نیز دنبال می‌شود. به نظر شما دنبال کردن هم‌زمان این دو با یکدیگر منافات ندارد؟ چون تلاش برای انطباق، مستلزم تغییر خواهد بود.

باید توجه داشت که انطباق یک مفهوم و رویکرد است و یک فعالیت جدید محسوب نمی‌شود. در حال حاضر کتاب‌های جدید التالیف همسوسازی شده‌اند، ولی منطبق نشده‌اند. ما می‌خواهیم کتاب‌هایی که در آینده تولید می‌شوند، برگرفته از منویات اسناد تحولی باشند. مدل آینده ما بر اساس متن سند تحول ۳-۳-۳ خواهد بود، نه ۶-۳-۳. چون ما سه سال اول ابتدایی را دوره‌ای و یکپارچه می‌بینیم و بعد از آن سه سال دوم ابتدایی مطرح است. در این نگاه پایه‌ها باید اهداف مشترک داشته، به صورت یکپارچه باشند. در این صورت نظام را از نظر ساختاری متفاوت از قبل می‌بینیم. البته مفاهیم و معانی هم باید با هدف‌گذاری برنامه درسی ملی سازگار باشد. خاطرات هست که ما در دوره همسویی هنوز اهداف مصوب و راهنمای حوزه یادگیری نداشتیم و برنامه‌ها فقط بر اساس تجربه و خبرگی مؤلفان نوشته شدند. اما در دوره انطباق، هم هدف، هم راهنمای حوزه یادگیری و هم چارچوب عمل و اهداف دروس را خواهیم داشت. یعنی خود را برای دوره انطباق کاملاً مجهز می‌کنیم و به ترتیب، کتاب‌ها به شیوه‌ای جدید طراحی خواهند شد.

■ مدتی است که از کاهش یا حذف مشق شب و جایگزین کردن آن با تکالیف و فعالیت‌های مهارت‌محور صحبت می‌شود. این کار می‌تواند اختیارات بیشتری را در حوزه مدارس ایجاد کند، ولی ممکن است مشکلاتی را هم به وجود آورد و یک‌دستی و وحدت برنامه‌ها در این زمینه حفظ نشود. شما در سازمان چه تمهیداتی برای عملیاتی شدن این سیاست و همین‌طور حرکت در مسیر صحیح به خصوص در بستر طرح سامان‌دهی منابع آموزشی اندیشیده‌اید؟

می‌توان گفت درباره مشق شب بچه‌ها، نظرات متناقض زیادی مطرح می‌شود. به نظر بنده، باید در این خصوص سبک‌سازی و متناسب‌سازی شود و اساساً برای بچه‌ها تکالیف زیادی در نظر نگیریم و اجازه دهیم که یادگیری بچه‌ها، به خصوص در دوره ابتدایی، در کلاس درس تثبیت شود، نه در منزل؛ که به این روش «یادگیری معکوس» هم گفته می‌شود. یادگیری سنتی این است که معلم سر کلاس آموزش می‌دهد و بچه‌ها در منزل مشق می‌کنند و به این ترتیب تثبیت یادگیری صورت می‌گیرد. اما دیدگاه غالب کنونی در پی آن است که معلم بچه‌ها را به کنجکاوای ترغیب کند و بچه‌ها در مورد موضوعی که کنجکاوای و جست‌وجو کرده‌اند بحث کنند و یادگیری در کلاس تثبیت شود. برنامه مشق زندگی که معاونت آموزش ابتدایی آن را طراحی کرده است، ویژه سه سال اول ابتدایی است. طبق این

می‌شود، در نهایت مورد استفاده مخاطبان قرار گیرد و نیازهای آنان را برطرف کند؟

مواردی را که ذکر کردم، بحث تحولی قضیه است و مسیر آینده ما را نشان می‌دهد. اما در وضع موجود هم ما نیازمند منابع آموزشی و تربیتی غیر رسمی هستیم. همین حالا هم بخش‌هایی در خارج از آموزش و پرورش، با هدف کمک به یادگیری و پرورش بچه‌ها فعال هستند. ما شاید در همه مدارس کتابخانه داشته باشیم، اما در کتابخانه‌های مدارس کتاب وجود ندارد؛ حال آنکه وجود کتاب‌های علمی، آموزشی، داستانی و فرهنگ‌نامه‌ها در مدارس لازم و مفید است و بچه‌ها در کنار کتاب‌های درسی باید کتاب‌های غیر درسی هم بخوانند. بنابراین باید به ناشرانی که در این زمینه کار می‌کنند، توجه و به کارشان بها داده شود. از طرفی ما باید کاری کنیم که تولیدات این ناشران استاندارد و همسو با آموزش و پرورش باشند؛ کاری که ما در سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی و جشنواره کتاب رشد دنبال می‌کنیم. البته ما نه تنها باید با آزمون‌های زاید و مهارت‌های غیرمفیدی مثل تست‌زنی و... مبارزه کنیم، بلکه باید با آموزشگاه‌هایی که با تبلیغات سومی و با اهداف صرفاً تجاری خود می‌کوشند به صورت غیر علمی وارد منازل و خانواده‌ها شوند، نیز برخورد کنیم. متأسفانه در جامعه ما با این موارد کمتر برخورد می‌شود و علاوه بر آن در صدا و سیما هم برای آن‌ها تبلیغ می‌شود. این‌گونه آموزشگاه‌ها حتی ممکن است با مدارس سروکاری نداشته باشند، و فقط بچه‌ها و خانواده‌ها را هدف قرار دهند.

ضمناً همین‌جا از فرصت استفاده کنم و یادآوری کنم که ما با ممنوعیت بهره‌گیری از کتاب‌های کمک‌درسی در دوره ابتدایی، در حقیقت راه را بر مؤسساتی هم که درست کار می‌کردند، بستیم. این مؤسسات مهجور شدند، اما متأسفانه مؤسسات غیر حرفه‌ای همچنان می‌کوشند به شکل‌های ناسالمی به فعالیت و حیات خود ادامه دهند و متأسفانه شاهدیم که خانواده‌ها و بچه‌ها فریب تبلیغات آنان را می‌خورند. ما برای حمایت از فعالیت آموزشگاه‌ها و ناشران سالم و حرفه‌ای، باید کمی متعادل‌تر حرکت کنیم و فرصت مشارکت را از آن‌ها نگیریم.

البته در آینده ما در بحث چند تألیفی و چندرسانه‌ای، بیشتر به سوی بخش خصوصی خواهیم آمد و از این بخش مدد خواهیم گرفت. طبیعتاً کسانی می‌توانند بیشتر به ما کمک کنند که سابقه بهتری در تولید منابع مناسب و استاندارد دارند. ما در برون‌سپاری و دادن نقش به بخش خصوصی و تولید کتاب‌ها و رسانه‌ها، سراغ آموزشگاه‌ها و بخش‌های بزرگ و نامدار نخواهیم رفت؛ بلکه به سمت بخش‌هایی می‌رویم که استاندارد هستند و سابقه درخشانی دارند.

■ اشاره فرمودید که در حال حاضر به جای سیاست همسوسازی، در پی سیاست انطباق با برنامه‌های درسی و



طرح، بچه‌ها در کلاس‌هایی با جمعیت ۱۶ تا ۲۵ نفر، تکالیف و مشق خود را در کلاس می‌نویسند و وقتی به منزل می‌روند فعالیت‌هایی را انجام می‌دهند که به افزایش مهارت‌های آن‌ها منجر می‌شود. مثلاً تکلیف دانش‌آموز این است که تعریف کند وقتی به منزل رفت، چه کمکی به مادر خود می‌کند؛ یا اگر برنامه کودک تماشا کرده، چه نکاتی از آن فراگرفته است؛ یا به همراه خانواده به خرید و مهمانی رفت، چه چیزهایی آموخته است؛ یا اتاقش را چگونه نظم داده است و یا چگونه به پدرش در مزرعه کمک کرده است و.... یعنی به جای مشق، به دانش‌آموز فعالیت بدهیم. البته لازمه این کار، تمام وقت بودن معلم و مهیا بودن امکانات است. این طرح آزمایشی است، ولی به‌طور کلی نباید بچه‌ها را با تکالیف زیاد خسته کرد.

برنامه بعدی، برنامه ویژه مدرسه است که اختصاراً به آن «بوم» می‌گوییم و مربوط به برنامه‌های نیمه تجویزی و اختیاری مدارس است که در سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی نیز به آن توجه شده است. در این طرح به مدیران مدارس اجازه داده می‌شود طبق تشخیص خود، هفته‌ای دو ساعت از ساعات درسی را کم کنند تا بچه‌ها بتوانند در آن دو ساعت به فعالیت‌های متنوع (در ساحت‌های هنر، خلاقیت، کارآفرینی و...) بپردازند، البته بدون اینکه برای این دو ساعت نمره یا امتحانی در نظر گرفته شود. مدارس باید خودشان برای این دو ساعت برنامه‌ریزی کنند و منتظر دیکته کردن برنامه‌ای از بیرون نباشند. بخش‌نامه مربوط، که در راستای واگذاری برخی اختیارات به مدیران مدارس اجرا می‌شود، با تأیید وزیر محترم مستقیماً به مدارس ارسال شده است و امسال به صورت آزمایشی اجرا می‌شود.

■ آخرین پرسش ما مربوط به منابع آموزشی غیرمکتوب است. با عنایت به لزوم ایجاد تنوع در شیوه‌ها و قالب‌های آموزش از سویی و کمبود یا گرانی کاغذ از سوی دیگر، انتظار می‌رود به موازات محدودتر شدن قالب‌های مکتوب، این منابع گسترش بیشتری پیدا کنند. با عنایت به این موضوع سیاست‌های سازمان و وزارت آموزش و پرورش در استفاده از این منابع به کدام سمت خواهد رفت؟ خصوصاً که بیشتر

تولیدات سازمان مکتوب است و مدارس به طور سنتی اغلب از منابع مکتوب به عنوان منابع آموزشی سود می‌برند.

الکترونیکی و چند رسانه‌ای شدن کتاب‌ها و منابع آموزشی ما، منافاتی با تولید کتاب‌های مکتوب ندارند. ما باید در کنار تألیفات مکتوب، رسانه‌های غیر مکتوب هم داشته باشیم و همان‌طور که ناشران و تولیدکنندگان بیرون از سازمان، کتاب‌هایی را برای ما تألیف می‌کنند، باید بتوانند مواد و وسایل آموزشی استاندارد هم تولید کنند. البته کل سازمان باید به این سمت برود. خاطرم هست یک بار در زمان ریاست مرحوم مهندس علاقه‌مندان در سازمان پژوهش، خدمت رهبر معظم انقلاب رسیدیم. در آن زمان آقای محرابی (مدیر وقت دفتر تکنولوژی آموزشی) یک فیلم آموزشی که در دفترشان ساخته بودند، به آقا دادند که ببینند. ایشان همان‌جا فرمودند مگر شما فیلم می‌سازید؟ این کار را باید به بخش‌های دیگر بدهید؛ باید با بخش‌های دیگر قرارداد ببندید. این به معنای برون‌سپاری کارهاست که هنوز ما در اجرای مناسب آن موفق نبوده‌ایم. چرا این کار را انجام نمی‌دهیم و اصولاً چرا فکر می‌کنیم که دیگران دلسوز نظام تعلیم و تربیت و کشور و انقلاب نیستند و فقط ما دلسوزیم و فقط ما می‌توانیم؟

ما در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و در وزارت آموزش و پرورش اعتقاد راسخ داریم که باید با بیرون از سازمان ارتباط مطلوبی برقرار کنیم و نیازهای سازمانی خودمان را - با استانداردهایی که در نظر داریم - به مؤسسات و اشخاص توانمند خارج از سازمان سفارش بدهیم. بعد از انجام کار هم، با اجرای دآوری مورد قبول دو طرف، اگر کار مورد تأیید باشد، هزینه قرارداد پرداخت شود.

ما کارهای جاری، اصلاحی و تحولی در سازمان داریم که باید به هر سه پرداخته شود و باید مشخص شود در این سه سطح چه کارهایی انجام شده یا در حال انجام است. اگر سازمان در اجرای درست امور پیش‌تاز باشد، سایرین هم پیروی می‌کنند و این یک اصل مهم است که در طرح سامان‌دهی کتاب‌ها و منابع آموزشی و تربیتی هم باید به دقت مورد نظر و ملاک عمل قرار گیرد. ان‌شاءالله.



هماهنگی و وحدت رویه مانع سودجویی می‌شود

پای صحبت محمد ناصری، دبیر جشنواره
و مدیر کل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

نخستین دوره «جشنواره کتاب‌ها و منابع آموزشی و تربیتی رشد» در سال ۱۳۷۹ برگزار شد و اکنون پس از گذشت ۱۸ سال از این آغاز هدفمند، شانزدهمین دوره این جشنواره در آذرماه سال ۱۳۹۷ برگزار می‌شود. در همین ارتباط با محمد ناصری، مدیر کل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی و دبیر این جشنواره دیرپا به گفت‌وگو نشستیم. آنچه می‌خوانید گزارش این گفت‌وگوی صمیمی است.

■ بعد از گذشت ۱۸ سال و پیش رو داشتن شانزدهمین دوره جشنواره کتاب‌ها و منابع آموزشی و تربیتی رشد خوب است که به این پرسش بنیادی پاسخ داده شود که: مهم‌ترین امتیاز این جشنواره و وجه تمایز آن با جشنواره‌های مشابه چیست؟

در مورد مهم‌ترین امتیاز و وجه تمایز جشنواره رشد با سایر کارهای مشابه باید عرض کنم که این جشنواره و تمام جشنواره‌هایی که ما در «دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی» به نمایندگی از سازمان برگزار می‌کنیم، به واقع در پاسخ به یک نیاز و مطالبه اجتماعی فراگیر شکل گرفته‌اند. یعنی به غیر از جشنواره بین‌المللی فیلم‌های علمی، آموزشی و تربیتی رشد که جشنواره‌ای دیرپا و قدیمی است و البته آن هم در زمان پایه‌گذاری خود براساس یک نیاز طراحی و برگزار شده است جشنواره‌های دیگر ما، اعم از جشنواره‌های عکس رشد، جشنواره تولید محتوای الکترونیکی و جشنواره کتاب رشد، همه

براساس یک نیاز و ضرورت بنیان‌گذاری شده‌اند. در حقیقت، فلسفه وجودی مشترک همه آن‌ها پاسخ به یک نیاز است. اما من با اعتقاد کامل می‌گویم که اگر قرار باشد فقط یک جشنواره در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی باقی بماند و استمرار داشته باشد، قطعاً جشنواره کتاب رشد است که به دلیل نیازی که هنوز هم وجود دارد، نمی‌تواند تعطیل شود. به این دلیل که این جشنواره پاسخ به نیازی بوده که در روزگار خود مهم بوده و در حال حاضر به نحوی مهم‌تر و الزام‌آورتر هم شده است.

اطلاع دارید که این جشنواره به منظور معرفی بهترین کتاب‌ها در حوزه‌های متفاوت یاددهی یادگیری طراحی و اساساً در گذر زمان قرار شد به همه نیازها، حتی نیازهای مطرح در بخش فوق برنامه یا غنی‌سازی برنامه مطالعاتی بچه‌ها در حوزه کتاب، پاسخ دهد. البته در یک برهه زمانی، چون بازار کتاب‌های آموزشی و کمک‌درسی رونق گرفته بود، فلسفه وجودی این جشنواره این بود که بیشتر به آن‌ها بپردازد و همین کار را



انجام داد. اما با گذشت زمان و رونق یافتن کتاب‌های آموزشی و کمک‌آموزشی و تهیه اسناد تحولی در فضای تعلیم و تربیت، این ضرورت شکل و شمایل جدیدی به خود گرفت. عنایت دارید که در اسناد تحولی «کلاس درس» به مفهوم سنتی و قدیمی خود و محدود به یک کلاس بسته با یک معلم متکلم وحده نیست. پس نگاه ما به کتاب درسی و ارائه خواندنی‌های مناسب به دانش‌آموزان موضوع بسیار مهمی است که امکان دارد، «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» و یا حتی جشنواره‌ای خصوصی مانند «جشنواره انتخاب کتاب شهید غنی‌پور»، یا جشنواره‌های دیگر که موضوعشان کتاب است، از این منظر به کتاب‌ها نگاه نکنند. این وجه تمایز و یا سیاست خاص، خودش موجب تفاوت‌های اساسی بین این جشنواره با جشنواره‌های مشابه می‌شود. پس ما موظف هستیم که این کار را به صورتی مستمر و پویا دنبال کنیم و انجام دهیم. به همین دلیل، دبیرخانه جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد در سامان‌دهی مواد و منابع آموزشی و تربیتی دبیرخانه‌ای دائمی و مستمر است. این دفتر در حال حاضر به دلیل گستردگی کار آن در حال حاضر با بیش از ۱۰۰۰ ناشر به‌طور دائم در حال همکاری است.

■ در صحبت‌هایتان به اسناد تحولی آموزش و پرورش اشاره کردید و در گفت‌وگویی که در همین زمینه و در هفته گذشته با آقای دکتر حیدر تورانی، سرپرست محترم سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی داشتیم، ایشان هم بر انطباق این فعالیت‌ها با سند تحول بنیادین آموزش و پرورش خیلی تأکید داشتند. لطفاً در این خصوص هم بیشتر توضیح دهید.

این موضوع نکته مهم و ظریفی است که از سیاست‌های محوری و اساسی وزارت آموزش و پرورش محسوب می‌شود. درواقع ادامه همان صحبت قبلی بنده هم این است که این موضوع یعنی تشکیل دبیرخانه دائمی جشنواره کتاب رشد برآیند ۱۶ سال فعالیت مستمر و همین‌طور اسناد تحولی است که در چند سال اخیر به‌عنوان راهنمای راه تحول در آموزش و پرورش تهیه و ابلاغ شده است. ضمناً برگرفته از مصوبه‌ای در «شورای عالی آموزش و پرورش» است که به‌عنوان مصوبه ۸۲۸ تهیه و ابلاغ شده و به مثابه قانون لازم‌الاجراست. پس امتیاز و وجه تمایز جشنواره ما این است که با همان جدیتی که باید «عمل تعلیم و تربیت» در تمام حیطه‌های خود مورد توجه و اهتمام باشد، این بخش نیز باید با همان استواری و قوت پیگیری و انجام شود. جالب این است که ما چه بخواهیم و چه نخواهیم، هنوز هم مهم‌ترین بخش در حوزه منابع آموزشی تربیتی «کتاب» است. البته این نکته هم درست است که فیلم‌ها، رسانه‌ها و محتواهای الکترونیکی آموزشی دیگر خیلی مؤثرند، ولی آنچه که در وضعیت فعلی جایگاه و رونق جدی دارد، بخش کتاب است و به همین سبب ناشران مهم و فعالی در حال فعالیت در

این حیطه هستند.

■ درخصوص اشکالاتی که ناشی از نوعی نگاه سودجویانه است و امکان دارد آسیب‌رسان باشد، نوع برخورد و رویکرد شما چیست؟

ما تلاش می‌کنیم که برخوردمان هدایتی و سازنده باشد. اگر ارائه‌کنندگان این آثار به دنبال تعامل و کار سازنده باشند، به کمک آنان می‌رویم. اما معمولاً درخصوص مسائلی که حیثیت مدرسه را بازپچه قرار دهد و مثلاً معلم را مسخره کند و یا با مفاخر فرهنگی ما شوخی‌های سخیف و تحقیرآمیز کند، به گونه‌ای دیگر عمل کرده و آن‌ها را در ارزیابی‌های صورت گرفته رد می‌کنیم. مشکل هم این است که گروهی از ناشران که خاستگاه آن‌ها کتاب‌های کمک‌درسی است گاه با ورود به حوزه‌های دیگر، باز هم بر ادامه تولیدات غیراستاندارد خود اصرار دارند و برای رسیدن به منافع و سودهای نامشروع هنجارشکنی می‌کنند. برای مثال، در یکی از این کتاب‌ها، مؤلف با لودگی و دستاویز قرار دادن مفاخر ما و در ظاهر برای خنداندن و جذب بچه‌ها، با این بزرگان شوخی می‌کرد (شوخی‌های سخیف با **حافظ، سعدی و ...**). خب طبیعی است که این کار برخلاف هدف‌های آموزشی ماست. این مفاخر که قله‌های زبان و ادبیات فارسی هستند، جایگاه والا و مهمی دارند و نباید اجازه تولید و انتشار چنین آثاری به این افراد و یا مؤسسه‌ها داده شود.

پس جمع‌بندی صحبت بنده در این بخش می‌تواند چنین باشد که جشنواره کتاب‌ها و منابع آموزشی و تربیتی رشد ناشی از نیازی است که از کلاس درس و زندگی این گروه سنی و جامعه معلمان منبعث شده است. ضمناً این جشنواره در فرایند بررسی و داوری خود و با حضور داوران و ارزیابان متخصص و آگاه، بهترین‌ها را به جامعه معرفی می‌کند. در همین ارتباط در اثر فعالیت‌های مستمر و هدفمندی که صورت گرفته است، مثلاً در این دوره ۵۰۰۰ کتاب به دست ما رسیده که از این تعداد کتاب حدود نیمی از آن‌ها مناسب هستند. ضمناً در همین زمینه، کتاب‌های درجه یک، دو و سه نیز به رقابت می‌پردازند که این جشنواره به‌صورت نمادین آن‌ها را معرفی می‌کند. البته علاقه‌مندان و مخاطبان می‌توانند کتاب‌های دیگر را در فهرستگان و یا سامانه کنترل کیفیت منابع آموزشی و تربیتی مکتوب، ببینند.

■ لطفاً درباره سیاست‌های اعلام شده از سوی آموزش و پرورش در مورد ممنوعیت استفاده از کتاب‌های کمک‌آموزشی به‌خصوص در دوره ابتدایی و در کنار آن، توجه ویژه به داستان‌خوانی، داستان‌گویی و داستان‌نویسی، صحبت بفرمایید.

باید اذعان کنیم که رویکرد منع ورود کتاب‌های کمک‌درسی به دبستان یکی از شجاعانه‌ترین اقدامات دو دهه اخیر در آموزش و پرورش بوده است. صرف‌نظر از تمامی مزایای احتمالی



ما نیز از سیاست
کنار گذاشتن
کتاب‌های
کمک‌درسی پیروی
کردیم و در راستای
این امر کتاب‌های
داستانی، علمی،
آموزشی و تربیتی
رونق پیدا می‌کنند

■ به نظر می‌رسد این رویکرد که رویکرد و سیاستی نسبتاً جدید و مؤثر است. به همراهی و تعامل همه بخش‌های داخلی آموزش و پرورش نیاز دارد. نگاه شما در این زمینه چیست؟

همین‌طور است. طبیعی است که این کار در صورتی محقق می‌شود که تمام بخش‌های آموزش و پرورش با یکدیگر همکاری داشته باشند. هفته گذشته در جلسه‌ای که به همراه آقای دکتر تورانی و تعدادی از معاونان محترم دفتر، خدمت آقای کاظمی رسیدیم، من خدمت معاون محترم پرورشی وزارت آموزش و پرورش عرض کردم که لازم است دوستان و همکاران ما در آن معاونت، به‌عنوان متصدی امر خرید، به بخش گزینش، فهرستگان و نقد و بررسی کتاب‌ها کاملاً وفادار بمانند. ایشان هم استقبال بسیار خوبی کردند و تأکید کردند که این اتفاق بیفتد. خب وظیفه ما انتخاب و معرفی کتاب‌های مناسب است و معاونت پرورشی نیز وظیفه خرید این کتاب‌ها را بر عهده دارد. درواقع این‌قطعه از این کار متعلق به ما و قطعه اجرایی نیز متعلق به معاونت پرورشی است. هنگامی که بخش‌های متفاوت با هم هماهنگی داشته باشند، انسجام لازم رخ خواهد داد. جالب است بدانید و توجه کنیم که متأسفانه از همین نبود انسجام و در سایه نبودن وحدت روش و رویه است که زمینه سودجویی‌ها فراهم می‌شود. یعنی وقتی یک نظام یکپارچه که اجزای آن باید یکدیگر را تقویت کنند، وجود نداشته باشد، بازار سودجویی شکل می‌گیرد و گسترده می‌شود. بازار سودجویی در کتاب‌های کمک‌درسی از آنجا شروع شد که وارد حریم مدرسه شدند (از مسیر مدیریت، معلمان و آموزگاران مدرسه‌ها). معلم ابتدا فکر می‌کرد که با این کتاب‌ها کارش راحت‌تر می‌شود، در حالی که استفاده افراطی از این کتاب‌ها باعث آسیب به روند آموزش شد. پس سازمان پژوهش همان سیاستی را که وزیر محترم اعلام و تصریح کرده‌اند، دنبال می‌کند.

■ در پایان اگر نکته و مطلبی هم درخصوص جشنواره شانزدهم دارید، بفرمایید.

چون نکته‌ها و گزارش‌ها درخصوص موضوع‌های مربوط به جشنواره شانزدهم در قالب‌های گوناگون و در حین برگزاری جشنواره بیان خواهند شد، شاید خوب باشد که در پایان نکته مهمی را در ارتباط با جشنواره عرض کنم: در کمیته داوری که در چند جلسه تشکیل شد، هیچ کتاب کمک‌درسی از کتاب‌های دیگر (کتاب‌های علمی، آموزشی و یا هر کتاب دیگری در حوزه ۳۰گانه کتاب‌های مورد نظر در جشنواره) پیشی نگرفت. البته کتاب‌هایی بودند که در حد نامزد شدن مطرح شدند، ولی در داوری نهایی کتاب‌های کمک‌درسی نتوانستند بر دیگر کتاب‌ها مقدم شوند. به گمانم این موضوع نشان‌دهنده سیاست واحدی است که وزارت آموزش و پرورش در این‌خصوص اتخاذ کرده است. این اتفاق می‌تواند نویدبخش آینده‌ای بهتر برای آموزش و پرورش کشور باشد.

در مورد برخی از کتاب‌های استاندارد در دبستان به سبب مضراتی که این نفوذ تجارت در پی داشت، به نظر من کاری شجاعانه و مقتدرانه بود و دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی و سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی قطعاً حامی این سیاست است. بعد از اعلام عمومی این رویکرد توسط وزیر آموزش و پرورش و معاونان محترم وزارتخانه، اولین کاری که ما انجام دادیم، اعلام رسمی نپذیرفتن کتاب‌های کمک‌درسی ابتدایی در سایت سازمان و فرایند بررسی این‌گونه کتاب‌ها بود.

■ چرا اعلام چنین سیاستی این همه مورد توجه قرار گرفته و توانسته است، دفتر و سازمان را با این قاطعیت با خود همراه کند؟

زیرا ورود این‌گونه کتاب‌های کمک‌درسی به دبستان، باعث تداخل در امر تعلیم و تربیت می‌شود و با وجود ظاهری که در حمایت از فعالیت‌های معلم دارند، عرصه را برای کارهای اثرگذار معلمان تنگ می‌کنند. ما یک شورای سیاست‌گذاری داریم و براساس مصوبه ۸۲۸ تقریباً تمام معاونان وزیر در این شورا حضور دارند. باید عرض کنم در آخرین جلسه این شورا، سرکار خانم حکیم‌زاده، (معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش) که از این رویکرد و سیاست دفاع می‌کردند، تصریح کردند که با وجود تأکید بر ممنوعیت ورود این منابع به مدرسه‌های ابتدایی، از حضور مجله‌ای مانند رشد نه‌تنها حمایت می‌کنند، بلکه استفاده و خواندن آن را توسط معلمان و دانش‌آموزان تشویق هم می‌کنند. دلیل این موضوع را هم این‌گونه ذکر کردند که مجلات رشد، خواندنی، مقوم و مشوق هدف‌های برنامه درسی هستند. ایشان تأکید کردند که: اما، ما در برابر کتاب کمک‌درسی می‌ایستیم، چون کتاب‌های کمک‌درسی عملاً فعالیت‌های معلمان را در کلاس درس کاهش داده بودند. این کتاب‌ها ظاهراً کار معلم را راحت‌تر کرده بودند، اما در عمل کار بچه‌ها را پیچیده‌تر کرده و به‌عنوان باری اضافه به اقتصاد خانواده تحمیل شده بودند. ضمناً افراط بسیاری در پرداختن به کتاب‌های کمک‌درسی اتفاق افتاده بود و این موضوع به‌خصوص در دبستان امری خطرناک بود.

تأکید و توصیه سیاست‌های وزارت آموزش و پرورش، اسناد بالادستی، کتاب‌های درسی و برنامه درسی رسمی این است که از ساعات برنامه درسی، به میزان مناسب برای درس‌ها در نظر گرفته شود، ولی کتاب‌های کمک‌درسی این‌گونه‌ای، به‌خصوص در مدرسه‌های ابتدایی، توازن موجود را بر هم زده بودند. طبیعی است که اشاعه این امر تعادل روحی و روانی دانش‌آموزان را بر هم می‌زند و در نتیجه، رقابت‌های غیرموجه و ناعادلانه شکل می‌گیرد. به همین سبب ما نیز از سیاست کنار گذاشتن کتاب‌های کمک‌درسی پیروی کردیم و در راستای این امر کتاب‌های داستانی، علمی، آموزشی و تربیتی رونق پیدا می‌کنند.

در میزگرد اعضای کمیته علمی جشنواره مطرح شد: جشنواره از آثار برگزیده پشتیبانی کند

کمیته علمی جشنواره کتاب رشد، بر فرایند داوری و انتخاب کتاب توسط گروه‌های داوری نظارت می‌کند. این کمیته برگه‌های داوری را از نظر می‌گذراند، دلایل داوران را در توجیه انتخابشان می‌شنود و در صورتی که دلایل را قانع کننده نیابد موضوع را با گروه در میان می‌گذارد. ما برای بررسی آگاهی از دیدگاه اعضای محترم کمیته علمی، سه پرسش درباره جایگاه جشنواره، کم و کیف داوری‌ها و گام‌هایی که باید برداشته شود، مطرح کردیم. پاسخ اعضای محترم کمیته به این سه پرسش مشترک را می‌خوانید. گفتنی است برای آگاهی از دیدگاه‌های آقای محمد ناصری دبیر محترم جشنواره و مدیرکل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، گفت‌وگوی جداگانه‌ای ترتیب داده شده است که در صفحات پیش از نظر تان گذشت. در این میزگرد آقایان محمود امانی طهرانی مدیرکل دفتر تألیف و برنامه‌ریزی کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری، احمدرضا دوراندیش مدیرکل دفتر تألیف فنی و حرفه‌ای و کاردانش، سیاوش شایان سردبیر رشد آموزش جغرافیا، سید محسن گلدان‌ساز مدیرعامل شرکت سهامی افست و ناشر کتاب‌های درسی و خانم‌ها شهناز هاشمی مدیرگروه پژوهش مشارکت‌ها و ارتباطات پژوهشگاه سازمان و فریبا کیا معاون سامان‌دهی دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی شرکت داشتند.

تولیدکنندگان، سیاست‌گذاران و پشتیبانان خود به دست می‌آورد. شرط اول کار این است که جشنواره با استحکام، کیفیت و بهبود روزبه‌روز کاستی‌هایش، دوام یابد و تن به رکود و کاهش سطح کیفیت و فراموش شدن اهداف ندهد. جشنواره کتاب رشد به نظر من از چند جهت با سایر جشنواره‌های داخل کشور متمایز می‌شود: اول اینکه یک گروه مخاطب هدف‌دار سه‌گانه‌ای دارد که عبارتند از دانش‌آموزان، معلمان و والدین، که همه حول محور آموزش و برنامه درسی قرار می‌گیرند. نکته مهم دیگر این است که جشنواره برای خود یک رسالت ترویجی نوع خاص قائل

به نظر شما جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد چه نقش و جایگاهی دارد و امتیاز یا امتیازهای آن نسبت به جشنواره‌های مشابه یا تفاوت آن با این جشنواره‌ها در چیست؟

امانی طهرانی: درباره جایگاه جشنواره رشد باید گفت اولاً هر جشنواره‌ای جایگاه خود را به تدریج و در استمرار خود پیدا می‌کند. جشنواره‌ای که استمرار می‌یابد، به تدریج جایگاه خود را در بین گروه‌ها و لایه‌های مختلف مخاطبین خود،





کیا: جشنواره
کتاب‌های رشد تنها
جشنواره‌ای است که
بر محور کتاب‌های
آموزشی و با عنایت
به بحث یاددهی
و یادگیری برگزار
می‌شود

دوراندیش: اگر اجازه دهید از زاویه رشته‌های فنی و حرفه‌ای و مهارتی به این سؤال پاسخ دهم. همان‌طور که می‌دانید آموزش فنی و حرفه‌ای در رویکرد جدید با چرخش‌های اساسی همراه بوده است. «تعدیل دروس فنی و حرفه‌ای و تلفیق دانش، مهارت و نگرش در عناوین و محتوای دروس»؛ «کاهش حجم کتاب‌های درسی و بهره‌مندی از اجزای بسته آموزشی در کنار کتاب درسی»؛ «آموزش و ارزشیابی مبتنی بر شایستگی»؛ «آموزش کل‌نگر و تلفیق شایستگی‌های فنی و غیرفنی» و «عبور از حافظه محوری» از جمله این چرخش‌هاست که همگی در اسناد بالادستی مورد تأکید قرار گرفته است.

بنابراین با رویکرد جدید، در دوره فنی و حرفه‌ای و مهارتی کتاب‌های درسی با تغییرات وسیعی همراه شد. کتاب‌های درسی نونگاشت به‌گونه‌ای به رشته تحریر درآمده‌اند که در سراسر محتوای کتاب فعالیت‌های یادگیری طراحی شده است. در این روش تألیف، یادگیری محتوای کتاب‌های درسی نیازمند تعامل بین هنرجو و هنرآموز و متن کتاب درسی است؛ و پاسخ فعالیت‌ها را در خارج از کتاب درسی و در محیط واقعی زندگی و کار باید جست‌وجو کرد. علاوه بر این، پیشرفت فناوری در حوزه مشاغل و حرف، خود نیازمند کسب دانش است که فرایند یادگیری آن از طریق سایر اجزای بسته آموزشی امکان‌پذیر است.

یکی از ویژگی‌های آموزش فنی و حرفه‌ای، تناسب این آموزش‌ها با نیازهای دنیای کار و موقعیت‌های محلی است و محتوای آموزشی باید به گونه‌ای تنظیم شود که پاسخ‌گوی آن باشد. به عنوان مثال در رشته‌های کشاورزی، در شایستگی‌های مربوط به کاشت و برداشت، محصول‌ها در مناطق مختلف کشور متفاوت است؛ بنابراین نمی‌توان یک محتوای واحد برای همه هنرجویان تنظیم کرد. به عبارت بهتر، کتاب‌های آموزشی و تربیتی می‌توانند تکمیل‌کننده اجزای بسته آموزشی در رشته‌های فنی و حرفه‌ای باشند و این جشنواره نقش مهمی در انتخاب و معرفی کتاب‌های مناسب دارد.

البته در ماده ۱۲ سند برنامه درسی ملی که بر سیاست‌های تولید مواد و رسانه‌های یادگیری می‌پردازد بر توسعه سیاست چند تألیفی و زمینه‌سازی برای مشارکت استان‌ها، و بخش‌های غیردولتی در تولید، تکمیل و غنی‌سازی مواد و منابع تأکید دارد. این مهم در مدل رهبری اثربخش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی تحت عنوان سیاست چند تألیفی و سیاست مرزگستری نیز به دفاتر تألیف تکلیف شده است. بنابراین در آینده نزدیک و با فراهم شدن بسترهای لازم، شاهد مشارکت بیش از پیش ذی‌نفعان این آموزش‌ها در تدوین کتاب‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای خواهیم بود.

است؛ یعنی یک جشنواره بی‌هویت نیست. بر این باور است که در امر آموزش و پرورش و محتوای یادگیری وضع مطلوب‌هایی وجود دارد که باید به آن وضع مطلوب‌ها رسید. جشنواره رسالت و مأموریت خود می‌داند که در رسیدن به اهداف کلان نظام آموزش و پرورش کشور ایفای نقش کند. ویژگی دیگر جشنواره این است که معمولاً بدنه‌ای در این کار درگیر می‌شود که از بدنه حرفه‌ای کتاب فاصله دارد. مثلاً در جشنواره‌هایی که توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کانون پرورش فکری و مجامع صنفی حوزه کتاب و نشر برگزار می‌شود، بیشتر کسانی درگیر کار هستند که در حوزه کتاب فعال‌اند. در این جشنواره دست‌اندرکاران عمدتاً از جنس معلمان هستند. مخاطبان ما هم از جنس مدرسه‌ای هستند و این ویژگی‌ها جشنواره کتاب رشد را از بقیه جشنواره‌ها ممتاز می‌کند. در یک جمله، جشنواره رشد کاملاً هدف‌دار است و هویت و مأموریت خود را از هدفش دریافت می‌کند.

شایان: من شخصاً بر این

باور هستم که جشنواره رشد مقام والایی در معرفی کتاب‌های ارزشمند و متناسب با برنامه‌های درسی دارد و شاید تنها جشنواره‌ای است که اولیا و مربیان و دانش‌آموزان با فراغ بال و راحتی خیال، برگزیده‌ها و



تقدیری‌های این جشنواره را برای مطالعه خود انتخاب یا به دیگران معرفی می‌کنند و یا در کلاس‌های درس و به هنگام نیاز به مطالعات بیشتر از آن‌ها بهره می‌گیرند. علت این اقبال، سابقه طولانی و چندین ساله جشنواره و مشاهده خروجی‌های معتبر آن طی سال‌های اخیر و اعتماد به داورانی است که کتاب‌ها را برمی‌گزینند و معرفی می‌کنند. وجه دیگر ارزشمندی جشنواره در این است که نویسندگان کتاب‌های آموزشی و ناشران این گونه کتاب‌ها، الگوهای ارزشیابی جشنواره را به عنوان مبنای قابل اتکاء برای تألیف و انتشار کتاب مد نظر قرار می‌دهند و می‌توان گفت که این جشنواره هم برای تولیدکنندگان کتاب (ناشران، مؤلفان، مترجمان و ...) و هم برای مخاطبان کتاب‌های آموزشی (دانش‌آموزان، معلمان، مربیان، والدین، کتابداران مدارس و ...) منشأ خیر و برکت است.

تفاوت این جشنواره با جشنواره‌های دیگر، نگرش و جهت‌گیری خاص آن نسبت به کتاب‌های آموزشی و مرتبط با برنامه‌های درسی، و به منظور گسترش و تعمیق مفاهیم کتاب‌های درسی از طریق انتخاب کتاب‌ها و مواد آموزشی معتبر و مطابق با استانداردهای آموزشی و تربیتی است.



امانی طهرانی:
داورها باید بدانند
کتابی که در
جشنواره انتخاب
می شود، قرار نیست
کتاب دانشگاهی و
متن درسی دانشگاه
یا یک کتاب
پژوهشی باشد
و حیث کاربردی
بودن کتاب، برای ما
بسیار مهم است

کیا: جشنواره کتاب رشد تنها جشنواره‌ای است که بر محور کتاب‌های آموزشی و با عنایت به بحث یاددهی و یادگیری برگزار می‌شود. دیگر جشنواره‌های کتاب، اغلب بر محور کتاب‌های غیرآموزشی شکل می‌گیرند و اگر در آن جشنواره‌ها به این کتاب‌ها هم پرداخته شود، به نقش آن‌ها در فرایند یادگیری توجه نمی‌شود. بنابراین می‌توان گفت جشنواره از این نظر منحصربه‌فرد است. البته اشتراکاتی با جشنواره‌های دیگر هم دارد؛ مثلاً در جشنواره رشد، کتاب داستانی هم ممکن است مورد داوری قرار گیرد، اما همان اثر داستانی هم صرفاً از دریچه تکنیک‌های داستانی یا قدرت خیال‌انگیزی یا خلاقیت نویسنده نگریسته نمی‌شود.

یکی دیگر از ویژگی‌های جشنواره رشد دو مرحله‌ای بودن انتخاب کتاب در آن است که در این بخش هم با جشنواره‌های دو مرحله‌ای مشابه تفاوت دارد. معمولاً در این جشنواره‌ها، کار در مرحله نخست آسان‌تر است و کتاب‌ها از طریق غربالگری بالا می‌آیند. یعنی داوران کتاب‌ها را ورق می‌زنند و با مروری نسبتاً سریع کتاب‌ها را به داوران مرحله بعد می‌سپارند. در جشنواره رشد، داوری مرحله اول هم بسیار دقیق و در مقایسه با جشنواره‌های دیگر بسیار طولانی است. کتاب‌هایی که به جشنواره می‌رسد، با حوصله تمام و توسط تقریباً ۲۰۰ کارشناس موضوعی در طول سال مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و کتاب‌هایی که مرحله بعد می‌رسد که مناسب و استاندارد شناخته شده باشد. در مرحله بعد، بهترین کتاب‌ها در هر

موضوع از بین کتاب‌های مناسب انتخاب می‌شوند. موضوع قابل توجه دیگر درباره جشنواره رشد تنوع موضوعی کتاب‌های جشنواره است و به لحاظ حجم کار و تنوع موضوع شاید تنها با جایزه کتاب سال قابل مقایسه باشد. برای نمونه در هر جشنواره، حداقل ۳۰ گروه داوری داریم و از حدود ۱۰۰ داور کمک می‌گیریم و ممکن است به‌طور متوسط چهارصد جلسه برای داوری برگزار کنیم. البته اگر بخواهیم برای هر موضوع یک گروه کاملاً تخصصی داوری تشکیل دهیم، تعداد گروه‌ها ممکن است از چهل هم بالاتر برود.

۲

به نظر شما، کم و کیف داوری‌ها در این دوره از جشنواره چگونه بوده است؟

امانی طهرانی: به نظر من داوری را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد: یکی سازوکار داوری است که من فکر می‌کنم سازوکار داوری هم به لحاظ مراحل کار داوری و هم فرم‌های داوری، به نقطه پختگی خودش رسیده است. دوم، انتخاب داوران است که در این زمینه هم، با شناختی که نسبت به داوران داشتیم، در اغلب گروه‌ها از داوران مناسبی بهره گرفته شده بود؛ گرچه امسال با توجه به شرایطی که درباره همکاری با نیروهای بازنشسته و رسمی سازمان پیش آمد، محدودیت‌هایی در انتخاب داور وجود داشت. اما در بخش



رشد جوانه
 شماره ۶۱
 پاییز ۱۳۹۷



**بهره‌مندی از داوران
با تجربه و متخصص
موضوعی که با
داوری کتاب‌های
آموزشی و تربیتی
هم آشنا هستند، از
ویژگی‌های فرایند
داوری در این
جشنواره است**

می‌پوشانیم تا از تأثیر اسم‌ها بر داوری جلوگیری کنیم. اما اتفاق خوبی که در این جشنواره حس کردم، دو سه مورد رفت و برگشتی بود که بین کمیته علمی و گروه‌های داوری رخ داد. این کار، موجب شد در برخی موارد، عنایت داوران محترم، بیشتر از قبل به سوی اهداف اصلی و رویکردهای جدید آموزش و پرورش جلب شود.

البته تعداد کم کتاب‌های رسیده نشان می‌دهد که ما در برخی زمینه‌ها ضعیف هستیم و کتاب کافی مثلاً در علوم پایه برای داوری و انتخاب کتاب برگزیده ارسال نمی‌شود. شاید بهتر باشد در این زمینه امتیازات و اهرم‌های تشویقی بیشتری را برای ناشران و نویسندگان در نظر بگیریم. مثلاً من خیلی تعجب کردم که چرا کتاب شیمی خیلی کم به جشنواره رسیده است و گروه شیمی کتابی را انتخاب نکرده است، در حالی که شیمی از رشته‌هایی است که کشور ما بیشترین مقالات علمی و پژوهشی را در آن دارد. پس نیامدن کتاب به این معنی نیست که نویسنده‌ای در این حوزه نداریم. به نظر می‌رسد به این دلیل است که ما نتوانسته‌ایم این مقاله‌ها را کاربردی کنیم و سیاستی در پیش بگیریم که کتاب‌ها برای پشتیبانی از برنامه درسی تولید شود. شما می‌دانید علوم پایه چه اهمیتی دارد و تمام پیشرفت و توسعه کشور در گروه توسعه علوم پایه است. به نظر می‌رسد جشنواره بتواند نیازهای آموزش و پرورش را به ناشران اعلام کند تا آن‌ها بر اساس این نیازها به تولید کتاب مبادرت کنند.

دوراندیش: فرایند داوری جشنواره کتاب رشد، توسط دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی به‌خوبی تعریف شده است. بهره‌مندی از داوران با تجربه و متخصص موضوعی که با داوری کتاب‌های آموزشی و تربیتی هم آشنا هستند، از ویژگی‌های فرایند داوری در این جشنواره است. خوش‌بختانه شاخص‌ها و ملاک‌های داوری که توسط این دفتر تدوین شده و حاصل سال‌ها تجربه و پژوهش‌های علمی است، خود فرایند داوری کتاب را آسان‌تر و با روایی بیشتر همراه می‌سازد. با این وجود یک کمیته علمی در جریان داوری‌های کتاب‌ها در این جشنواره وجود دارد که بر فرایند داوری نظارت و از آن مراقبت می‌نماید.

کیا: از آن‌جا که من در فرایند اجرایی جشنواره هم نقش دارم،



سوم و نکات کیفی داوری، تصور می‌کنم باید اهتمام بیشتری در توجیه داوران نسبت به اهداف جشنواره و مخاطبان سه‌گانه جشنواره (معلمان، دانش‌آموزان و خانواده‌ها) صورت بگیرد. داورها باید بدانند کتابی که در جشنواره انتخاب می‌شود، قرار نیست کتاب دانشگاهی و متن درسی دانشگاه یا یک کتاب پژوهشی باشد و حیث کاربردی بودن کتاب، برای ما بسیار بسیار مهم است. البته در مجموع، خوش‌بختانه در داوری‌ها شاهد انحراف‌های جدی نبودیم.

شایان: از نظر من، داوران جشنواره همواره افرادی با صلاحیت و دارای تجربه آموزش و تألیف کتاب‌های درسی و آموزشی بوده‌اند و بررسی سوابق علمی و آموزشی داوران این دوره از جشنواره نیز نشان می‌دهد که آن‌ها افرادی آشنا به استانداردهای کتاب‌های آموزشی و ارزیابی آن‌ها بوده‌اند. البته این طور نیست که همه آثار و مواد آموزشی باید بر اساس چهارچوب‌های تعریف شده و مشخص تولید شوند و راه برای ارائه ایده‌های نو و خلاقیت نویسندگان کتاب‌ها نیز باز است.

به نظر من نقطه ضعف جشنواره، ورود و حضور اندک آثار در برخی حوزه‌های آموزشی است که به واقع شاید نقطه ضعف جشنواره هم محسوب نشود و بیشتر به عدم تولید آثار در این حوزه‌ها یا عدم اقبال ناشران آن‌ها به حضور در جشنواره برمی‌گردد؛ ولی به هر حال باید با همت کارشناسان، معلمان و مؤلفان این گروه‌ها و این حوزه‌ها برطرف گردد و تعداد ورودی‌های این گروه‌ها مانند شیمی، علوم و... افزایش پیدا کند تا داوران آثار برگزیده را از میان تعداد قابل توجهی از آثار انتخاب و معرفی کنند.

هاشمی: آنچه که مشخص است سعی شده است افراد برجسته‌ای برای داوری انتخاب شوند و سعی شده افراد حداقل در مراحل اولیه به طور مستقل و بدون تأثیر گرفتن از داوران دیگر نظر دهند که این خیلی خوب است. منتها ممکن است



اسم نویسنده‌ها یا ناشران سرشناس مقداری تأثیرگذار باشد؛ خصوصاً وقتی که نویسنده یا ناشر رقیب این کتاب، سرشناس نباشد. به نظر من، اگر ما بتوانیم حداقل در مراحل ابتدایی، اسم نویسنده و ناشر را پنهان نگه‌داریم و محتوا بدون تأثیر گرفتن از این عوامل داوری شود، شاید بهتر باشد. کاری که ما معمولاً در ارزیابی مقالات علمی می‌کنیم؛ اسم نویسنده را



گلدان ساز: تبیین دقیق نیازها و خواسته‌های آموزش و پرورش برای ناشران، تبیین دقیق معیارهای سنجش و ارزیابی برای ارزیابان، ترویج آثار منتخب و معرفی آن‌ها به شکل گسترده، از جمله راه‌هایی برای بهبود کیفیت برگزاری جشنواره است

از فاصله‌ای بسیار نزدیک در جریان داوری‌ها هستیم. هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید کار ما بی‌عیب است؛ ما هم این ادعا را نداریم. اما تمام کوشش‌مان را کرده‌ایم که کیفیت داوری روزبه‌روز افزایش پیدا کند، و فرایند داوری همواره با روشنی و وضوح کامل دنبال شود. ما از داورانی بهره می‌گیریم که در وهله اول حتی‌الامکان بی‌طرفانند و خودشان در گروهی که داوری می‌کنند، ذی‌نفع نیستند. در وهله دوم این داوران نسبت به برنامه‌های درسی آگاهی دارند و در صورت امکان از تجربه حضور در کلاس درس نیز برخوردارند. داوری که نسبت به اصول و رویکردهای سند تحول و برنامه درسی و حتی کتاب درسی شناخت ندارد، نمی‌تواند کتاب مناسبی برای دانش‌آموز انتخاب کند. منظورم این است که در انتخاب داوران به جز سابقه علمی و تجربی و داشتن وقت برای همکاری، توجه به عناصر دیگری هم لازم است. امسال البته محدودیت‌هایی نیز در استفاده از همکاران بازنشسته سازمان و حتی کارشناسان رسمی شاغل در سازمان ایجاد شد که کار انتخاب داوران را سخت‌تر کرد.

۳

به نظر شما جشنواره کتاب رشد برای اثرگذاری بیشتر چه گام‌هایی باید بردارد؟

گلدان ساز: خوش‌بختانه

جشنواره رشد طی سال‌های اخیر جایگاه بااهمیتی برای ناشران یافته و تا حدودی در جهت‌دهی به تولید آثار مناسب آموزشی مؤثر بوده و به هم‌گرایی ناشران با برنامه‌های آموزش و پرورش از جمله برنامه درسی کمک



کرده است. اما این سخن بدان معنی نیست که بهبود پیوسته جشنواره مد نظر دست‌اندرکاران قرار نداشته باشد. به نظر من برای این امر، چند نکته باید مورد توجه باشد:

ابتدا تبیین دقیق‌تر نیازها و خواسته‌های آموزش و پرورش برای ناشران و مؤلفان؛ این کار باید در گام اول با تدوین دقیق نیازها و سپس با برپایی جلسات توجیهی و با مدد رسانه‌ها فراگیرتر شود؛

در مرحله بعد باید شیوه دریافت آثار بازبینی شود به نحوی که همه ناشرانی که منابع آموزشی تولید می‌کنند، مکلف باشند نسخه‌ای از آن را برای آموزش و پرورش بفرستند تا رقابت بین تمام آثار شکل بگیرد؛ چرا که در غیاب آثار قوی، ناگزیر آثار ضعیف‌تر انتخاب می‌شوند و این کار به جشنواره

لطمه می‌زند.

گام بعدی، تبیین دقیق‌تر معیارهای سنجش و ارزیابی برای ارزیابان است تا علاوه بر آن‌که مقایسه آثار با مؤلفه‌های دقیقی صورت می‌گیرد، کتاب‌های مناسب و استاندارد معرفی شده بیشترین ارتباط را با برنامه‌های آموزش و پرورش داشته باشند.

ترویج آثار منتخب و معرفی آن به جامعه به شکل گسترده، گام بعدی است. این انتظار به جایی است که هر ناشر و مؤلفی در پی انتخاب اثر خود، از آموزش و پرورش دارد. سازمان گسترده آموزش و پرورش هم توان برآوردن چنین انتظاری را دارد. در این خصوص، به رغم تلاش‌های صورت گرفته توسط دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، نیازمند کار بیشتری هستیم.

در گام آخر باید درباره نوع و میزان جوایز جشنواره نیز تجدید نظر شود و در این خصوص هم شأن آموزش و پرورش و هم ناشر و پدیدآورنده لحاظ شود. در حال حاضر این جوایز خیلی برازنده آموزش و پرورش و جشنواره کتاب رشد نیست.

امانی طهرانی: من

تصورم بر این است که اولاً مهم‌ترین عامل اثرگذاری همان استمرار است که در پاسخ پرسش قبل اشاره کردم. یعنی همه بتوانند روی این موضوع حساب کنند که جشنواره به طور منظم و هر سال جدی‌تر از سال قبل



برگزار می‌شود. نکته دوم این است بتوانیم از تمام امکان‌های موجود در جامعه که روزبه‌روز هم بیشتر می‌شود (مثل فضای مجازی) استفاده کنیم تا کتاب‌هایی که در جشنواره، به سطوح مختلف برگزیده شدن می‌رسند، به مخاطبین خود معرفی شوند. مثلاً از فضای مجازی استفاده کنیم و کتاب‌های برگزیده را به مخاطبان آثار معرفی کنیم. یعنی کاری کنیم که برگزاری جشنواره به اقتصاد کتاب‌های خوب کمک کند. همه به این امید به جشنواره وارد شوند که اگر کتابشان در جشنواره موفقیتی حاصل کرد، یک چاپ، دو چاپ، سه چاپ بیشتر منتشر می‌شوند. این مهم‌ترین عاملی است که در جشنواره باید دنبال شود. باید مذاکره‌ای با نهادهای پشتیبان انجام شود که از کتاب‌های برگزیده و منتخب حمایت کنند. این اتفاق مثلاً در انتخاب کتاب سال توسط وزارت ارشاد رخ می‌دهد. این خیلی مهم‌تر از جوایز نقدی اندکی است که ما به نویسندگان می‌دهیم. ناشر اولاً کتاب را برای پول منتشر نمی‌کند؛ منتشر می‌کند تا کتاب به دست مخاطبان آن برسد؛ پس هرچه شمارگان کتاب بیشتر شود ناشر خرسندتر است.

رشد جوانه
شماره ۶۱
پاییز ۱۳۹۷



کیا: کتابی که در جشنواره انتخاب می‌شود، باید به سادگی به کتاب‌های درسی و به کتابخانه‌های مدارس راه یابد

برای مطالعه در نظر گرفت. ظاهراً در سند برنامه درسی ملی هم به این موضوع توجه شده است که ساعت‌هایی را برای مطالعه آزاد دانش‌آموزان در نظر بگیرند. اگر آن فضای مطلوب شکل بگیرد، فکر می‌کنم کتاب‌های آموزشی و پشتیبان برنامه درسی، جایگاه مناسب خود را بیابند. اگر آن فضای مطلوب ایجاد شود، این کتاب‌ها می‌توانند به عنوان خوراک ساعت‌های مطالعه بچه‌ها به خوبی نقش‌آفرینی کنند. نکته دیگری که آقای دکتر امانی هم فرمودند این است که شما نباید فکر کنید با برگزاری مراسم اختتامیه جشنواره، کارتان تمام می‌شود. پایان هر دور از جشنواره در واقع شروع کار شماست. می‌توان کتاب‌های منتخب را در شبکه‌های اجتماعی یا سایت‌ها منتشر کرد و می‌دانید در شبکه‌های اجتماعی پیام‌های کوتاه و جذاب به راحتی دست به دست می‌شوند.

کیا: از نظر من مهم‌ترین گام، ایجاد انسجام کافی بین بخش‌های گوناگون آموزش و پرورش و همراهی آن‌ها با سازمان پژوهش در این حوزه است. وقتی همکاران من با زحمت تمام کتاب‌های مناسب را انتخاب و فهرست کتاب‌های مناسب را منتشر می‌کنند، باید از این فهرست با قدرت حمایت کرد. حمایت از این فهرست، حمایت از ناشران و پدیدآورندگان کتاب‌های مناسب و استاندارد است؛ حمایت از پدیدآورندگانی است که سرمایه‌ها و مساعی خود را در مسیر همسویی با نظام آموزش و پرورش به کار بسته‌اند. کتابی که در جشنواره انتخاب می‌شود، باید به سادگی به کتاب‌های درسی و به کتابخانه‌های مدارس راه یابد.



اگر هم اشکالی در کار ما وجود دارد، یا حوزه‌هایی از پوشش لازم برخوردار نشده است، باید با گفت‌وگو به اصلاح و گسترش کارها پرداخت. اینکه هر کس کار خود را بکند، راه حل مناسبی نیست. اگر ما بتوانیم این همدلی و همراهی را بین معاونت‌ها و بخش‌های گوناگون آموزش و پرورش ایجاد کنیم، گام بزرگی برداشته‌ایم. خوش‌بختانه سرپرست محترم سازمان در همین مدت کوتاهی که مسئولیت سازمان را بر عهده گرفته‌اند، تلاش‌های خوبی را در این زمینه انجام داده‌اند که امیدواریم دوام یابد و فعالیت‌های موازی جای خود را به هم‌افزایی نیروها و تسریع حرکت و کامیابی بیشتر بدهد. پس از آن می‌ماند همراه کردن نهادهای فرهنگی دیگر مانند صدا و سیما با قانون.

ثانیاً در بحث مالی، فروش کتاب برای ناشر اهمیت بیشتری نسبت به آن جایزه مختصری دارد که جشنواره می‌دهد. ضمناً باید از تیم برگزاری جشنواره تشکر کرد. این نوع کارها در بخش‌های دولتی معمولاً به تدریج کم‌اثر می‌شود، اما در این جشنواره سال به سال بر کیفیت کار افزوده شده است. من خیلی مایلم مجریان این جشنواره گزارشی از حجم کارهای انجام شده ارائه بدهند. این جشنواره، جزء جشنواره‌هایی است که با صرفه‌جویی بسیار زیاد و با اندک‌ترین بودجه برگزار می‌شود. نشریاتی هم که در حاشیه این جشنواره نشر می‌شود، معمولاً حاوی پیام‌ها و اطلاعات ارزنده و آموزنده‌ای برای ناشران و نویسندگان آثار آموزشی و تربیتی است.

دوراندیش: متأسفانه امسال هم کتاب‌های فنی و حرف‌های و مهارتی در جشنواره نقش پررنگی ندارند؛ حال آن‌که در کشور، موضوعات بسیار متنوعی در آموزش حرف‌های و در دنیای کار وجود دارد که ناشران می‌توانند به آن ورود کنند. شاید لازم باشد جشنواره در نحوه دریافت کتاب از ناشران فنی و حرفه‌ای گام‌های متفاوت‌تر یا بیشتری بردارد. البته چنان‌چه ناشران کتاب‌های فنی و مهارتی، اطمینان نسبی از حمایت‌های بعدی در فروش کتاب‌هایشان داشته باشند، امکان مشارکت بیشتر آن‌ها در بخش فنی دور از انتظار نیست؛ گرچه این موضوع نیاز به آموزش و اطلاع‌رسانی هم دارد.

شایان: به نظر می‌رسد اطلاع‌رسانی بیشتر به ناشران و پدیدآورندگان کتاب‌ها و مواد آموزشی و مخاطبان آن‌ها (معلمان، دانش‌آموزان و...) می‌تواند به اثرگذاری جشنواره کتاب رشد در سطح ملی کمک بیشتری کند. همچنین قرار دادن معیارها و استانداردهای ارزیابی در دسترس تولید کنندگان کتاب‌ها و مواد آموزشی، می‌تواند آن‌ها را در تولید و انتشار کتاب‌های ارزشمند آموزشی یاری دهد. افزایش جوایز جشنواره و چشمگیر کردن آن‌ها نیز به هر حال می‌تواند مشوقی برای گسترش فعالیت‌های حوزه تولید باشد و سرانجام معرفی آثار منتخب از رسانه‌های جمعی و گروهی و با کمک ابزارهای جدید و سنتی (به‌ویژه از طریق رسانه‌های آموزشی مثل شبکه آموزش تلویزیون) یا هر وسیله دیگری، بر اثرگذاری جشنواره می‌افزاید.

هاشمی: برای اثرگذاری بیشتر، باید تولید محتوا افزایش پیدا کند و افزایش تولید محتوا منوط به وجود تقاضا از سوی مخاطب است. بحث مطالعه کتاب، بحث عمیقی است که به فرهنگ مطالعه در کشور بازمی‌گردد و واقعاً نظام آموزش و پرورش ما نیاز زیادی به گسترش فرهنگ کتاب‌خوانی در بین دانش‌آموزان دارد و حتی می‌توان ساعت‌های خاصی را



فرصت انتخاب بیشتر، یعنی خواندن کتاب‌های بیشتر

میزگردی با حضور ناشران کتاب‌های مناسب

شنیدن مواضع، سخنان و ایده‌های ناشران، از دغدغه‌های همیشگی ما در دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی است. همانند سال‌های گذشته، برگزاری جشنواره کتاب رشد را برای این کار بهانه می‌کنیم و تا جای ممکن می‌کوشیم دوستانی را به میزگرد دعوت کنیم که در میزگردهای پیشین کمتر حضور داشته‌اند. در عین حال مراقبیم ناشران محترم، در حوزه‌های مختلف نشر فعال باشند. البته ناشران دیگری نیز به این نشست دعوت شده بودند که از حضورشان محروم ماندیم. محمدرضا توکل صدیقی، مدیر مسئول انتشارات صابرین، علی خاکبازان، معاون انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، داریوش هفت‌برادران، مدیر مسئول انتشارات فرای علم، فاطمه جمالی مدیر انتشارات پیک ادبیات و امیرصادق فراش‌بندیان، مدیر تهران انتشارات خط سفید در این میزگرد حضور یافته‌اند. در لحظاتی از این نشست فریبا کیا، معاون سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی نیز حاضر شده است.

است تا اینکه برای مخاطب کتاب انتخاب کنیم. هر انتخابی نوعی اعمال سلیقه است و اینکه ما بخواهیم با سلیقه خودمان بچه‌ها را قالب بزنیم و حق آن‌ها را در انتخاب نادیده بگیریم، در واقع آن نظام هدایت درونی را که خداوند در انسان‌ها قرار داده که با آن دست به انتخاب می‌زنند و همان موجب رشد انسان‌ها می‌شود، به نوعی مختل می‌کنیم. خب البته برخی کتاب‌ها مشخص است که با سن مخاطب متناسب نیستند و موازین اخلاقی و اجتماعی را رعایت نکرده‌اند. اما به‌طور کلی باید اجازه داد دانش‌آموزان خودشان کتاب‌هایشان را انتخاب کنند.

جوانه: آیا پیش آمده است که کتابی برای انتشار به شما عرضه شده باشد و شما آن را به این دلیل که برای مخاطب مناسب نمی‌دانید، منتشر نکنید؟ یعنی پیش

جوانه: چقدر با این موضوع موافق هستید که عده‌ای کارشناس در یک مرکز بنشینند و کتاب‌هایی را انتخاب و به دانش‌آموزان معرفی کنند و این کار احیاناً چه محاسن و آسیب‌هایی دارد؟

توکل: حدود سال‌های ۷۲، ۷۳، در برابر ورود کتاب‌های غیر درسی به مدارس مقاومت می‌شد. بعدها آهسته آهسته این در باز شد و خوش‌بختانه اکنون این وضعیت بهتر و فضا بازتر شده است. اما در پاسخ به



پرسش شما باید دید انتخاب با چه هدفی صورت می‌گیرد. اگر ما به انتخاب مخاطب توجه کنیم، طبعاً خیلی راه بهتری



**خاکبازان: نفس
انتخاب مشکلی
ایجاد نمی‌کند.
چگونگی انتخاب
وراهکارها هستند
که باید حساب‌شده
و دقیق باشند تا
به هدفی که یکی
از آن‌ها بسترسازی
است برسیم**

کند، طبعاً باید دست به داوری و انتخاب بزند.

هفت‌برادران: من هم با اصل و ذات انتخاب موافقم. به نظرم ما باید به جامعه کمک کنیم. در جامعه‌ای که کتاب‌خوان نیست، باید ورود و کمک کنیم که کتاب‌های بهتر در اختیار مخاطب قرار بگیرد. اگر حرفی هست، بر سر چگونگی انجام کار است. من در این زمینه حرف‌هایی دارم که در ادامه می‌گویم. البته می‌دانم در انجام یک کار، نمی‌شود همه سلیقه‌ها را در نظر گرفت و همه ناشران را راضی نگه‌داشت.

کیا: هدف ما همین است که فرمودید: ایجاد یک بستر مناسب برای تولید منابع مناسب توسط ناشران. الحمدلله این صحبت‌هایی که تا بدین جا از ناشران محترم شنیدیم نشان می‌دهد که ناشران هم با سازمان پژوهش هم‌راستا و



هم‌نظرند. همه ما قبول داریم که برای پرورش کودکان اصول و چهارچوب‌های خاصی وجود دارد و از طرفی تعداد کتاب‌هایی که منتشر می‌شود خیلی زیاد است و احتمالاً خود دانش‌آموز نمی‌تواند همه کتاب‌ها را ببیند و از بین آن‌ها کتاب‌های بهتر را انتخاب کند؛ یا معلمان و والدین او نمی‌توانند همه را ببینند و کتاب‌هایی را که حداقل این چهارچوب‌ها را رعایت کرده‌اند، به او معرفی کنند. البته ما منابع بسیار متنوعی را به مخاطب معرفی می‌کنیم و در نهایت او خودش از بین آن‌ها دست به انتخاب می‌زند و منابع دلخواهش را برمی‌گزیند. اگر آموزش و پرورش به اصل لزوم تنوع منابع باور نداشت، می‌توانست انتشار کتاب‌ها را در انحصار بگیرد و فقط کتاب‌هایی را به دانش‌آموز معرفی کند که توسط ناشران آموزش و پرورش منتشر می‌شوند؛ ولی امروز بیش از ۱۰۰۰ ناشر، هر سال ۵۰۰۰ عنوان کتاب برای ما می‌فرستند که نیمی از آن تأیید و معرفی می‌شود؛ این یعنی پذیرش سلیقه‌های متفاوت و احترام به تفاوت ذائقه‌ها. اتفاقاً گاهی پیش می‌آید که ما کتاب‌های تولید شده توسط ناشران آموزش و پرورش را به دلیل بروز برخی اشکالات یا کوتاهی‌ها تأیید نمی‌کنیم. ما هم به اصل تنوع منابع و تنوع ذائقه‌ها معتقدیم و اگر در مسیر دستیابی به این هدف اشکال داریم، شاید یکی از بهترین راه‌ها برای تصحیح اشکال، گفت‌وگوهایی مانند این با ناشران محترم باشد. باز هم از حضور شما ممنون و سپاس‌گزارم.

جمالی: من می‌خواهم سؤال شما را با سؤال جواب بدهم. در ایران نهادهای غیر دولتی با سابقه‌ای، مانند شورای کتاب کودک، دست به انتخاب و معرفی کتاب می‌زنند. چرا آموزش و پرورش از نتایج و خروجی‌های این نهادها بهره نمی‌گیرد و چه نیازی می‌بیند که خودش دست به انتخاب کتاب بزند. در حالی که می‌توانست به آن‌ها کمک کند این کار به صورت گسترده‌تر انجام شود و آموزش و پرورش به همان نتایج اعتماد کند و دچار موازی کاری نشود.

از آنکه خواننده درباره کتاب اظهار نظر کند، شما درباره خوب یا بد بودن کتاب نظر بدهید و نظر تان را اعمال کنید؟
توکل: بله این اتفاق افتاده است؛ ولی من ناشر خصوصی هستم. جایگاه من با شما تفاوت دارد. ما در خانه خودمان می‌توانیم هر طور که دلمان می‌خواهد بچرخیم. ولی وقتی بیرون از خانه پا می‌گذاریم، موازینی را باید رعایت کنیم. جایگاه دولت با یک ناشر خصوصی فرق دارد. دولت باید بستر ساز و فرصت‌ساز باشد. گاهی دولت این نقش را فراموش می‌کند و خودش وارد بازی می‌شود. این جاست که یک رقابت نابرابر شکل می‌گیرد. من در نقش و جایگاه خودم، سیاست‌ها و تشخیص و سلیقه خودم را دارم؛ از جایی هم برای این کار بودجه نمی‌گیرم. اما یک ناشر دولتی چون از بودجه عمومی استفاده می‌کند، مسئول است و حق ندارد طبق سلیقه خودش فعالیت کند. من اگر کتاب خوبی منتشر نکنم، جامعه مرا اصلاح می‌کند. مثلاً کتاب مرا نمی‌خرد و نقد می‌کند. اتفاقاً یکی از نقش‌هایی که نهادهای دولتی می‌توانند ایفا کنند ایجاد فرصت نقد برای جامعه است. دولت باید فضای مناسب را برای تعامل ناشر و مخاطب ایجاد کند و نباید نگران این موضوع هم باشد که مثلاً چهار تا کتاب هم منطبق بر سلیقه او نباشد. حتماً چهارچوب‌ها و خط‌قرمزهایی هم باید داشت؛ اما این چهارچوب‌ها نباید آن قدر تنگ باشد که کتاب‌ها فقط مطابق با یک سلیقه خاص منتشر و خوانده شوند؛ این در جامعه رشد ایجاد نمی‌کند. البته معنی‌اش این هم نیست که جامعه حتماً کتاب‌های خوب را می‌خرد. من باید به عنوان بازیگر این صحنه سعی کنم سلیقه جامعه را هم رشد بدهم و راه‌هایی را پیدا کنم که جامعه کتاب خوب مرا بپسندد و انتخاب کند.

خاکبازان: من با جناب آقای

توکل موافقم که این سازمان، به عنوان یک بخش دولتی باید بستر مناسب را برای ناشران خصوصی فراهم کند، اما به هر حال ما ناگزیر از انتخاب هستیم. حتی اگر بخواهیم جشنواره‌ای برگزار کنیم که هدفش



بسترسازی باشد، باید از بین کتاب‌هایی که در حوزه‌های مختلف و موضوعات گوناگون منتشر می‌شود، تعدادی را انتخاب و معرفی کنیم. نفس انتخاب مشکلی ایجاد نمی‌کند. چگونگی انتخاب و راهکارها هستند که باید حساب‌شده و دقیق باشند تا به هدفی که یکی از آن‌ها بسترسازی است برسیم.

کانون پرورش فکری، خودش برگزار کننده جشنواره است و سازوکارها و استانداردهای خودش را دارد. گرچه نمی‌شود گفت این سازوکارها بی‌اشکال است، و خود من هم معتقدم یک جاهایی بهتر می‌توانست عمل کند، اما همواره تلاش کرده این سازوکارها را روزبه‌روز بهتر کند که باید دیگران بگویند چقدر موفق بوده است. اما به‌طور کلی اصل انتخاب کتاب را نمی‌شود کنار گذاشت. وقتی قرار است جشنواره‌ای عده‌ای را به عنوان نویسنده، مترجم یا تصویرگر یا کتاب شاخص به جامعه معرفی



توکل: یک فرهنگ پویا با جشنواره‌های مستقل و مردمی شکل می‌گیرد. نقش دولت باید نقش بسترسازی باشد

جوانه: به نظر می‌رسد تقریباً هیچ یک از نهادهای فعال در انتخاب کتاب، توجهی به انتخاب کتاب‌های آموزشی و خصوصاً کمک‌درسی نداشتند و دغدغه اغلب آن‌ها معرفی آثار غیر آموزشی و داستانی بود که بعدها اغلب همان گروه‌ها هم کارشان را تعطیل کردند. طرح سامان بخشی در زمینه‌ای شکل گرفت که جامعه با انتشار گسترده کتاب‌های کمک‌درسی روبه‌رو بود و از نظر کارشناسان، بسیاری از این کتاب‌ها، فاقد کمترین کیفیت لازم و گاه صرفاً کپی از منابع دیگر و گردآوری سؤال‌های امتحانی مدارس یا خلاصه کردن مباحث کتاب بودند.

هفت‌برادران: کانون پرورش

فکری برای کتابخانه‌ها و فروشگاه‌های کتاب خرید می‌کند، اما کارش به جامعیت و گستردگی سازمان پژوهش نیست. سازمان هم به ارزیابی و انتخاب کتاب‌های آموزشی می‌پردازد، هم به کتاب‌های



تربیتی و داستانی در حوزه کودک و نوجوان.

جمالی: استنباط من این است که چهارچوب‌های خاصی مد نظر آموزش و پرورش است که می‌خواهد آن‌ها اعمال شود.

خاکبازان: اینکه خانم جمالی فرمودند نهادهای موازی، به نظر من این موازی کاری نیست. درست مثل این است که ما بگوییم مثلاً چون بیست تا ناشر کتاب کودک منتشر می‌کنند، پس این‌ها دارند موازی کاری می‌کنند. گاه اتفاق افتاده که یک کتاب را دو یا سه تا ناشر هم‌زمان ترجمه کنند، اما نمی‌شود گفت چون ناشری مانند کانون کتاب کودک منتشر می‌کند، پس هیچ ناشر دیگری نباید وارد این حوزه شود. رویکرد و کارکرد آن‌ها با هم متفاوت است. بنابراین جشنواره‌های متعدد که هر کدام انتخاب‌های خودشان را هم دارند، هرچه بیشتر شوند، می‌توانند نظرات مختلفی را نمایندگی کنند. این انتخاب‌های متنوع نافی هم نیستند و در یک فضای سالم، به یک رقابت سالم و افزایش کیفیت کار منجر می‌شود.

جمالی: کاری که آموزش و پرورش انجام می‌دهد، با انتشار کتاب توسط بخش خصوصی، تفاوت ماهوی دارد. آموزش و پرورش نقش سیاست‌گذار دارد و با شورای کتاب کودک یا لاک‌پشت پرنده فرق می‌کند. حالا من یک سؤال دیگر می‌پرسم و آن اینکه وقتی شما فهرست کتاب‌های مناسب را منتشر می‌کنید، فکر می‌کنید حوزه تأثیرگذاری شما چقدر است و کجاست؟

جوانه: شما چون با فاصله و از بیرون تماشا می‌کنید، شاید بهتر بتوانید پاسخ این سؤال را بفرمایید. نظر خود شما چیست؟

فرانز بندیان: اساتید عزیز همه حرف‌ها را زدند. من هم

موافقم که مرجعی باشد که کتاب‌ها را ببیند و محصولات بهتر را به مخاطب معرفی کند. بچه‌ها نیاز دارند که محصول باکیفیتی را دریافت کنند. متأسفانه واقعیتی است که بخشی از ناشران هدف صرفاً تجاری دارند. ممکن است سازمان‌های انتشاراتی هر کدام در داخل خودشان بررسی‌هایی انجام دهند، اما اینکه سازمانی کتاب‌های رقبای مختلف را مستقل از تبلیغات هر ناشر بررسی کند، ضرورت دارد.

جوانه: سؤال بعدی این است که چه کنیم که همسویی بین ما و ناشران یا تولید کنندگان منابع آموزشی و مخاطبان یا مصرف کنندگان این منابع استاندارد و مناسب یعنی دانش‌آموزان و معلمان بیشتر شود؟

توکل: من ابتدا یک توضیحی درباره صحبت قبلی‌ام بدهم. ما یک انتخاب نفی داریم یک انتخاب اثباتی. انتخابی که در جشنواره‌ها انجام می‌شود از نوع اثباتی است؛ یعنی ما بقیه را نفی نمی‌کنیم. می‌گوییم این کتاب‌هایی که انتخاب کرده‌ایم، حداقل از نظر ما بهتر از بقیه‌اند. اما انتخاب نوع اول در صدد نفی است. یعنی می‌گوید این کتاب‌ها به درد نمی‌خورند و فکر می‌کنیم که مناسب نیستند و شما نباید سراغشان بروید. البته جایگاه شما بین این دو تاست. اساساً به نظر من کار دولت جشنواره برگزار کردن نیست. حالا بر عکس شده است؛ اتفاقاً اکثر جشنواره‌های ما دولتی است؛ ولی یک فرهنگ پویا با جشنواره‌های مستقل و مردمی شکل می‌گیرد. نقش دولت باید همان نقش بسترسازی باشد که گفتیم. دولت باید به این جشنواره‌ها کمک کند و شما از خروجی این جشنواره‌ها استفاده کنید.

اما عملکردی که بوده، خوش‌بختانه با توجه به شرایط، تا به حال خوب بوده است. این کارها در آموزش و پرورش انجام می‌شود که یک زمانی، کتاب‌های غیر درسی را به مدارس راه نمی‌داد. حالا این قدر فضا باز است که ۵۰ درصد کتاب‌های منتشر شده امکان ورود به مدارس را دارند. حرف‌های ما نباید باعث شود که این روند را بنیمیم و تقویت نشود. همین تلاشی که شده، جای قدردانی دارد. من خودم هم که کتاب‌ها را می‌بینم احساس می‌کنم واقعاً بیش از پنجاه درصدش به لحاظ محتوا یا چاپ مناسب نیست.

من فکر می‌کنم این نگاهی که به جامعه اجازه انتخاب بیشتر می‌دهد به کتاب‌خوانی بیشتر کمک می‌کند. چون اصولاً انسان از داشتن فرصت انتخاب بیشتر، استقبال می‌کند. احساس می‌کند برای تشخیص او احترام قائل‌اند. وقتی شما برای خرید مایع ظرف‌شویی به مغازه سر کوچه می‌روید، برندهای محدودی در آن جا هست که ممکن است برند دلخواه شما در بین آن‌ها نباشد؛ اما اگر به یک فروشگاه بزرگ بروید، ده‌ها برند مختلف را می‌بینید. الان استقبال مردم از فروشگاه‌های بزرگ کتاب مثل باغ کتاب در تهران خیلی زیاد است. خبر در این فضا چون مردم قدرت انتخاب بیشتری دارند، کتاب‌های بیشتری هم می‌خرند و بیشتر هم می‌خوانند. این است که هر چه فیلترهای ما طوری تعریف شوند که مثلاً چند کتاب متوسط هم از آن رد شوند،

رشد جوانه
شماره ۶۱
پاییز ۱۳۹۷



هفت برادران:
این انتظار زیادی
نیست که آموزش
و پرورش به عنوان
متولی آموزش
و جریان ساز
تربیتی در کشور،
بکوشد انسجام
درون سازمانی و
بین بخش هایش را
حفظ کند

بخش‌های آموزش و پرورش است. شما کتاب را تأیید می‌کنید، اما از آن طرف بازرسی و ارزیابی عملکرد، معاونت آموزش ابتدایی و دیگران می‌گویند کتاب کمک‌درسی وارد مدرسه نشود. می‌گوییم این کتاب "داستان" است؛ می‌گویند به ما گفته‌اند با هیچ‌کس قرارداد امضا نکنیم. اگر قرار است کتابی وارد مدرسه نشود، پس فلسفه مصوبه ۸۲۸ و فلسفه حضور شما چیست؟

من سالی بیست تا کتاب پیش‌تر تولید نمی‌کنم، چون نمی‌خواهم کیفیت کتاب‌هایم آسیب ببیند. شما همه کتاب‌های مرا تأیید کرده‌اید؛ چون می‌دانم که بر اساس چه اصول و ساختاری کتاب تولید کنم. کانون پرورش فکری هم کتاب‌های مرا تأیید می‌کند... خب شما چه حمایتی از من ناشر می‌کنید؟ از "پخش مدرسه" به من زنگ زده‌اند که بیا و به ما کتاب بفروش. می‌پرسم کدام کتاب‌ها را می‌خواهید؟ می‌گویند این پنج تا کتابی که اخیراً تأیید شده‌اند. می‌پرسم چطوری می‌خرید؟ می‌گویند دوماه می‌گیریم امانی. خب بودجه شما از ما و از ملت است. می‌گویند کتابت را بفروش و شش ماهه پولش را می‌دهیم. در این بازاری که من باید کاغذ را نقد بخرم، باید شش ماهه بفروشم.

جمالی: ما ده ماهه هم می‌فروشیم.

متولی: معمولاً پخش‌های خیلی بزرگ هم در همین حدود کار می‌کنند.

هفت برادران: آن‌ها مربوط به بخش خصوصی‌اند؛ این پخش مربوط به دولت است و باید از من ناشر که کتاب خوب تولید می‌کنم، حمایت کند. باید بگویم من دو ماهه تسویه می‌کنم و تو برو در راستای برنامه درسی کتاب خوب تولید کن؛ من می‌شوم مرکز فروش شما.

فراش‌بندیان: برگشت کتاب

هم باز است. یعنی هر قدر که فروش نرود برمی‌گردانند که این شیوه شاید برای کتاب‌های غیرآموزشی و عمومی اشکالی نداشته باشد، اما کتاب‌های کمک‌درسی بازه زمانی خاصی برای استفاده دارد و اگر فروش

نروند باید به تبع کتاب درسی تغییر کنند. کتاب‌های آموزش و پرورش هم که در این چندسال تغییرات زیادی داشته است.

هفت برادران: این انتظار زیادی نیست که آموزش و پرورش به عنوان متولی آموزش و جریان‌ساز تربیتی در کشور، بکوشد انسجام درون‌سازمانی و بین‌بخش‌هایش را حفظ کند. وقتی شما کتاب ما را تأیید می‌کنید، مؤسسه محترم منادی تربیت باید بین کتاب‌های تأیید شده و کتاب‌هایی که تأییدیه شما را نگرفته‌اند، فرق بگذارد. به کتاب‌های تأیید شده مثلاً پنج ستاره بدهد و امکان بدهد به کارشناس استان که ۷۰ درصد کتاب‌هایش را از کتاب‌های تأیید شده و خوب بخرد.

خاکبازان: با این موضوع که باید از ناشران خصوصی حمایت کرد، خیلی مخالف نیستیم. ولی ناشران خصوصی بی‌دقتی‌ها و سهل‌انگاری‌های زیادی هم در کار دارند. من یک بار برای بازدید



خیلی بهتر است.

در بحث انتخاب از نوع اثباتی، نهادهای انتخاب‌کننده مثل شورای کتاب کودک، جشنواره کتاب برتر انجمن فرهنگی ناشران کودک، لاک‌پشت پرنده، شهید حبیب غنی‌پور و... هر چه بیشتر بشوند، به نظر من بهتر است. این موازی‌کاری نیست. این به معنای تضارب افکار و سلیقه‌ها و ایجاد فضای گفت‌وگوست.

جمالی: من که به موازی‌کاری

اشاره کردم، منظورم انتخاب یک نهاد دولتی در مقابل نهاد خصوصی بود؛ و الا در بخش خصوصی هر چه نهادهای متفاوت بیشتری حضور داشته باشند، بهتر است.



هفت برادران: به نظر من

حضور نهادهای دولتی در بخش نظارتی مشکلی ایجاد نمی‌کند؛ اساساً وظیفه دولت نظارت است؛ ما بیشتر با انتشار کتاب توسط آموزش و پرورش مشکل داریم. ناشران دولتی از سرمایه عمومی بهره می‌برند و معمولاً دغدغه بازار یا توجه به نگاه و سلیقه مخاطب ندارند. اغلب هم سرمایه را هزینه می‌کنند و از بین می‌برند و سال بعد دوباره سرمایه جدید جذب می‌کنند.

البته از نظر من، اینکه شما بیش از ۵۰ درصد کتاب‌ها را تأیید می‌کنید، خوب نیست و فایده زیادی ندارد. وقتی ۵۰ درصد کتاب‌های موجود در بازار تأیید می‌شود، از نظر من، وجود نهادهای مانند شما ضرورت ندارد. شما وقتی به عنوان یک نهاد واسطه بین تولیدکننده و مخاطب قرار می‌گیرید، باید به تمام معنا نقش خودتان را ایفا کنید. قرار این است که کتاب‌ها هم‌سو با سند تحول و برنامه درسی باشند. من یک بنگاه اقتصادی فرهنگی هستم، اما نگاه شما تربیتی است. شما باید از حجم اطلاعات و مفاهیم و کتاب‌های آموزشی نامناسب به مخاطب جلوگیری کنید.

زمانی "راهنمای تولید کتاب‌های آموزشی" منتشر می‌کردید که خیلی خوب بود. در آن زمان، اوایل توجه روی کتاب‌های آموزشی بود. بعدها کتاب‌های غیرآموزشی هم به منابع مورد ارزیابی اضافه شد.

اتفاقاً شما فقط باید به ۳۰ درصد کتاب‌ها مجوز ورود به مدرسه بدهید تا ناشران به تولید کتاب‌های خوب ترغیب شوند. از این طرف ساختار کتاب خوب را مجدداً تعریف کنید و البته خودتان را با چهارچوب‌ها و نیازهای امروز بازار منطبق کنید.

آزمون بین‌المللی پرلز یک معیار است. ما در آزمون‌های پرلز همواره در ردیف‌های آخر جهان هستیم؛ اما سال ۲۰۱۶ م. برای ما فاجعه بود. ما در این سال، در آزمون سواد خواندن، که به معنای خواندن، درک و استفاده از اطلاعات است، ۴۱ نمره نسبت به میانگین خودمان در ۲۰۱۱ افت داشتیم. این نشان می‌دهد وضعیت خواندن در کشور ما اسف‌بار است و یکی از مشکلات نبود کتاب خوب است.

یکی دیگر از نقدهای من مربوط به ناهماهنگی‌های موجود بین



جمالی: کتاب خوب زیاد است؛ اما به دست مخاطب و دانش‌آموزان نمی‌رسد این کتاب‌های خوب را به دانش‌آموزان معرفی کنید

از کتاب‌خانه‌های استان‌های کانون رفته بودم. کتابدار یکی از کتاب‌خانه‌ها کتابی را از یک ناشر موفق به من نشان داد و گفت: آخر چرا چنین کتابی تأیید شده؟ من نگاه کردم در صفحه اول این داستان پنج تا قتل اتفاق افتاده بود! یکی از بهترین ناشران، کتابی درآورده که ترجمه است. نوشته دوشنبه اولین روز هفته است! این‌ها فقط چند نمونه است. برخی از ناشرانی که پانزده بیست سال هم سابقه کار دارند، اشتباه‌هایی دارند که نمی‌شود گفت. ما نمی‌توانیم عنان اختیار را به بخش خصوصی بدهیم که هر چه خواست تولید کند و ما فقط نظارت کنیم. خب ممیزی الان هم وجود دارد و چنین کتاب‌هایی منتشر می‌شود. به نظر من باید اجازه داده چند ناشر دولتی به عنوان رقیب بخش خصوصی باقی بمانند تا سره از ناسره جدا شود. درست است که ناشر دولتی بودجه دولتی می‌گیرد و مسئله فروش برایش مهم نیست و ممکن است برخی ناشران دولتی، کتاب‌های فروش نرفته را انبار کنند و در همان زمان کتاب‌های جدیدی را منتشر کنند؛ این عیب هست، اما اینکه ناشر دولتی نگاه صرف به بازار ندارد، خودش می‌تواند یکی از محسنات آن باشد. مشکل از نبود سازوکار صحیح برای نظارت بر کیفیت است، نه دولتی بودن ناشر.

هفت برادران: من می‌گویم همه ظرفیت‌ها را متمرکز کنید در جهت تولید کتاب خوب. این بخشی را که در اختیار شماست، در جهت حمایت از کتاب خوب به کار بگیرید تا ناشر به تولید کتاب خوب تشویق شود. ما می‌خواهیم کتاب خوب تولید شود؛ ناشرها کتابی تولید نکنند که در صفحه اولش پنج تا قتل اتفاق بیفتد؛ کتابی تولید نکنند که در آن، بچه پدرش را به گول بدهد که با سبب‌زمینی و سس بخورد!

جمالی: اینکه به نهادهای خصوصی انتقاد وارد است، تردید نیست. ما نباید کار را برایشان را سخت‌تر کنیم. کمک کنیم اصلاح شوند و کارشان را بهتر انجام دهند. نبود کتاب خوب هم مشکل نیست. به نظر من کتاب خوب زیاد است؛ اما به دست مخاطب و دانش‌آموزان نمی‌رسد. به نظر من این حرکت مثبتی است که سامان‌دهی کتاب‌های بیشتری را تأیید می‌کند. هرچه این دایره گسترده‌تر باشد، به قول آقای توکل حق انتخاب بیشتری به مخاطب داده می‌شود. انتظاری که داریم این است که این کتاب‌های خوب را به دانش‌آموزان معرفی کنید. قبلاً در انتهای کتاب‌های درسی کتاب‌هایی را معرفی می‌کردید که فهرست کوتاهی بود، اما مورد توجه توده مردم بود و افراد زیادی برای خرید آن کتاب‌ها مراجعه می‌کردند. مثلاً ما یک مجموعه شش جلدی داریم که در کتاب درسی معرفی شده است و بعد از ده سال، هنوز که هنوز است افرادی برای خرید آن مراجعه می‌کنند. شما زحمت زیادی می‌کشید، فهرستگان تولید می‌کنید و به مدارس می‌فرستید، اما آیا دیده می‌شود؟ تعامل بیشتری با مدارس داشته باشید و پیرسید که این فهرستگان کجاست و آیا در اختیار معلمان گذاشتند و آیا از آن استفاده می‌کنند؟ کاری کنید که دانش‌آموز وقتی می‌خواهد با مادرش برود خرید کتاب، از فهرست شما خرید کند.

هفت برادران: می‌شود یک اپلیکیشن ساخت.

جوانه: اتفاقاً ساخت اپلیکیشن هم در برنامه دفتر هست و سفارشش داده شده است. بخش مجلات رشد آماده شده و الان در اپ‌استورها قابل نصب است و انشاءالله بخش کتاب هم به زودی ارائه می‌شود.

فرش‌بندیان: به نظر من هم مهم‌ترین موضوع ایجاد هماهنگی و هم‌راستایی بین بخش‌هاست. ما جایی مراجعه کردیم و گفتیم کتاب ما در کتاب‌نامه رشد آمده است. به ما گفتند رئیس منطقه به ما گفته فلان کتاب‌ها را استفاده نکنید. یعنی یک اعمال سلیقه یا دستور شخصی، مصوبه آموزش و پرورش را تحت تأثیر می‌دهد. **هفت برادران:** من در پاسخ به سؤالی که کردید، چند تا خواسته و پیشنهاد دارم:

- لطفاً فهرستی کامل از کتاب‌های مناسبان را به ما بدهید؛
- در جشنواره فقط ناشران خوب را انتخاب نکنید؛ بررسی کنید ناشرانی را هم که در مسیر خوب شدن هستند، تشویق کنید تا دنبال کتاب‌های بهتر بروند؛ این تقسیم جوايز به ناشران انگیزه می‌دهد؛

- در بحث داوری‌ها، مراقب کتاب‌های ترجمه‌ای باشید. در کشور ما سند ۲۰۳۰ کنار گذاشته شده، اما در کشورهای دیگر کتاب‌ها را بر این اساس می‌نویسند و باید خیلی مراقب این کتاب‌ها بود. شما می‌توانید به آثار بومی امتیاز و ستاره‌های بیشتری را بدهید تا مورد حمایت بیشتری قرار بگیرند؛

- یک کتابچه راهنمای تولید کتاب‌های ادبیات کودک، مثل راهنمای تولید کتاب‌های آموزشی، تدوین کنید؛

- معیارهای داوری را به‌روز کنید و سعی کنید نگاه‌های داوران به نیازها و خواسته‌های مخاطب نزدیک‌تر شود؛ این نزدیکی هم باید شامل محتوا باشد، هم تصویر؛

- و آخرین خواسته‌ام اینکه بسته آموزشی را جدی بگیرید. بسته‌های آموزشی می‌توانند به دانش‌آموزان بسیار کمک کنند.

جوانه: فقط برای اطلاع دوستان عرض کنیم که در پایان هر سال فهرست کتاب‌های مناسب سال به همه ناشرانی که کتاب مناسب داشته‌اند، تقدیم می‌شود. در حوزه داستان جلسه‌ای را با حضور ناشران برگزار کردیم که گزارشش در **جوانه آمده است؛ و موضوع بسته‌های آموزشی هم به طور جدی در جلسات کارشناسان سازمان دنبال می‌شود.**

خاکبازان: موضوع تفاوت سلیقه داوران، که اشاره شد، در همه جشنواره‌ها اجتناب‌ناپذیر است و هر کسی که کتابی منتشر کرده است، فکر می‌کند خوب است.

توکل: من چند سالی دبیر جشنواره کتاب برتر بودم. در جشنواره داوران یک بحث‌اند، شیوه داوری یک بحث دیگر. ضوابط داوری و فرایند داوری خیلی مهم است و تا جای ممکن باید کیفیت به کمیت تبدیل شود تا از حالت سلیقه صرف خارج شود. ضمن این‌که فرایند داوری هر چند سال یک بار باید بازنگری شود.

جوانه: از حضور همه شما در این نشست سپاس گزاریم.

رشد جوانه
شماره ۶۱
پاییز ۱۳۹۷



چند نکته درباره داستان‌های نوجوانان

از خودرو حمایت می‌شود، از فرهنگ نه

تعدادی را انتخاب و ترجمه می‌کنند. بنابراین این‌طور نیست که مترجمان در میان کتاب‌ها بگردند و کتاب خوب را انتخاب کنند. زمانی آقای ابراهیمی الوند ۲۰۰ کتاب می‌خرد و از بین آن‌ها ۲۰ کتاب ترجمه می‌شد؛ خیلی گزیده کار می‌کردند. اگر قرار است ما کتابی را ترجمه کنیم، باید هم گزیده باشد؛ اما الان ناشران دنبال چاپ مجموعه‌ها هستند که فروش بهتری دارد. این‌طور کتاب منتشر کردن برای ناشر سود دارد، برای مترجم هم صرفه دارد؛ اما برای بچه‌ها معلوم نیست مفید باشد.

ذهنیتی در جامعه ما وجود دارد که جنس خارجی را بهتر از جنس ایرانی می‌داند؛ حتی کالای فرهنگی‌اش را. حال سؤال این است که چرا برای حمایت از تولید داخلی بر خودروهای خارجی تعرفه می‌گذارند، اما برای کار فرهنگی این کار را نمی‌کنند. چرا آنقدر که از خودروسازان داخلی حمایت می‌شود، از نویسندگان داخلی حمایت صورت نمی‌گیرد؟ آخرین جایی که به آن بودجه می‌دهند، مراکز فرهنگی، آن هم مراکز وابسته به دولت است. نوشتن کار سختی است و گاه نویسنده طی یک سال یک رمان می‌نویسد؛ بنابراین باید از نویسنده حمایت کرد؛ اما حتی مسئولان فرهنگی هم امتیازی برای تألیف قائل نیستند. الان بخش فرهنگی ما روی حرکت اتوماتیک است؛ خودش حرکت می‌کند و کسی با آن کاری ندارد.

این ذهنیت بر ناشران ما هم اثر گذاشته است. آن‌ها بیشتر مجموعه‌های خارجی را تهیه و ترجمه می‌کنند و کمتر کتاب‌های تألیفی را می‌پذیرند، چون معتقدند کتاب‌های تألیفی خوب نیستند. ناشر به‌طور طبیعی دنبال کسب‌وکار و سود است، ولی بعضی بی‌انصافی می‌کنند و فقط کسب‌وکار می‌کنند. بالاخره ناشر وارد حوزه کار فرهنگی شده، و برای کار فرهنگی معیارهایی وجود دارد. مثل حمایت از نویسندگان داخلی و تشویق نوجوانان به خواندن داستان ایرانی. البته این نکته غیرقابل انکار است که داستان ایرانی اگر جذاب باشد نوجوانان استقبال می‌کنند.

نوجوانان امروز به دلیل فضای مجازی و اطلاعاتی که کسب می‌کنند با نوجوانان گذشته تفاوت دارند. من در کارگاه داستان‌نویسی که با آن‌ها دارم، سعی می‌کنم کتاب‌های خوب مربوط به سن‌شان را در اختیارشان بگذارم، ولی می‌گویند به ما کتاب بزرگ‌سال دهید. در واقع علاقه‌مندند که جلوتر از خودشان باشند. از نظر روحیه هم اغلب نوجوانان همین‌طورند. مثلاً شعرهای شاعری را که برای نوجوانان شعر می‌گوید نمی‌خوانند؛ در عوض سراغ شعرای دیگری مثل فروغ می‌روند. دوست دارند بگویند ما بزرگ شده‌ایم. از سوی دیگر نویسندگان ما هم طوری داستان می‌نویسند که انگار اصلاً با حال و هوای نوجوان آشنایی ندارند. یک داستان بچگانه می‌نویسند و به عنوان داستان نوجوان ارائه می‌کنند. معلوم است که چنین داستانی مورد استقبال قرار نمی‌گیرد. گاهی برخی نویسندگان فکر می‌کنند اگر قرار است با نوجوان ارتباط برقرار کنیم، باید داستان عشقی بنویسیم. درحالی‌که این‌طور نیست. باید جمعی از عناصر، از جمله هیجان، در داستان نوجوان کنار هم قرار بگیرند تا یک داستان خوب نوجوان شکل بگیرد. رمان نوجوان هم باید پیچیدگی‌های خاص خود را داشته باشد؛ اما چون ما نمی‌توانیم در داستان کشش ایجاد کنیم، سعی می‌کنیم با نصیحت کردن حجم کار را بالا ببریم که به اثر لطمه می‌خورد.

تعداد کتاب‌های تألیفی در این دوره از جشنواره کم نبودند؛ اما معمولاً تعداد آثار ترجمه بیشتر است و اشکال‌ش هم در این است که این کتاب‌ها، غالباً آثار منتخب نیستند. ما وقتی به ناشران مشورت می‌دهیم می‌گوییم اگر قرار است کتاب تألیفی خوب باشد، کتاب ترجمه باید عالی باشد. اما مترجمان ما نمی‌توانند به کشورهای انگلیسی زبان بروند و کتاب‌ها را مطالعه و از بین آن‌ها برای ترجمه انتخاب کنند. بنابراین از فهرست‌هایی استفاده می‌کنند که انجمن‌ها یا کتابخانه‌ها یا مراکز فعال در حوزه کتاب پیشنهاد می‌دهند. مترجمان از میان کتاب‌های معرفی شده،



رشد کیفی، تنزل کمی

شانزدهمین «جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد» در حالی برگزار می‌شود که تگناها و رکود اقتصادی و اجتماعی تأثیر خود را بر حوزه فرهنگ و نشر نیز بر جای گذاشته است. در چنین شرایطی که تأمین نیازهای اولیه اولویت پیدا می‌کند، اولین کالایی که از سبد خانوار حذف می‌شود، اقلام و کالاهای آموزشی و فرهنگی چون کتاب هستند. از همین رو شاهد رکود فعالیت نشر و محدود شدن عنوان‌ها و شمارگان کتاب‌ها در حوزه‌های متفاوت، از جمله حوزه علوم اجتماعی، در این دوره از جشنواره هستیم.

اما با وجود این نزول کمی عنوان‌ها و شمارگان، محدود کتاب‌هایی که در این حوزه به جشنواره رسیده‌اند، از نظر کیفی از ویژگی‌ها و برجستگی‌های چشمگیری برخوردار بوده‌اند که برخی از مهم‌ترین آن‌ها را چنین می‌توان برشمرد:

● فرهنگ‌ها و دایرةالمعارف‌های عمومی و موضوعی و تخصصی کودک و نوجوان در حوزه علوم اجتماعی، در این دوره از رشد قابل توجه و کیفیت قابل قبولی برخوردار بوده‌اند.

● آشنایی با مفاهیم حقوقی، به‌ویژه، حقوق شهروندی، موضوع برخی از کتاب‌های این دوره از جشنواره در حوزه علوم اجتماعی بود. با توجه به اهمیت موضوع حقوق و مسئولیت‌های شهروندی و نیز پیچیدگی‌ها و مسائل و مشکلات زندگی اجتماعی، این دسته از کتاب‌ها برای معلمان و دانش‌آموزان بسیار مفید و

کاربردی خواهد بود.

● طرح مهارت‌های اساسی زندگی اجتماعی در قالب‌های غیرمستقیم و داستانی برای کودکان، یکی از گرایش‌های مثبت و قابل تقدیر حوزه نشر علوم اجتماعی در این دوره است.

● تولید کتاب به شکل چندرسانه‌ای همراه با «DVD»، فیلم و معرفی سایت‌ها و اپلیکیشن‌های مناسب و مرتبط، یکی دیگر از گرایش‌های جدید در حوزه نشر کتاب‌های آموزشی علوم اجتماعی است که در این دوره از جشنواره، با وجود شمار اندک، روند آن آغاز شده است.

● تلاش‌های اولیه‌ای از بعضی ناشران و نویسندگان برای شرح مفاهیم، نظریه‌ها و مکاتب جامعه‌شناسی، متناسب با فضای فرهنگی جامعه آغاز شده است که ضمن تقدیر، جای تقویت و تلاش بیشتری دارد.

● تلاش برای تجسم تصویری و گرافیکی مفاهیم و موضوع‌های اجتماعی و نوعی «اطلاع‌نگاری» همراه با بهره‌مندی مناسب از تصویرسازی و رنگ در مجموعه‌ای از کتاب‌های حوزه علوم اجتماعی این دوره از جشنواره دیده می‌شود.

چشم‌انداز زیبا و خوش‌آب و رنگ شدن کتاب‌ها از یک‌سو و طرح مباحث در قالب طرح و اطلاع‌نگاری از سوی دیگر، افزایش علاقه و رغبت مخاطبان کودک و نوجوانان را به مطالعه، و توسعه فرهنگ خواندن را بیش از پیش دامن می‌زند و جای تقویت، توسعه و تقدیر دارد.



سنگ ماشینی و کتاب‌های مهارت‌های زندگی



قرار داده است.

در گذشته والدین علاقه داشتند بگویند بچه‌شان «باهوش» است. امروزه علاقه دارند بگویند فرزندشان «خلاق» است. چون واژه خلاق و خلاقیت امروزی‌تر و مُدتر است. مدتی هم «هوش هیجانی» (EQ) مد شده بود و امروزه هوش‌های چندگانه مد روز است. هوش‌های چندگانه بدون بستر مطالعاتی مناسب، ورد زبان معلمان، والدین و مربیان شده است. واضع نظریه هوش‌های چندگانه، هوارد گاردنر است. خودش عقیده دارد که هنوز این نظریه کامل نیست، ولی در ایران آن را کامل می‌دانند و بر اساس آن برنامه‌های گسترده‌ای اجرا می‌شود.

هنوز هیچ کتاب عالمانه و دانشگاهی در این زمینه در هیچ دانشگاهی تدریس نشده است، اما به برکت رقابت مدرسه‌های غیردولتی با هم، همه متخصص این رشته از دانش شده‌اند که هنوز به صورت شبه‌علم است. هنوز هم وقتی از مهارت‌های زندگی صحبت می‌شود، موارد ده‌گانه «سازمان بهداشت جهانی» یادآوری می‌شود. در حالی که امروزه این ده مورد برای توجه به آموزش مهارت‌های زندگی کافی نیست. امروزه مدل «۴H» در حال گسترش است که تمامی موارد مهارت‌های زندگی، مهارت‌های شهروندی، مهارت‌های مدیریتی و مهارت‌های سازمانی را در برمی‌گیرد.

شعار ۴H «آموزش از طریق عمل کردن» است. منظور از این شعار این عبارت است: «یادگرفتن چگونه انجام دادن از طریق به انجام رساندن.» اگر به این عبارت توجه کنیم، می‌بینیم بیشتر کتاب‌هایی که منتشر شده‌اند، حتی در کشورهای دیگر، به این موضوع توجه ندارند. بیشتر آن‌ها در واقع بچه‌ها را با دانش کلی مهارت‌های زندگی آشنا می‌کنند و آن‌ها را در زندگی کردن ماهر نمی‌سازند. این موضوع نگران‌کننده است.

پیشنهاد من این است که ستاد یا کمیته‌ای در «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» ایجاد شود و با دعوت از همه کسانی که در این زمینه کار علمی کرده‌اند و حتی دعوت از کارشناسان بین‌المللی، یک برنامه جامع آموزش مهارت‌های زندگی منطبق با زیست‌بوم و سبک زندگی ایرانی-اسلامی طراحی و تدوین کنند و از ناشران خواسته شود که در این چارچوب عمل کنند.

مدتی است مسابقه‌ای بی‌امان در میان ناشران ایران برای انتشار کتاب‌هایی پیرامون مهارت‌های زندگی در گرفته است. باز نشر چنین کتاب‌هایی شبیه از تنور در آوردن نان سنگک ماشینی شده است؛ نه از آرد مناسب و حرارت پخت به اندازه بهره‌ای دارد و نه لذت کندن سنگ‌های چسبیده به نان با آن همراه است. این گونه کتاب‌ها هم همین‌طورند. ممکن است مزه‌ای داشته باشند، اما بسیاری از آن‌ها خالی از محتوای مؤثرند.

ناشران از رویکرد جدید وزارت آموزش و پرورش مطلع شده‌اند و حالا سیل کتاب‌های خارجی در این زمینه است که به سمت واحدهای تولید ناشران سرازیر شده و سیل دانشجویان زبان و متخصصان استفاده از مترجم «گوگل» به سمت ناشران و در نتیجه کتاب‌هایی بیرون می‌آیند که نه با فرهنگ بومی ما سازگارند و نه مطلب مفیدی در این زمینه در آن‌ها یافته می‌شود. ناشران محترمی هم هستند که حساب‌شده‌تر با این مقوله برخورد می‌کنند و رعایت اصول حرفه‌ای در آثارشان هویداست. اما در این مسابقه آن‌ها برنده‌ترند که هیچ اصلی جز تجارت کتاب در اندیشه ندارند.

در شش ماه گذشته بیش از ۲۰۰ کتاب در موضوع مهارت‌های زندگی خوانده و بررسی کرده‌ام. با قاطعیت می‌توانم بگویم، نزدیک به صد درصد آن‌ها ترجمه آثار خارجی‌اند. آن‌ها هم که حکم تألیف دارند، برگرفته از آثار خارجی‌اند.

بالا رفتن از نردبان رویکردهای وزارت آموزش و پرورش و سودجویی‌های تعدادی از ناشران فضای کار را چنان آلوده کرده است که دیگر صدای متخصصان این رشته به هیچ جا نمی‌رسد. ظاهراً نگاه به موضوع مهارت‌های زندگی هنوز تخصصی و جدی نشده است. تنها کسانی که این موضوع را جدی گرفته‌اند، سودجویان هستند و به نظر می‌رسد، تنها کسانی که مهارت‌های زندگی را خوب بلدند، همین ناشران سودجو هستند.

سوی دیگر ماجرا مربوط به فهم عمومی ما از مقوله مهارت‌های زندگی است. متأسفانه هر چندگاه واژه‌هایی باب می‌شوند و خلاق با این واژه‌ها زندگی می‌گذرانند. واژه‌ها مد می‌شوند و این مدگرایی افراطی سرنوشت مبهم کودکان معصوم ما را هم هدف



آزاد کردن انرژی پنهان و متراکم معلمان با تربیت معلمان مؤلف

همکاران اهل قلم مفید خواهد بود، زیرا تجلی آن‌ها را می‌توانیم در کتاب‌های تولید شده به توسط بخش خصوصی دریابیم. اگر هدف نهایی ابتکار و نوآوری و منحصر بودن کتاب به لحاظ محتوایی است، گریزی از این موضوع نخواهد بود. بر این نکته باید افزود هر کتابی که به قلم مؤلفان غیر معلم تنظیم می‌شود در نهایت شماری از مؤلفه‌ها را نخواهد داشت. بنابراین استفاده از بدنه عظیم آموزش و پرورش همانند حفر چاه‌هایی است که در کم‌عمقی به آب سرشار می‌رسند. یا حداقل کار این خواهد بود که ناشران فعال در بخش فرهنگ و هنر نویسندگان خود را برای طی دوره تربیت مؤلف معرفی کنند که با اطمینان باید گفت نتیجه دوره به نگرش مثبت و نگاه کیفی آن‌ها خواهد انجامید.

نکته دیگری که براساس تجربیات داورى قابل ذکر است موضوع ترجمه کتاب‌های هنری است. زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی هر جامعه در شکل‌گیری آثار هنری و تولیدات آموزشی آن‌ها نقش مستقیم دارد. به عنوان مثال کتاب‌های هنری فرهنگ غرب از این ویژگی برخوردارند. به‌طور نمونه تجربه کشور ما با تجربه غرب از اختراع پدیده چاپ یا ورود به دنیای مجازی و الکترونیک الزاماً خطی و بر هم منطبق نیست. به عبارتی ترجمه مستقیم و بی‌افزود و کاست کتاب‌های هنری غربی نمی‌تواند با نیازها و مقتضیات مخاطب ایرانی پیوند طبیعی بخورد. این پیوند، پیوندی عاریتی و شکننده است. به همین دلیل ضروری است انتخاب متون ترجمه‌ها با داشتن ویژگی مهم «سازگاری با محیط هنری کشور» مورد توجه قرار گیرد. هر ترجمه‌ای الزاماً مفید و مؤثر نیست و حتی مؤلفان می‌توانند با گرفتن ایده و براساس نیازهای جامعه نسبت به تدوین و تهیه متون هنری اقدام کنند. این کار حداقل از معایب ترجمه مستقیم و غیرمفید خواهد کاست.

سخن پایانی این است که در این عرصه نیازمند تکاپو و تلاش دبیران و مدرسان هنرکشور هستیم. به دست دادن تولیدات و کتاب‌های هنری که به اصول و معیارهای جشنواره نزدیک باشند امری دشوار نیست؛ زیرا این انرژی فوق‌العاده برای بروز در این عرصه کاملاً موجود است و فقط به همراهی همکاران و ایجاد بستر به توسط مسئولان وابسته است.

شانزدهمین جشنواره کتاب‌های رشد در بخش فرهنگ و هنر دستاوردهای قابل اعتنایی دارد. هدف جشنواره، سامان‌دهی به منابع تربیتی و آموزشی است که دانش‌آموزان و معلمان به‌عنوان سرمایه‌ای ارزنده از کتاب‌های بخش خصوصی بهره لازم را در شکوفایی هر چه بهتر فرایند آموزش به کار بندند. اگر بخواهیم یک‌راست و بدون کلمه‌تراشی به سراغ اصل مطلب برویم، مأموریت جشنواره تحقق یک «مدل آرمانی» است که در کتاب‌های حوزه فرهنگ و هنر، ابتکار، خلاقیت و نوآوری متبلور می‌شود. این مدل آرمانی هر چند که دیرپای است اما دور از دسترس نیست. همواره و همیشه در کتاب‌ها شاهد رگه‌های ارزنده‌ای از مؤلفه‌های پیش‌گفته بوده‌ایم. در عین حال مسیر مطلوبی که باید طی شود باز پیش‌روی رهروان است.

ارزیابی کارشناسانه و نگاه تحلیلی به تولیدات کتاب‌های حوزه فرهنگ و هنر با رویکرد آموزشی این است که در این نوع از کتاب‌ها وجود نویسنده حرفه‌ای بسیار بسیار محدود دیده می‌شود. هر مؤلف یا فرهنگ‌ور یا هنرمند عزیزی بعد از دلدادگی به یک هنر یا پس از چند سال تدریس، به این فکر می‌افتد که یافته‌ها و دریافت‌های خود را در قالب کتابی قلم‌بند کند تا به همین‌سان دیگران نیز از تجربیات وی نیز بهره گرفته، در آن سهیم شوند. این نیت خوب و ارزنده گرچه گوشه‌ای از نیازهای کمک‌آموزشی هنر را در عرصه تعلیم و تربیت هنری پوشش می‌دهد اما بخش عمده آن را بی‌پاسخ می‌گذارد. همین نکته موجب می‌شود که در بررسی آثار و تولیدات و کتاب‌های هنری، هر ارزیاب منصفی نتواند به رضایت مورد نظر برسد و دلیل این امر نیز این است که کاستی‌های کتاب‌های تألیفی کم نیست.

برای رفع این کاستی مهم چه باید کرد؟ سال‌ها پیش در سازمان پژوهش دوره‌های تربیت مؤلف برگزار می‌شد. مخاطبان این دوره‌ها عموماً از همکاران فرهنگی باذوق و اهل قلم بودند. مدرسان تربیت معلم و حتی فضایی حوزه در آن شرکت می‌کردند. در آن دوره‌ها که ظرف دو تا سه هفته برگزار می‌شد؛ اصول کتاب‌نویسی با در نظر داشتن هدف‌های آموزشی و ویژگی‌های مخاطب به بحث گذاشته می‌شد. به نظر می‌رسد احیای این دوره‌ها برای



کتاب‌هایی شبیه روغن،

شامپو و برنج...

گزارش گونه‌ای از وضعیت کتاب‌های کمک‌درسی ریاضی



به تک تک کلمات آن باید فکر کرد، به محتوای آشکار و پنهانی که مطالعه آن به دانش آموز می‌دهد، باید توجه داشت، به فرهنگ آموزشی زیرپوستی آن باید حواسمان باشد؛ و خلاصه نوشتن چنین کتابی، از تدریس هم سخت‌تر است. مخاطب تدریس یک معلم، سی چهل نفر هستند؛ اما مخاطب هریک از این کتاب‌های کمک‌درسی، به صدها هزار نفر می‌رسند.

هنوز میان همه‌ی آدم‌ها در غرفه‌های کمک‌درسی هستیم. کتاب‌های مربوط به ریاضی دوره اول متوسطه بعضی از ناشران را برمی‌دارم و فقط روی جلد‌هایشان را می‌خوانم: «لقمه تیزهوشان ۱۰۰ نکته ریاضی هشتم هندسه»، «پرش معدل ریاضی ۹»، «کتاب کار ریاضی پایه ۷-۸م یک قدم تا ۲۰»، «با استفاده از نرم‌افزار واقعیت افزوده جواب تو مشتته دفتر ریاضی هشتم»، «آپ ریاضی ۷»، «کتاب‌های روبیک کتاب آموزش و تمرین ریاضی پایه نهم درس‌نامه کامل و جامع نمونه سؤالات بدون پاسخ حل مثال‌های مفهومی»، «ریاضی نهم آس»، «۴۰ قدم همراه با اپلیکیشن رایگان ۱۲۴ درس‌نامه آموزشی ۹۸۸ پرسش چهارگزینه‌ای ۱۲۰۰ دقیقه فیلم آموزشی»، «مجموعه کتاب‌های آیکو ویژه دانش‌آموزان برتر آموزش کامل + تست‌های مدارس برتر و سری IQ»، «تابستانه اولین کتاب با قابلیت دریافت کارنامه ویژه کار در تابستان هفتم به هشتم»، «کتاب کار و تمرین ریاضی ۸ درس‌نامه تمرین‌های فراوان و گوناگون پرسش‌های استاندارد چندگزینه‌ای و بیش از این‌ها برای چیرگی بر مفاهیم درسی»، «بانک سؤال هوش و استعداد تحلیلی نهم»، و ...

بگذارید هیچ چیز درباره محتوای کتاب‌هایی که واژگان روی جلد‌های آن‌ها این‌ها هستند، نگویم. حتی درباره فرهنگ یاددهی-یادگیری و عادت‌هایی که در آموزش این مملکت ایجاد کرده‌اند و می‌کنند نیز هیچ نمی‌گویم. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل!

به راستی به کجا داریم می‌رویم؟

در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران هستیم. مانند هر سال رفته‌ام سری بزنم و ببینم چه کتاب‌هایی به تازگی چاپ شده‌اند. همچنین سراغی بگیرم از ناشران قدیمی که سال‌هاست در حوزه آموزش بنام و مطرح هستند، ولی همچنان در نمایشگاه‌های کتاب، در غرفه‌های ناشران عادی حضور دارند. این دو سه ناشر غرفه‌هایشان کم‌وبیش پرمراجعه است و همیشه حرفی برای گفتن داشته‌اند.

کمی از سالن ناشران عادی دور می‌شوم و می‌روم به سمت سالن‌های ناشران آموزشی. کم‌کم ازدحام جمعیت بیشتر و بیشتر می‌شود. گویی وارد دنیایی دیگر شده‌ام! صف‌های طولانی سفارش کتاب، صف‌های خرید و پرداخت صندوق، همه‌ی هیاهو، پوسته‌های عجیب و غریب، واژه‌های متفاوت برای تبلیغ غرفه یا یک کتاب یا مجموعه کتابی خاص، و ... ظاهراً دنیای «کمک‌درسی» با دنیای نشر و کتاب بسیار تفاوت دارد.

شاید بگویند: خوب باید هم متفاوت باشد! کتابی که قرار است به‌صورت تخصصی به کمک آموزش کودکان و نوجوانان و جوانان بیاید، با یک کتاب عمومی برای مطالعه قطعاً تفاوت دارد، و ناشرش هم با یک ناشر عادی. ولی مگر ناشری که به‌صورت تخصصی برای احیای فرهنگ ایران و ایرانی، به چاپ کتاب‌های نفیس دست می‌زند، یا ناشری که به‌صورت تخصصی کتاب‌های تألیفی یا ترجمه‌ای فلسفه را منتشر می‌کند، یا ناشری که فقط در حوزه کودک کار می‌کند، کار تخصصی نمی‌کنند؟ خوب این‌ها هم دارند کار تخصصی می‌کنند و به‌رحال با ناشران عادی که تخصصی کار نمی‌کنند، تفاوت‌هایی دارند. ولی این همه تفاوت در حوزه کمک‌درسی، چرا؟ آنقدر که حتی واژه‌هایی که برای تبلیغ و معرفی به کار می‌روند، این قدر عجیب و دور از دنیای کتاب باشند؟ و شاید بیشتر نزدیک به دنیای کالاهای مصرفی، مانند روغن، شامپو و برنج؟!

آری! کتاب کمک‌درسی با کتاب معمولی تفاوت دارد و اتفاقاً نوشتن آن خیلی خیلی دشوارتر از نوشتن یک کتاب عادی است.



بازی یک ضرورت است، نه وسیله‌ای برای اوقات فراغت

نکته‌ای را ناگفته باقی نگذارید!

۲. تصویرگری کتاب‌های بازی و سرگرمی کاری بس تخصصی و حرفه‌ای است. برای این کار نباید عجله به خرج داد. تصاویر باید جذاب و زیبا باشند. علاوه بر آن نباید بی‌دقت رسم شده و باعث اشتباه مخاطب شوند. لازم است در تصاویر، حتی اندازه‌ها و فواصل و تقاطع خطوط و نیز فرم اشیاء به دقت رسم شوند تا کمترین ابهامی ایجاد نشود. حساسیت این کار به مراتب از حساسیت و دقت لازم در ترسیم اشکال کتاب‌های هندسه بیشتر است!

۳. از ایده‌های تکراری و کهنه شده حتی‌الامکان پرهیز کنید. معماهایی همچون یافتن نقاط اختلاف دو شکل مشابه، خطای دید، رسم یک شکل بدون برداشتن قلم از کاغذ و ... در مجلات دهه سی و چهل شمسی هم دیده می‌شدند!

۴. با طرح معماها و سرگرمی‌های وقت‌گیر و خسته‌کننده، تنها جذابیت کتابتان را کم می‌کنید! شمردن مثلث‌های یک شکل پیچیده و تودرتو احساس خوبی به کودک یا نوجوان نمی‌دهد!

۵. در برگردان لغات و اصطلاحات از زبان‌های بیگانه به فارسی بسیار دقت کنید. گاهی یک لغت در زمینه‌های گوناگون کاربردی خود، معانی مختلفی دارد. باید با اصطلاحات تخصصی این بخش و معادل‌های فارسی آن‌ها به خوبی آشنا بود و بعد دست به ترجمه زد!

به گمان من بازی و سرگرمی برای هر انسانی، از آغاز سن تشخیص تا پایان عمر، یک ضرورت است و نه تنها وسیله‌ای برای پر کردن اوقات فراغت. درواقع انسان اوقات فراغت ندارد! و بازی و سرگرمی خود هدف است. از بازی‌های سنتی و معمولاً گروهی دوران کودکی (لی‌لی و گرگم‌به‌هوا و ...) تا بازی‌های رایانه‌ای، همه و همه باید هدفمند و سنجیده انتخاب و اجرا شوند. البته در این میان کتاب‌هایی هم با هدف سرگرم کردن خواننده اغلب کودک و نوجوان تألیف و ترجمه شده‌اند و بسیاری از نشریات و به‌خصوص نشریات ویژه‌ی این سنین هم صفحه‌ای ویژه این منظور دارند. به نظر من این قبیل سرگرمی‌ها و بازی‌های مکتوب نخست باید به قدر کافی جذاب باشند تا کودک و نوجوان را جذب و ارضا کنند و دیگر آنکه کودک یا نوجوان و والدین احساس کنند که پس از چالش با این سرگرمی‌ها چیزی آموخته‌اند و یا مهارتی در آن‌ها تقویت شده است. برای رسیدن به این هدف، توصیه‌ام این است که موارد زیر در نگارش یا انتخاب این‌گونه آثار برای ترجمه، مدنظر قرار گیرد:

۱. اگر در کتاب معمایی مطرح می‌کنید یا از خواننده می‌خواهید کاری را انجام بدهد، تصویری رسم کند، مسیری را مشخص کند و ... برای او وضعیت موجود و شرایط حل معما و محدودیت‌ها را بدون کمترین ابهام و به روشنی بیان کنید تا به راحتی بتواند مسئله (معما) را حل کند. به بهانه پرهیز از اطناب کلام، هیچ



پنجره‌هایی به گلستان آسمانی

نگاهی به کتاب‌های قرآنی کودکان

نبرد پرندگان و فیل‌ها، تبدیل عصا به مار و ... حضور اثربخش حیوانات در داستان (دهد، پرنده‌های کوچک، شتر و ...) همیشه برای کودکان جذاب بوده‌اند. داستان‌های قرآن نقش برجسته‌ای در رشد اعتقادی، اخلاقی، تربیتی و ذهنی کودکان دارند.

این روزها که بحث «فلسفه برای کودکان» مورد اقبال عموم است، داستان‌های قرآن از این نظر نیز جالب‌اند و خیلی خوب می‌توانند به این حوزه کمک کنند. کودکان در این داستان‌ها با شخصیت‌هایی آشنا می‌شوند که با تکیه بر ایمان به خدای مهربان و با تلاش و پشتکار همراه با صبر، بحران‌های متعدد را پشت سر می‌گذارند و به پیروزی می‌رسند.

داستان‌های قرآنی را می‌توان به شکل کامل یا با انتخاب برخی از بخش‌های آن داستان بیان کرد. مثلاً از داستان حضرت ابراهیم(ع)، فقط ماجرای برخورد ایشان با بت‌پرستان و شکستن بت‌ها را بگوییم و به شکل غیرمستقیم به ارزش توحید اشاره کنیم.

در داستان‌های قرآنی لازم است از منابع معتبر بهره بگیریم و از خیال‌پردازی‌های بیش از اندازه که ما را از هدف اصلی داستان دور می‌کند، بپرهیزیم.

کتاب‌هایی که تاکنون برای آشناسازی کودکان با قرآن کریم نوشته شده‌اند، به چند دسته تقسیم می‌شوند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: دانش‌نامه‌ها، داستان‌های قرآن، ضرب‌المثل‌های قرآن و آثاری که به موضوع خاصی از قرآن کریم اشاره دارند؛ مانند گیاهان قرآنی.

شکی نیست که پژوهش‌ها و نگارش‌های قرآنی تعطیل‌بردار نیستند و در هر برهه‌ای، نویسندگانی پیدا خواهند شد که با نگاهی نو، پنجره‌ای نو به سوی این گلستان آسمانی خواهند گشود. قرآن کریم کتابی است ابدی (برای همه نسل‌ها و عصرها) و جامع (دربردارنده همه بنیان‌های اعتقادی و اخلاقی). همین دو رکن مهم، زمینه‌ساز آفرینش آثار متنوع و متعددی شده‌اند و خواهند شد.

بین آثار قرآنی، داستان‌های قرآنی بیشترین سهم را به خود اختصاص داده‌اند. کودکان نیز به این بخش علاقه بیشتری نشان می‌دهند. داستان‌های قرآنی به خاطر داشتن شخصیت‌های متنوع و گاه متضاد (پیامبران و حاکمان ظالم؛ خداپرستان و بت‌پرستان؛ و...) فضاهای متنوع (کوه، دریا، غار، چاه، شکم نهنگ و...) پدیده‌های متنوع (سیل، توفان، زلزله، آتش‌سوزی و...) ماجراهای شگفت‌انگیز و خارق‌العاده (شکافته شدن دریا،



اهمیت زبان و ادبیات در جذابیت منابع آموزشی



ادبیات فارسی سند افتخار ملت بزرگ ما و چکیده تمام آمال و اندیشه‌های جامعه ایرانی در طول تاریخ پرفراز و فرود خویش است. آثار گران سنگ ادبی شاه‌کلید دستیابی به گنجینه‌های ارزشمند هویت ایرانی و اسلامی تلقی می‌شود و عامل پیوند میان مردم فارسی زبان در همه کشورها به شمار می‌آید.

شعر و نثر فارسی را نباید صرفاً از منظر هنر کلامی و بیانی نگریست، زیرا ادبیات محصول تجربه‌های زیسته بشری در تمام ابعاد زندگی است که رنگ هنری به خویش گرفته است تا پایدار و زیبا بماند. افسانه و تاریخ، علم و دین، سیاست و اجتماع، ناسوت و ملکوت، روپا و واقعیت و به‌طور عام، تمام آموزه‌ها و احساسات آدمی در ادبیات تجلی آشکاری دارند.

از دیدگاه هرمنوتیک، شاید اساسی‌ترین ویژگی اجتماعی ادبیات، پیام‌رسانی و آموزش جنبه‌های گوناگون زندگی به شیوه‌ای غیرمستقیم باشد. امروزه کارکردهای گوناگون ادبیات را میتوان در پاسخگویی به نیازهای متفاوت جامعه به روشنی دید؛ از جمله در ادبیات کودک، ادبیات نوجوان، ادبیات عامه‌پسند، ادبیات رسانه‌ای و در فرم‌های متفاوتی از قبیل قصه، داستان، فیلمنامه، وبلاگ و حتی ترانه و سرود؛ با این تفاوت که در دوران جدید مفاهیم و اهداف گوناگون بیشتر به صورت پوشیده و از طریق دلالت ضمنی به مخاطبان القا می‌گردد.

همین ویژگی ادبیات است که اهمیت توجه به آن را در اجتماع امروزی بسیار ضروری ساخته است. هجوم فراگیر افکار و اندیشه‌های متفاوت و متعارض و تأثیر شدید رسانه‌های مختلف، در بسیاری از موارد فرزندان و خانواده‌ها را درگیر بحران‌ها و تنش‌های عمیق و احتمالاً زیان‌بار نموده است. اگر نخواهیم از واژه «استحالة فرهنگی و اجتماعی» استفاده کنیم، لاقلاً می‌توانیم انواع تعارضات فرهنگی و اجتماعی را به روشنی در سطوح متفاوت اجتماعی و به اشکال مختلف ببینیم.

بی‌تردید اگر بخواهیم عوامل اتحاد و انسجام فرهنگی و اجتماعی در مباحث آموزشی و تربیتی را ریشه‌یابی کنیم، یکی از مهمترین زمینه‌های آن ادبیات ملی ماست. ادبیاتی که از لایه‌های مادرانه شروع می‌شود و با قصه و داستان و حماسه و افسانه و اسطوره تا نمایش و فیلمنامه ادامه می‌یابد. خلاصه آنکه ادبیات در تمام دوران زندگی و در تمامی اجزای زندگی اجتماعی به نحوی از انحاء حضوری پررنگ دارد.

برآیند مجموع تلاش‌ها و اقدامات وزارت آموزش و پرورش و به تبع آن، تمامی واحدهای این نهاد عظیم، برآوردن نیازهای آموزشی و تربیتی فرزندان این مرز و بوم و گسترش سواد اطلاعاتی و به‌روز در میان آینده‌سازان ایران زمین است. پیچیدگی‌های فناوری‌های نوین و گسترش دسترسی به رسانه‌های دیداری و شنیداری، لزوم اتخاذ روش‌های تازه‌ای در امر آموزش و پرورش را دو چندان کرده است. در سال‌های اخیر شاهد تلاش گسترده دست‌اندرکاران امر آموزش در به‌کارگیری شیوه‌های نوین و ایجاد تحول اساسی در روش‌های آموزشی و تربیتی هستیم و گواه این امر تغییرات بنیادینی است که در ساختار مقاطع تحصیلی و تدوین منابع آموزشی و پرورشی پدید آمده است.

ناگفته پیداست که صرف تغییر مقاطع تحصیلی و منابع آموزشی و حرکت نظام آموزشی براساس این تغییرات و سرفصل‌ها نمی‌تواند تمام اهداف و آرمان‌های سیاست‌گذاران آموزشی را برآورده سازد. در کنار آموزش رسمی و کلاسی، منابع دیگری تدوین یا تأیید می‌شوند که برای قشر عظیم دانش‌آموزان و اولیای آن‌ها و تمامی کسانی که به نوعی دست‌اندرکار امر تعلیم و تربیت هستند، آگاهی‌بخش و تأثیرگذار باشند. شاخص‌ترین مصداق این ادعا برگزاری جشنواره رشد کتاب‌های درسی است که قریب دو دهه سابقه دارد و نشان‌دهنده عزم جدی مسئولین ذیربط در شناسایی و معرفی آثار و تولیداتی است که با توجه به نیازهای روز مخاطبان و همسو با اهداف نظام آموزشی پدید می‌آیند.

این تولیدات عموماً به شیوه‌ای ضمنی و غیرمستقیم به عرصه تعلیم و تربیت پیوند می‌خورند. بی‌تردید یکی از سنجه‌های تأیید اعتبار این آثار تطابق آن‌ها با ویژگی‌های زبانی، ادبی، نگارشی و ویرایشی زبان فارسی است؛ تا علاوه بر همسویی با جهت‌گیریهای اتخاذ شده از طرف نظام آموزشی، شیوه بیانی متناسب با شرایط مخاطب خود داشته و هنر و خلاقیت و ابتکار در روش‌های ارائه محتوا را به کار گرفته باشند. طبعاً چنین آثاری جذاب‌تر، سودمندتر و قابل پذیرش‌تر خواهند بود.

نتیجه آنکه در تولید چنین آثاری ضرورتاً ادبیات، زبان و هنر بیان تأثیری غیرقابل انکار در جلب مخاطب و نیل به اهداف والای آموزشی و تربیتی خواهد داشت. بنابراین بایسته است تولیدکنندگان و ناشران محترم، همسو با وزارت آموزش و پرورش، این موازین ادبی، هنری و بیانی را در آثار و محصولات فرهنگی خویش به کار گیرند.



بازار نشر در سیطره ترجمه‌های ضعیف

داوری کتاب‌های رشد برای هر داور فرصت مناسبی است تا شمایی کلی از کتاب‌هایی که برای کودکان و نوجوانان چاپ می‌شوند، به دست بیاورد.

در داوری امسال آنچه برای من ناراحت‌کننده بود، کمبود کتاب‌های تألیفی در مقابل کتاب‌های ترجمه‌ای بود. من مخالف ترجمه نیستم که حتی آن را برای ادبیات کودک و نوجوان ایران ضروری می‌دانم؛ چرا که کتاب‌های خوب بخشی از میراث فرهنگی تمام ملت‌ها هستند. اما اگر در جامعه‌ای دیدید که تعداد کتاب‌های ترجمه‌ای بر کتاب‌های تألیفی می‌چربد، نشان از این دارد که آن سرزمین قادر به تولید فراورده‌های فرهنگی نیست و این خود ضعف بزرگی است. به اعتقاد من، روح هر سرزمینی با روح سرزمین دیگر فرق دارد و طبعاً هر سرزمینی خوراک فرهنگی خاص خودش را نیاز دارد. وقتی جامعه‌ای نتواند خوراک مناسب روح سرزمین خودش را تأمین کند، نشان از ضعف آن جامعه خصوصاً در بخش فرهنگی دارد.

متأسفانه این روزها بازار نشر پرشده است از کتاب‌های ترجمه‌ای. به‌خصوص آنچه به‌عنوان مجموعه یا سریال وارد بازار نشر می‌شود، گاهی چنان ضعیف است که حتی نمی‌شود نام ادبیات بر آن گذاشت. این‌ها نه تنها چیزی به ذهن کودک و

نوجوانان ما اضافه نمی‌کنند، بلکه باعث می‌شوند آنچه هم دارند، از آن‌ها گرفته شود. البته نمی‌توان منکر چاپ آثار ترجمه‌ای خوب هم شد، اما به نظرم سیطره در دست آثار بی کیفیت و ضعیف است.

مشکل وقتی حادث می‌شود که می‌بینیم، بعضی از دوستان نویسندگان با توجه به پسند ناشر و بازار رو به‌سوی نوشتن چنین آثاری آورده‌اند که گاهی حتی از آثار خارجی هم ضعیف‌ترند. به‌هرحال اگر فکری به حال تألیف شود و بازار از آثار خوب و ماندنی پر بشود، چنین آثار ضعیفی نمی‌توانند این‌گونه ذهن مخاطب و حتی نویسندگان را درگیر خودشان کنند. به نظرم باید یک آسیب‌شناسی جدی در این زمینه انجام شود تا ببینیم اشکال کار کجاست.

هرچند هدف اصلی امسال جشنواره رشد حمایت از آثار تألیفی بود، اما این کافی نیست. باید کارهای اساسی‌تری در این زمینه کرد. لازمه این کار هم آن است که با نظرخواهی از مؤلفان، منتقدان و کسانی که متصدی تولید کتاب کودک هستند، چاره‌ای اساسی اندیشید؛ آن‌هم با یک برنامه درست و درازمدت. امید که این اتفاق بیفتد و خوراک روح جامعه ما توسط مؤلفان داخلی تهیه شود.



کتاب‌ها را ساده، کاربردی و کم‌حجم بنویسیم

- استثنایی هم‌سویی بیشتری داشته باشند.
- کتاب را ساده و روان بنویسند و از ارائه حجم زیاد مطالب خودداری کنند.
- ساختار کتاب‌های تألیفی بر اساس پایه‌های نظری نیست و درواقع برش یا بخشی از موضوع است. بر همین اساس کتاب‌های مزبور برای خواننده مفید نیستند.
- به یکسان‌سازی واژه‌ها در کتاب‌های تألیفی توجه بیشتری شود.
- با توجه به تغییرات گسترده در طبقه‌بندی و نوع ارائه خدمات به دانش‌آموزان استثنایی، کتاب‌های جدیدی ترجمه شوند و از چاپ کتاب‌های ترجمه‌ای قدیمی جلوگیری شود.
- کتاب‌هایی در خصوص آگاهی‌سازی جامعه در مورد شناخت هرچه بیشتر دانش‌آموزان استثنایی به زبان ساده تألیف شوند.
- در کتاب‌های تألیفی و ترجمه‌ای، بخش منابع به‌طور کامل مورد توجه قرار گیرد.
- قبل از تألیف و ترجمه کتاب‌ها از دست‌اندرکاران، والدین و جامعه دانشگاهی نیازسنجی به‌عمل آید.
- به کتاب‌های کاربردی توجه بیشتری شود.

ضمن تشکر از تمامی اهل قلم، ناشران و کسانی که در حوزه آموزش به کودکان و دانش‌آموزان استثنایی فعالیت دارند مانند متخصصان، معلمان، مربیان، دانشجویان و والدین، از نکات قابل توجه در کتاب‌های معرفی شده از سوی ناشران برای داوران در حوزه استثنایی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- بیشترین عنوان‌های کتاب‌ها در خصوص معرفی، روش‌های مداخله‌ای، ارتباط و ... در مورد افراد دارای اختلال طیف اتیسم و مشکلات ویژه یادگیری، و کمترین توجه به کتاب‌ها در حوزه کم‌توان ذهنی و چندمعلولیتی جسمی- حرکتی بود.
- کمترین توجه به دوره نوجوانی و آموزش‌های این دوره برای تمامی گروه‌های کودکان و دانش‌آموزان استثنایی شده بود.
- کتاب‌های کاری که برای دانش‌آموزان استثنایی تألیف شده بودند، متأسفانه از هرگونه نگاه تخصصی و ویژه خالی بودند.
- نکاتی که توجه به آن‌ها باعث رشد هرچه بهتر کتاب‌های این حوزه می‌شود، به شرح زیرند:
- از ترجمه و تألیف کتاب‌های تکراری بپرهیزند.
- مباحث کتاب‌ها با نیازهای آموزش و پرورش دانش‌آموزان



کودکان بدون مرز، سیال و آزاد به دنیا می‌آیند

گفت‌وگو با دکتر عبدالعظیم کریمی

نویسنده کتاب «بازی و فراغت به مثابه خلاقیت و معنویت»

دکتر عبدالعظیم کریمی، مدیر مطالعات بین‌المللی تیمز و پرلز در ایران و عضو هیئت علمی پژوهشگاه تعلیم و تربیت است. کتاب‌های «در ستایش هیچ‌آموزی»، «تربیت چه چیز نیست»، «تربیت به مثابه بودن»، «آموزه‌های غیرمنطقی»، «مدیریت چه چیز نیست»، «تعلیم و تربیت نامرئی»، «کودک و مدرسه»، «فضیلت ناپادگیری»، «آسیب‌شناسی آموزش خلاقیت»، «تربیت در آینده تأویل خویش»، «ناباب و نایاب»، «راهبردها و روش‌های سلبی در آموزش» و «روان درمانی سلبی» از جمله آثار ارزشمند اوست. دل‌مشغولی وی کارهای تربیتی و روان‌شناختی در فضاهای غیررسمی است. وی کتاب «بازی و فراغت به مثابه خلاقیت و معنویت» را بهترین ترجمان افکار خود می‌داند و معتقد است باید در فضایی گشوده و عاری از هرگونه رسمیت و قید و بندهای بازدارنده، به مسئله تربیت پرداخت که بهترین بستر آن بازی است.

کنم، اما دغدغه‌های شخصی‌ام مسائل تربیتی، ادبی و عرفانی بود. در مجموع، این حیطه‌های دانشی و بینشی فضایی ایجاد کردند که به سیاه‌مشق‌های تألیفی که با یک ذوق ناهلی و وحشیانه همراه است، تن دادم.

■ کتاب «بازی و فراغت» چگونه خلق شد؟

من حقیقتاً از هر کار رسمی و جدی به معنای اینکه انسان را از سیال بودن، خلاق بودن و فضای گشوده باز می‌دارد، بیزارم. هر چه رسمی شود، از ریشه خشک می‌شود. با تجربه زیسته و مطالعات پراکنده به این نتیجه رسیده‌ام که نقطه عطف تحول افراد در کشف و پدیدآیی خلاقانه یک تفکر، در بزنگاه «بازی» بوده است. بازی فعالیتی خودجوش است که هدفی جز آنچه در ذاتش هست، ندارد. اما بزرگ‌سالان به نام تعلیم و تربیت، حتی به بازی‌های نونهالی نیز رنگ رسمیت آموزشی داده‌اند. مثلاً می‌گویند: چطور هنگام بازی به کودک جدول ضرب بیاموزیم. کتاب من معکوس این تعلیم و تربیت است. بازی به معنی یک فعالیت بی سر و ته، بی جهت و آزاد است.

■ شما برای ما چهره شناخته شده‌ای هستید. اما علاقه‌مندیم معرفی‌تان را از زبان خودتان بشنویم.

«مرد آن است که در سینه بُود نه در کیسه بُود». من در روستایی به دنیا آمدم که در حد فاصل استان مرکزی و اصفهان و در ناکجآباد است. در نقشه اسمی از آن نیست و دچار نوعی خودکم‌بینی مکانی هستم. در واقع بچه پشت کوه هستم و از پشت کوه آمده‌ام. از کودکی تا پنجم ابتدایی در روستای خودمان بودم. چون آنجا کلاس ششم نداشت، باید به شهر رفت و آمد می‌کردم. اما چون فقر بر خانواده ما حاکم بود، این امکان نبود و پدرم مجبور شد مرا به تهران بیاورد تا روزها کار کنم و شب‌ها درس بخوانم. بعد از پایه پنجم، دوره‌های بعدی تحصیلم در مدرسه شبانه گذشت. در دوره فوق‌دیپلم در رشته «ایمنی صنعتی» در دانشگاه پذیرفته شدم و در ادامه بعد از وقفه چند ساله (دنبال کردن رسالت‌های اجتماعی و انقلابی)، به ادامه تحصیل در رشته علوم تربیتی (کارشناسی) و روان‌شناسی تربیتی (کارشناسی ارشد و دکترا) پرداختم. روان‌شناسی کمک کرد ذهنم را با صورت‌بندی‌های علمی و قالب‌های دانشگاهی تنظیم



تقوا یعنی
پارسایی ذهن و
دل و این زمانی
حادث می‌شود
که از دغدغه‌های
شخصی، کار،
اجبارها و مادیات و
آنچه که به ما هویت
کاذب داده است،
آزاد شویم

بازی به معنای لحظه‌رهایی انسان از انجماد و انسداد ذهنی است. به معنای play است و game نیست. بازی باعث توسعه ظرفیت ذهنی کودک می‌شود، اما آموزش موجب مسدود و محدود شدن می‌شود. ابتدا باید ذهن را بسط دهیم و راه بسط ذهنی، بازی است. «الَّذِي خَلَقَ فَسَّوَّى»، ابتدا که خدا خلق می‌کند، توسعه، تعدیل و تنظیم می‌کند. بعد از آن فرمود: «الَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى». به این معنا که بعد از استعدادگستری و استعداددورزی، استعدادسنجی می‌کنیم و جهت می‌دهیم. بعد از هدایت نیز شکوفایی رخ می‌دهد: «وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى». ما فارغ از همه تعالیم دینی و آموزه‌های قرآنی، می‌خواهیم زودتر از موعد فطری، در کودکی دست به کار رسمی برای تربیت جهت‌دار شده بزنیم که خطری بزرگ است. در این شرایط بود که احساس اضطراب و اضطراب کردم و تصمیم به نوشتن این کتاب گرفتم. هیچ‌کدام از کتاب‌هایم را از روی تفنن ننوشته‌ام.

■ بازی به معنای play چه تفاوتی با بازی به معنای game دارد؟

play فعالیتی آزاد، خودانگیخته، خودجوش و لذت‌بخش است که هدف آن در خود آن است. هیچ مخترع، نویسنده و عنصر خلاق و کاشفی در لحظه کشف و اختراع به فکر کشف و اختراع نیست. یعنی در یک عالم خلسه و فراغت ناب به یکباره تجلی و ایده‌ای به ذهنش می‌رسد که ما به آن لحظه، بازی می‌گوییم. این برداشت و خوانش از بازی، به یکباره در ذهنم جرقه‌ای زد که با نگاهی متفاوت بازی را به عنوان جدی‌ترین فعالیت بازی‌گونه یا پرمشغله‌ترین فعالیت بی‌مشغله مطرح کنم. در واقع با این انگیزه شروع به تدوین یک مجموعه گفتارهای «پارادوکسیکال»، ناباب، نایاب، نامأنوس و نامألوف با آنچه که در گفتمان‌های رایج از بازی گفته می‌شود، پرداختم که نتیجه آن این کتاب بود.

■ در کتاب گفته‌اید: «زمانی که کودک را به بازی وادار می‌کنیم، یا از بازی به نفع آموزش و تربیت آن‌ها بهره می‌گیریم، مرگ بازی آغاز می‌شود»، این به چه معناست و آیا در تناقض با روش‌های تدریس مرسوم نیست؟

کودک‌آزاری فقط به معنای آزار جسمی، سوءاستفاده جنسی و استثمار نیست. خطرناک‌تر از همه این‌ها، سوءاستفاده از نیازهای روان‌زادی و فطری کودک در جهت خواسته‌های خودمدارانه، آرزوهای فروخورده و تجربه‌های نازیسته خود (والدین و بزرگسالان) است. زمانی که کودک در بازی و نقاشی بی‌جهت و بدون الگو کنش‌ورزی می‌کند، در اینجا فاعلیت دارد. ولی زمانی که ما به او قالب می‌دهیم و می‌گوییم که از چی نقاشی کند یا چطور بازی کند، کودک منفعل می‌شود. یعنی فاعل، الگوی بیرونی می‌شود و کودک فقط طبق قواعد بیرونی ذهن خود را جهت می‌دهد.

باده از ما مست شد نی ما از او

قالب از ما هست شد نی ما از او

تربیت عمل نیست، عکس‌العمل است. یعنی بزرگسال باید تابع عمل کودک باشد. عمل از جانب کودک باشد و ما عکس‌العمل

نشان دهیم و منفعل باشیم. زمانی که کودک در حال خود نقاشی و بازی می‌کند، عمل است، اما وقتی ما او را جهت و سامان می‌دهیم، او عکس‌العمل می‌شود و آنچه ما می‌خواهیم را منعکس می‌کند. زمانی که مداخله ما شروع می‌شود، مداخله کودک تعطیل می‌شود. این کار بزرگ‌ترین خیانت و انحراف و نوعی فاجعه دلسوزانه و البته مهربانانه، ولی در ذاتش سنگ‌دلانه است که ما نسبت به فرزند یا کودک انجام می‌دهیم. موقعی که کار ما با کودک آغاز می‌شود، کار کودک با خود تعطیل می‌شود. موقعی که هدایت، کنترل و نظارت ما شروع می‌شود، خودکنترلی، خودنظارتی و خودگستری کودک تعطیل می‌شود.

■ در مدل تربیتی مد نظر شما، معلم یا مربی چه نقش و جایگاهی دارد؟

معلم کنش‌یار است. کودک را یاری می‌دهد تا کنش‌گذاری کند. اما در تعلیم و تربیت ما اتفاقی وارونه رخ می‌دهد و معلم کنش‌گذار و کودک کنش‌پذیر می‌شود. معلم باید لحظه به لحظه و هوشمندانه مراقب باشد که کاری انجام ندهد. به محض اینکه کودک به بازی خود هوشیار می‌شود، از بازی خارج می‌شود. لازم است معلم به عنوان یک مراقب بازدارنده، مانع مداخله‌هایی باشد که روند طبیعی و ارتجالی کار خلاق را به هم می‌زنند. سخت‌ترین کار هم همین است که آب را گل نکنیم.

■ چرا در عنوان و همین‌طور درونمایه کتابتان، بازی و فراغت را به مثابه خلاقیت و عبادت مطرح کرده‌اید؟

پیشانی این کتاب آیه «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ» است. یعنی آن موقع که فارغ می‌شوی و از خود منفصل می‌شوی، می‌توانی متصل شوی. لازمه اتصال، انفصال از رسمیت‌ها، تکلف‌ها، دغدغه‌ها و دل‌مشغولی‌های فروکاهنده روزمره است. نام کتاب «بازی و فراغت به مثابه خلاقیت و معنویت» است. یعنی اگر کسی واقعاً بتواند به مقام بازی برسد، از خود بی‌خود شده است. کودک هنگام بازی، غرق در آن عمل است و خود را فراموش می‌کند. ما موقعی می‌توانیم عبادت کنیم که از خود رها شویم. تقوا یعنی پارسایی ذهن و دل و این زمانی حادث می‌شود که از دغدغه‌های شخصی، کار، اجبارها و مادیات و آنچه که به ما هویت کاذب داده است، آزاد شویم. کتاب یک لایه عرفانی، یک لایه عبادی و یک لایه علمی، به معنای کشفیات علمی دارد. یک لایه برای بچه‌ها و یک لایه هم درباره بچه‌هاست. هر کسی از منظری می‌تواند برداشت خود را از این کتاب داشته باشد.

■ مخاطب بازی و فراغت در کتابتان شامل چه گروه سنی است؟

بازی به معنایی که در کتابم تعریف شده، یک کنش دایمی درون‌زای انسانی است و تقویم سنی ندارد. مخاطب آن افراد عام‌امی هستند؛ عام‌هایی که هنوز آلوده نشدند.

■ به نظر می‌رسد کتاب شما هم یک بازی است. درست است؟ درود بر شما. این کتاب هم نوعی بازی است. یک قطره روی

رشد جوانه
 شماره ۶۱
 پاییز ۱۳۹۷



بازی یعنی فعالیت

بدون غرض و
به همین خاطر
یک هنر است. تا
زمانی که آموزش از
رسمی به غیررسمی
و برنامه‌ریزی
درسی از آشکار
به پنهان تبدیل
نشود، هیچ‌گاه به
هدف‌های تربیتی
معنی‌دار فطری به
معنای اصیل آن
وارد نمی‌شویم

به هیچ وجه سراغ این کتاب نروند و این کتاب را نخوانند؛ زیرا با آنچه که هستند، بیگانه می‌شوند. این بیگانگی به یگانگی‌شان منجر می‌شود و این یگانگی، کار دستشان می‌دهد.

■ چه اندازه از کتاب بازی و فراغت استقبال شده است؟

من دو نوع کتاب دارم: ابتدا کتاب‌هایی می‌نوشتیم که علمی و قابل لمس بودند و استقبال زیادی از آن‌ها می‌شد. سپس کتاب‌هایی که در چند سال اخیر می‌نویسم و دلخواه من هستند. می‌دانم مخاطبشان کم خواهد بود، اما همان مقدار نیز کیفی‌اند. اگر این کتابم (بازی و فراغت) به سرعت به چاپ دوم برسد، من در کتابم شکست خورده‌ام. چون معلوم است که مخاطب، کتاب را نفهمیده است. لذا بعید می‌دانم از این کتابم استقبال شود. به این خاطر که کتاب با زبانی بیگانه با زبان رایج است و آن کسی که با این کتاب اهلیت یافت، یگانه می‌شود. و در دوران عادت‌زده و هنجار شده‌ما، سخت است که بخواهیم با این زبان ناهنجار انس و الفت بگیریم. لذا باید ببینیم در طی مسیر چه رخ می‌دهد.

■ با کاربست کتاب شما در عرصه تربیت چه اتفاقی می‌افتد؟

سؤال خوب و خطرناکی است. هنگام اجرای آن، ابتدا با مقاومت هنجارهای حاکم، افکار عمومی و نزدیکانتان روبه‌رو می‌شوید که چرا این بچه بلد نیست خوب نقاشی بکشد یا شعر آموزنده بخواند. غافل از اینکه این بچه فعلاً در حال توسعه ظرف است. در این حوض آب نیست، اما ما در حال کاویدن حوض هستیم تا آن را عمیق‌تر و وسیع‌تر کنیم. تربیت بچه در چنین فضایی، ابتدا پسرفت است، اما پیشرفتی مضاعف را در پی دارد. یک گام پس و دو گام به پیش.

■ می‌خواهم خودتان کتابتان را نقد کنید.

نقد من بر کتابم، می‌تواند هم حسن و هم عیب باشد. این کتاب به زبان کاربردی نوشته نشده است. منطق ساختاری و ساختار منطقی ندارد. این کتاب به جای مبنای علمی و پژوهشی، بیشتر ذوقی، ادبی و عرفانی است و برای مربیان و والدین توصیه‌ها و پندهای شفاف و مستقیم ندارد. اگر این‌طور بود، با سبک من هم‌خوان نبود. صحبت‌های من فله‌ای، وحشی و فارغ از آداب و ترتیب منطق جاری است. حرف‌هایم تدوینی و پایش شده نیست؛ تکوینی و زاینده است. حتی نقدی که بر کارگاه‌هایم می‌شود، این است که قانع کننده نیست. به عمد قانع نمی‌کنم. اگر در کارگاهم همه را قانع کنم، یک قتل فکری انجام داده‌ام. چرا که اقتناع یعنی ایستایی تفکر که مانع پویایی و تحرک فکر است. وظیفه معلم بر هم زدن اقتناع شده‌هاست.

■ و سخن آخر؟

سخن آخرم این است که آخری در کار نیست. تازه آغاز است. شهامت زیادی می‌خواهد که انسان جدی نباشد و همچون کودک رها باشد و این قهرمانانه‌ترین کنش یک انسان است که از جدیت فرو بشکند و از تکلف به در آید.

کاغذ پهن می‌شود و به مرور تمام کاغذ را فرا می‌گیرد. یک جمله اتم‌واژه را می‌گیرم و آن خود به خود پخش می‌شود. جوهر وقتی پخش می‌شود، بی‌مرز و بی‌هدف است. من برای جوهر، قالب تعیین نمی‌کنم. اراده نمی‌کنم و قصد و غرضی ندارم.

چون غرض آمد، هنر پوشیده شد

صد حجاب از دل به سوی دیده شد

بازی یعنی فعالیت بدون غرض و به همین خاطر یک هنر است. تا زمانی که آموزش از رسمی به غیررسمی و برنامه‌ریزی درسی از آشکار به پنهان تبدیل نشود، هیچ‌گاه به هدف‌های تربیتی معنی‌دار فطری به معنای اصیل آن وارد نمی‌شویم و همواره در رسمیت‌های تکلیف‌مدار، سرمایه‌گذاری‌ها را به هدر می‌دهیم. کودک بدون مرز به دنیا می‌آید، اما ما او را مرزبندی می‌کنیم. کودک سیال به دنیا می‌آید، اما ما او را مسدود می‌کنیم. کودک آزاد به دنیا می‌آید، اما ما او را اسیر می‌کنیم. به قول مولوی:

خویشتن نشانخت مسکین آدمی

از فزونی آمد و شد در کمی

کودک با فزونی می‌آید و ما او را می‌کاهیم. صداقت کودک، دروغ شد. کنجکاوی کودک، نمره و رتبه شد و پرسش‌مداری کودک به پاسخ‌مداری درسی تبدیل شد.

■ چرا در عنوان بسیاری از آثار شما عبارتهای سلبی به کار رفته‌اند؟ از جمله: «چگونه جدی نباشیم؟»، «تربیت چه چیز نیست»، «در ستایش هیچ‌آموزی».

حقیقتاً من در مورد تربیت، از الهیات سلبی کمک گرفتم که چه کار نکنیم. فطرت ما پاک است و بُن ما الهی است. «تَفَحُّثُ فِیْهِ مِنْ رُوحِی». همه پاک‌ی‌ها و خلاقیت‌ها در وجود ما به ودیعه نهاده شده‌اند. ما با مداخلات محدود و مسدود خود، این کودک را از راه فطرت به در نبریم. هزار تیم مراقبتی می‌خواهد تا مواظب باشیم در این جوی آب، کسی چیزی نریزد و آن را آلوده نکند. شما در تربیت می‌توانید بخواهید، اما در تربیت نکردن خواب هم ندارید. دائماً باید بیدار باشید. لذا تربیت نکردن و مداخله نکردن به معنای بی‌عاری، لالایی‌گری و بی‌کاری نیست، بلکه صدها برابر مراقبت، انرژی و فعالیت بیشتر می‌خواهد.

■ آیا افرادی بوده‌اند که در نوشتن از آنان تأثیر و ایده گرفته باشید؟

قطعاً بوده‌اند، اما ناهشیار است. یعنی ای بسا من مطلبی را خوانده باشم و در ذهنم اثر گذاشته باشد و بعدها به‌صورت ناخودآگاه از آن اثر به ایده‌ای رسیده باشم، اما ندانم که متأثر از آن اثر است. اگر بخواهم هشیارانه نام ببرم، ممکن است در حوزه روان‌شناسی از پیاز، و در حوزه فلسفه از گادامر (که بازی را رها شدن از خود می‌داند) و در عرفان از عارفان بزرگی چون مولوی و خیام که در کتابم هم از آنان نقل قول داشته‌ام، اثر پذیرفته باشم.

■ با افرادی که علاقه‌مندند کتابتان را مطالعه کنند، چه صحبتی دارید؟



می‌گویند زیاد سخت می‌گیری!

گفت‌وگو با سوسن طاقدیس، نویسنده قصه‌های «گیلی گیلی»

سوسن طاقدیس، نویسنده کتاب‌های کودک و نوجوان، سال ۱۳۳۸ در شیراز به دنیا آمد. فعالیت داستان‌نویسی حرفه‌ای خود را با نوشتن داستان «بابای من دزد بود» در مجله کیهان بچه‌ها آغاز کرد. او آثار متعددی در حوزه ادبیات کودک و نوجوان نوشته که برای بسیاری از آن‌ها جایزه‌های معتبری هم گرفته است. «قدم یازدهم»، «زرافه من آبی است»، «پشت آن دیوار آبی»، «تو هم آن سرخی را می‌بینی»، «دخترک و فرشته‌اش»، «بزغاله‌های سبز»، «یکی بود»، «دست‌ها از خاک روییدند» و «جوراب سوراخ» تعدادی از آثار او هستند.

خانم طاقدیس از جمله نویسندگانی است که بر کار کودک و نوجوان تمرکز کرده و علاوه بر داستان، شعر هم برای کودکان سروده است. جایزه کتاب جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۶ برای کتاب «قدم یازدهم» بر رأس تابلوی افتخارات او نشسته است. علاوه بر آن، جایزه‌هایی چون لوح تقدیر دانشگاه الزهراء (س) برای مجموعه فعالیت هنری، لوح سپاس از «مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری» سال ۱۳۷۹، جایزه پروین اعتصامی برای کتاب «شما یک دماغ زرد ندیدید؟» در سال ۱۳۸۴ دریافت کرده است. به تمام این بهانه‌ها و به بهانه مجموعه کتاب‌های «گیلی گیلی» گفت‌وگوی مختصری با این بانوی نویسنده داشته‌ایم که دعوت می‌کنیم حاصل آن را بخوانید.

■ بازخوردهایی هم از طرف مخاطب گرفته‌اید؟ اینکه چقدر با این نوع قصه‌ها ارتباط برقرار می‌کنند؟
به نظر من این نوع شخصیت‌ها باید بیشتر در قصه‌ها نمود داشته باشند و آن هم نه در یک کتاب و چند قصه. از این نوع شخصیت‌ها به آسانی می‌توان صدها قصه ساخت و از آن‌ها به‌عنوان یک همراه ماندگار اسم برد. در حالی که قصه‌های پراکنده این تأثیر را ندارند.

■ به نظر می‌رسد داستان‌های مجموعه‌ای که به صورت دنباله‌دار و مجموعه کتاب منتشر می‌شوند، از جمله همین مجموعه کتاب «گیلی گیلی»، تأثیرگذاری بیشتر و بهتری بر مخاطب دارند و پیام‌هایشان ماندگارترند. بله، کاملاً درست است. کارهای مجموعه‌ای قطعاً موفق‌ترند. به دلیل تکرار، شخصیت در ذهن کودک ماندگارتر است و کودک بیشتر با شخصیت انس می‌گیرد.



وقتی به یک نویسنده کودک می‌گویید باید در زمینه‌های متفاوت، اطلاعات عمیقی داشته باشی، مثلاً روان‌شناسی یا تاریخ بدانی، ناباورانه به تو نگاه می‌کند و بعضی رک و راست می‌گویند: شما زیادی سخت می‌گیری!

باشد که آیا مخاطب پیام داستانش را گرفته یا نه، مستقیم وارد داستان می‌شود و با یک جمله اخلاقی قصه‌اش را می‌بندد که مثلاً این است عاقبت طمع کردن و یا گوش نکردن به حرف بزرگ‌ترها و... جدا از درست یا غلط بودن این روش و عیار پایین این نوع کتاب‌ها، دوست دارم نظر تان را در این باره بدانم و اینکه این نوع آثار را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در اینکه نویسندگان بسیاری در ادبیات امروز ما حضور دارند و حتی خیلی مطرح هم هستند و مورد قبول، شکی نیست و این موضوع به بی‌اطلاعی ناشران، حتی ناشران مطرح و کارشناسان و کل جامعه برمی‌گردد. بی‌اغراق، شما جزو چند نفر کمتر از تعداد انگشتان یک دست هستید که به این موضوع اشاره کرده‌اید. من هم رک و راست می‌گویم که جامعه ادبی ما این موضوع را نمی‌فهمد. وقتی به یک نویسنده می‌گویید باید در زمینه‌های متفاوت، اطلاعات عمیقی داشته باشی، مثلاً روان‌شناسی و یا تاریخ بدانی، ناباورانه به تو نگاه می‌کند و بعضی رک و راست می‌گویند: شما زیادی سخت می‌گیری!

در مورد این گونه آثاری هم که اشاره کردید، متأسفانه این آثار به دلیل بی‌اطلاعی جامعه، گاهی حتی بیشتر از قصه غیرمستقیم و چندلایه، با پیام پنهان در متن، مورد توجه قرار می‌گیرند.

■ **کودک که خودش توانایی انتخاب ندارد. از طرف دیگر، بسیاری از پدر و مادرها هم بلد نیستند برای بچه‌ها کتاب انتخاب کنند و به صرف اینکه کتابی از طرف نهادهای مسئول مجوز نشر گرفته و به بازار آمده است، آن را می‌خرند. واقعاً راهکاری برای اصلاح این معضل هست؟**

تا وقتی جامعه ما به آن حد و حدودی که لازمه این درک است نرسد، متأسفانه به جای درستی نمی‌رسیم. فقط هم پدر و مادرها نیستند که کتاب را انتخاب می‌کنند. نهادهای مسئول و حتی کسانی که به شکلی اساسی‌تر در این زمینه نقش دارند هم درک درستی از قضیه ندارند.

■ **نکته دیگری که در قصه‌های گیلی‌گیلی برایم جالب بود، این است که پیام‌های این قصه‌ها بسیار غیرمستقیم و هنرمندانه بیان شده‌اند، تا جایی که نویسنده حداقل ردپایی هم از خود در داستان به جا نگذاشته است و در داستان‌ها و القای پیام‌های آن‌ها دخالت ندارد. این موضوع اگرچه بسیار بدیهی است و اصلاً قصه و داستان قرار است پیام غیرمستقیم و هنرمندانه داشته باشند، اما آنچه اهمیت و زیبایی کار شما را مضاعف می‌کند، این است که روش شما بسیار علمی است. از روشی برای بیان پیام داستان‌های این مجموعه استفاده کرده‌اید که روان‌شناسان کودک استفاده می‌کنند. کمی به این موضوع بپردازیم و بفرمایید چگونه به این روش رسیده‌اید.**

قصه‌های من از همان اوایل کارم دارای این خصوصیت بودند و بر این روش اصرار داشته‌ام. بدون کارکردهای روان‌شناسی و درک درستی از آن، نمی‌توان قصه‌ای با تأثیرگذاری واقعی و مؤثر نوشت. نوشتن برای کودک تنها با تمرکز بر ادبیات، بدون روان‌شناسی، و روان‌شناسی بدون پیشینه فرهنگی، تاریخی و جامعه‌شناسی نمی‌تواند اثرگذار باشد و من تلاش کرده‌ام، در همه این زمینه‌ها مطالعه داشته باشم. مطالعه در این زمینه‌ها، تطبیق یافته‌ها با زمان حال، و اینکه کودک امروز در چه خانواده‌ای بزرگ می‌شود و مشکلاتش چیست، طالب چیست و در معرض چیست، از روش‌های همیشگی من بوده است. این روش را لازمه کار خود و ماندگاری آن می‌دانم. با این روش کوشیده‌ام، از یک نوشته بی‌هدف، به قصه‌ای هدفمند و در بهترین شکل آن برسم و آن را با شیرینی‌های خاص نوشتن برای کودک توأم کنم.

■ **نویسندگی، آن هم نویسندگی برای کودکان و خردسالان، کاری علمی است که هم تجربه می‌خواهد و هم دانش و آگاهی. در حالی که این روزها می‌بینیم متأسفانه کسانی برای کودکان دست به قلم می‌برند که کم‌ترین دانشی در این زمینه ندارند. نویسنده قصه‌اش را تعریف می‌کند و بعد، انگار که به خودش شک داشته**



با بچه‌ها هم‌بازی می‌شوم

پای صحبت مصطفی رحماندوست درباره مجموعه ترانه‌های نیایش

دعا کردن برگرفته از فطرت انسان‌هاست و به دوره سنی یا فرهنگ ویژه‌ای اختصاص ندارد. گفت‌وگو با پروردگار گاهی به شکل بیان یک آرزوست و گاهی جنبه تشکر و شکرگزاری پیدا می‌کند. در این میان، قابلیت تفکر شهودی در کودکان و توجه آن‌ها به خداوند تأمل‌برانگیز است. تاکنون نیز کتاب‌هایی که در برگیرنده نامه‌های بچه‌های کشورهای جهان به خداست، چاپ شده‌اند. بچه‌ها در نامه‌هایی که برای خدا می‌نویسند، دعاها، آرزوها، اندیشه‌ها و پرسش‌هایشان را با او مطرح می‌کنند. مجموعه پنج جلدی ترانه‌های نیایش مصطفی رحماندوست روایتی شاعرانه از این راز و نیازهای کودکانه است. به بهانه حضور این مجموعه در شانزدهمین جشنواره کتاب رشد پای صحبت او نشستیم.

خلاصه از هیجانانگیزان و از طریق انس گرفتن با آن‌ها، متوجه شوم در درونشان و در فکرشان چه می‌گذرد.

■ مجموعه حال حاضر شما، نیایش‌هایی برای کودکان سال‌های ابتدای دبستان است. به‌طور کلی مضامین نیایشی برای شعر کودکان را از کجا پیدا می‌کنید؟ آیا برای سرودن این شعرها به کودکی خودتان و تجربه‌هایی از نگرش مذهبی در آن دوران باز می‌گردید؟ آیا در این خصوص از خود مخاطبان هم کمک می‌گیرید؟

من علاوه بر هم‌نشینی با بچه‌ها، برای نوشتن ترانه‌های نیایش به سراغ نیایش‌های موجود خودمان هم رفته‌ام. ریشه نیایش‌های من در آیات قرآن، صحیفه سجادیه، دعای سمات و دعا‌های دلنشین دیگر است. البته در هیچ یک از این دعاها صحبت از موش و خرگوش و جوجه و تعطیلات نیست و من در ترجمه مفهوم این دعاها به زبان خردسالان، موش و خرگوش و جوجه... را هم وارد کرده‌ام.

■ توجه دادن مخاطب کودک به رحمت الهی و صفت

■ شما سال‌ها پیش در مصاحبه‌ای گفته‌اید: «بیش از ۳۰ سال است که می‌دوم تا خودم را به بچه‌ها برسانم و تلاش می‌کنم که کودکی و معصومیت از دست‌رفته‌ام را بازیابم.» برای شاعران کودک هم‌نسل من بگویید که به این منظور چه تلاش‌هایی می‌توان کرد و چطور می‌توانیم افق دیدمان را به افق دید بچه‌ها نزدیک‌تر کنیم؟

شاید سخت‌ترین کار هنرمند و نویسنده‌ای که برای کودکان می‌نویسد، همین باشد که بتواند افق دید خودش را به افق دید آن‌ها نزدیک‌تر کند. من مطمئن نیستم که توانسته باشم؛ هر چند بعضی وقت‌ها استقبال بچه‌ها از شعرهایم به من می‌گوید تا حدی موفق شده‌ام. امیدوارم همین‌طور باشد. اما در پاسخ به این سؤال و اینکه چه کارهایی به این منظور انجام می‌دهم باید بگویم، من سعی می‌کنم از بچه‌ها زیاد فاصله نگیرم و با آن‌ها مأنوس باشم. مأنوس بودن به این معنا نیست که مثلاً فقط بروم به مدرسه‌ای و برایشان شعر بخوانم. من با بچه‌ها هم‌بازی می‌شوم تا آن‌ها خودشان را بروز بدهند. سعی می‌کنم در بازی‌هایشان شرکت کنم؛ بنشینم با آن‌ها بحث کنم؛ بخندانمشان؛ به شوخی بترسانمشان و



رحمانیت پروردگار چه نقشی در ایجاد حس آرامش درونی و رشد عاطفی او دارد؟

بچه‌های ما به آرامش نیاز دارند؛ آرامشی که حتی گاهی احساس می‌کنم آن را چندان که لازم است، از طرف خانواده هم دریافت نمی‌کنند. بچه‌های ما در عصر جدید به شدت تنها هستند. من اخیراً داستان‌ها و شعرهای زیادی نوشته‌ام و در آن‌ها به تنهایی بچه‌ها اشاره کرده‌ام. این بچه‌های تنها باید در تنهایی خودشان پشتوانه عاطفی داشته باشند. اعتماد به رحمت و مهربانی پروردگار می‌تواند پشتوانه خوبی برای آن‌ها باشد. بچه‌ها می‌توانند با تکیه بر مهربانی خدا، بخشی از تنهایی خودشان را نادیده بگیرند و یا جایی برای لبخند درونی داشته باشند.

■ در سرودن شعر برای کودکان به‌ویژه

شعرهایی با درون‌مایه نیایشی و مذهبی تا چه اندازه به حوزه شناختی کودکان و مسائل روان‌شناسی آن‌ها مراجعه می‌کنید؟ با توجه به اینکه هنوز تفکر انتزاعی در کودکانی که مخاطب این مجموعه هستند، شکل نگرفته و آن‌ها از طریق هوش شهودی‌شان با خدا ارتباط برقرار می‌کنند، شیوه پرداختن شما به موضوع خدا برای این مقطع سنی خاص چگونه است؟

اصلاً نمی‌شود اثری برای بچه‌ها خلق کرد فرقی نمی‌کند مضمونش نیایشی باشد یا غیر از آن و به مسائل حوزه شناختی و روان‌شناسی مخاطب توجه نکرد. اگر چنین توجهی نداشته باشیم، مسلماً باز خورد خوبی از طرف مخاطب دریافت نمی‌کنیم و اثرمان مورد توجه او قرار نمی‌گیرد. اما شکل نگرفتن تفکر انتزاعی در بچه‌ها باعث نمی‌شود، نتوانیم درباره خدا با آن‌ها حرف بزنیم. خدا برای کودک خدایی انتزاعی و دور از دسترس نیست. اتفاقاً خدا خیلی به او نزدیک است. خدا برای او کسی مثل خودش، مثل مادرش، پدرش، خواهرش و برادرش است. کودکان از خدا درک انتزاعی ندارند، اما به جایش در آن‌ها کشف و شهود بیشتری وجود دارد تا بزرگسالان. برای همین عرفا سعی می‌کنند به دوران کودکی خود برگردند تا به کشف و شهود برسند. از طرف دیگر، ما در شعر نیایشی برای بچه‌ها به دنبال اثبات وجود خدا نیستیم. آن‌ها به صورت فطری خداشناس، خدا دوست و خداپرست هستند. ما فقط این حس را تقویت می‌کنیم.

■ آیا هنگامی که شعر می‌گویید به موضوع ترجمه‌پذیر بودن آن هم فکر می‌کنید؟

زمانی که شعر می‌گوییم، به ترجمه‌پذیر بودن آن فکر نمی‌کنم. اما معتقدم هر چه شعر من ترجمه‌پذیرتر باشد، به دنیای عام کودکان در جهان یا همان کودک جهانی نزدیک‌تر است. شعرهایی بوده‌اند که در کشورهای دیگر آن‌ها را خوانده‌ام، ترجمه شده‌اند و مورد توجه قرار نگرفته‌اند. در آن زمان متوجه شده‌ام آن شعر ترجمه‌پذیر نبوده است.

گاهی هم شعری می‌گوییم و می‌بینم عیناً قابل ترجمه است. مثلاً شعر «نار» و شعر «زردآلو» از جمله شعرهایی هستند که هر جا آن‌ها را خوانده‌ام و ترجمه شده‌اند، مورد استقبال قرار گرفته‌اند. بسیاری از شعرهای نیایشی نیز این گونه‌اند؛ چون با درون مخاطب ارتباط برقرار می‌کنند. به‌طور کلی معتقدم، ما شاعران کودک و نوجوان بهتر است طوری بنویسیم که بیشتر ترجمه‌پذیر باشد.

■ آیا به نظر شما شعر کودک و نوجوان ایران شاخصه‌های جهانی شدن را دارد؟

نه تنها شعر، بلکه به‌طور کلی ادبیات کودک و نوجوان ایران، شاخصه‌های جهانی شدن را دارد. البته مثل همه جای دنیا، قصه و داستان بیشتر از شعر از این ویژگی برخوردار است. چون شعر لحظه‌ها و ریزه‌کاری‌هایی دارد که مبتنی بر فرهنگ بومی کشور است و همچنین صنایع ادبی که آن هم تا حدی بومی است، و این کار ترجمه را سخت می‌کند. اما به‌طور کلی شعر و داستان کودک ایران شاخصه‌های جهانی شدن را دارد. یکی از دلایل ناشناخته ماندن ادبیات کودک ما در جهان، محدودیت جغرافیایی زبان فارسی است. ما حتماً باید یک زبان واسطه مثل زبان انگلیسی یا عربی پیدا کنیم تا آثارمان را از طریق آن زبان واسطه به زبان‌های دیگر ترجمه کنیم.

■ شما علاوه بر اینکه شاعر صاحب نام و موفق کودکان هستید، تجربه مدیریت فرهنگی و سوابق اجرایی زیادی در این زمینه و در حوزه کودکان داشته‌اید. لذا افت‌وخیزهای آن را به خوبی می‌شناسید و در این زمینه صاحب نظرید. به‌طور کلی، چه نظر و پیشنهادی در جهت برنامه‌ریزی فرهنگی برای رشد عاطفی، اجتماعی و معنوی کودکان دارید؟

برنامه‌ریزی فرهنگی باید جنبه ملی داشته باشد و تمام دستگاه‌ها موظف به اجراش باشند. من فکر می‌کنم هنوز هم این شاعران و نویسندگان کودک و نوجوان هستند که دارند ادبیات کودک را پیش می‌برند. هنوز مسئله کودکان در میان انبوه مسائل مختلف گم است و کودکان هنوز به رسمیت شناخته نشده‌اند. گاهی در این خصوص گفت‌وگوها و نشست‌هایی برپا می‌شوند و کتاب‌هایی در این زمینه نوشته شده‌اند، اما کافی نبوده است. ما برای رشد فرهنگی، عاطفی، اجتماعی و معنوی کودکان به برنامه‌ریزی‌های کلان کوتاه‌مدت و بلندمدت و همه‌جانبه نیاز داریم. برنامه‌هایی که با تعامل سازمان‌های دولتی و بقیه مؤسسه‌هایی پیش برود که در حوزه کودکان فعالیت می‌کنند.

خدا جونم چی می‌شه

شنبه‌ها جمعه باشه

جمعه که تعطیلیه

شنبه روز تلاشه

جمعه که رفت تموم شد

جمعه بشه دوباره

دو جمعه توی هفته

وای که چه کیفی داره!

بابا بمونه خونه

منم تو خونه، به‌به

مامان بمونه خونه

خنده، سه‌تایی، به‌به

خدایی که خنده رو

تو قلبمون گذاشتی

کاش سه چهارتا جمعه

تو هفته می‌گذاشتی

مصطفی رحماندوست

قطعه‌ای از ترانه‌های نیایش

بچه‌ها می‌توانند
با تکیه بر مهربانی
خدا، بخشی از
تنهایی خودشان را
نادیده بگیرند و یا
جایی برای لبخند
درونی داشته باشند



کتاب‌های خوب به دست بچه‌ها نمی‌رسند

گپ و گفتی با کلر ژوبرت، نویسنده و تصویرگر مجموعه «یک داستان تخیلی با مفهوم قرآنی»

کلر ژوبرت، نخستین فرزند و البته تنها دختر یک خانواده شش نفره فرانسوی، در سال ۱۹۶۱ م. (۱۳۴۰ ش.) در پاریس چشم به جهان گشود. در ۱۹ سالگی پس از جست‌وجو و تحقیق به اسلام رسید و اندکی پس از آن با جوانی ایرانی، پیوند زناشویی بست و از ایران سر در آورد. حالا دیگر ۳۵ سال می‌شود که از هوای تهران تنفس می‌کند. می‌توان گفت نسبتاً دیر به سراغ نوشتن و تصویرگری برای کودکان آمده است، ولی عشق دوران کودکی‌اش به کتاب‌خواندن، همراه با تحصیل در حوزه «علوم تربیتی» و «ادبیات کودک» در دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد، به او امکان داده است با سرعتی خوب و به هر دو زبان فارسی و فرانسه بنویسد و پیش برود. او دو پسر دارد که با دو سال تفاوت سنی، در اواخر سومین دهه زندگی خود هستند. خانم ژوبرت در یازدهمین جشنواره رشد، جایزه برگزیده گروه داستان را برای «خداحافظ را کون پیر» به خود اختصاص داد و در این دوره با مجموعه هشت جلدی «یک داستان تخیلی با مفهوم قرآنی» حضور دارد. مجموعه‌ای که بنا بر اعلام ناشر آن (به‌نشر)، ظرف کمتر از یک سال به چاپ دوم رسیده و به دو زبان ترکی استانبولی و آلمانی ترجمه شده است. حضور این مجموعه در جشنواره، بهانه این گفت‌وگوست.

قرآن بعد از داستان و در انتهای کتاب آورده شده تا این اتفاق نیفتد. تمام تلاشم را کردم که از مستقیم‌گویی در این داستان‌ها پرهیز کنم.

■ وقتی می‌خواهید یک قصه دینی و قرآنی بنویسید، به عنوان یک نویسنده، چه نکاتی را در نظر می‌گیرید؟ یا اجازه بدهید این‌طور بپرسم که در نوشتن یک اثر دینی مهم‌ترین اولویت‌هایتان چیست؟

در نوشتن داستان با محتوای دینی، به طور کلی، دو اولویت از همان ابتدای شکل‌گیری داستان دارم: یکی انتخاب درست مفهوم و ارائه آن به بهترین وجه و دیگر پرهیز از مستقیم‌گویی و شعارزدگی.

زمانی که تصمیم می‌گیرم بر اساس یک موضوع دینی کار کنم، اول سعی می‌کنم وجوه مختلف موضوع را استخراج و تفکیک کنم تا در یک داستان، تنها به یکی از آن‌ها بپردازم. این نکته کمک می‌کند تا داستان هم عمق بیشتری پیدا کند، هم انسجام بیشتری داشته باشد. البته رعایت این نکته برای موضوعات غیر دینی هم لازم است، اما به نظرم برای نوشتن داستان دینی بسیار ضروری است.

برای بررسی جنبه‌های مختلف یک موضوع و جست‌وجوی نکاتی که در نوشتن داستان می‌تواند راهگشا باشد (مانند سؤالات بچه‌ها و پاسخ‌های

■ شما قبلاً هم کتاب‌هایی با موضوعات دینی و قرآنی نوشته بودید؛ این مجموعه هشت جلدی جدید با چه انگیزه یا انگیزه‌هایی شکل گرفت؟ گرچه می‌شود گفت تقریباً در تمام آثارتان، بدون انقطاع، تم معنوی و اخلاقی دیده می‌شود.

به نام خدای مهربان و با سلام به شما و خوانندگان عزیز. جرقه‌ای که باعث شد به نوشتن داستان‌هایی با مفهوم قرآنی بپردازم، درخواست آقای سادات، مدیر مسئول نشریه نبات بود. ایشان از من خواستند آیاتی را که از نظر مفهومی، مناسب و قابل درک برای کودکان باشند، انتخاب کنم و بر اساس هر کدام از این مفاهیم، یک داستان کاملاً تخیلی بنویسم تا به صورت ماهانه در نشریه چاپ شود.

راستش در ابتدا با نگرانی و واژه پذیرفتم. احساس کردم مسئولیت سنگینی است. به خدا توکل کردم و دست به کار شدم. اما پیشنهاد پر برکتی بود و از آن پس، این روند را با تعدادی حدیث هم ادامه دادم و هنوز هم تلاش می‌کنم در این دو زمینه یعنی مفاهیم قرآنی و روایی، داستان بنویسم.

اولین داستانی که سال‌های پیش از من چاپ شد، بر اساس یک حدیث بود؛ اما خود حدیث را در داستان آورده بودم و این نکته باعث شده بود که داستان جلوه شعاری پیدا کند. در این مجموعه هشت جلدی، آیه



در نوشتن داستان دینی، دو اولویت از همان ابتدای شکل‌گیری داستان داریم: یکی انتخاب درست مفهوم و ارائه آن به بهترین وجه و دیگر پرهیز از مستقیم‌گویی

این کتاب‌ها، آثار خیلی خوبی دیده می‌شوند؛ اما شاید بزرگ‌ترین ایراد اکثرشان کلی‌گویی و پرداختن به برهه زمانی طولانی باشد. در نتیجه، مطالبی کلی و غیر ملموس بیان می‌شوند که با زندگی روزمره کودکان انطباق ندارد. یکی از راه حل‌های این مشکل به نظرم رو آوردن به نوع سوم داستان‌های دینی است. یعنی برهه‌ای کوتاه از زندگی آن پیامبر یا آن معصوم، با توجه به نیازهای کودکان امروز، با دقت انتخاب شود و با روایتی خلاقانه، در عین تکیه به منابع موثق به تصویر کشیده شود. در مورد داستان‌های نوع دوم و سوم هم به گمانم بزرگ‌ترین اشکال کم بودن تعدادشان است که این کمبود می‌باید به همت نویسندگان و حمایت ناشران جبران شود.

■ **در گفت‌وگو با یک خبرنگاری گفته بودید یکی از دلایل بی‌علاقگی کودکان ایرانی به کتاب‌خوانی، کم بودن کتاب‌های خوب است. از نظر شما یک کتاب خوب، به خصوص کتاب‌های دینی خوب چه ویژگی‌هایی دارد؟**

به اعتقاد من بی‌علاقگی کودکان به کتاب‌خوانی دو عامل اصلی دارد: اول همراهی نکردن بزرگ‌ترها با بچه‌ها در کتاب خواندن است تا جایی که بچه‌ها به حدی برسند که این کار برایشان لذت‌بخش شود؛ دوم هم دسترسی نداشتن بچه‌ها به کتاب‌های خوب است.

خیلی بعید می‌دانم جایی گفته باشم کتاب‌های خوب کم‌اند، چون اصلاً چنین اعتقادی ندارم. بارها پیش آمده و حرف‌هایی از قول من در مصاحبه‌ها بیان شده که هنگام بازنویسی تغییر کرده و دیگر حرف من نبوده است. اعتقاد من این است که کتاب‌های خوب کم نیستند، اما اصلاً خوب توزیع نمی‌شوند و به دست خیلی از بچه‌ها نمی‌رسند. پخش محدود در کتاب‌فروشی‌ها و گرانی کتاب، عملکرد ضعیف کتابخانه‌ها و رواج نداشتن امانت‌دهی کتاب در میان خانواده و دوستان از جمله علت‌های این معضل است. اما فعالیت‌های ترویج کتاب‌خوانی که در چند سال اخیر از طرف نهادهای مختلف صورت گرفته، بسیار امیدوار کننده است.

■ **خانم ژوبرت شما از هنرمندان دو وجهی هستید. هم می‌نویسید، هم تصویرسازی می‌کنید. در عین حال تجربه نوشتن بدون تصویرگری را هم دارید. فکر کنم جالب باشد که بدانیم خانم ژوبرت در هر یک از دو وضعیت چه حس و حالی دارد و با توجه به اینکه نویسندگی تصویرگری توأم را ادامه داده‌اید، چه مزیت‌هایی در این روش دیده‌اید؟**

راستش خودم را تصویرگر حرفه‌ای نمی‌دانم، از جمله به این خاطر که فعالیت‌م در این زمینه محدود است. حرفه اصلی‌ام داستان‌نویسی است و فقط داستان‌های خودم را تصویرگری می‌کنم. بنابراین تجربه خلق تصویر برای آثار نویسندگان دیگر را ندارم (به استثنای یک مورد که نویسنده دختر بچه‌ای هفت ساله بود). با این حال، وقتی تصویرگر دیگری داستانم را تصویرگری می‌کند، هر قدر هم کیفیت کار عالی باشد، عدم انطباق تصاویرش با تصاویر ذهنی من از داستان باعث می‌شود که با آن کتاب انس کمتری داشته باشم.

بزرگ‌ترین مزیت نویسنده تصویرگر بودن این است که دو نوع ابزار برای روایت داستان در اختیار داریم که مکمل همدیگرند. از طرف دیگر، غافل‌گیری و کشف روایت تصویری داستانم از روزنه چشم یک تصویرگر دیگر می‌تواند تجربه خیلی جالبی باشد.

پیشنهادی به آن‌ها)، سعی می‌کنم مطالعات متنوعی داشته باشم و از منابع مختلف استفاده کنم. در خصوص موضوعات اخلاقی، از منابع روان‌شناسی مرتبط برای پیدا کردن گره و گره‌گشایی مناسب کمک می‌گیرم. آن وقت تلاش می‌کنم تا با توجه به موضوع، مناسب‌ترین موقعیت داستانی و مناسب‌ترین شخصیت اصلی را انتخاب کنم و... خیلی دلم می‌خواست مهارتی در طنزنویسی داشتم و می‌توانستم داستان‌های دینی‌ام را با رگه‌هایی از طنز برای بچه‌ها شیرین‌تر و جذاب‌تر کنم. در این زمینه هم دارم تلاش می‌کنم تا شاید روزی به یاری خدا به آن برسم...

■ **با این وصفی که فرمودید، در بین این هشت عنوان، خود شما از کدام عنوان راضی‌تر هستید و فکر می‌کنید از حیث ساختار و محتوا، شمایل خوبی یافته است؟**

اول این نکته را بگویم که تعداد داستان‌های نوشته شده، برای ارائه به ناشر بیشتر از هشت تا بود؛ من آن‌هایی را به ناشر دادم که احساس کردم قوی‌ترند. ناشر هم چند داستان را رد کرد تا رسید به هشت تا. اما در میان این هشت تا، مسابقه کوفته‌پزی را بیشتر دوست دارم. یکی از دلایل این است که احساس می‌کنم پایان قوی‌تری نسبت به دیگر داستان‌های مجموعه دارد.

اما از کتاب **راز پایا** بازتاب‌های بیشتری گرفتم. هم پویانمایی کوتاهی از آن ساخته شد، هم در دو کتابخانه توسط بچه‌ها نقد و بررسی شد، هم چند بازتاب از دوستان درباره ارتباط کودکشان با کتاب دریافت کردم. در نتیجه متوجه شدم که تعدادی از بچه‌ها شخصیت پایا را دوست دارند.

■ **چقدر پیش آمده است، داستانی دینی بنویسید و احساس کنید خوب از کار درنیامده است و بهتر است کنارش بگذارید؟ این اتفاق زیاد می‌افتد. چون نوشتن داستان برای کودکان دشواری‌های خاص خودش را دارد و نوشتن داستان دینی دشواری‌های خاص‌تری. حتی پیش آمده که خودم احساس کنم داستان به کیفیتی رسیده که قابل چاپ شده، اما بازتابی خلاف آن را از دوستان نویسنده دریافت کرده‌ام. در چنین مواردی، داستان را لااقل به صورت موقت کنار می‌گذارم، چه برسد به داستانی که خودم رضایت کامل از آن نداشته باشم. اما این اتفاق هم افتاده که برای داستان‌های کنار گذاشته شده، راهکاری یافته‌ام و بعد از مدتی آن‌ها را بهتر و کامل‌تر کرده‌ام.**

■ **از دیدگاه شما نویسندگان مذهبی‌نویس ایرانی یا شاید ناشران آثار آن‌ها به کدام اولویت‌ها بهایی کمتر از حد لازم داده‌اند و به طور خیلی خلاصه بیش‌ترین و مهم‌ترین اشکال آثار دینی چیست؟**

به گمانم داستان‌های دینی برای کودکان به سه نوع قابل تقسیم‌اند: اول داستان‌های تاریخی و مستند درباره پیامبران و معصومین و بزرگان دین؛ دوم داستان‌های تخیلی بر اساس مفاهیم دینی، اخلاقی و احیاناً عرفانی؛ سوم داستان‌های ترکیبی، یعنی داستان‌های تاریخی در قالب یک روایت خیالی (مثلاً از زبان یا زاویه دید یک شخصیت داستانی و غیرتاریخی).

در ادبیات کودک ایران و تا جایی که می‌دانم خیلی از کشورهای مسلمان و مسیحی، به نوع اول فراوان پرداخته شده است. در میان



غول ترافیک را با دانش‌افزایی مهار کنیم!

گفت‌وگو با محمود برآبادی مؤلف مجموعه کتاب‌های مرجع ترافیک

محمود برآبادی در سال ۱۳۳۱ در شهر سبزوار به دنیا آمد. در سال‌های دبیرستان خبرنگاری را در مجله اطلاعات پسران و دختران تجربه کرد. در سال ۱۳۵۰ وارد دانشگاه تربیت‌معلم شد و در رشته جغرافیای انسانی تحصیل کرد. ادامه تحصیل وی در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه شهیدبهشتی و در رشته برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای بوده است. او در ادامه در سازمان ترافیک تهران مشغول به کار شد و در این سازمان به کارهای آموزشی پرداخت. اولین کتاب برآبادی به نام «حماسه کوچی» در سال ۱۳۵۴ منتشر شد که مورد استقبال قرار گرفت و او از آن پس نوشتن را ادامه داد. برآبادی تاکنون نزدیک به صد عنوان کتاب برای کودکان و نوجوانان نوشته است که تعدادی از آن‌ها، به دلیل تخصص و تحصيلش در موضوع آموزش مباحث ترافیک و یا مهارت‌های زندگی، در موضوع ترافیک است. آخرین کتاب‌های او در این حوزه مجموعه‌ای است با نام «کتاب مرجع ترافیک» که در شانزدهمین جشنواره کتاب رشد حضور دارد. او هدف از تألیف این مجموعه کتاب را آشناسازی کودکان با مهارت‌ها و فرهنگ ترافیک عنوان می‌کند. برآبادی معتقد است ما باید بتوانیم غول ترافیک را با دانش افزون‌تر، کسب مهارت بیشتر و استفاده بهتر از وسایل نقلیه مهار کنیم.

■ در تألیف مجموعه کتاب‌های «کتاب مرجع ترافیک» به دنبال چه بودید؟

مجموعه «کتاب مرجع ترافیک» با هدف آشنا کردن نوجوانان با ترافیک، که یکی از مسائل جامعه امروزی است، نوشته شده است. همه ما به نوعی در ترافیک حضور داریم. یا رانندگی می‌کنیم، یا سرنشین وسیله نقلیه هستیم و یا عابر پیاده‌ایم. کودکان و نوجوانان رانندگی نمی‌کنند، اما گاه سرنشین وسایل نقلیه‌اند. گاه عابر پیاده‌اند و گاه از دوچرخه به‌عنوان وسیله نقلیه استفاده می‌کنند. آشنایی با نقش و وظیفه‌ای که در ترافیک داریم باعث می‌شود که کودکان و نوجوانان بهتر بتوانند از وسایل نقلیه استفاده کنند و حضور پررنگ‌تری در ترافیک داشته باشند و ایمن‌تر تردد کنند. ترافیک روزبه‌روز جایگاه مهم‌تری در زندگی ما پیدا می‌کند، پس بهتر است که کودکان و نوجوانان، زندگی سالم‌تر، آرام‌تر و ایمن‌تری در ترافیک داشته باشند و این هدف با آگاهی بیشتر در استفاده بهتر از وسایل نقلیه اتفاق می‌افتد.

■ این مجموعه در سه مجلد «فرهنگ مصور حمل‌ونقل»، «راهنمای اتوبوس‌تندرو» و «راهنمای راه‌آهن شهری» منتشر شده است، لطفاً درباره ویژگی‌های هر مجلد توضیح دهید.

جلد اول این مجموعه «فرهنگ مصور حمل‌ونقل» است. در این کتاب سعی شده واژه‌های حمل‌ونقل با زبانی ساده و قابل فهم توضیح داده شود و برای هر واژه تصویری مناسب انتخاب شود که فهم مطلب را آسان کند. در زیر تعریف برخی واژه‌ها مطالب تکمیلی آمده تا چنانچه خواننده مایل بود، بتواند اطلاعات بیشتری به دست آورد. این جلد در واقع مدخلی برای کتاب‌های بعدی است. جلد دوم راه‌آهن شهری (مترو) است. مترو وسیله‌ای است که در آینده بسیاری از شهرهای بزرگ ما از آن استفاده خواهند کرد. همین حالا هم در کلان‌شهرها مترو در دست ساخت است. اما استفاده از مترو آداب و مقرراتی دارد که همه مسافران-به‌ویژه مسافران کودک و نوجوان- باید برای ایمنی و استفاده



آموزش غیرمستقیم
از آموزش مستقیم
تأثیرگذارتر است.
هنگامی که
مفاهیم آموزشی و
مهارت‌های زندگی
در قالب بازی،
داستان، نمایش و
غیره باشد، کودک
بهبتر با آن ارتباط
برقرار می‌کند

مسلم است که آموزش غیرمستقیم از آموزش مستقیم تأثیرگذارتر است. هنگامی که مفاهیم آموزشی و مهارت‌های زندگی در قالب بازی، داستان، نمایش و غیره باشد، کودک بهتر با آن ارتباط برقرار می‌کند. اما در آموزش غیرمستقیم، ما نمی‌توانیم اطلاعات زیادی در اختیار خواننده بگذاریم. مثلاً اگر قرار بود، نکات آموزشی و مهارتی که در همین کتاب مترو آمده در قالب داستان ارائه شود، لازم بود، چندین کتاب نوشته می‌شد. چون در داستان نمی‌شود بیش از چند نکته را تأکید کرد. هم آموزش مستقیم لازم است، هم آموزش غیرمستقیم. هر کدام ویژگی و کارکرد خودشان را دارند. من البته داستان‌های آموزشی زیادی با همین موضوع ترافیک دارم. اما در این مجموعه به دلیل حجم اطلاعاتی که به خواننده داده می‌شود، از روش داستانی استفاده نشده است. البته باید توضیح دهم، هر روشی که برای آموزش استفاده شود، باید درست، دقیق و ثمربخش باشد. به نظر من در زمینه آموزش مهارت‌های زندگی و در موضوع بحث ترافیک، آنقدر کمبود داریم که از هر روشی که خوب استفاده کنیم راه دوری نرفته‌ایم.

■ انتخاب مدخل‌ها در کتاب براساس چه اصولی بوده است؟ مدخل‌های انتخابی تا چه میزان در ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم با فرهنگ ترافیک است. مثلاً واژه‌هایی نظیر اسکوتر، کالا، اسکیت بر چه اساسی انتخاب شده است؟
 من در طول ۲۵ سالی که در معاونت آموزش سازمان ترافیک کار می‌کردم، برنامه‌های آموزشی زیادی برای کودکان و نوجوانان در پارک‌های آموزش ترافیک، جشنواره‌ها و جنگ‌ها برگزار کردم. این کتاب‌ها با توجه به تجربیات من در کار نوشته شده است و امیدواریم برای خوانندگان کودک و نوجوان مفید باشد. در مورد سه واژه‌ای که نام بردید باید بگویم که اسکوتر و اسکیت، وسیله‌ای است که بچه‌ها زیاد استفاده می‌کنند و گاه شما می‌بینید که به سطح سواره‌رو هم با اسکیت و اسکوتر می‌آیند و البته در ترافیکی که ما در شهرهایمان شاهدش هستیم و با این طرز رانندگی، خطرناک هم هست.
 کالا هم واژه‌ای حمل‌ونقلی است. ترافیک به معنی جابه‌جایی انسان و کالا از مبدأ به مقصد است.

■ با تشکر، اگر مطلبی ناگفته مانده است، بفرمایید
 شهرها روزبه‌روز بزرگ‌تر می‌شوند. نیازهای شهروندان هم روزبه‌روز بیشتر می‌شود. برای برآوردن نیازهایمان ناچاریم در شهر تردد کنیم. وسایل نقلیه رفت‌وآمد در شهرها و بین شهرها و به‌طور کلی بین نقاط مختلف را آسان می‌کنند. اما وسایل نقلیه گرچه راحتی و آسایش را در اختیار ما گذاشته‌اند، مشکلاتی را هم برای ما فراهم کرده‌اند. تصادفات و خسارات جانی و مالی فراوان و همین‌طور آلودگی هوا که به معضلی غیرقابل حل تبدیل شده است. چاره‌ای نداریم، جز اینکه غول ترافیک را مهار کنیم با دانش افزون‌تر، کسب مهارت بیشتر و استفاده بهتر از آن.

بهبتر، با این مقررات آشنا باشند. در این کتاب سعی شده، ضمن آشنا نمودن خواننده با مترو، سابقه، فواید و چگونگی استفاده از آن با تصاویر رنگی توضیح داده شود و خطرهایی که ممکن است در مترو پیش بیاید گوشزد شود. جلد سوم درباره اتوبوس تندرو یا همان بی‌آرتی است. به دلیل شلوغی و ترافیک در تهران و شهرهای بزرگ، سیستم اتوبوس‌های تندرو در این شهرها راه‌اندازی شده است. این اتوبوس‌ها چنان‌که از نامشان پیداست در مسیری ویژه با سرعت، حرکت می‌کنند و مسافران زیادی را جابه‌جا می‌کنند. آشنایی با چگونگی استفاده از اتوبوس‌های تندرو کمک می‌کند که هم بهتر و هم ایمن‌تر از آن استفاده کنیم. این سیستم در شهرهای دیگر جهان هم راه‌اندازی شده و هدف از آن دادن تقدم به حمل‌ونقل عمومی در برابر وسایل نقلیه شخصی است که روزبه‌روز بر تعداد آن‌ها افزوده می‌شود، به نحوی که هم رفت و آمد را در شهر دشوار کرده و هم آلودگی هوا را سبب شده است.

این مجموعه جلد چهارمی هم دارد که زیر چاپ است. «همه چیز درباره دوچرخه». دوچرخه وسیله نقلیه‌ای غیرموتوری است که تا قبل از زیاد شدن وسایل نقلیه موتوری، خیلی از آن استفاده می‌شد؛ به‌ویژه در شهرهایی که از لحاظ جغرافیایی در مکانی مسطح بودند. دوچرخه‌سواری هم ورزشی است، هم تفریح و هم یک وسیله نقلیه برای جابه‌جایی، مخصوصاً در مسیرهای کوتاه و هموار.
 استفاده از دوچرخه در آینده که آلودگی هوای شهرها به مرز خطرناکی خواهد رسید، یقیناً بیشتر خواهد شد. در این کتاب ضمن آشنایی خواننده با تاریخچه، مراحل رشد و تکامل و مقررات مسیرهای مخصوص و اطلاعات تکمیلی دیگر و نکات ایمنی همراه با تصاویری گویا درباره دوچرخه‌سواری توضیح داده شده است.

■ به نظر جنابعالی آشنایی کودکان با مفاهیم و موضوعات حمل‌ونقل و ترافیک چه تأثیری در رفتار اجتماعی آن‌ها خواهد داشت؟

کودکان به‌عنوان شهروندانی که در جامعه زندگی می‌کنند، نسبت به بزرگسالان آسیب‌پذیرترند. آن‌ها به دلیل دانش کم، تجربه اندک، جثه کوچک و بسیاری ویژگی‌های دیگر، نمی‌توانند همانند بزرگسالان از خود مراقبت کنند. اما کودکان هم چنان که بزرگ می‌شوند، حضور بیشتری در شهر پیدا می‌کنند. آن‌ها ناچارند برای برآوردن نیازهای خود در شهر رفت‌وآمد کنند. در ابتدا که کوچک هستند، همراه والدین خود و بعدها به تنهایی؛ بنابراین ناگزیرند چگونگی رفت‌وآمد در شهر را بیاموزند. ما به‌عنوان بزرگ‌تر، نمی‌توانیم همیشه همراه فرزندان خود باشیم و نمی‌توانیم آن‌ها را به حال خود رها کنیم. پس لازم است، آن‌ها را برای زندگی در شهر آماده کنیم و مهارت‌های زندگی در شهر را به آن‌ها آموزش دهیم.

■ به نظر شما آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودک به‌صورت «آموزش مستقیم» مؤثرتر است یا «آموزش غیرمستقیم»؟



پول بچه‌ها یا پول خدا؟

گپ و گفتی با غلامرضا حیدری ابهری، نویسنده
کتاب «پول، خدا، بچه‌ها»

فرصتی دست داد تا با یکی از نویسندگان خوش‌فکر کودک و نوجوان گفت‌وگویی انجام دهیم. غلامرضا حیدری ابهری، روحانی‌ای است که با تکیه بر معارف اسلامی و برای آشنا ساختن کودکان و نوجوانان با حوزه‌های گوناگون مذهبی، اجتماعی، اقتصادی و ... دستی در تألیف دارد. کتاب‌های وی به زبان‌های عربی، انگلیسی، روسی، اردو، فرانسه و حتی مادایی (زبان مردم ماداگاسکار) ترجمه شده است. او در تألیف کتاب‌های درسی مانند هدیه‌های آسمان پایه ششم ابتدایی هم با آموزش و پرورش همکاری داشته است. می‌گوید: «بهترین یاران ما در آموزش و پرورش هستند.» کتاب «پول، خدا، بچه‌ها»ی این نویسنده در شانزدهمین جشنواره کتاب رشد حضور دارد. از آن روی که این کتاب در حوزه سبک زندگی مطالب قابل توجهی دارد، با ایشان گپ‌وگفتی داشتیم.

■ مختصری از زندگی، تحصیلات و کار خود بگویید.

من متولد سال ۱۳۴۸ هستم. از سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه قم شده‌ام. بیشترین اشتغال من نویسندگی برای کودک و نوجوان است. اولین کتابم به نام «بوی بهشت» حدود سال ۱۳۷۳ منتشر شد. پس از آن کار را ادامه دادم و در حوزه کتاب و بیان علوم و معارف اسلامی برای بچه‌ها مشغولم. از جوانی علاقه به نوشتن داشتم و چون آثارم مورد استقبال بچه‌ها قرار گرفت، تشویق شدم تا در این زمینه

جدی‌تر باشم.

■ یکی از کتاب‌های خوب شما «پول، خدا، بچه‌ها» در آموزش سبک زندگی اسلامی و براساس معارف اسلامی به کودک و نوجوان است. درباره کتاب توضیحاتی بفرمایید.

این کتاب، موضوع مسائل مالی را در سطوح زندگی بیان کرده است؛ چون دین ما آیینی همه‌جانبه است و در تمام ابعاد زندگی ما را راهنمایی می‌کند.



سبک زندگی پرداخته‌ام اما این عبارت شامل عرصه‌های دیگر زندگی می‌شود.

■ **شما در چه موضوعات دیگری کتاب نوشته‌اید؟**
کتاب‌های من موضوعات گوناگونی دارند. من علاقه‌مندی خاصی به امثال و حکم دارم. ۶ جلد کتاب در این زمینه دارم که می‌توانم از «نان و نمک» نام ببرم. «شرح ضرب‌المثل» ها کتاب دیگری است که آن هم برای کودکان است. محور دیگر علائق من کار در زمینه خدانشناسی برای کودکان است. «خدا و قصه‌هایش» از این دست آثار است. بخش دیگر، آثار قرآنی است مانند «فرهنگ‌نامه سوره‌های قرآن» یا «زمزمه آیه‌ها». معرفی اهل بیت (ع) هم از محورهای کاری من است. «من اهل بیت را دوست دارم» نمونه‌ای از این گروه کتاب‌های من است.

■ **بنابراین شما را می‌توان نویسنده کودک و نوجوان معرفی کرد؟**
بله. بیشتر برای مخاطب کودک و نوجوان می‌نویسم و در آن موفق‌تر بودم. برای بزرگسال هم نوشته‌ام اما باید عرض کنم کودک مخاطب ویژه و سخت‌پسندی است و یافتن سوژه مناسب برای آن راحت نیست.

■ **به خاطر کتاب‌هایتان جوایزی هم گرفته‌اید؟**
جایزه‌های بسیاری گرفته‌ام. در جشنواره رشد به خاطر کتاب‌های «فرهنگ‌نامه سوره‌ها»، «فرهنگ‌نامه سبک زندگی» و «دایره‌المعارف قرآن» و «پرسش و پاسخ با نسل نو» جوایزی به دست آورده‌ام. در انتخاب کتاب سال ۱۳۹۵ اثر تقدیری داشتم. در برخی جشنواره‌ها مانند انتخاب کتاب سال رضوی و کتاب سال حوزه هم آثار من انتخاب یا تقدیر شده‌اند.

■ **کتاب در سبب خانوار و نگاه خانواده شما چه جایی دارد؟**
به نظرم خانواده‌ها به کتاب توجه و اهتمام دارند. کتاب باید در دسترس باشد. استقبال کم از کتاب به دلیل عرضه نامناسب آن است. من فرزندانم را به مطالعه تشویق می‌کنم اما گاهی تکالیف و برنامه درسی آن‌قدر زیاد است که بچه‌ها مجالی برای مطالعه دلخواه خود ندارند.

مسائل مالی بخش مهمی از زندگی ما را تشکیل می‌دهد. بسیاری از مناسبات ما در مسائل مالی شکل می‌گیرد و بی‌برنامگی در امور مالی به جنبه‌های عبادی ما ضربه‌های سهمگینی وارد می‌سازد. به همین دلیل اسلام در این زمینه رهنمودهای جدی دارد. در سخنان امامان (ع) و پیامبر اکرم (ص) احادیث و اشاره‌های بسیاری در زمینه‌های مالی و اقتصادی داریم که حتی برخی خیلی ریز به این مسائل پرداخته و مخاطب را در زندگی مالی راهنمایی می‌کند. به این ترتیب در سایه آن، زندگی عبادی ما سر و سامان می‌گیرد. یکی از موضوعاتی که در احادیث اهل بیت، فراوان بیان شده موضوع مالی است و من تلاش کردم با این کتاب، این بحث را در زندگی نوجوانان وارد و بیان کنم. بنابراین زوایای زندگی نوجوانان را رصد کردم. به هر صورت تلاش کردم نشان دهم بچه‌ها چطور می‌توانند آن‌گونه که خداوند می‌خواهد پولشان را خرج کنند.

■ **در همین کتاب پرسش خوبی طرح شده است: «آیا می‌شود به جای کار کردن فقط دعا کنیم؟» در این زمینه هم توضیح بدهید.**

درباره مفاهیم دینی برداشت‌های غلطی وجود دارد که ناخواسته تنبلی و بی‌حرکی را تبلیغ می‌کند. یکی از این اندیشه‌های باطل که در افراد شکل می‌گیرد این است که آن کس که دعا می‌کند نیازی به تلاش ندارد و می‌نشیند دعا می‌کند تا خدا به او کمک کند. این طرز فکر ویژه زمان ما نیست بلکه در زمان پیامبر (ص) هم وجود داشته است. ائمه معصومینی نیز با این طرز فکر مخالف بودند. امامان ما کار می‌کردند، کشاورزی می‌کردند و با اینکه اهل دعا بودند، اهل فعالیت هم بودند. دعا جای کار را نباید بگیرد، بلکه باید انگیزه کار را در ما بالا ببرد. مادامی که کسی دعا می‌کند از خدا نیرو می‌گیرد و فعالیت بیشتری انجام می‌دهد. بنابراین لازم بود یکی از سؤالات و مباحث کتاب در این زمینه بیاید.

■ **آیا سبک زندگی از نظر شما بیشتر به اقتصاد و معیشت نظر دارد؟**

منظور از سبک زندگی، شیوه و چگونگی زندگی در بخش‌های مختلف است. وقتی این واژه را می‌گوییم یعنی مسلمان، زندگی اقتصادی و علمی یا سفر و معاشرت او چگونه باشد. در خانواده با همسر و فرزند و در اجتماع با همسایه چگونه رفتار کند. در این کتاب به بخش اقتصادی



اسلام در پرداختن به اقتصاد جلوتر از دیگر ادیان

گفت‌وگو با خانم زهرا سادات حسینی مؤلف کتاب کسب و کار طلایی

زهرا سادات حسینی دارای مدرک کارشناسی ارشد رشته الهیات و معارف اسلامی با گرایش علوم قرآن و حدیث است و در حال حاضر در رشته روان‌شناسی تحصیل می‌کند. وی در این دوره از جشنواره کتاب رشد، با کتاب کسب و کار طلایی از نشر جمال شرکت داشته است. مخاطب کتاب هنرجویان و دانش‌آموزان هستند و موضوع کلی آن موفقیت در کار و به‌دست آوردن روزی حلال با توجه به احکام اسلامی است. شرکت کتاب در شانزدهمین دوره جشنواره کتاب رشد، بهانه گفت‌وگویی کوتاه با مؤلف را رقم زده است.

کریم» و همچنین در «مرکز پژوهش‌های اسلامی معصومیه خواهران» حضور داشتیم.

■ چه چیزی باعث شد به فکر نوشتن کتابی با موضوع کسب و کار از نگاه قرآن و حدیث بیفتید؟
یکی از نیازهای اصلی انسان برای داشتن یک زندگی خوب و ایده‌آل، داشتن درآمد مکفی است. «کار» مهم‌ترین و اصلی‌ترین راه برای برآوردن این نیاز محسوب می‌شود. بسیاری از انسان‌ها علی‌رغم تلاش، در کسب و کارشان موفق نیستند. اسلام از دیرباز به این مسئله توجه داشته است و آموزه‌های آن، موارد متعددی را به‌عنوان عوامل موفقیت در کسب و کار معرفی کرده است. من در کتابم به این موارد پرداخته‌ام.

■ لطفاً قدری درباره خودتان، تحصیلات، حوزه یا حوزه‌های فعالیت و خصوصاً درباره فعالیت‌ها و سوابق قلمی‌تان بفرمایید.

زهرا سادات حسینی هستم. دارای مدرک کارشناسی ارشد رشته الهیات و معارف اسلامی، با گرایش علوم قرآن و حدیث، و در حال حاضر در رشته روان‌شناسی تحصیل می‌کنم. مدتی در امور فرهنگی دانشگاه محل تحصیل خودم فعالیت می‌کردم و مدیر اجرایی و از اعضای هیئت تحریریه گاهنامه دانشجویی آنجا بودم. پس از آن به‌عنوان نویسنده و پژوهشگر در «سایت بانوان پورتال بزرگ اهل بیت» و «ماهنامه گنجینه مجمع» زیر نظر «مجمع جهانی اهل بیت» همکاری کردم و مدتی نیز در انجام امور پژوهشی-قرآنی در «دارالقرآن کوثر قم» فعالیت داشتیم. چند صباحی هم به‌عنوان پژوهشگر در «پژوهشکده نظریه‌پردازی و مطالعات قرآنی دانشگاه علوم و معارف قرآن



از نگاه دین ما
«موفقیت واقعی»
در شغل، زمانی
اتفاق می افتد که
مخالف احکام
خداوند نباشد، با
کمال و تعالی روح
انسانی متضاد
نبوده و به قیمت
زیر پا گذاشتن
حقوق دیگران تمام
نشود

اقتشار جامعه در سنین مختلف و با میزان تحصیلات گوناگون از آن بهره ببرند. برای خواندنی تر شدن آن نیز، داستان موفقیت افراد مشهور را به هر بخش اضافه کردم. هدفم این بود که به بضاعت خویش، بخشی از چهره کامل و چند بعدی اسلام را نمایان کنم. دین ما در پرداختن به مسئله اقتصاد از همه مکاتب پیشگام تر است. اسلام، ثروتمند بودن جامعه را از نعمت های خوب خدا می داند و از ما می خواهد ثروت را از مسیر درست به دست آوریم و در مسیر درست نیز به کار گیریم. پیامبر گرامی ما و جانشینان ایشان، کار را عبادت محسوب می کردند و خود نیز پیشگام تلاش های تولیدی بودند. ایشان فقر و تن پروری را عامل فساد و تهدیدی جدی برای جامعه می دانستند.

■ آیا باید منتظر اثر جدیدی از شما، در آینده ای نزدیک باشیم؟
در حال حاضر مشغول مطالعه و بررسی مسائلی از جامعه هستم که دین برای آن ها راه حلی اندیشیده است. ان شاء الله اثر بعدی ام در حیطه روان شناسی اسلامی و روان شناسی اخلاق خواهد بود.

■ آیا شما در سال های گذشته هم در جشنواره کتاب رشد شرکت داشته اید؟ و اساساً چه نگاهی نسبت به این جشنواره دارید و برگزاری این جشنواره را چقدر مؤثر می دانید؟

من اولین بار است که در این جشنواره شرکت می کنم. این جشنواره با توجه به اهدافش، جایگاه ارزشمندی در میان اهل قلم یافته که امیدوارم با حمایت و پشتیبانی سایر مراکز علمی و آموزشی کشور همچنان خدمات خود را تعمیق و تداوم بخشد.

با توجه به اینکه دانشجویان و پژوهشگران، سازندگان جامعه و پدیدآورندگان جریان های فکری و فرهنگی هستند و نتایج تحقیقات آن ها است که دگرگونی و پیشرفت در عرصه های گوناگون علم و فرهنگ را میسر می سازد، شناسایی و معرفی این نخبگان می تواند کمک زیادی در راه بالندگی کشور باشد. توجه به استعداد های علمی و باور به توان و خلاقیت دانشجویان در نهادهای علمی کشور به ویژه در حوزه کتاب و کتاب خوانی موجب توسعه فرهنگ و دانش در مهم ترین پایگاه های علمی کشور است. جشنواره کتاب رشد نشان داده که این مهم را درک کرده و لذا اقدام به شناسایی فعالان حوزه نشر و مؤلفان و مترجمان خوش فکر، طراح و خلاق نموده است.

تداوم و رونق این جشنواره باعث شده است که این فعالیت در سال های اخیر در زمره چشمگیرترین فعالیت های کشورمان قرار گیرد.

■ چه مسیری را طی کردید تا کتاب به این صورتی که هست، در آمد و منتشر شد؟

موضوع پایان نامه کارشناسی ارشدم «عوامل موفقیت در کسب و کار از نگاه قرآن و حدیث» بود. برای نوشتن این پایان نامه حدود یک سال به جست و جو و بررسی آیات قرآن کریم و احادیث معتبر چهارده معصوم که مربوط به این موضوع بود پرداختم.

پس از اتمام تدوین پایان نامه و دفاع از آن، با توجه به به روز بودن موضوعش، استاد راهنمای من پیشنهاد کرد یک کتاب کاربردی کوچک از آن استخراج کنم تا پایان نامه ام به سرنوشت پایان نامه های اغلب دانشجویان مبتلا نشود و گوشه قفسه کتابخانه خاک نخورد.

■ آیا خودتان هم مشغول کسب و کاری هستید؟
کار اصلی من مطالعه، تحقیق و شرکت در پروژه های پژوهشی است. تألیف این کتاب نیز بخشی از کسب و کار من محسوب می شود.

■ به نظر خودتان، کتاب چه امتیاز یا چه حرف تازه ای نسبت به کتاب های موجود در بازار در حوزه کسب و کار دارد؟

شاید تاکنون کتاب ها و سمینارهای متعددی درباره کسب و کار دیده باشید. واقعیت این است که برای ثروتمند شدن راه های زیادی وجود دارد. اما آیا تمام این راه ها صحیح است؟ گاهی دستورالعمل های اندیشمندان و نویسندگان غربی، علی رغم کارآمد بودن با دین و فرهنگ ما همخوانی کامل ندارد. به همین دلیل من به این فکر افتادم از نگاه دین اسلام به این مسئله بپردازم.

از نگاه دین ما «موفقیت واقعی» در شغل، زمانی اتفاق می افتد که مخالف احکام خداوند نباشد، با کمال و تعالی روح انسانی مان متضاد نبوده و به قیمت زیر پا گذاشتن حقوق دیگران تمام نشود.

در آموزه های دینی عوامل مختلفی موجب زیاد شدن روزی و افزایش برکت در دارایی می شود، مانند علم، برنامه ریزی، مدیریت زمان، مدیریت بازار، مدیریت منابع مالی، مدیریت منابع انسانی، اصلاح اخلاق فردی، تصحیح رفتارهای اجتماعی، باورها و تلاش های عبادی. اگر همه این عوامل همچون تکه های یک پازل در کنار هم قرار بگیرند شاهد موفقیت در کسب و کارمان خواهیم بود.

■ مخاطب کتاب شما چه کسی است؟ یعنی انتظار دارید چه کسانی کتاب شما را بخوانند و پس از خواندن کتاب شما چه رفتاری نشان دهند؟

سعی کردم کتاب را به زبان عامیانه و ساده بنویسم تا تمام



منعطف چون طناب، بی‌شمار همچو سنگ و بخشنده مانند چوب

گپ و گفتی با معصومه پورطاهریان مؤلف مجموعه بازی با ابزارهای ساده

در گذشته ابزارهای کمی برای بازی وجود داشت؛ اما کودکان با ساده‌ترین مواد و وسایل همچون سنگ، چوب و خاک به خلق بازی‌های جذاب می‌پرداختند؛ بازی‌هایی که هنوز هم اگر به آن‌ها پرداخته شود، می‌توانند مخاطبان خود را جذب کند. معصومه پورطاهریان کوشیده است بخشی از این بازی‌های ساده را مجموعه سه جلدی بازی با ابزارهای ساده که شامل بازی با چوب، بازی با طناب و بازی با سنگ است گرد آورد. به بهانه شرکت این مجموعه در شانزدهمین جشنواره کتاب رشد به گفت‌وگویی صمیمی با مؤلف نشستیم.

■ بازی چیست؟

بی تردید بازی انتزاعی از زندگی واقعی است؛ اما واقعاً نمی‌توان تعریف واحدی از بازی ارائه کرد. بازی از یک سو فعالیتی سرگرم‌کننده، لذت‌بخش، دل‌خواهی، و آزادانه تعریف می‌شود، و از سویی دیگر شکل‌دهنده نگاه هستی‌شناسانه ماست، و آن سوتر منشأ فهم و لذتی که در جایی دیگر به دست نمی‌آید. اما همه این تعاریف نقض‌کردنی‌اند. گاه بازی مرز میان خیال و واقعیت را در هم می‌شکنند، گاه فعالیتی عبث نیست، و گاه الزاماً لذت‌بخش هم نیست. حتی امروز دوگانگی میان «بازی کودکان» و «کار بزرگسالانه» هم در هم شکسته است.

■ با اینکه خارج از کشور زندگی می‌کنید، چه چیزی باعث شد به فکر تألیف کتابی درباره بازی‌های ایرانی بيفتید؟

تألیف این اثر را در ایران آغاز کردم و خارج از ایران به پایان رسید. من سال‌ها در گروه هنر، بازی و سرگرمی شورای کتاب کودک به عنوان منتقد کتاب و پژوهشگر فعالیت می‌کردم و در نهایت با تشویق یک دوست وارد حوزه تألیف کتاب شدم.

■ آیا قبلاً هم در موضوع بازی و سرگرمی تألیفی داشته‌اید؟

مجموعه‌ی بازی با ابزارهای ساده زودتر به چاپ رسید. هم‌زمان با آن کتاب «اِهْنَمای انتخاب اسباب‌بازی» را تألیف کرده بودم که امیدوارم در آینده‌ی نزدیک وارد بازار کتاب شود.

■ به عنوان یک پژوهشگر جایگاه بازی با وسایل ساده را در ایران چگونه می‌بینید؟

نمی‌توانم اعتراف نکنم که این بازی‌ها رو به خاموشی‌اند؛ چون زندگی مدرن از بستر چنین بازی‌هایی فاصله گرفته است. تا روزی که رابطه و پیوندمان را با طبیعت جدی نگیریم، چنین بازی‌هایی هم به زندگی ما بازخواهند گشت. خوش‌بختانه دنیا به سمت دوستی با طبیعت بازمی‌گردد، هر چند غفلت از طبیعت و بی‌مهری به آن گاه مایوس‌کننده است.

■ بازی یا بازی‌های موردعلاقه خودتان در کودکی چه بود؟

بیش از هر چیزی بازی‌های خیالی را دوست داشتم. شاید انباری خانه‌ی پدری بهترین مکان برای بازی‌های من بود؛ چون انباشته بود از اشیای «هرچیز که خوار آید» که در عالم بازی‌های من اعتبار می‌یافتند. بعد از آن هیجان هفت‌سنگ و لیلی را دوست داشتم.

■ آیا مشکل خاصی در تألیف و انتشار این مجموعه داشتید؟

خوش‌بختانه برای نشر هیچ مشکلی نداشتم. بزرگ‌ترین مشکل من برای تألیف کتاب‌ها، پیدا کردن ساختار و فرم مناسب برای ارائه مطالب بود. محتوا به تنهایی کافی نبود و من وقت بسیاری را صرف این کردم که فرم در خدمت محتوا باشد.

■ تعامل ناشر در چاپ این مجموعه با شما چگونه بود؟

بی‌تردید نشر یکی از پایه‌های اساسی تولید یک اثر است. بدون یک ناشر همسو و حرفه‌ای نمی‌توان اثری شایسته را راهی بازار کتاب کرد. فقط دوست می‌داشتم با تصویرگران باذوق مجموعه حداقلی از تعامل را می‌داشتم. جا دارد که در همین جا از ناشر محترم قدردانی کنم.

بی تردید بدون دقت و وسواس ناشر در ارائه اثری باکیفیت، من امروز مخاطب شما در این مصاحبه نبودم.

■ آیا در طی تولید این مجموعه اتفاق جالب توجهی هم افتاد؟

اتفاق‌هایی که افتاد بیشتر به درگیری‌های شخصی من با اثر مربوط می‌شد. هر قدر جلوتر می‌رفتم همه چیز سخت‌تر می‌شد. جلد طناب به سرعتی باورنکردنی نوشته شد. جلد سنگ در شش ماه، و جلد چوب زندگی را بر من مختل کرد. بازی‌های طناب را منعطف همچون طناب یافته بودم. بازی‌های سنگ را بی‌شمار مانند سنگ؛ و بازی‌های چوب رازش را به من نشان نمی‌داد. تا روزی که بازی‌های چوب را بخشنده و رویان، مانند درخت یافتم و توانستم نوشتن را شروع کنم.

■ با توجه به پرهزینه و پرهزمت بودن تولید آثار تألیفی، برگزاری جشنواره‌هایی نظیر جشنواره کتاب‌رشد ادر ترغیب مؤلفان و ناشران به تولید این گونه آثار چگونه می‌بینید؟

به طور اختصاصی نمی‌توانم درباره جشنواره کتاب رشد نظر بدهم چون متأسفانه تاکنون بخت آن را نداشته‌ام که در این جشنواره شرکت کنم؛ اما بی تردید هیچ اثری بدون ترویج مناسب، هوشمندانه و هدفمند جایگاه واقعی خود را در میان مخاطبان نخواهد یافت. متأسفانه گاهی آثاری با ارزش هنری و ادبی و با پشتوانه سال‌ها پژوهش، آن‌طور که باید مورد توجه مخاطب آموزش ندیده قرار نمی‌گیرند. برعکس گاهی کتابی بدون داشتن چنین ویژگی‌هایی و حتی بدون تصحیح غلط‌های چاپی، به چاپ‌های متعدد می‌رسد. چنین مقایسه‌هایی نویسنده و ناشر را مأیوس می‌کند. اگر پدیدآورندگان بازار کتاب موظفانند مخاطب خود را جدی بگیرند و با صرف وقت و هزینه اثری درخور روانه بازار کتاب کنند، سیاست‌گذاران و مجریان صاحب اختیار نیز موظفانند که در ترویج و اعتبار بخشیدن به آثار ارزشمند بکوشند. یک اثر از طریق رسانه‌ها و جشنواره‌ها از خلوت یک نویسنده راه خود را به سمت زندگی اجتماعی خود باز می‌کند. یک جشنواره آگاه می‌تواند در بازبینی و بازتعریف ارزش‌ها و معیارهای حاکم بر دنیای فرهنگ و هنر، و ارتقای ذائقه مخاطب تعیین‌کننده باشد. کاری که بدون چنین پشتوانه‌ای، خارج از توانایی پدیدآورندگان و ناشران یا حداقل بسیار دشوار است. هر قدر یک جشنواره مستقل‌تر از تبعیض و سوگیری باشد، آثار وزین‌تر شانس بیشتری برای دیده شدن خواهند داشت.

■ آیا خاطره‌ای از انجام دادن بازی با ابزارهای ساده در کودکی در ذهن دارید؟

یادم می‌آید آینه‌ای که در خانه داشتیم برای من یک اسباب بازی ساده و در دسترس بود. یکی از بازی‌هایم با آینه این بود که آن را روی ساعدهایم می‌گذاشتم و به شکم خود می‌چسباند. به جای زمین زیرپایم، تصویری از آسمان یا سقف خانه را در آینه می‌دیدم و راه می‌رفتم. تجربه هیجان‌انگیزی بود راه رفتن در آسمان یا روی سقف اتاق!

■ فکر می‌کنید کودکان و نوجوانان امروزی که گزینه‌های فراوان دیگری برای بازی دارند، تا چه حد بتوانند با این بازی‌ها ارتباط برقرار کنند؟

وقتی این بازی‌ها در برابر گذر زمان و تغییرات فرهنگ تاب آورده‌اند و گاه هزاره‌ها را پشت سر گذاشته‌اند، بی تردید سرشت اندیشیده‌ای دارند و با طبیعت زندگی سازگارند. اما اینکه آیا کودکان در میان گزینه‌های مختلف این بازی‌ها را انتخاب می‌کنند یا خیر، می‌توانم بگویم اصولاً چرا از کودکی که هیچ رابطه‌ای با طبیعت ندارد و رازهای آن را کشف نکرده است، انتظار داریم بازی‌های طبیعت انتخاب او باشند؟ اگر انتخاب‌های امروزین کودکان ناامیدکننده است به ساختار بیمار زندگی امروز مربوط است نه انتخاب کودکان.

این یک مسئله جهانی است که بسیاری از کودکان امروز که در معرض بازی‌های پرشتاب الکترونیکی قرار دارند و دنیا را کند و کسالت‌بار می‌یابند، قادر به لذت بردن از بازی‌های ساده طبیعت نیستند. بازی با طبیعت وقتی اتفاق می‌افتد که بستر زندگی با شناخت و ادراک طبیعت و رازهای نهفته در آن همراه باشد. اگر کودکان بتوانند هیجان و شتابی را تجربه کنند که به درون خود آن‌ها مربوط می‌شود نه هیجان تصنعی و بیرونی بازی‌های الکترونیکی، بی تردید شاهد انتخاب‌های متفاوتی خواهیم بود. تأکید می‌کنم که من به هیچ وجه مخالف بازی‌های الکترونیکی نیستم. اما به نظر من هیچ کدام جایگزین آن دیگری نیستند.

■ چه توصیه‌ای برای مربیان و اولیای دانش‌آموزان در خصوص بازی و سرگرمی دارید؟

یک بزرگسال آگاه قادر است تجربه‌های متفاوت و ماندگار برای کودکان ایجاد کند. گاهی کودکان فقط به این دلیل به بازی می‌پیوندند که با معلم یا والدین خود هم‌بازی شوند و این بزرگ‌ترین فرصت برای کشف لذت‌هایی است که در دنیای امروز مورد غفلت واقع شده‌اند. زندگی مدرن باعث غفلت از طبیعت شده است. در عین حال همین دنیای مدرن به اخلاقیاتی دست یافته است که پیشینه‌ای در تاریخ نداشته‌اند. بی تردید ترویج دوستی با طبیعت و حیوانات، به دنیایی صلح‌آمیزتر و مهربان‌تر ختم می‌شود و بازی‌ها هم به سرشت طبیعی و انسانی نزدیک‌تر می‌شوند.

■ نظر شما درباره آینده بازی و اسباب‌بازی چیست؟ آیا کودکان و نوجوانان ایرانی با این بازی‌های ساده آشتی خواهند کرد؟

ما ناگزیر به خوش‌بینی هستیم. انسان اشتباه می‌کند، اما اشتباهات خود را تصحیح می‌کند. شتاب و رقابت زندگی امروز، زندگی را از بستر طبیعی خود خارج کرده است. من عمیقاً معتقدم انسان چاره‌ای ندارد جز این که با درخت و آب و زمین و کوه و حیوانات دوستی کند. دوستی آغازگر شناخت و ادراک طبیعت است و طبیعت بازی‌گر است. ما رفتار و منش خود را تصحیح خواهیم کرد. ما چاره‌ای نداریم جز آن که به رابطه و بازی‌های ناسالم خود با طبیعت پایان بدهیم، مگر آن که از این کره خاکی کوچ کنیم.

■ سخن آخر؟

امیدوارم این مجموعه مورد اقبال کودکان و مربیان قرار بگیرد و تلنگری باشد بر داشته‌های از دست رفته‌مان. از مجله رشد جوانه نیز به خاطر فرصت این گفت‌وگو قدردانی می‌کنم.



بازی از یک
سو فعالیت
سرگرم‌کننده، لذت
بخش، و آزادانه
تعریف می‌شود،
و از سویی دیگر
شکل‌دهنده نگاه
هستی‌شناسانه
ماست، و آن سوتر
منشأ فهم و لذتی
که در جایی دیگر به
دست نمی‌آید

رشد جوانه
شماره ۶۱
پاییز ۱۳۹۷



مدرسه‌های آینده چند منظوره‌اند

گفت‌وگو با دکتر اسماعیل ضرغامی مؤلف کتاب «معماری مدارس آینده»

«معماری مدارس آینده» یکی از کتاب‌هایی است که به گروه داوری معماری شانزدهمین جشنواره کتاب رشد راه یافته است. به این بهانه، با دکتر اسماعیل ضرغامی دانش‌آموخته دکترای مهندسی معماری و شهرسازی و استاد تمام دانشگاه شهید رجایی به گفت‌وگو نشستیم تا درباره این کتاب و موضوع آن صحبت کنیم.

دارند. اگر زمانی علم به صورت انتقال مطلب بود، امروز دیگر رویکردها و شیوه‌ها تغییر کرده است.

● منظور تان فضا سازی‌ها و معماری جدید برای آموزش است؟

بله، هم در فضا سازی آموزشی و هم در محتوا. اگر معماری را یک کالبد برای محتوایی که می‌خواهد اجرا بشود بدانیم، معماری باید بتواند در جهت خدمت‌دهی به برنامه‌ها و جریان‌های جاری خود را هماهنگ کند. هر محتوایی در هر عرصه‌ای برای اجرا باید بتواند خودش را با معماری سازگار کند. در زمینه آموزش هم اگر چه تحول تاکنون به صورت اساسی نبوده، ولی احساس تحول اساسی همه گیر شده است.

به موازات تغییرات مدارس و شیوه‌های آموزشی این احساس در ما وجود داشت که دیگر مدرسه نمی‌تواند همان مدرسه پنجاه سال پیش باشد. با توجه به عزم ملی و جهانی در تغییر شیوه‌های آموزشی، حتماً باید معماری مدارس هم تغییر پیدا کند. آموزش جدید کالبد جدید می‌خواهد. نمی‌شود آموزش‌های جدید را در کالبد کهنه قرار داد. تغییر حتی در وظایف و جایابی‌ها، تشکیلات و سیستم‌های رسانه‌ای باید به کمک آموزش بیاید. سیستم‌های رسانه‌ای باید در دل خود مدارس نهادینه شوند. همه این‌ها ما را به اینجا رساند که باید فکری نو پدید آورد و در این زمینه بیشتر تلاش کرد. ما هم در این راستا که به معماری آینده کمکی بکنیم احساس وظیفه کردیم و گام کوچکی برداشتیم.

■ با تألیف کتاب «معماری مدارس آینده» قطعاً اهدافی را در سر داشتید؛ آیا با چاپ و نشر کتاب، به آن اهداف رسیدید؟

■ جناب دکتر ضرغامی لطفاً با بیان خلاصه‌ای از فعالیت‌های علمی و اجرایی خودتان بفرمایید در حال حاضر بیشتر در کدام عرصه فعال هستید؟

ابتدا تشکر می‌کنم که برای گفت‌وگو درباره معماری مدارس آینده و کنونی این فرصت را برای من به وجود آوردید. من فعالیت‌های خود را با تدریس در رشته‌های معماری و مکانیک، در هنرستان‌های کشور از سال ۶۰ آغاز کردم و با گذراندن کارشناسی ارشد در دانشگاه شهید بهشتی وارد مرکز آموزش عالی انقلاب اسلامی (دانشگاه شهید رجایی فعلی) شدم و در سمت مربی و هیئت علمی به تدریس پرداختم تا اینکه دکترای رشته مهندسی معماری دانشگاه علم و صنعت را کسب نمودم. اکنون هم به تدریس در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا در دانشگاه شهید رجایی مشغول‌ام. من همواره به موازات تدریس در ساخت مراکز آموزشی و تحقیقاتی اهتمام داشته‌ام. به گونه‌ای که از سال ۶۹ تا ۸۰ مسئولیت طرح‌های عمرانی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی به عهده بنده بود. در حال حاضر نیز با سمت استاد تمامی انجام وظیفه می‌کنم.

■ از چه زمانی انگیزه پرداختن به موضوع معماری مدارس آینده در شما شکل گرفت؟

وقتی انسان در عرصه‌ای فعالیت می‌کند برون داد آن رشته در فعالیت‌های اجرایی خود را نشان می‌دهد. در مورد رشته ما، ملموس‌ترین شکل آن می‌تواند کمک به عمران و آبادانی کشور باشد. باید عنایت داشت که با توجه به انفجار اطلاعات و دهکده شدن جهان و... امروزه برنامه‌های آموزشی تفاوت اساسی با برنامه‌های گذشته



**اگر بخواهیم
مدارس را به گونه‌ای
کنیم که بتوانند هم
در خدمت آموزش
و هم در خدمت
فرهنگ باشند،
اول باید دیوارهای
مدارس و قفل‌های
مدارس را برداریم**

یکی از محققان بسیار خوب غربی به نام «آموس راپاپورت» عقیده‌ای جالب توجه دارد که مخالف بسیاری از صاحب‌نظران است. که می‌گویند معماری تحت‌تأثیر اقلیم و آب و هوا و صنعت است. راپاپورت می‌گوید معماری قبل از هر چیز تحت‌تأثیر فرهنگ است، و این فرهنگ جوامع است که معماری را می‌سازد. در نتیجه اگر یک فرهنگ ستوده جهانی و ایرانی را که عشق به آموزش و انسانیت دارند، کنار هم قرار بدهیم و پایه‌ها و برنامه‌ریزی را درست پیش ببریم، خودش را با هر اقلیمی تطبیق می‌دهد.

■ رابطه معماری با نقش خانواده، گروه‌های سنی، جنسیت، اقوام، فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها را که در اقلیم ایران بسیار متنوع هم هستند چگونه تعریف می‌کنید؟ موضوعی که در کتاب هم به آن نپرداخته‌اید.

البته خارج از کتاب به این موضوع پرداخته‌ایم. در حال حاضر تحقیقاتی در این زمینه در حال انجام است. خروجی‌های مقدماتی هم دارد که یکی از آن‌ها بحث مدارس اجتماعی است که در آن می‌توانیم برای مدارس تنوع عملکرد پیش‌بینی کنیم. مدارس باید از صورت فعلی در آیند. در برنامه‌ریزی مدارس آینده باید از صرف مدرسه طراحی کردن و ساختن بیرون بیاوریم. این هدر دادن سرمایه عمومی کشور است که دقیقاً به مدارس آینده مربوط می‌شود. این همه تکیه و تأکید بر مدارس یک نوشته، هدر دادن سرمایه عمومی کشور است. سرمایه زیادی از بودجه عمومی و بیت‌المال یا جیب خیرین مدرسه‌ساز صرف می‌کنیم که مدارس را یک نوشته کنیم تا یک ساختمان فقط از ساعت ۸ تا ۱۳ فعال باشد. و این همه تجهیزات و امکانات و فضا را ۱۷، ۱۸ ساعت تعطیل و معطل نگه‌داریم تا خاک بخورد. مثلاً آیا این مدرسه و محل نمی‌تواند بعد از ظهرها در اختیار والدین و محله باشد؟

در هر حال تحقیقاتی صورت گرفته است و پژوهش‌هایی در حال اجراست که مطمئناً نتایج آن به سازمان‌های مسئول و به دانشجویانی که مدرسه طراحی می‌کنند، ارائه خواهد شد تا بتوانند معماری‌ها را متحول کنند. به صورت خلاصه عرض کنم که مدرسه می‌تواند نقشی بیش از نقش کنونی خود بازی کند. ما نمونه‌های زیادی از مدارس اجتماعی در فرهنگ خودمان داریم؛ مثل مدرسه و مسجد معبر الممالک که بهترین نمونه در تهران است.

■ می‌دانید که سبک زندگی و تجهیزات خیلی باشتاب در حال رشد و تغییر هستند. یاددهی و یادگیری را با این تغییرات پرشتاب، در نسبت با معماری مدارس آینده چگونه تعریف می‌کنید؟

اگر بخواهیم مدارس را به گونه‌ای کنیم که بتوانند هم در خدمت آموزش و هم در خدمت فرهنگ باشند، اول باید دیوارهای مدارس و قفل‌های مدارس را برداریم. واقعیت است که حتی در حال حاضر هم، در خیلی از کشورها دانشگاه‌ها دیوار ندارند. حصار کشی دور دانشگاه‌ها و مدارس بزرگ‌ترین اشتباه است. باید قفل و دیوار مدارس را برداشت و مدارس را در اختیار جامعه گذاشت. باید فاصله را با شکستن قفل و برداشتن دیوارها کم کنیم. ما حاضریم در چند مدرسه این کار را به‌صورت آزمایشی انجام دهیم تا بدانیم می‌توان از سرمایه‌های عمومی بهره‌گیری بیشتری داشت. چرا مدارس ما از ۲۴ ساعت، ۵ تا ۶ ساعت فعال هستند؟ در حالی که می‌توان با فضاهای مکمل در مدارس یا کنار آن‌ها، مجموعه را فعال‌تر کرد. معماری مدارس آینده باید به نیازهای جامعه آینده جواب بدهد و بهره‌وری مدارس را به‌صورت کمی و کیفی بالا ببرد. هدف مدرسه آینده نباید تنها جامعه دانش‌آموزی باشد. باید اجتماع محور، محله‌محور، دانش‌محور و اقتصادمحور باشد.

هدف- هدف بسیار بزرگی است. در این زمینه واقعاً تحول بزرگی لازم است؛ برای اینکه جامعه ما و نظام نوین ما اگر ادعایی دارد باید در آموزش حرف‌های خودش را بزند و مطمئناً هدف‌های بلندی برای آن وجود دارد. لذا خیلی دور از واقعیت خواهد بود اگر بخواهیم بگوییم با یک کتاب به اهداف رسیده‌ایم. این کتاب بیشتر در حد طرح مسئله و در حد ذکر کردن کار است. لذا گام‌های بلندتر و سریع‌تر و زیادتری باید برداریم تا بتوانیم به اهداف و نیاتی که داریم، دسترسی پیدا کنیم.

■ در کتاب بیشتر از منابع و نمادهایی استفاده کردید که وجود دارند. نسبت این مدارس و نمادهای موجود را به معماری مدارس آینده چگونه تعریف می‌کنید؟

همیشه می‌گویند تحول تدریجی است. اگر بخواهیم به جهش و خلق الساعه بودن تحول اعتقاد داشته باشیم، یک مقدار به دور از واقعیت‌ها حرکت کرده‌ایم، به‌خصوص در رشته‌ها و عرصه‌های خدماتی که آموزش هم یک عرصه خدماتی است و در هر حال بخشی از جمعیت هر جامعه‌ای را به خود مشغول می‌کند. وقتی در جامعه‌ای چهارده میلیون نفر درگیر جریان آموزش هستند، نمی‌توان این جریان را به‌صورت یکباره قطع کرد و منتظر گذاشت تا سیستم جدیدی به جای آن بیاید. باید ضمن شناخت دقیق آن و اولویت‌های آن، در محل‌هایی که می‌شود، به‌صورت تدریجی تحول به وجود آورد.

■ چگونه می‌توانیم از تجربیات گذشته برای آینده استفاده کنیم؟

بسیاری از تجربه‌های گذشته خوب و به‌دردخور هستند و در طی زمانی طولانی به‌دست آمده‌اند. بنابراین با مطالعه فضا و کیفیت آموزشی مدارس مانند نظامیه یا مدارس دوران صفویه، می‌توان به نکات با ارزش و کارایی دست یافت. درست است که آموزش در آن‌ها محدود بود و به گسترده‌ی مدارس و دانشگاه‌های امروز نبود، ولی اسوه‌ها و نخبه‌ها در همین مدارس تربیت می‌شدند. در آن زمان، جریان علمی از شرق و از ایران به غرب می‌رفت. مدرسه‌های زیادی نداشتیم، ولی مدارس داشتیم که زکریای رازی و جابر بن حیان‌ها، ابن سیناها و خواجه‌نصیرها در آن‌ها آموزش دیده بودند. همیشه درباره معماری سنتی می‌گوییم که بهترین برداشت از تاریخ، برداشت از محتواهای آن است. برداشت از روش‌ها است تا شکل‌ها. تکنیک‌ها تغییر کرده‌اند، اما اصول می‌تواند امروز هم قابل استفاده باشد. البته معماری باید تابع زمان خود باشد و معماری ایرانی و اسلامی هم می‌تواند حالت مدرن خود را داشته باشد.

شاید بارزترین تمایز معماری سنتی با معماری مدرن و امروزی، تک عملکردی بودن باشد. در معماری سنتی، حالا چه غربی و چه ایرانی آن، معمولاً فضاها چند عملکردی بودند؛ از منزل گرفته تا فضاهای اجتماعی و عمومی. مثلاً در مسجد، ساعتی جلسه موعظه برگزار بود و یک‌ساعت بعد خیرات توزیع می‌شد. روز بعد محل رأی‌گیری بود. چند منظوره بودن بناها با توجه به ازدیاد جمعیت و تنوع نیازهای بشری، می‌تواند یکی از چاره‌های دردهای ما باشد. در خصوص مدارس هم با توجه به تغییر و تحولی که در محتوای آموزش به وجود می‌آید، کلاس درس نباید فقط فضایی باشد که عده‌ای دور هم جمع شوند و معلم مطالبی را بگوید و آن‌ها هم بشنوند. تک عملکردی بودن مدارس در آینده بزرگ‌ترین اشتباه خواهد شد.

■ ایران سرزمینی پهناور با جغرافیای متنوع است. در کتاب معماری مدارس آینده آیا به این واقعیت توجه شده است؟



کتابی با زبان برنامه نویسی تصویری برای کودکان

نقدی بر کتاب طراحی بازی های دیجیتال

● نام کتاب: طراحی بازی های دیجیتال

● مؤلف: درک برین

● مترجم: نیلوفر رحیم زاده

● ناشر: آوند دانش

● چاپ اول سال: ۱۳۹۶

شروع استفاده از اسکرچ فقط یک راه درست وجود ندارد و با هر پروژه ای می توان شروع کرد. کاربر مبتدی، بهتر است ابتدا سری به انجمنی که توسط شرکت سازنده اسکرچ، یعنی MIT طراحی شده است بزند تا پروژه های متنوع طراحی شده در محیط اسکرچ را ببیند. آدرس این انجمن scratch.mit.edu است.

از آنجا که وبسایت شرکت MIT و انجمن اسکرچ به زبان انگلیسی هستند، کودکان انگلیسی زبانی که سواد خواندن دارند بدون محدودیت سنی می توانند به راحتی و حتی بدون آموزش معنی دار و مستقل، به چرخه بازی سازی وارد شوند و از معلومات و تجربیات سایر افرادی که بازی هایشان را به اشتراک گذاشته اند استفاده نمایند؛ اما برای سایر کودکان دنیا با زبان های مادری غیرانگلیسی، از جمله کودکان فارسی زبان، نیاز به آموزشی حتی مختصر، ضروری به نظر می رسد. با توجه به اینکه انتشارات آوند دانش نماینده انحصاری نشر وایلی در ایران است، می تواند به سازوکار طراحی انجمنی مشابه اسکرچ در سایت MIT بیندیشد تا کودکان فارسی زبان نیز بتوانند تجربیات خود را به زبان مادریشان در یک وبسایت کاملاً فارسی به اشتراک بگذارند.

نکته دیگری که بیان آن خالی از لطف نیست این است که انگلیسی زبان بودن نسخه اصلی کتاب باعث شده نویسنده، در برخی آموزش ها به تیر و عنوان منوها و یا دستورات برنامه اشاره کند بدون اینکه نیاز به درج تصویر باشد؛ بنابراین ممکن است کاربر فارسی زبان نا آشنا به زبان انگلیسی دچار سردرگمی شود و نتواند به راحتی دستورات را اجرا نماید؛ پس ترجمه بدون تغییر این دست کتب، می تواند نارضایتی مخاطبان را در پی داشته باشد. مترجم می تواند بخش هایی را با ظاهر متمایز به کتاب اضافه کند تا کاربران مبتدی با خرسندی بیشتری بتوانند آموزش ها را دنبال نمایند.

در دنیای امروز کمتر کودکی است که علاقه ای به انجام بازی های رایانه ای نداشته و یا حتی انجام آن ها را تجربه نکرده باشد. از آنجا که یکی از راه های رشد زمینه سازندگی، پرورش خلاقیت، ابتکار و نوآوری این است که کودکان خودشان ابزارهای بازی را بسازند، در زمینه بازی های دیجیتال ابزار لازم توسط نرم افزارهای بازی سازی انجام می شود. در این گونه برنامه ها، کودکان می توانند بر پایه یک داستان واقعی و یا حتی تخیلی به طراحی بازی بپردازند.

کتاب «طراحی بازی های دیجیتال» از مجموعه کتاب های دامیز است که توسط درک برین تألیف و به قلم نیلوفر رحیم زاده به فارسی برگردانده شده است.

کتاب های دامیز از حدود سه دهه پیش با هدف آشنا کردن عامه مردم با مباحث متفاوت و مخصوصاً علوم رایانه ای منتشر می شود. تقاضای بسیار بالای این کتاب ها در کشورهای مختلف و ترجمه به بیش از ۳۰ زبان زنده دنیا، نشان از اقبال مخاطبان به این کتاب ها دارد. بیان مطالب به صورت مختصر و مفید از ویژگی های بارز کتاب های دامیز است.

توسط وبسایت ها، شرکت ها و مؤسسات مختلف، ابزارهای متعددی برای ساخت بازی ارائه شده اند؛ اما این کتاب بر روی اسکرچ، که یک زبان برنامه نویسی تصویری برای کودکان است، تمرکز می کند و یقیناً می تواند همراه خوبی برای افراد علاقه مند به طراحی بازی باشد. بنابر ادعای مطرح شده توسط نویسنده، برای

سهیم شدن مخاطب در کشف پیام پنهان

نقدی بر سه نمایش نامه

نگاهی به متن نمایش

متن نمایش، «داستان» نیست؛ البته داستان، قصه، حکایت، مثل و ضرب‌المثل به شکل گرفتن متن نمایش (نمایش نامه) کمک بسیاری می‌نمایند؛ اما هیچ کدام ویژگی‌های «متن نمایش» را ندارند. نمایش نامه در زمان حرکت و داستان خود را روایت می‌کند. شاید به این دلیل باشد که یک نمایش نامه می‌تواند اجراهای متفاوتی داشته باشد که هر یک بیننده را به تجربه‌ای متفاوت مهمان نماید.

«هدف» و «پیام»ی که در یک نمایش نامه وجود دارد، نویسنده را وادار می‌دارد تا برای «بیان» آن، بهترین «شیوه» و «شکل» را انتخاب نماید. گاه ممکن است مخاطبان یک نمایش نامه، کودک، نوجوان یا جوان باشند؛ در چنین زمانی شیوه‌ای که نویسنده برای متن خود انتخاب می‌کند؛ ویژگی‌های سنی و روحی مخاطب، زمان و مکان، شرایط فرهنگی و باورهای مذهبی، قومی و ملی و بومی او را نیز در بر می‌گیرند.

نمایش نامه از سویی با نمایش و نمایش‌گری و اجرا مواجه است. آن گونه که خصلت نمایش است و از سوی دیگر با انتقال دانش و آگاهی، معرفت و شور و تجربه‌های زیبایی‌شناختی و هنری که ادبیات داعیه آن دارد نمایش و نمایش‌گری که در نهاد هر انسانی وجود دارد، را، چه تقلید‌گری و گرایش انسان به تقلید بدانیم آن گونه که افلاطون و ارسطو می‌گویند یا رفع کاستی‌ها و تقویت خصایص روحی آن گونه که روان‌شناسان و روان‌کاوان می‌گویند در کنار آموزش دانش و فرهنگ، آداب و رسوم و داستان‌سرایی، خاستگاه‌های هنر نمایش را تشکیل می‌دهند. بنابراین با چنین تعریفی - که همه چیز در آن کنش‌مند است و از توصیف و تشبیه صرف فراتر می‌رود - متن نمایش داستان

نیست و انتظارات ما از آن، چیزی به مراتب بیشتر است. همه عناصر ساختاری نمایش نامه نظیر: روی‌داد و شخصیت، گفت‌وگو و شخصیت‌پردازی، صحنه‌پردازی و سرانجام موضوع و سخن نهایی، همه و همه در خدمت تفکر و هدفی قرار می‌گیرند که نویسنده می‌کوشد تا آن را با زبان نمایش باز گوید. چنین رویکردی در همه گونه‌های ادبیات وجود دارد، اما متن نمایشی - یا همان نمایش نامه - به دلایلی که برشمردیم، مؤثرتر است.

متون نمایشی با توجه به سخنی که نویسنده برای روایت آن انتخاب می‌نماید، می‌تواند به شکل‌ها و بیان‌های متفاوتی عرضه گردد. در تحلیل مختصری که بر سه متن نمایشی سه نقلی، بهشت فروشی و نماینده مرموز صورت گرفته است، می‌بینیم که نویسنده در کنار به‌کارگیری عناصر ساختاری متنی، در نمایش نامه سه نقلی از شیوه نمایشی نقلی و پرده‌خوانی، در نمایش نامه بهشت فروشی از شیوه نمایش‌های آموزشی و در نمایش نامه نماینده مرموز از به‌کارگیری طنز نمایشی در صحنه و لباس و کلام و رفتار شخصیت‌ها بهره برده است. بدیهی است که مراد از این گفته، استفاده از قواعد و ضروریات هر کدام از این شیوه‌ها و عناصر نمایشی است.

آنچه مهم است این است که بدانیم محروم کردن مخاطب از لذت درگیر شدن در رویدادهای داستان، هم‌ذات‌پنداری با شخصیت‌ها، خیال‌پردازی مکان‌ها و صحنه‌ها، درک و حس تجربه‌ای نمایشی و ناب در کنار معرفت‌بخشی و کسب دانش و آگاهی به گونه‌ای غیر مستقیم، عناصر جدا نشدنی از نمایش و به گونه‌ای کلی، هنرهای نمایشی است. آن گاه که مخاطبان متن و اجرا، گروه‌های سنی کودک و نوجوان است، این مهم به یک‌باره، چندین برابر اهمیت می‌یابد.



نویسنده سه داستان اساطیری آرش کمان گیر، زال و سیمرغ و هفت خوان رستم را با استفاده از شکل نمایشی نقالی برای دانش آموزان سال های چهارم و پنجم و ششم دبستان باز می گوید. نقالی، نوعی از نمایش است که در آن روایت گری داستان های حماسی، پهلوانی و اساطیری صورت می پذیرد که علاوه بر بازخوانش داستان های کهن، امید، شجاعت و هویت را به مخاطبان خود ارزانی می دارد. کتاب سه نقالی می کوشد تا این آیین کهن نمایشی را با نگاهی نو درآمیزد و تجربه نمایشی بدیعی را برای مخاطبان کودک خود فراهم سازد.

تک گویی های نقال، که گاه طولانی هستند و گاه بیش از حد به زبان محاوره نزدیک می شوند و با مخاطب کنشی ارتباطی برقرار می نمایند، بازآفرینی نقش شخصیت های داستان توسط نقال- که می تواند نگاه تازه تری به بازیگری نقال باشد- تصویرسازی ساده و زیبا برای پس زمینه های صحنه و استفاده از اشعار اصلی شاهنامه فردوسی و منظومه آرش کمانگیر سیاوش کسریایی از نکات قابل توجه این کتاب است. درمقابل، تلاش بیش از اندازه نویسنده برای بیان مستقیم و گاه ملال آور نصایح و پندهای اخلاقی، از نکاتی است که ارزشمندی کتاب را هدف قرار داده است. به نظر می رسد تلاش نویسنده برای آموزش مستقیم مخاطب معضلی است که بسیاری از کتاب های- حداقل نمایشی- این سنین را گرفتار کرده است.

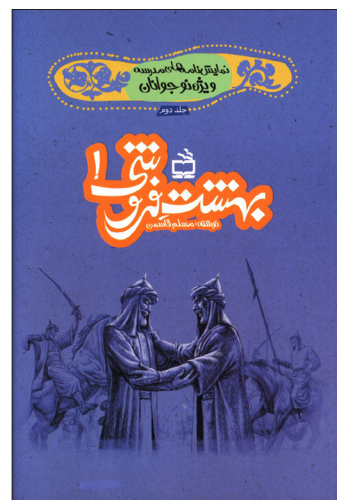


سه نقالی

- نام کتاب: سه نقالی
- ویژه دانش آموزان متوسطه دوره اول و دوم
- مؤلف: محسن رحمانی
- تصویرگر: فرزاد جلیلیان
- ناشر: طلایی
- چاپ اول سال: ۱۳۹۶

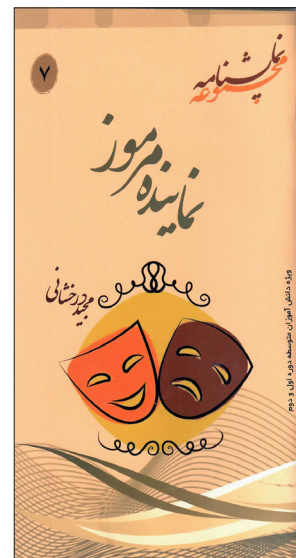
کتاب پانزده متن نمایشی دارد. نویسنده کوششیده است تا با استفاده از منابعی چون داستان راستان اثر شهید مطهری، هزار و یک حکایت اخلاقی نوشته محمدحسین محمدی و کتاب های فارسی دوره ابتدایی، به هدف آموزش آموزه های دینی و اخلاقی، تجربه ای نمایشی را در قالب روایت هایی از زندگی معصومین و شخصیت های تاریخی و حتی انسان های معمولی فراهم آورد. بهشت فروشی عنوان یکی از این داستان های نمایشی به نام سگ عیان و مرغ پنهان است که خواننده را به تلاش برای کسب معرفت و در پس آن، رستگاری که در اینجا در قالب بهشت تجسم می یابد فرا می خواند. موهبتی که خریدنی نیست و با همت و تلاش به دست می آید.

متون نمایشی که به هدف آموزش و پرورش مخاطب تهیه می شوند بر دو گونه اند؛ آن هایی که پیام خود را به شکل «مستقیم» به مخاطب ارائه می دهند و نوشته هایی که مخاطب را در تجربه ای نمایشی شریک کرده و او را به فهم و درک پیام خود رهنمون می گردانند. پژوهش ها نشان می دهند که متون گروه دوم، که مخاطب را به چالش سهیم شدن در رویدادهای داستان و کشف پیام نهان شده در متن می کشانند، موفق تر بوده و جذابیت بیشتری دارند. این فرآیند در متن نمایشی «سگ عیان و مرغ پنهان»؛ که عنوان کتاب هم از این متن گرفته شده است، وجود داشته و مخاطب در پس عمل نمایشی قهرمان داستان به درک حقیقت پنهان دست می یابد. مسلم قاسمی تجربیات بی شماری در به کارگیری عنصر نمایش برای آموزش و تعلیم و تربیت داشته و به طبع بهتر از هر کسی به این فرآیند، آگاهی دارد. این دانش و آگاهی، اما، در بیشتر متون نمایشی این کتاب دیده نمی شود.



بهشت فروشی

- نام کتاب: بهشت فروشی (از مجموعه نمایش نامه های مدرسه، ویژه نوجوانان)
- نویسنده: مسلم قاسمی
- ناشر: مؤسسه فرهنگی برهان
- چاپ اول، سال: ۱۳۹۶



نماینده مرموز

- نام کتاب: نماینده مرموز
- مؤلف: مجید درخشانی
- ناشر: عابد
- چاپ اول سال: ۱۳۹۶

ذکر خصوصیات کلی شخصیت، امکان جولان و تکاپوی ذهن مخاطب برای ساختن تصویر مناسب از آدم‌های داستان نمایش را فراهم می‌آورد. علاوه بر شخصیت‌های تیپیکال (نمونه کلی)، وجود عنصر شوخی‌های کلامی، بازی با کلاه بزرگ و عجیبی که وزیر بر سر می‌گذارد، داستان عجیب یافتن کشاورز، کنش و واکنش کشاورز در جریان مسابقه نمادین دو کشور همسایه، خواسته کشاورز در انتهای داستان مبنی بر اینکه در برابر کاری که انجام داده، تنها دو خواهش دارد، یکی آن که مکتب‌خانه و مدرسه در کشور ساخته شود و دوم آنکه او را رها کنند تا به شهر خود باز گردد و فرزندش را ببیند و استراحت کند! و ... به یاری نویسنده می‌آیند تا او پیام داستان خود را مبنی بر تلاش برای کسب دانش و آگاهی، صداقت و راستی در بیان و رفتار، شجاعت در بیان بی‌پروای حق و حقیقت، پرهیز از جنگ و جدلهایی که بر خواسته‌های خودخواهانه استوار شده و سرانجام برگشت به اصل خویشتن، را به گونه‌ای غیرمستقیم و بر بستری از شوخی و طنز به مخاطب برساند.

نکته مهمی که نباید ناگفته بماند، اشتباهی است که در ویراستاری کتاب روی داده و رویه‌ای که در نگارش متن در نظر گرفته شده در اواسط کتاب فراموش می‌شود.

طنز و خلق موقعیت‌های کمیک، داستان تکراری و بی‌هیجان نماینده مرموز را به نمایشی جذاب و تأثیرگذار تبدیل نموده است. پادشاهی که به واسطه دستور خود مبنی بر تعطیلی مکتب‌خانه و مدرسه، حاکم سرزمینی فاقد انسان‌های دانشمند و باهوش شده، در مواجهه با رقابتی که با نماینده کشور دیگر درمی‌گیرد، مجبور است کشاورزی ساده‌دل را به‌کاری بزرگ مسابقه هوش که در آن شرکت‌کنندگان باید تنها از ایما و اشاره و رسم شکل (نقاشی) برای بیان منظور خود استفاده نمایند. بگمارد. کشاورز در برابر نماینده باهوش کشور همسایه برنده شده و در برابر ایجاد مکتب‌خانه و مدرسه برای تربیت و پرورش انسان‌های دانشمند و باهوش را بر دریافت هدایای گران‌بها به‌عنوان پاداش کار خود، ترجیح می‌دهد. شخصیت‌های این نمایش پادشاه، وزیر، نگهبان، کشاورز، پادشاه و وزیر و نماینده کشور همسایه. همگی به صورت نمونه کلی (تیپ) معرفی می‌شوند تا نویسنده را برای بیان نمادین داستان خود یاری نمایند. ویژگی بزرگ این‌گونه شخصیت‌پردازی این است که دست نویسنده را در حذف پردازش‌های دقیق و پر از جزئیات نقش. که گاه مانع بزرگی در تخیل و خیال‌پردازی مخاطب در خلق فضا، زمان و مکان و رفتار شخصیت‌ها می‌شود. باز می‌گذارد و تنها با



تمرینات اصلاحی برای ده ناهنجاری قامتی

نقدی بر کتاب «کودک رعنا، قامت زیبا»

● نام کتاب: کودک رعنا، قامت زیبا

● مؤلفان: معصومه ولایتی، مینا حقیقی، احمد ربانی

● تصویر ساز: فرشته هادی پور

● ناشر: مهر زهرا (س)

● چاپ اول سال: ۱۳۹۶

درس تربیت بدنی یا ورزش مدرسه با سابقه نزدیک به یک قرن، با هدف توسعه و تکامل جسمانی، حرکتی، شناختی و عاطفی- اجتماعی امروزه می‌رود تا نقش خود را در سلامت و تسلط بر مهارت‌های پایه رشته‌های ورزشی کودکان و نوجوانان در ابعاد مختلف بیش از پیش ایفا کند. در کنار این انتظارات توجه به حفظ ساختار قامتی در حدمطلوب آنچنان که متخصصین از آن یاد می‌کنند از پیش‌فرض‌های علمی آموزش ورزش در مدارس تلقی می‌شود. بدین معنی که با شرکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های درس تربیت بدنی که در چارچوب برنامه مصوب و تدوین شده دفتر تألیف کتاب‌های درسی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی می‌باشد، دانش‌آموزان نه تنها از انجام حرکات غلط و آسیب‌زا در امان می‌مانند، بلکه معلمان با اتکا به دانش خود و توصیه‌های کتاب‌های راهنمای معلم اطلاعات لازم را در اختیار دانش‌آموزان دارای ناهنجاری‌های ساختار قامتی قرار می‌دهند. با این وجود متخصصین رشته دانشگاهی آسیب‌شناسی و حرکات اصلاحی از پاننشسته و با تهیه کتاب‌های آموزشی سعی بر انتقال دانش و توصیه‌های لازم برای پیشگیری و احتمالاً رفع نواقص موجود در ساختار قامتی ناهنجر برخی دانش‌آموزان توسط معلمان تربیت بدنی می‌کنند. البته موضوع برنامه‌ریزی برای کنترل و پیشگیری از ناهنجاری ساختار قامتی دارای سابقه‌ای به طول دو دهه در حوزه سلامت و تربیت بدنی آموزش و پرورش کشور است، اما برآوردی از نتایج این فعالیت‌های هزینه‌بر به

نقد به‌عنوان یک مهارت شناختی گویای تلاش ناقد در تمییز امتیازات و کاستی‌های یک اندیشه، روش یا اثر است. نقد کتاب عبارت از توصیف، تحلیل انتقادی، ارزیابی کیفیت، اهمیت و تأثیرگذاری یک کتاب در زمینه‌ای خاص است.

کتاب، به‌عنوان قدیمی‌ترین رسانه مکتوب، همواره از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. با پیدایش رسانه‌های دیجیتالی، جایگاه کتاب‌های عمومی نسبت به گذشته تنزل یافته است اما کتاب‌های علمی هرگز از جایگاه مرجعیت خود خلع نشده‌اند و همیشه عامل انتقال پیام‌ها و یافته‌های پژوهش‌های علمی بوده‌اند. رسالت تولید کتاب‌های باکیفیت نه تنها بر دوش مؤلفین و ناشران بلکه بر دوش ناقدان صاحب اندیشه نیز هست تا با نقد خود هم کاستی‌ها و هم امتیازات کتاب‌های علمی-آموزشی را نشان دهند و راه را برای بهبود این گونه کتاب‌ها هموار سازند. بدون تردید نقد و نشر آثار منتقدانه یا انتقادی ضمن ایجاد تحرک و نشاط علمی در بین مخاطبین به بازنگری آثار تألیفی به‌دست نویسندگان و یا تولید آثار جدید و کم نقص‌تر می‌انجامد.

شکلی دقیق و علمی در دسترس نیست. بنابراین همواره به این امید که تولید کتاب‌ها، بروشورها و پوسترهای آموزشی می‌تواند منجر به آگاهی بیشتر معلمان، دانش‌آموزان و خانواده‌ها بشود، اقدام به تولید آن‌ها شده است.

توصیف محتوایی کتاب

محتوای کتاب شامل معرفی ۱۰ ناهنجاری مرتبط با ساختار قامتی انسان به همراه علل ایجاد آن‌ها و تمرینات اصلاحی است.

مزایای کتاب

مزایای کتاب را می‌توان در دو بعد شکلی و محتوایی تشریح کرد. در بعد شکلی کتاب دارای تصاویر رنگی، کاغذ روغنی (گلاسه)، خطوط درشت و صفحات کم است که به سرعت مطالعه و جذابیت کتاب کمک می‌کند. در بعد محتوایی مزیت کتاب معرفی ناهنجاری‌های ساختار قامتی به منظور کمک به پیشگیری و اصلاح آن‌ها است.

کاستی‌های کتاب

کاستی‌های کتاب را نیز می‌توان در دو بعد شکلی و محتوایی تشریح کرد. در بعد شکلی کتاب دارای کاستی‌هایی به شرح ذیل است:

- تصویر روی جلد و پشت جلد کتاب به تنهایی گویای محتوای درون آن نیست. هر دو تصویر حرکات ورزشی را نشان می‌دهد که می‌تواند هم به تنهایی نشان‌دهنده انجام یک حرکت کششی برای افزایش انعطاف‌پذیری باشد و هم حرکتی برای اصلاح ناهنجاری اسکولیوز (کجی ستون فقرات) که البته جزء

ناهنجاری‌های معرفی شده در کتاب نیست.

- تیترها در اکثر موارد همراه با دو نقطه هستند، بدون اینکه مطالب از همان‌جا آغاز شود. می‌دانیم زمانی که از دو نقطه استفاده می‌شود باید بلافاصله مطلب مورد نظر شروع شود.

- تیتتر اصلی و تصاویر هر عنوان ناهنجاری در صفحه مقابل آن آمده است و این یک ایراد صفحه‌آرایی به‌شمار می‌رود.

- تصاویر کتاب دارای کاراکترهای مختلف زن و مرد میان‌سال، کودک و نوجوان است، در حالی که لازم است با توجه به هدف کتاب یعنی کمک به پیشگیری از ناهنجاری‌های ساختار قامتی در کودکان و نوجوانان از کاراکتر همین سن استفاده شود.

- تصاویر کتاب یک‌دست نیستند و یا اینکه در جاهای مناسب استفاده نشده‌اند.

- محتوای موجود در کادرها یکسان نیستند.

- عیوب و کاستی‌های محتوای کتاب عبارت‌اند از:

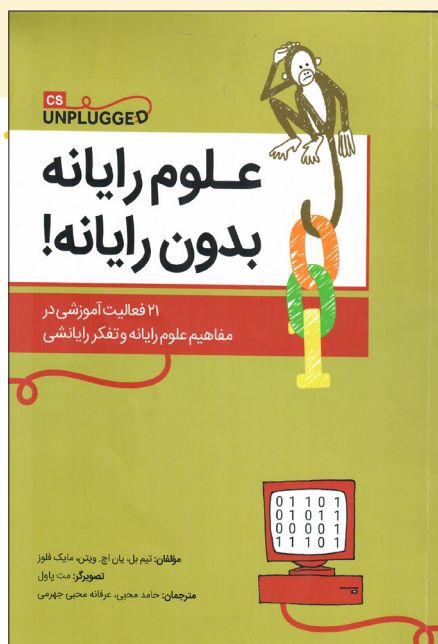
- تمرینات کتاب نیازمند تصویر هستند.

- چارچوب ارائه هر ناهنجاری یک‌دست نیست. برای مثال اگرچه در خصوص عوارض پشت گردن مطلب وجود دارد اما به آن پرداخته نشده است.

- در ابتدای کتاب آمده است: «سخنی با دبیر ورزش». یعنی مخاطب کتاب معلم تربیت‌بدنی است، اما در انتهای مقدمه، مخاطب هم دانش‌آموز است، هم معلم و هم والدین!

- در کتاب‌های راهنمای معلم تربیت‌بدنی پیرامون ناهنجاری‌های وضعیتی و قامتی مطالبی آورده شده است. بهتر است کتاب‌های کمک‌آموزشی در راستای رفع کمبودهای آن‌ها گام بردارد، در حالی که نویسندگان در هیچ‌جایی به کتاب‌های راهنمای معلم تربیت‌بدنی اشاره نکرده‌اند.





کلیشه را از پریز بکشیم

نقدی بر کتاب علوم رایانه بدون رایانه

فاصله گرفته و در تلاش‌اند به سطوح بالاتری از هرم یادگیری بلوم برسند. در این میان هستند منابعی که با نگاه ژرف و تخصص رایانه، به تکمیل فرآیند برنامه‌دروسی پرداخته‌اند و متعهدانه در جهت هدف‌های والای آموزش و پرورش گام برمی‌دارند. از جمله کتاب‌هایی که می‌توان آن‌ها را تلاشی شایسته و بایسته برای پرورش نسلی خلاق و کارآفرین دانست، کتاب‌های درسی «کار و فناوری» (نسل نوین کتاب‌های حرفه‌وفن) هستند. در همین راستا، کتاب‌های درسی مرتبط با آن‌ها تلاش کرده‌اند، پودمان‌های متفاوت آن را مدنظر قرار دهند. از جمله مباحثی که در عموم مدرسه‌ها، معلم و دانش‌آموز تمایل به اجرای آن دارند، پودمان‌های مرتبط با رایانه و شهروند الکترونیک است. این پودمان‌ها اگرچه جذاب و کاربردی‌اند، اما غالباً کتاب‌های کمک‌درسی مناسبی را در راستای هدف‌های خود نمی‌بینند.

کتاب «علوم رایانه بدون رایانه»، آن‌گونه که خود را معرفی می‌کند، دربرگیرنده ۲۱ فعالیت آموزشی در زمینه مفاهیم علوم رایانه و تفکر رایانشی است. پیش‌گفتار ساده، روان و تأثیرگذار آن، در کنار لحن صمیمی و گیرای کتاب، گواه وجود مترجمان تیزطبع و ریزبین در کنار مؤلفان متخصص است. برای هر بخش نیز مقدمه‌ای مناسب در راستای الگوی آموزشی پیش سازمان‌دهنده به چشم می‌خورد. وجود بخشی با عنوان «پیوند

- نام کتاب: علوم رایانه بدون رایانه
- مؤلفان: تیم بل، یان ایچ. وتین، مایک فلوز
- تصویرگر: مت پاول
- مترجمان: حامد محبی، عرفانه محبی جهرمی
- ناشر: مؤسسه فرهنگی فاطمی
- چاپ اول سال: ۱۳۹۶

جامعه جهانی امروز شاهد رقابت در تمامی عرصه‌هاست. راه‌حل سربلندی در این میدان‌ها را می‌توان در ارتقای کمی و کیفی آموزش خلاصه کرد. مسئله تعلیم و تعلم نه تنها از مهم‌ترین دغدغه‌های اصلی‌ترین نهاد جامعه، یعنی «خانواده» است، بلکه کیفیت‌بخشی به آن از ضرورت‌های نهاد آموزش و پرورش و دولت‌هاست. اینجاست که نام کوچک «مدرسه»، پاسخی به بزرگ‌ترین پرسش‌هاست.

از این‌رو هرگاه از تحصیل و درس و مدرسه صحبت می‌شود، نسیم سخن پس از چند واژه، به کلماتی چون کتاب‌های درسی، منابع کمک‌درسی و کمک‌آموزشی می‌رسد. کتاب‌های درسی، پس از اجرا شدن «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» رو به تغییر نهاده‌اند و با اجرای سال تحصیلی دوازدهم، آخرین برگ از رنسانس خود را می‌گذرانند. منابع و کتاب‌های کمک‌درسی هم نرم‌رمک با نگاه به کتاب‌های درسی نونگاشت، از روند گذشته



کوچک و احتمالی تدریس را که ممکن است هدف درس را تحت‌الشعاع قرار دهند، به موقع هموار می‌سازد. مجدداً تأکید می‌شود که این کتاب برای شکوفایی و بلوغ محتوایی، نیازمند معلمی عاشق، زبده و جامع است که بتواند با هنر معلمی، دانش و دلسوزی خود، روشمندی کتاب را جلوه‌گر باشد. بدیهی است که خلل و ضعف در هر یک از جنبه‌های کار معلم در مقایسه با کار معلم آرمانی، برنامه درسی اجرا شده را دچار خلل و ضعف می‌کند.

نکته‌ای که در طراحی جلد و صفحات کتاب در جای جای آن به چشم می‌خورد، استفاده از نماد دوشاخه‌ای سرگردان و به بیان بهتر، از پریز بیرون کشیده است که با اشاره‌ای طنزکارانه به نام کتاب، ذهن را در مسیر محتوای کتاب پابرجا نگاه می‌دارد. اما در نگاهی کلی می‌توان کتاب را همانند پله برقی دانست. مخاطب در انتهای کتاب شاید خود نداند که به چه مفاهیم مهمی درباره علوم رایانه دست‌یافته است. چراکه همواره در حال نوعی سرگرمی و لذت یادگیری بوده است؛ لذت و یادگیری‌ای که جز در سایه معلمی مختص و متخصص این کتاب پدید نخواهد آمد. این توانایی و تخصص تا بدانجا متعالی و «آوانگارد» است که در برخی فعالیت‌ها، لزوم برگزاری دوره تأمین مدرس برای این کتاب اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. بدیهی است این خصیصه به میزان زیادی از استقبال متعلمان و شاید معلمان که در نگاه اول با کتاب مواجه می‌شوند، بکاهد.

در نگاه اول، وجود متون انگلیسی طولانی به نظر سنگین می‌آید، اما با نگرش جامع به هدف‌های کتاب می‌توان دریافت که رایانه و متون زبان اصلی جدایی‌ناپذیرند. این مطلب در کتاب جاری بوده و یادگیری چندوجهی در کتاب قابل‌مشاهده و درک است. کتاب تا آنجا بلندپرواز است که در کاربرد برخی اصطلاحات و فنون تدریس می‌توان آن را آغازگر سبک نوینی از یاددهی و یادگیری و حتی ادبیات حاکم بر این حوزه دانست. کاربرد عبارت‌هایی همچون «تفکر رایانشی» مثال خوبی برای این مدعاست. در پایان باید گفت که کتاب علوم رایانه بدون رایانه، در مقام یک تسهیلگر آموزش، به‌خوبی راهبری آموزشی کلاس درس را انجام می‌دهد و می‌تواند هم‌یاری برای معلم و همراهی برای متعلمان باشد.

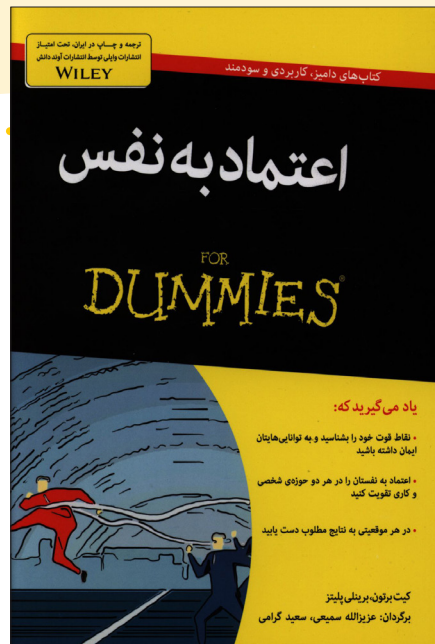
جامعه امروز و دفتر سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، به‌عنوان ناظر بر خوراک علمی ورودی به مدرسه‌ها، از آثاری از این دست با رویکردهای پرورش تفکر، دست‌ورزی و حل مسئله بسیار حمایت می‌کند و ایشان را ارج می‌نهد.

با برنامه درسی» در ایجاد حس تعامل با معلم و اطمینان‌بخشی به وی مؤثر است. البته این کتاب شاید ورای تصور مترجمان در دوره دوم متوسطه، آنجا که در رشته‌های نظری ریاضی و فیزیک مباحث جبر دودویی و مبانی رایانه مطرح می‌شود و در رشته‌های فنی و مهارتی، به‌خصوص در رشته‌های کامپیوتر و الکترونیک، آنجا که در کتاب درسی مبانی دیجیتال و الکترونیک کاربردی را بیان می‌کند و سخن از الگوریتم‌های رایانه‌ای می‌شود، بسیار گره‌گشا و اثربخش خواهد بود. مثال‌ها، گام‌به‌گام و از ساده به پیچیده ترتیب داده شده‌اند. این مفاهیم غالباً در دوره‌های دبیرستان و دانشگاه مطرح بوده‌اند و بالطبع با چنین مثال‌هایی همراه نمی‌شده‌اند.

گروه سنی مخاطبان کتاب در ابتدای هر فعالیت آمده است و این موضوع پایسته بودن کتاب در ذهن معلم خوش‌ذوق را دوچندان می‌نماید. آنجا که او می‌داند، برای اغلب گروه‌های سنی کودکان و نوجوانان، می‌تواند فعالیتی از کتاب را تصرف یا تلخیص و مطرح کند. این نکته همان خلاقیت‌محوری است که کتاب بسیار صحیح و غیرمستقیم، نه‌تنها دانش‌آموز بلکه معلم را نیز به آن برمی‌انگیزد. تشویق به فعالیت‌های اضافی و جستن و یافتن در مفاهیمی پیرامون و در زندگی روزمره (همانند یافتن الگوریتمی برای شاکب کتاب یا ارسال پیامی با الفبای مورس و...) از دیگر نکات شایان توجه این کتاب است.

جالب اینجاست که کتاب در عین کل‌نگری به موارد جزئی نیز پرداخته است. سبک و روند پرداختن به فعالیت‌های آن نشان می‌دهد که تجربه‌های چندین ساله مؤلفان در مدرسه، به گردآوری چنین فعالیت‌هایی انجامیده است. وقتی فعالیتی در کتاب آغاز می‌شود، لوازم موردنیاز آن و حتی لوازم فعالیت‌های تکمیلی با جزئیات آورده شده‌اند و در برخی موارد، برگه‌های کار و کارت‌های بازی فعالیت نیز در کتاب قرار داده شده‌اند. نکته‌ای که شاید بتوان از آن به‌عنوان «پاشنه آشیل» این کتاب یادکرد، وابستگی شدید کیفیت اجرا به نوع معلم تدریس‌کننده آن است. این مهم در بررسی همه جوانب و نقاط قوت کتاب به چشم می‌خورد.

کتاب با پرهیز از حل مسئله و پاسخ‌دهی مستقیم، مملو از پاسخ‌های کوتاه، منظم و باهدف‌های مشخص است. بر مبنای روش سقراطی جلو می‌رود و غیرمستقیم معلم را نیز به همین روش تشویق می‌کند. طنزهای بجا و بالغ کتاب نیز در ایجاد ارتباط بهتر کتاب و مخاطب، یا به تعبیری یاد دهنده و یادگیرنده مؤثر است. وجود پاسخ‌ها در انتهای هر بخش نیز همانند نقشه راه، معلم را در مسیر درست آموزش نگه می‌دارد و مانع‌های



"اعتماد به نفس" با شیوه‌ای خلاقانه و سرگرم‌کننده

نقدی بر کتاب اعتماد به نفس

انجام یک اقدام مناسب و مؤثر در هر وضعیت، بدون در نظر گرفتن اینکه آن اقدام تا چه حد می‌تواند برای شما یا دیگران چالش برانگیز به نظر برسد.

بر مبنای همین تعریف نویسندگان در اولین گام توان فرد را مورد ارزیابی قرار داده و با انجام آزمون اعتماد به نفس جایگاه کنونی مخاطب را تعیین می‌کنند. شناسایی عواملی که مانع پیشرفت در این زمینه می‌شود موضوع بعدی است که مورد ریشه‌یابی قرار گرفته است. نگارنده با استفاده از نثر روان و بیان مثال‌های متعدد و همچنین به یاری توصیه‌ها و رهنمودهایی از خستگی و یکنواختی موضوع کاسته است.

برنامه‌ریزی برای پرورش اعتماد به نفس قسمت پایانی فصل اول است که به اختصار توصیه‌هایی در این زمینه آورده شده است، هرچند می‌توانست این فصل کمی مفصل‌تر بیان شود. در بخش دوم به عوامل مؤثر بر اعتماد به نفس پرداخته شده است. عواملی مانند: انگیزه، ارزش‌های شخصی، هویت، هیجان‌ها و نیروی عشق.

در شروع این بخش نیز از خواننده آزمونی در جهت شناخت انگیزه‌های درونی شغلی گرفته می‌شود که با تحلیل نتایج آن می‌توان تأثیر انگیزه‌ها در محیط کاری را مشاهده کرد. این روال به خوانندگان کمک می‌کند تا بیشتر درگیر وضعیت شخصی خود شوند و حس مشارکت در امر پرورش و بهبود اعتماد به نفس خودشان را بالا ببرند. به عبارت دیگر، کتاب وضعیت کارگاهی به خود می‌گیرد.

● نام کتاب: اعتماد به نفس

● مؤلفان: کیت برتون، برنیلی پلینتز

● مترجمان: عزیزالله سمیعی، سعید گرامی

● ناشر: آوند دانش

● چاپ اول سال: ۱۳۹۶

اعتماد به نفس (self confidence) از جمله موضوعاتی است که توجه زیادی به آن شده است. کافی است این عبارت را در گوگل جست‌وجو کنید تا بیش از ۲۲ میلیون یافته درباره آن بیابید. محقق‌های توانا به نام کیت برتون، استاد بین‌المللی برنامه‌ریزی عصبی-کلامی که حوزه فعالیت‌اش در زمینه آموزش سبک زندگی شاد و باثبات است، در کتاب خود «اعتماد به نفس» که با همکاری برنیلی پلینتز نوشته است، از صفر تا صد این موضوع را به شیوه‌ای خلاقانه و سرگرم‌کننده برای خوانندگان خود شرح داده است.

کتاب اعتماد به نفس از کتاب‌های مشهور دامیر با ترجمه خوب سمیعی و گرامی شامل پنج بخش کلی و عبارت است از: مبانی، عوامل، ایجاد اعتماد به نفس در خود، دخالت دیگران و توصیه‌های نهایی. از نکات قابل توجه کتاب صفحه‌بندی مناسب و استفاده به‌جا از علائم و نمادهای راهنما است. همچنین سفیدخوانی کتاب به نحوی است که خواننده به خواندن تشویق می‌شود و کمتر احساس خستگی می‌کند.

طبق تعریف کتاب، اعتماد به نفس عبارت است از: «داشتن توان



نویسندگان کتاب در پنج فصل بعدی به دنیای درون فرد توجه بیشتری داشته‌اند. اضطراب و ترس (دو مقوله‌ای که در دو فصل در میان بحث‌های دیگر مورد توجه قرار گرفته که می‌توانست در یک فصل و متمرکز بیان شود)، از مهم‌ترین موانع اعتمادبه‌نفس به‌شمار می‌آیند که در فصول ۹، ۱۰ و ۱۲ از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گرفته و برای کنترل آن راه کارهای مناسبی در اختیار خواننده قرار داده شده است.

سلامتی جسمانی نیز در این بین جایگاه ویژه خود را در افزایش اعتمادبه‌نفس دارد که در فصل دهم به تفصیل به آن پرداخته شده است. این بخش با یادآوری تأثیر صدای ما در خودمان و اطرافیانمان دنبال می‌شود که به‌طور مسلم صدای محکم و رسا حاکی از حس اعتمادبه‌نفس تلقی می‌شود و انعکاس آن در خود ما نیز تأثیر مضاعف خواهد داشت.

سرانجام مشهورترین راهکار افزایش اعتمادبه‌نفس یعنی برجسته‌سازی نقاط مثبت خود در فصل سیزدهم مطرح شده که جا داشت این بخش با همین موضوع پایان می‌یافت نه با بحث مدیریت ترس‌های خود که قبلاً به آن پرداخته شده بود.

بخش چهارم کتاب به کاربرد قدرت افزایش یافته شخصی در زندگی روزمره افراد پرداخته است. ۵ فصل بعدی توصیه‌های کاربردی و دقیقی برای حفظ اعتمادبه‌نفس در محیط‌های مختلف همچون کار (فصل چهاردهم)، روابط عاشقانه (فصل ۱۵)، رفتار با افرادی که با ما زندگی می‌کنند (فصل ۱۷) و موضوع بسیار مهم تربیت فرزندان با اعتمادبه‌نفس بالا (فصل ۱۸) برای مخاطب خود دارد.

خواندن این بخش حاوی نکات ارزشمند و کاربردی است که می‌تواند برای تمام اقشار جامعه مناسب باشد. این بخش می‌توانست بخش پایانی نیز باشد، اما نویسندگان سه فصل دیگر به انتهای کتاب افزوده‌اند که شامل ده پرسش (پرسش‌هایی نظیر آیا به اسم خود افتخار می‌کنید؟ با چه کسی مشورت می‌کنید؟ تنش‌های زندگی شما در کجا قرار دارند؟) ده عادت مثبت (نظیر عینک خوش‌بینی به چشم بزنید. خلق‌وخو و هیجان‌های خود را بررسی کنید ...) و ده کلید مؤثر بر اعتمادبه‌نفس است (دنیا را به همان شکلی که می‌خواهید باشد تعریف کنید. همیشه جمله مثبت خود را با زمان حال بیان کنید نه آینده ...)

سخن آخر، کتاب اعتمادبه‌نفس به‌عنوان یک اثر آموزشی و علمی از جمله آثار معدودی است که مخاطب عام را نیز خسته نکرده و مطالب آن قابل استفاده در زندگی روزمره همه اقشار جامعه می‌باشد.

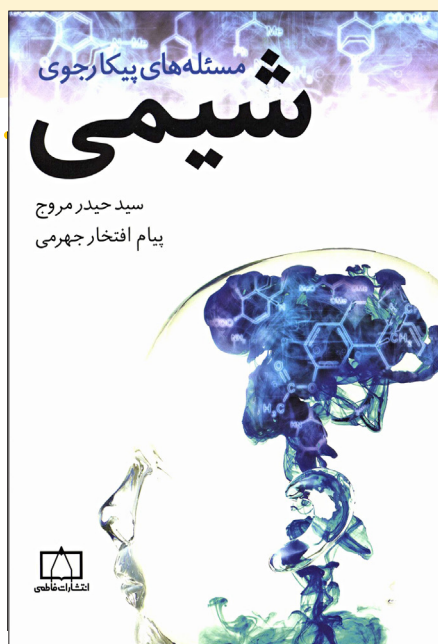
در ادامه بررسی عوامل مؤثر بر اعتمادبه‌نفس به پرسش‌هایی بر می‌خوریم که از ارزش‌های شخصی خواننده کتاب پرسیده شده است و او می‌بایست به آن‌ها پاسخ دهد تا به درک واقعی ارزش‌های نهایی خود برسد، ارزش‌هایی که ما را قادر خواهند ساخت تا به فردی با اعتمادبه‌نفس تبدیل شویم. همین روند در زمینه هویت فرد به کار گرفته شده است. مطالب این قسمت خلاصه‌تر و کوتاه‌تر است که از نقاط ضعف کتاب می‌باشد.

با توجه به اینکه هیجان‌ها نیروی زیادی بر رفتار وارد می‌کنند که نشان‌دهنده احساسات فرد هستند و تأثیر شگرفی بر روی جسم و سلامت روان دارند، بنابراین شناخت این هیجان‌ها و تسلط بر آن‌ها گام مهمی در کنترل رفتار و افزایش اعتمادبه‌نفس محسوب می‌شود. بر این اساس در فصل ششم کتاب به بررسی هوش هیجانی و کنترل هیجان‌های منفی پرداخته شده است.

زمانی که یک هیجان منفی قدرتمند را به‌طور صحیح و درست هدایت می‌کنیم، بر روی اعتمادبه‌نفسمان تأثیر مثبت و شگرفی خواهد داشت. «با تبدیل خشم به انرژی مثبت با استفاده از راه‌های مؤثر و کاربردی دیگر، شانس بیشتری برای گرفتن نتایج دلخواه و رسیدن به اعتمادبه‌نفس بیشتر برای مهار احساسات داریم.» و اما آخرین عامل بررسی شده در این بخش نیروی عشق است که تأثیر آن بر روی فرایند زندگی و رسیدن به آرزوهای مان مورد توجه قرار گرفته است. از نکات مثبت این بخش از کتاب قرار دادن نظرات کمپیل است که در ۵ ماده بیان شده است.

در بخش سوم کتاب که از حجم بیشتری نسبت به بخش‌های دیگر برخوردار است، چگونگی ایجاد اعتمادبه‌نفس در خود مورد بررسی قرار گرفته است. در شش فصلی که در ادامه کتاب می‌خوانیم شرحی از روش‌ها و توصیه‌ها، در قالب: طرد کمال‌گرایی صرف، پرورش ذهن، بالا بردن سطح سلامتی، به کار بردن فن سخنوری با اعتمادبه‌نفس، مبارزه با ترس‌های درونی، روش‌های برنامه‌ریزی موفق و برجسته‌سازی نقاط مثبت خود، آورده شده است.

فصل نخست این بخش، حذف کمال‌گرایی صرف در زندگی را مطرح می‌کند. باید پذیرفت که نه می‌خواهیم و نه می‌توانیم کامل باشیم. نویسنده پس از توضیحات اولیه به روش‌های مقابله با آن پرداخته است: چه روش‌هایی را برای دوری از این امر می‌باید در نظر بگیریم؟ به‌کارگیری اصل ۸۰/۲۰ چیست؟، انعطاف‌پذیری و ایجاد استانداردهای واقع‌بینانه رفتاری. این‌ها همه از نکات خوب این فصل از کتاب اعتمادبه‌نفس است که اطلاعات مفیدی را در اختیار خواننده قرار می‌دهد.



پیکارجویان بی‌نام و نشان!

نقدی کوتاه بر کتاب «مسئله‌های پیکارجوی شیمی»

● نام کتاب: مسئله‌های پیکارجوی شیمی

● مؤلفان: سید حیدر مروج، پیام افخار جهرمی

● ناشر: مؤسسه فرهنگی فاطمی

● چاپ اول سال: ۱۳۹۶

است، سؤال‌ها پیچیده و دشوارند، و سطح آن‌ها در حد مرحله‌نهایی جهانی است. در چنین کتاب‌هایی، منبع سؤال و یا تألیفی بودن آن، «حتماً» باید قید شود تا اولاً اعتبار ناشر خدشه‌دار نشود و ثانیاً خیال دانش‌آموزان و سایر متقاضیان از نظر عیار علمی و مفید بودن سؤال، کاملاً آسوده شود. از طرف دیگر، از آنجا که بافت کتاب از نوع تستی با پاسخ تشریحی است، شمار بالای تست‌ها و کیفیت پاسخ‌دهی ماهرانه به آن‌ها، نشان از گذر سؤال‌های تستی این مجموعه از بوته‌های متفاوت روان‌شناسی و علمی دارد که باز هم نویسنده در مورد آن سکوت کرده است. در انتهای کتاب خبری از پیوست‌ها و منابع نیست و علاوه بر این، دست‌بندی خاصی برای سؤال‌ها انجام نشده است. نبود ترتیب برای سؤال‌ها، اشاره مؤلف به تألیفی بودن سؤال‌ها، عدم معرفی منابع بیشتر برای مطالعه از سوی نویسندگان، نبود سؤال از قسمت آزمایشگاه (که حدود ۴۰ درصد نمره را شامل می‌شود) از دیگر اشکالات قابل توجه است. سؤال‌های کتاب به‌طور کلی به دو بخش تقسیم شده‌اند: المپیادهای شیمی ایران به اضافه منبع یا منابع نامشخص؛ که تألیفی بودن سؤال‌ها را نشانه گرفته است. در انتها باید به این نکته اشاره کرد که با وجود این ایرادها و برخی اشکال‌های دیگر، با توجه به کیفیت و نوع سؤال‌ها، حاصل کار مؤلفان برای استفاده داوطلبان المپیاد و شرکت‌کنندگان در این نوع آزمون‌ها که سطح علمی بالایی را می‌طلبند، لازم و بلکه کاملاً ضروری است تا بتوانند بنیۀ علمی خود را محک بزنند و ضمن تقویت بیشتر خود، نقاط ضعفشان را بیابند و در پی رفع آن‌ها بکوشند تا نتیجه بهتری بگیرند.

با توجه به نیاز مبرم کشورهای جهان به نیروی انسانی زبده و ماهر در عصر کنونی، و همچنین محک زدن و به چالش کشیدن توانایی‌های افراد دوره‌های متفاوت آموزشی، اعم از دانش‌آموزان و دانشجویان، باید راهی برای رقابت آن‌ها اندیشیده می‌شد که آزمون‌های آزمایشی و المپیادها از بهترین گزینه‌ها بودند و هنوز نیز هستند. شرکت در آن و برخورداری از جایزه‌ها و امتیازهای متعاقبش، ظرفیت عظیمی بین داوطلبان پدید آورده است. در کشور ما نیز این نوع آزمون‌ها با استقبال بسیار فراوانی از سوی دانش‌آموزان و دانشجویان مواجه شده‌اند و شمار بالای متقاضیان شرکت در این نوع آزمون‌ها، دست‌اندرکاران را بر آن داشته است که با استفاده از ابزارهای لازم، کتاب‌های مورد نیاز را تهیه و در اختیار متقاضیان قرار دهند. این روش مناسب، بر نتایج آزمون‌ها نیز اثرات مثبت متعددی دارد و باعث ارتقای کلی سطح داوطلبان نیز می‌شود.

«کتاب مسئله‌های پیکارجو» یکی از این نوع منابع است که به تازگی منتشر شده و به المپیادهای شیمی کمک می‌کند، احتمال موفقیت خود را بالا ببرند.

در این کتاب با وجود تأکید مؤلف بر مفید بودن آن، نشانی از منبع سؤالات دیده نمی‌شود. به علاوه، تعداد سؤال‌ها زیاد



آغاز شانزدهمین جشنواره کتاب رشد

بیش از هزار کتاب زیر ذره بین ۹۰ داور

معلمان و دانش آموزان، هر ساله در جشنواره‌ای تخصصی با عنوان «کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد»، برترین‌های کتاب‌های کمک آموزشی و داستانی حوزه کودکان و نوجوانان را می‌شناسند و امسال شانزدهمین دوره این جشنواره است. معرفی آثار برتر منوط به تأیید و رأی نهایی داورانی است که بسیاری از آنان خود، مؤلفان صاحب‌نامی در حوزه تعلیم و تربیت محسوب می‌شوند. امسال نیز، همزمان با اولین نشست داوران، تعداد ۱۱۴۳ عنوان کتاب در تمامی دوره‌های تحصیلی و در همه موضوعات به منظور ارزیابی روی میز آنان قرار گرفت.

دارد یا خیر، آیا اساساً اولیای مدارس به این فهرست واقف هستند و یا این فهرست چقدر در کتابخانه مدارس جای دارد یا اینکه سازمان مسئولی که باید آن‌ها را خریداری کند به این فهرست توجه کافی دارد یا ندارد؛ باید بررسی شود.

ناصری تأکید کرد: کار شما داوران تأثیر زیادی در جامعه نشر و مدارس داشته است کما اینکه به‌عنوان مثال در موضوع ادبیات داستانی طی ۵ - ۴ سال اخیر بیش از ۷۰ درصد کتاب‌هایی که به دست ما می‌رسد، مناسب تشخیص داده می‌شود و این نشان دهنده حرکت آرام و منطقی ارزیابی کتاب‌هاست. از سوی دیگر توجه معلمان و دانش‌آموزان به جریان کتاب‌های مناسب در مدارس بیشتر شده و مدیران مدارس هم مطالبه‌گری بیشتری نسبت به کتاب‌های معرفی شده از سوی دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی دارند.

تأثیرگذاری در جامعه نشر و مدارس



محمد ناصری، مدیرکل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی در این نشست در سخنانی با تشریح اهمیت کار دآوری گفت: جریان بیست ساله‌ای که با هدف معرفی کتاب‌های مناسب در دفتر انتشارات و تکنولوژی

آموزشی شکل گرفت، از جمله مهم‌ترین اقداماتی است که توسط وزارت آموزش و پرورش برنامه‌ریزی شد. امروز بیش از هزار ناشر به محض چاپ اثرشان آن را به دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی ارسال می‌کنند تا مورد ارزیابی شما داوران براساس ضوابط و معیارهای دآوری قرار گیرد. وی افزود: بالغ بر ۴۰۰ کارشناس در دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی کتاب‌ها را ارزیابی می‌کنند، اما اینکه این کتاب‌ها به اندازه کافی مورد توجه اولیای مدارس قرار



ناصری: ملزم کردن دانش آموزان دوره ابتدایی به استفاده از کتاب های کمک درسی و امتحان گرفتن از آن ها به فضای کودکی و لذت بردن از خواندن لطمه می زند و خوشبختانه آموزش و پرورش با ممنوعیت استفاده از کتاب های کمک درسی در مدارس ابتدایی، گام بلندی در حفظ فضای کودکی برداشته است

راه طولانی کتاب های کمک درسی

ناصری در ادامه با اشاره به راه طولانی کتاب های کمک درسی در راستای رعایت استانداردها گفت: متأسفانه همچنان در این حوزه کتاب های نامناسب زیادی وجود دارد. تنها حدود ۲۷ درصد کتاب های کمک درسی که به دست ما می رسد، مناسب تشخیص داده می شوند، اما اینکه چرا علی رغم حجم انبوه تبلیغات و تهییج برای خرید این کتاب ها، همچنان درصد زیادی از آن ها نامناسب هستند، باید مورد بررسی قرار گیرد.

مدیرکل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی با تجلیل از اقدام آموزش و پرورش در ممنوعیت ورود کتاب های کمک درسی به مدارس ابتدایی گفت: ملزم کردن دانش آموزان دوره ابتدایی به استفاده از کتاب های کمک درسی و امتحان گرفتن از آن ها به فضای کودکی و لذت بردن از خواندن لطمه می زند و خوشبختانه آموزش و پرورش با ممنوعیت استفاده از کتاب های کمک درسی در مدارس ابتدایی، گام بلندی در حفظ فضای کودکی برداشته است.

عدالت در داوری

وی خطاب به داوران گفت: وقتی کسانی از بیرون فهرست داوری های شما را نگاه می کنند باید عدالت را ببینند. در این صورت یعنی جریان ساماندهی منابع آموزشی به آهستگی رسالت خود را انجام می دهد. رعایت اصل داوری عادلانه توسط داوران و داوری منصفانه ای که شما طی سال ها داشته اید، یکی از مهم ترین موضوعات جشنواره است.

ناصری با اشاره به آمار کتاب های رسیده به جشنواره گفت: حدود ۵ هزار کتاب از هزار ناشر به دست ما رسیده که نیمی از این تعداد، که آثار ۴۰۰ ناشر را در بر می گیرد، مناسب تشخیص داده شده و به جشنواره راه پیدا کرده و قابلیت داوری یافته اند.

وی افزود: از بین کتاب های مناسب، کتاب هایی که دارای امتیاز بالای ۸۰ درصد باشند و درجه یک محسوب می شوند در کنار کتاب های درجه دو که امتیاز بین ۷۰ تا ۸۰ درصد را کسب کرده اند، توسط داوران مورد ارزیابی قرار می گیرند. کتاب های درجه ۳ که بین ۶۰ تا ۷۰ درصد امتیاز را کسب کرده اند ریزش کرده و داوری نمی شوند.

ناصری تعداد کتاب های درجه یک و دو را که روی میز داوران قرار می گیرند ۱۱۴۳ عنوان اعلام کرد و گفت: ۹۰

داور در ۳۰ گروه داوری که هر گروه متشکل از ۳ داور است، کتاب ها را در یازده حوزه یادگیری، که منطبق با اسناد بالادستی آموزش و پرورش تنظیم شده است، مورد ارزیابی قرار می دهند. سپس داوران در یک بیانیه پایانی نقاط قوت و خلأ های گروه های مربوط را اعلام می کنند.

وی با بیان اینکه در ساختار داوری ها حرف اول و آخر را داوران می زنند، گفت: کمیته علمی هم در کنار داوران فرایند داوری ها را پس از اعلام نتیجه توسط داوران بررسی می کنند تا از درستی فرایند طی شده اطمینان حاصل کنند.

دمیدن هوایی تازه

فریبا کیا، معاون دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی و قائم مقام دبیر جشنواره در ادامه با بیان اینکه براساس مصوبه ۸۲۸ شورای عالی آموزش و پرورش، این جشنواره، فرصت و راه کاری برای ساماندهی منابع آموزشی و



حمایت از پدیدآورندگان کتاب های مناسب و معرفی الگوهای خوب و متناسب با نیازهای مخاطب است، گفت: ۳۰ گروه داوری در ۳۰ موضوع، داوری آثار جشنواره را به عهده دارند. سیاست ما این است که با استفاده از نگاه متفاوت داوران در شانزدهمین دوره جشنواره کتاب رشد، هوای تازه ای به جشنواره دمیده شود. داوری آثار راه یافته به جشنواره کمک می کند تا ضمن بازخوانی نیاز مخاطب در صورت وجود خلأ در موضوعات مختلف با ناشران و نویسندگان نشست هایی داشته باشیم و این خلأ ها را اعلام کنیم. انتظار می رود کتاب های معرفی شده به عنوان یک الگو دارای کمترین نقص باشند.

به گفته وی، حدود ۶ سال است که جشنواره همه موضوعات را در تمامی دوره های تحصیلی تحت پوشش قرار می دهد و شامل کتاب های داستانی، مذهبی، تعدادی کتاب های کمک آموزشی و شمار بسیار محدودی کتاب کمک درسی است.

تشریح فرایند داوری

معاون دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی در توضیح فرایند



کیا: خاستگاه

شاخص‌ها و

معیارهای داوری

کتاب‌ها، مصوبه

۸۲۸ شورای عالی

آموزش و پرورش

است که بر مواردی

مانند انطباق آثار با

ارزش‌های اسلامی،

برخورداری از اعتبار

علمی و ارتباط با

برنامه درسی و دیگر

موارد تأکید دارد

هر کتاب یکی از آن‌ها را به‌عنوان کتاب برگزیده یا اگر هیچ یک از کتاب‌ها شرایط کتاب برگزیده را نداشت، به‌عنوان کتاب تقدیری معرفی کنند. اگر در گروهی هیچ کتابی برگزیده یا شایسته تقدیر نبود، حتماً در بیانیه به دقت به اینکه چرا چنین تصمیمی گرفته شده، پرداخته شود.

نکات بیانیه‌های داوران

بیانیه داوران، موضوع دیگری بود که کیا با اشاره به آن گفت: در سال‌های قبل متأسفانه در این بخش ضعف‌هایی بود. بیانیه به‌عنوان سند علمی جشنواره دارای اهمیت زیادی است که نقاط ضعف و قوت، کمیت و کیفیت و چگونگی پرداخت موضوعات باید حتماً در آن‌ها آورده شود. ضمن آنکه باید حاوی راهکارها و پیشنهادهای داوران به دبیرخانه جشنواره، ناشران و نویسندگان هم باشد.

معاون دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی ادامه داد: در هر گروهی به ازای هر برگزیده، سه تا چهار کتاب هم به‌عنوان «نامزد» معرفی می‌شود و معرفی نامزدها نشان دهنده کتاب‌هایی است که شانس بیشتری داشته‌اند تا عنوان برگزیده را از آن خود کنند. معرفی نامزدها باعث می‌شود تا مؤلفان این کتاب‌ها تشویق شده و خود را به رتبه‌های برتر نزدیک کنند.

قبل ذکر است که به همه پدیدآورندگان این کتاب‌ها لوح تقدیر داده می‌شود. در کنار معرفی آثار برگزیده و شایسته تقدیر، در حاشیه جشنواره، نمایشگاهی از آثار تمامی پدیدآورندگانی که نامزد معرفی بهترین آثار بودند، برگزار می‌شود تا کتاب‌های شایسته بیش از پیش مورد حمایت قرار گیرند.

وی در پایان تأکید کرد: اگر یکی از داوران خودش کتابی در آن گروه تألیف کرده باشد و بخواهد کتابش داوری‌های جشنواره را طی کند، باید از داوری انصراف دهد. البته ما سعی کردیم در لیست کتاب‌ها، مؤلفان و دایره داوری‌ها را شناسایی کنیم تا این مشکل پیش نیاید، اما اگر داوران با این موضوع مواجه شدند ما را مطلع کنند. ضمن آنکه ممکن است کتابی در جشنواره پیش یا دوره‌های قبلی، رتبه‌ای آورده و امسال با عوض شدن قطع و شکل، دوباره در جشنواره شرکت کند ولی محتوا همان باشد، اگر داوران با چنین کتابی مواجه شدند حتماً کتاب را از داوری خارج کنند و دبیرخانه جشنواره را در جریان قرار دهند.

داوری گفت: با توجه به دستورالعمل موجود، شاخص‌های ارزیابی به نحوی انتخاب شده‌اند که در حداکثر موضوعات کتاب‌های خوب و الگو داشته باشیم و حتی موضوعاتی که اخیراً هم وارد مباحث آموزشی مدارس شده، مد نظر قرار گرفته‌اند. یکی از مهم‌ترین رویکردهای جشنواره، تشویق و ترغیب کتاب‌های تألیفی است. داوران نیز در نظر داشته باشند که تا حد ممکن برگزیدگان از میان مؤلفان انتخاب شوند. به همین منظور، امتیاز ویژه ۱۰، برای کتاب‌های تألیفی در فرم‌ها در نظر گرفته شده است.

کیا، داوران را به رعایت تمامی شاخص‌ها و معیارهای داوری دعوت کرد و گفت: خاستگاه این شاخص‌ها، مصوبه ۸۲۸ شورای عالی آموزش و پرورش است که بر مواردی مانند انطباق آثار با ارزش‌های اسلامی، برخورداری از اعتبار علمی و ارتباط با برنامه درسی و دیگر موارد تأکید دارد. این شاخص‌ها قابل جرح و تعدیل است. ولی به دلیل دقت در تهیه این دستورالعمل، هرگز این تجربه را نداشته‌ایم که گروه‌های داوری در این شاخص‌ها تصرفی داشته باشند.

کتاب‌های برگزیده و تقدیری

وی با توضیح چگونگی اختصاص رتبه برگزیده و تقدیری به کتاب‌ها افزود: ۲۰۰ امتیاز حداکثر امتیازی است که کتاب‌های برگزیده می‌توانند به دست آورند و کتاب برگزیده باید حداقل ۱۶۰ امتیاز (۸۰ درصد) را کسب کند. این موضوع باید مد نظر باشد، چون اگر کتاب برگزیده‌ای امتیازی کمتر از این کسب کند، کمیت علمی آن را بر می‌گرداند. اگر کتابی حداقل ۱۴۰ امتیاز به دست آورد، نشان درجه ۲ جشنواره و عنوان کتاب تقدیری را از آن خود می‌کند.

کیا، با تأکید بر اینکه اکثر داوران اهل قلم و شاخص هستند، گفت: میانگین امتیازی که توسط سه داور هر گروه داوری داده می‌شود، امتیاز نهایی کتاب را شکل می‌دهد. من توصیه می‌کنم که داوران به شکل انفرادی در طول داوری کتاب‌ها را ارزیابی کنند تا تحت تأثیر نظرات یکدیگر قرار نگیرند و در یک جلسه مشورتی نهایی، بهترین کتاب حوزه خود را معرفی کنند. ضمن آنکه در فرم نهایی حتماً ذکر شود که چرا کتابی به‌عنوان کتاب برگزیده معرفی شده است. داوران در جلسه نهایی باید حداکثر ۱۰ کتاب را انتخاب و نهایی کنند و با برشمردن ویژگی‌ها و شاخص‌های

محمد ابراهیمی، سرگروه داوران زیست‌شناسی:

مخاطب به کتاب خوب کمتر رغبت دارد



دارند، به آن‌ها ارائه نمی‌شود. زیست‌شناسی علمی است که روز به روز گسترده می‌شود و زمینه‌هایی مانند بهداشت محیط، پزشکی و... را شامل می‌شود. اما درباره این موضوع‌ها هیچ کتابی ندیدم. چند ناشر در این حوزه فعالیت دارند که اصلاً در جشنواره شرکت نداشتند.

در جشنواره امسال هفت عنوان کتاب به دست داوران گروه زیست‌شناسی رسیده که شامل کتاب‌های کار برای دانش‌آموزان و کتاب‌های دانش‌افزایی بودند؛ اما با کیفیتی نه چندان خوب. محمد ابراهیمی، از داوران این گروه، معتقد است؛ تا زمانی که کنکور به مسایل آموزشی جهت می‌دهد، دانش‌آموزان کمتر به کتاب‌های خوب رغبت نشان می‌دهند.

■ اصولاً نیاز اصلی دانش‌آموزان در درس زیست‌شناسی چیست؟

تا زمانی که کنکور به همه مسائلی آموزشی جهت می‌دهد، دانش‌آموز کمتر به کتاب‌های خوب رغبت نشان می‌دهد. متأسفانه همکاران ما هم فرصت کار دیگری را ندارند. نمی‌توانند دنبال کتابی باشند که درک دانش‌آموز را از درس بالا ببرد. بیشتر سعی می‌کنند کتاب‌هایی را بگیرند که بتوانند با آن‌ها کار کنند و دانش‌آموز هم راضی باشد. من فکر می‌کنم اصلاً دانش‌آموزان ما رغبت چندانی به خواندن کتاب خوب ندارند.

■ آقای ابراهیمی، در گروه زیست‌شناسی چند عنوان کتاب را بررسی کردید و کیفیت آن‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
ما هفت عنوان کتاب را بررسی کردیم، اعم از کتاب کار برای دانش‌آموزان و کتاب‌های علمی دانش‌افزایی. اما کیفیتشان به نظرم خیلی جالب نبود، به طوری که نمی‌شد از بین آن‌ها کتابی انتخاب کرد.

■ چرا؟

من فکر می‌کنم، کتاب‌های کمک‌آموزشی آنقدر بازار را گرفته‌اند که انجام کار علمی برای کسی جذابیت ندارد یا سود مادی و معنوی چندانی ندارد که کسی بخواهد غیر از کتاب کمک‌درسی کاری انجام دهد. وقتی کتاب کمک‌درسی شمارگانی نزدیک به پنج هزار دارد و چند بار تجدید چاپ می‌شود، قطعاً افراد سراغ تولیدش می‌روند. در میان کتاب‌هایی که به دست ما رسیدند، سه کتاب تست، یک کتاب کار و سه کتاب علمی بودند. کتاب‌های علمی گرچه چنگی به دل نمی‌زدند، ولی بهتر از کتاب‌های دیگر بودند.

■ آقای ابراهیمی به‌طور کلی کمبودهای این حوزه را چگونه می‌بینید؟

اول از همه اینکه جهت‌دهی نشرمان را بخشی انجام می‌دهد که با کنکور ارتباط دارد. اگر قرار است اصلاحی صورت گیرد، باید بخش تشویقی زیاد شود. یکی از نقطه ضعف‌هایی هم که دیده می‌شد، این بود که برخی یک کتاب را به چند کتاب تقسیم کرده و هر قسمت را به‌عنوان یک کتاب ارائه داده بودند تا از این بابت امتیاز بگیرند. در صورتی که همه آن‌ها یک کتاب بودند.

■ شما دلیل این موضوع را چه می‌دانید؟

شاید بهتر باشد بپرسیم برای آثار برگزیده چه امکاناتی قائل می‌شویم؟ مگر چند درصد دانش‌آموزان و معلمان به انتهای کتاب درسی مراجعه می‌کنند؟ اگر این کار را به‌عنوان سیاست تشویقی در نظر می‌گیرید، باید آماری بگیریم که هر کتاب از سوی دانش‌آموزان و معلمان چقدر مورد توجه قرار می‌گیرد؟ این سیاست‌ها به شرطی مطلوب است که مخاطب به موضوع مورد نظر ما توجه داشته باشد. اما وقتی تمام فکر و ذکر مخاطب کنکور است، چه می‌شود کرد؟

■ بنابراین کتاب‌ها نیاز مخاطبان را تأمین نمی‌کردند؟ نه اصلاً.

■ شما بازار کتاب را رصد کرده‌اید؟ آیا کتاب‌های متفاوتی در بازار مشاهده کرده‌اید؟

بله در بازار کتاب آثار علمی هستند که هیچ کدام را در جشنواره ندیدم. نمی‌دانم چرا ناشران این آثار را معرفی نکرده بودند. شاید جشنواره برایشان جذابیتی ندارد یا چیزی که انتظار

ضرورت نیازسنجی پیش از تولید کتاب‌های دینی



صورت مطالعه و توجه به این برنامه، تولیدات مطابق نیازها خواهد شد و می‌توان نقش مؤثری در تعلیم و تربیت دینی دانش‌آموزان در سطوح مختلف ایفا کرد.

■ آیا تلاشی از سوی ناشران در تولید

کتاب‌های متفاوت و خلاقانه دیده می‌شود؟

برخی ناشران به حق در زمینه تولیدات دینی گام‌های مهم و قابل توجهی برداشته‌اند. این ناشران با میدان دادن به نویسندگانی که دارای ایده‌های جذاب و ارزشمند هستند، تولیدات قابل توجهی دارند و سرمنشأ جهش‌های قابل توجه در این زمینه‌اند.

■ با توجه به آشنایی معلمان با نیازهای خود و دانش‌آموزان فکر می‌کنید می‌توانیم برای تألیف کتاب مناسب به آن‌ها تکیه کنیم؟ معلمان محترم بیشترین آشنایی را با نیازهای دانش‌آموزان دارند. اگر مؤلفان محترم قبل از اقدام به تألیف با معلمان محترم در مناطق مختلف مشورت نمایند و نیازها را دقیقاً از کسانی که با آن درگیر هستند بپرسند، کتاب‌هایی تولید خواهد شد که در تأمین نیازهای فکری و معرفتی دانش‌آموزان کمک‌کار معلمان خواهد بود. بدیهی است که معلم در فرصت اندک کلاس نمی‌تواند به تمامی سؤالات دانش‌آموزان پاسخ دهد و اگر منابعی در جهت رفع نیازهای دانش‌آموزان تولید شود، معلم می‌تواند به این کتاب‌ها ارجاع دهد و این هم موجب فروش کتاب و هم یاری معلم در تعلیم و تربیت دینی خواهد شد.

■ معلمانی که بخواهند در این حوزه دست به تألیف بزنند، باید

چه پیش‌شرط یا ویژگی داشته باشند؟

معلمان محترمی که بخواهند دست به تألیف کتاب در حوزه تعلیم و تربیت دینی بزنند شایسته است دو ابزار ضروری را کسب نمایند. در درجه اول باید مطالعات خود را در حوزه تعلیم و تربیت دینی افزایش دهند و اگر لازم دیدند دوره‌های تخصصی در این زمینه را بگذرانند و در درجه دوم تمرین نویسندگی نمایند که با توجه به ظرفیت‌های فراوان در کشور در هر دو حوزه، کسی که اراده نماید می‌تواند در مدت زمان معقولی این ابزارها را به دست آورد و منشأ آثار ارزشمند و قابل قبولی شود.

■ نقش جشنواره کتاب رشد را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

جشنواره رشد می‌تواند با سیاست‌گذاری بر اساس نیازهای اساسی تعلیم و تربیت دینی به تولیدات این حوزه جهت دهد. این جشنواره در سال‌های گذشته توانسته است آثار شایسته را به خوبی شناسایی و معرفی کند و این عملکرد می‌تواند موجب تشویق ناشران برجسته و تلاش بیشتر در این زمینه باشد.

اعضای گروه تعلیم و تربیت دینی ۲۹ عنوان

کتاب را داوری کردند که به گفته پرویز آزادی دارای کیفیت مطلوبی بودند. این داور با تأکید بر اینکه کتاب‌های تألیفی این حوزه دارای کیفیت بسیار بالاتری نسبت به آثار ترجمه بودند، پاسخ‌های کامل و قانع‌کننده به نیازهای

معرفتی مخاطبان را مهم‌ترین نیاز برشمرد. اما آنچه

کمبود آن مشهود است عدم نوآوری، عدم رعایت زبان

مخاطب و جذابیت در کتاب‌سازی است.

■ چند عنوان کتاب به گروه شما رسیده است؟

در بخش کتاب‌های تعلیم و تربیت دینی ۲۹ عنوان کتاب برای داوری دریافت شد که تا حدود زیادی دارای کیفیت مطلوب بودند. به همین دلیل رقابت سختی میان آثار، خصوصاً شش اثر نامزد صورت گرفت. علاوه بر این در سال جاری کتاب‌های تألیفی، کیفیت بسیار بهتری نسبت به کتاب‌های ترجمه‌ای داشتند.

■ آیا کتاب‌های ترجمه با نیازهای مخاطب ایرانی سازگاری دارد؟

کتاب‌های ترجمه‌ای معمولاً به دلیل فاصله فرهنگی که دارند چندان در این رشته مطلوب نیستند؛ گرچه از نظر جذابیت‌های ظاهری تا حدودی برتری دارند.

■ به نظر تان در این حوزه اصلی‌ترین نیاز مخاطبان چیست؟

اصلی‌ترین نیاز مخاطب در این رشته یافتن پاسخ‌های کامل و قانع‌کننده به نیازهای معرفتی است. دانش‌آموزان خصوصاً در دوران متوسطه اول و دوم با توجه به سؤالات متعددی که در حوزه اعتقادات و اخلاق دارند از کتاب‌هایی استقبال می‌کنند که هم از نظر ظاهری جذاب و هم از نظر محتوایی متناسب با نیاز آنان باشند؛ یعنی هم به زبان مخاطب نزدیک باشد و هم به سؤال‌های آن‌ها پاسخ روشنی ارائه کند.

■ در تولیدات این حوزه با چه کمبودهایی رو به‌رویم؟

نوآوری، توجه به نیازهای اساسی مخاطب، رعایت زبان مخاطب و ایجاد جذابیت در کتاب‌سازی از کمبودهای این حوزه است. اگر مؤلفان و ناشران محترم این مؤلفه‌ها را مد نظر قرار دهند قطعاً آثار تولیدی آنان با اقبال بیشتری از سوی مخاطب مواجه خواهد شد.

■ از مهم‌ترین معیارهای جشنواره همسویی کتاب با برنامه

درسی است. کتاب‌ها تا چه حد به این موضوع توجه داشتند؟

برنامه درسی تعلیم و تربیت دینی در آموزش و پرورش معیار تألیف کتاب است و هر کتاب آموزشی که در چارچوب این برنامه درسی تألیف شود، قطعاً موجب تکمیل آموزش و تقویت آن در آموزش و پرورش خواهد شد. متأسفانه مؤلفان و ناشران محترم کمتر به این موضوع توجه دارند یا اصلاً اطلاعی از آن ندارند. در



مرجان فولادوند، سرگروه داوران داستان کودک:

نویسنده باید روایت و نگاه معاصر داشته باشد



در کل آثار منتشر شده ندارم. بنابراین پاسخ من محدود به آثاری است که در مرحله دوم داوری به دست ما رسیدند. در این مرحله تعداد ترجمه‌ها بیشتر از کتاب‌های تألیفی بود.

از میان ۷۵۰ عنوان کتابی که در حوزه داستان کودک به دبیرخانه جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد رسیده‌اند، ۱۵۰ عنوان به مرحله دوم داوری راه یافتند که تعداد آثار ترجمه‌ای در میان آن‌ها بیش از تألیفی است.

مرجان فولادوند، داور این گروه، معتقد است: توجه به مسائل روز کودکان در این کتاب‌ها کمتر دیده می‌شود. البته باید به یاد داشته باشیم، منظور از همراه بودن با مسائل روز تنها در تغییرات فناورانه یا ظاهر وسایل زندگی نیست (هر چند این تغییرات هم مهم هستند)، بلکه منظور نگاه و فهم ما از مسائل است که باید به‌روز و معاصر باشد.

■ در حوزه کتاب داستان کودک چند عنوان کتاب بررسی شده است؟

ظاهراً حدود ۷۵۰ عنوان کتاب به دفتر جشنواره رسیده است. در داوری اولیه که توسط گروه دیگری از کارشناسان انجام گرفت، از این تعداد تنها ۱۵۰ عنوان به داوری مرحله دوم راه یافتند. در این مرحله حدود ۳۰ کتاب انتخاب و از میان آن‌ها، نامزدها و برندگان نهایی اعلام خواهند شد.

■ موازنه آثار تألیفی و ترجمه‌ای چگونه بود؟

من آمار تفکیک شده‌ای از تعداد کتاب‌های تألیفی و ترجمه‌ای

■ شما دلیل آن را در چه می‌بینید؟

دلایل مختلفی وجود دارد. استقبال از آثار ترجمه از سوی مخاطب (که نیاز به آسیب‌شناسی خاص خود را دارد) را می‌توان یکی از دلایل دانست. اما نباید از نظر دور داشت، به دلیل نبود الزام به رعایت «حق کپی‌رایت»، بعضی از ناشران به دلایل اقتصادی به ترجمه رو می‌آورند. زیرا بدون پرداخت هیچ هزینه‌ای صاحب یک کتاب کامل با متن، تصویر و طراحی گرافیک می‌شوند. حتی گاه حق‌الت ترجمه را هم نمی‌پردازند. زیرا مترجمان عمدتاً جوان را با این دلیل که ترجمه نوعی سابقه کار و اعتبار مترجم محسوب می‌شود، به انجام کار بدون دستمزد راضی می‌کنند. در حالی که برای چاپ یک کتاب تألیفی می‌باید حق‌التألیف و هزینه تصویرگر و طراحی گرافیک پرداخت شود. بسیاری از این کتاب‌های ترجمه‌ای برجستگی یا امتیاز خاصی ندارند. البته باید بر این موضوع تأکید کرد که هیچ ملتی از ترجمه آثار دیگر کشورها و فرهنگ‌ها بی‌نیاز نیست و ما هم نباید خود را از گنجینه دانش، ادبیات و هنر کشورهای دیگر جهان محروم کنیم. اینجاست که به اهمیت نقش ناشران شریفی که دلسوزانه در پی



یافتن بهترین کتاب‌ها و ترجمه و انتشار آن‌ها به شکل قانونی در ایران هستند، و تأثیر آن در ارتقای سطح فرهنگ، ادبیات و دانش در جامعه پی می‌بریم.

■ سال گذشته کتاب‌های ژانر وحشت زیاد بودند. آیا امسال هم همین طور است؟

ژانر وحشت همیشه طرفدارهای خودش را داشته و هیجان‌انگیز بوده است، اما غالباً برای گروه سنی نوجوان نوشته می‌شود. نویسندگان کودک غالباً از عنوان‌هایی که شبیه به عنوان‌های ژانر وحشت هستند، برای جذابیت کار استفاده می‌کنند؛ مثل «مجموعه خاطرات هیولا» که البته داستان‌ها به هیچ عنوان به اندازه رمان‌های نوجوان ترسناک نیستند. بین ۱۵۰ کتابی که ما بررسی کردیم، تعداد کمی را می‌شد در این ژانر (با توجه به اقتضائات کتاب کودک) دسته‌بندی کرد.

■ کتاب‌ها تا چه اندازه با ویژگی‌های فرهنگی و بومی ما هماهنگی دارند؟

ویژگی‌های فرهنگی و بومی زیرساخت تفکر نویسنده و زمینه‌ای هستند که متن در آن متولد می‌شود. بنابراین هر متنی در نهان خویش رنگی از زمینه خود را دارد. اما اینکه نویسندگان با توجه به مسائل روز کودکان در این کتاب‌ها طرح مسئله کنند، کمتر دیده می‌شود. زندگی و مسائلی که بچه‌ها با آن‌ها مواجه می‌شوند، به سرعت در حال تغییرند. نویسنده ناچار است این تغییرات را به سرعت درک کند و برای مخاطبی که با این شرایط زندگی می‌کند، داستان‌هایی بنویسد که او بتواند خود و مسئله‌هایش را در آن‌ها بیابد.

البته باید به یاد داشته باشیم، ادبیات متن‌های روزنامه‌ای نیست. منظور من از همراه بودن با مسائل روز تنها در تغییرات فناورانه یا ظاهر وسایل زندگی نیست (هر چند این تغییرات هم مهم هستند). بلکه منظور من فهم ما از مسائل است که باید به‌روز و معاصر باشد. ما می‌توانیم داستانی نقل کنیم که فضای آن در ۱۰۰ سال گذشته می‌گذرد، اما نگاه ما به آن و روایت ما از آن، روایت و نگاهی معاصر باشد. مثلاً ما همیشه می‌توانیم درباره آدم‌های خوب و آدم‌های بد داستان بنویسیم. **حکیم نظامی** در

«هفت گنبد» داستان خیر و شر را روایت کرده است. امروز هم می‌توان از خیر و شر نوشت، اما نه به شکلی که نظامی نوشته است: آدمی که از بدو تولد خوب است و تا آخر هم خوب می‌ماند و پاداش عملش را می‌گیرد، و آدمی که ذاتاً بد زاده شده و همیشه بدی می‌کند و در آخر مجازات می‌شود. نویسنده امروز می‌تواند داستان خیر و شر بنویسد، اما نمی‌تواند بگوید کسی که ذاتاً شرور زاده شده است، امکان اصلاح ندارد. بنابراین اگر از معاصر بودن حرف می‌زنیم، منظور ابزار و وسایل نیست، بلکه روایت معاصر از جهان است که پیچیده‌تر، متفاوت‌تر و لغزان‌تر از روایت‌های ساده و یک رویه گذشته است.

■ چطور می‌توان از کتاب‌های خوب و از پدیدآورندگان کتاب‌های خوب حمایت کرد؟

از طریق رسانه و تبلیغات. ببینید در سال چند گروه به شکل منظم کتاب‌ها را پایش و داوری می‌کنند. منابع مالی و انسانی بسیاری صرف این کار می‌شود. کانون پرورش فکری، شورای کتاب و جشنواره کتاب سال رشد و لاک‌پشت پرنده، همه فهرستی از کتاب‌های برتر و نامزدهایی را منتشر می‌کنند که نظر مثبت داوران را با سلیقه‌ها و نگرش‌های متفاوت جلب کرده‌اند. دانشگاه شیراز که قطب دانشگاهی ادبیات کودک ایران است، هر دو سال عنوان‌هایی از کتاب‌های برگزیده‌ای را که در یک نوع ادبی خاص (مثل رمان یا کتاب‌های بازنگاری) بررسی کرده است، منتشر می‌کند. اما این فهرست‌ها به اندازه کافی به مردم معرفی نمی‌شوند. اگر مردم کتاب‌های خوب را بشناسند، مسلماً دنبال آن‌ها خواهند رفت. این فهرست‌ها و کتاب‌های منتخب معمولاً از تبلیغات مناسب برخوردار نیستند و در عوض، کتاب‌هایی که توزیع سوپرمارکتی دارند و اغلب چندان هم کتاب‌های خوبی نیستند، با شمارگان و توزیع خوب همه‌جا هستند و مردم بیشتر آن‌ها را می‌بینند.

نهادهای و مؤسسه‌هایی که نمایشگاه برگزار می‌کنند، می‌باید بخشی برای عرضه کتاب‌های برگزیده داشته باشند، و گرنه حاصل صرف همه منابع و هزینه‌ها برای انتخاب کتاب‌های منتخب، به چند نویسنده، منتقد و داور که در جریان این داوری‌ها بوده‌اند، محدود خواهد شد و این موجب تأسف جدی است.



منیژه رهبر سرگروه داوران فیزیک

دوری فیزیک از زندگی



«۳۰ جسم فضایی» است که «پدیده فضایی» ترجمه شده است. یعنی حتی عنوان کتاب هم درست ترجمه نشده است. در متن کتاب هم ناآشنایی با مطالبی که ترجمه شده، نمایان است. در واقع با دیدن کتاب‌ها ناامید شدم.

منیژه رهبر، سرگروه داوران فیزیک، معتقد است: تبلیغات گسترده و گاه خود نظام آموزشی باعث شده‌اند دانش‌آموزان و معلمان به سمت کتاب‌هایی بروند که تنها ذهن آن‌ها را از اطلاعات

انباشته می‌کنند، بی‌آنکه مهارتی را به آن‌ها بیاموزند. این استاد دانشگاه در گفت‌وگو با جوانه، به جای خالی پیوند فیزیک و زندگی روزمره، نوآوری و نیز تجربه‌های معلمان در انتقال مفاهیم، در کتاب‌ها اشاره کرد. موضوعی که باعث شده است، دانش‌آموزان ما سخت تلاش کنند، بدون آنکه بتوانند مسائل واقعی فیزیک را در زندگی حل کنند.

■ یعنی فکر می‌کنید در سال‌های گذشته وضعیت کتاب‌ها بهتر بود؟

من سال‌های گذشته در جشنواره شرکت نداشتم، ولی چون در زمینه ترجمه فعالیت دارم، با این حوزه آشنا هستم. در کتاب‌های خارجی از سال ۱۹۹۰ تحول بنیادینی صورت گرفته است، به‌طوری که کتاب‌ها با مسائل روزمره پیوند دارند. مسائل و مثال‌ها خیلی به زندگی روزمره نزدیک‌اند و غالباً هم به‌صورت جذابی ارائه می‌شوند. متأسفانه تست‌های چهارگزینه‌ای در کتاب‌های ما خیلی دیده می‌شوند؛ چیزی که مدت‌هاست در کشوری مانند انگلستان منسوخ شده است و به کار برده نمی‌شود. اما متأسفانه فعالیت کلی که در زمینه آموزش صورت می‌گیرد چه در فیزیک و چه درس‌های دیگر مربوط به تبلیغاتی است که دائماً می‌بینیم و می‌شنویم. بقیه ناشران هم بیشتر در این جهت کار می‌کنند. ذهن دانش‌آموزان را از موضوع‌هایی پر می‌کنند که به کارشان نمی‌آید. مثلاً ممکن است دانش‌آموز ۲۰۰ مسئله حل کند، ولی وقتی با یک مسئله واقعی در زندگی روبه‌رو می‌شود، نمی‌تواند حلش کند. فکر می‌کنم این اشکال کلی نظام آموزشی ماست که متأسفانه خیلی به آن توجه نمی‌شود.

■ به نظر شما نیاز اساسی دانش‌آموزان و معلمان در حوزه فیزیک چیست؟

زمانی افراد علاقه‌مند به حوزه آموزش در این بخش کار می‌کردند. کتاب‌های خوبی تولید و در اختیار دانش‌آموزان قرار

■ خانم رهبر، در گروه فیزیک چند عنوان کتاب به دست شما رسید و این آثار بیشتر در چه حوزه‌ای هستند؟

در گروه ما ۹ کتاب بررسی شدند که البته من از این تعداد کم متعجب شدم. بیشتر آثار هم کتاب کار برای دانش‌آموزان و کم‌وبیش یک‌سان بودند. درواقع، بیشتر آثار شامل تست‌های چهارگزینه‌ای و مسئله‌هایی بودند که کمتر به کاربرد فیزیک در زندگی توجه داشتند. ما فیزیک می‌خوانیم تا در زندگی از آن استفاده کنیم. بنابراین مسائل باید به نحوی مطرح شوند که دانش‌آموزان بتوانند در زندگی از آن‌ها استفاده کنند. متأسفانه در بیشتر کتاب‌ها، غالباً به یک سلسله مسائل مجرد کلی توجه شده بود که معلوم نیست به چه حوزه‌ای مربوط می‌شوند. یکی از کتاب‌های رسیده، یک فصل از یک کتاب دانشگاهی درباره «فیزیک هسته‌ای» را خلاصه کرده است که البته نه فصل‌ها با هم ارتباط منطقی دارند و نه مترجمان روی موضوع مسلط بوده‌اند.

کتابی هم درباره نجوم بود که پیش از آنکه کتاب را ببینم، فکر می‌کردم اثر خوبی باشد. اما از آنجا که رشته مترجم ریاضی است و مبحث مربوط به فیزیک، اشکالاتی دارد. مثلاً عنوان کتاب

رشدجوانه
شماره ۶۱
پاییز ۱۳۹۷



اگر توسط افراد علاقه‌مندی که تجربه و تسلط کافی روی موضوع دارند صورت بگیرد، اثر خوب خواهد بود.

■ یعنی فکر می‌کنید کتاب‌ها این‌طور نبودند؟

من حتی نوآوری هم در کتاب‌ها نمی‌بینم. مثلاً در مورد الکتریسیته همه مسائل یک شکل هستند. این موضوع در دانشگاه هم دیده می‌شود. دانشجویان گاه مسئله‌های پیچیده مکانیک کوانتومی را حل می‌کنند، ولی مسئله ساده‌ای را که صورت آن ناآشناست، نمی‌توانند حل کنند. درواقع صورت مسئله که عوض می‌شود، دیگر از پس حل مسئله بر نمی‌آیند. همه چیز برایشان فرمول‌بندی ریاضی است. نمی‌دانند که مسائل چه ربطی به زندگی و دنیای واقعی دارد.

■ به نظر شما دلیل این موضوع چیست؟

فکر می‌کنم نظام آموزشی ما در این زمینه اشکال دارد. آنچه در نظام آموزشی آموزش می‌دهیم، باید در این جهت باشد که دانش‌آموزان مهارتی را کسب کنند. صحبت از این است که کتاب‌های غیراستاندارد به مدرسه‌ها راه پیدا نکنند، اما می‌بینید که این آثار از دوره پیش‌دبستان تا دکترا به‌طور مداوم از صداوسیما تبلیغ می‌شوند.

■ به تجربه مؤلفان و تأثیر آن بر نگارش بهتر کتاب‌ها

اشاره کردید. فکر می‌کنید می‌توانیم در این زمینه به معلمانی که تجربه کافی در این زمینه دارند، تکیه کنیم؟

من در این زمینه تجربه «مجله رشد آموزش فیزیک» را دارم. ما در مجله از معلمان می‌خواستیم که تحقیق کنند و نتایجش را برای مجله بفرستند. آن‌ها گمان می‌کردند تحقیق حتماً باید درباره سیاه‌چاله‌ها و مانند آن باشد. در حالی که قصد ما این بود که از تجربه‌های خود در مدرسه و کلاس بنویسند که خوش‌بختانه به تدریج این اتفاق افتاد.

به این منظور باید معلمان را تشویق کنیم که وقتی می‌خواهند تحقیق کنند، مسائلی را که با آن روبه‌رو هستند، حل کنند، نه مسائل خیلی پیچیده فیزیکی را. گاهی ما فکر می‌کنیم امر سطح بالا موضوعی است که کسی از آن سر در نیورد، در صورتی که اگر به موضوعی مسلط باشید و بتوانید آن را به زبانی بیان کنید که برای همه قابل فهم باشد، خود امری مهم است. در خارج از کشور بسیاری از استادان بعد از بازنشستگی روی مسائل آموزش کار می‌کنند و تجربه‌هایشان را توصیه می‌کنند. اما متأسفانه در جامعه ما کمتر رواج دارد. خوب است که معلمان در این زمینه فعالیت کنند.

می‌دادند. الان موضوع حالت تجاری به خود گرفته است. عده‌ای کتاب‌هایی را با تبلیغات زیاد به دانش‌آموزان توصیه و آن‌ها را مجبور می‌کنند که این کتاب‌ها را بخوانند. شما می‌بینید که دانش‌آموزان زحمت زیادی می‌کشند، ولی بی‌کارند. این نشان می‌دهد، آنچه یاد می‌گیرند مهارتی نیست که با آن بتوانند فعالیتی کنند یا مسئله‌ای را که کشور با آن روبه‌روست، حل کنند. به نظر مشکل اینجاست که ما سخت می‌کوشیم، بدون اینکه نتیجه زیادی به دست آوریم.

■ فکر می‌کنید سیاست‌گذاری ناشران در این زمینه می‌تواند کمک‌کننده باشد؟

بله. الان اگر کتاب خوبی هم منتشر شود، چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. چون ناشر بودجه زیادی برای تبلیغ ندارد یا کسانی نیستند که کتاب را توصیه کنند. متأسفانه الان تمرکز تبلیغات بر کتاب‌هایی است که فایده‌چندانی برای دانش‌آموزان ندارد.

■ پس فکر می‌کنید ناشرانی که آثار استاندارد و مناسبی تولید می‌کنند، به خاطر نداشتن تبلیغات مناسب یا صدای بلند تبلیغات، آثارشان دیده نمی‌شود.

بله. ما چند هزار ناشر داریم، اما شمارگان کتاب‌ها بیش از ۵۰۰ نسخه نیست. به نظر بیشتر ناشران انگیزه تجاری دارند تا اینکه اندیشه خدمت داشته باشند. بیشتر کتاب‌هایی که منتشر می‌شوند، به حوزه کمک‌درسی و کتاب کار مربوط می‌شوند. کتاب کار هم باید موارد و مسائلی را مطرح کند که به دانش‌آموزان کمک کند، آنچه را آموخته‌اند در زندگی به کار ببرند.

■ تفاوتی میان کتاب‌های تألیفی و ترجمه‌ای وجود داشت؟

وقتی از تألیف حرف می‌زنیم، منظورمان افرادی است که در زمینه‌ای کار کرده‌اند و تجربه دارند و بر اساس تجربیاتشان کتابی می‌نویسند. اما کتاب‌هایی که ما به عنوان تألیف می‌شناسیم، خیلی هم تألیفی نیستند. یعنی فرد تکه‌هایی از کتاب‌های متفاوت را کنار هم گذاشته است، آن هم غالباً به‌طوری که ارتباط منطقی ندارند. یا اینکه بر اساس تجربه‌شان نوشته نشده است.

درباره ترجمه هم برخی فکر می‌کنند، همین که با استفاده از فرهنگ لغت معنی کلمات را کنار هم بگذارند، ترجمه کرده‌اند. در حالی که مترجم باید با زبان مبدأ و مقصد و موضوع آشنایی داشته باشد تا مفهوم را طوری بیان کند که قابل فهم باشد. برای اینکه بتوانید موضوعی را به کسی یاد بدهید، ابتدا باید موضوع برای خودتان کاملاً روشن باشد. بنابراین، چه تألیف و چه ترجمه،

کتاب خوب خواننده را به تفکر وامی‌دارد



در شانزدهمین دوره جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد، گروه تاریخ ۲۶ عنوان کتاب را بررسی کرد. حشمت‌الله سلیمی، داور این گروه، معتقد است: بی‌توجهی به برنامه درسی، بسیاری از کتاب‌های چاپ‌شده را برای مخاطبان حوزه آموزش، چه معلم و چه دانش‌آموز، بی‌استفاده می‌کند. به عقیده او یک کتاب خوب باید خواننده را به تفکر عمیق تر وادارد.

می‌رسند، این کمبود را دارند.

■ کتاب‌هایی که به گروه شما رسیده‌اند تا چه حد با برنامه درسی همسویی دارند؟

بیشتر نویسندگان و ناشران برنامه درسی را نمی‌شناسند و فقط بخش اندکی از کتاب‌های آن‌ها با موضوع‌های آموزشی ارتباط دارد. چارچوب هر ماده درسی را برنامه درسی و اسناد بالادستی آن تعیین می‌کند که بی‌توجهی به آن، بسیاری از کتاب‌های چاپ‌شده را برای مخاطبان حوزه آموزش، چه معلم و چه دانش‌آموز، غیرقابل استفاده می‌کند.

■ با توجه به آشنایی معلمان با نیازهای خود و دانش‌آموزان، فکر می‌کنید می‌توان برای تألیف کتاب مناسب به آن‌ها تکیه کرد؟

بله. معلمان با علاقه‌ها و نیازهای دانش‌آموزان و با هدف‌های آموزشی آشنا هستند، بنابراین بهره گرفتن از توان و تجربه معلمان در تألیف کتاب‌های آموزشی می‌تواند راهگشا باشد.

■ معلمانی که بخواهند در این حوزه دست به تألیف بزنند، باید چه پیش‌شرط یا ویژگی‌هایی داشته باشند؟

پیش‌شرط نوشتن، مطالعه و افزایش اطلاعات و آگاهی است. در موضوع‌های تاریخی باید قوه تحلیل را هم بالا ببرند. معلمان در کنار این ویژگی‌ها باید توانایی نوشتن را در خود تقویت کنند. روان‌نویسی و ساده‌نویسی را تمرین کنند و سطح درک و فهم مخاطبان را در نظر داشته باشند و از عناصر بصری، مانند تصویر، نقشه، نمودار و... در انتقال مفاهیم کمک بگیرند.

■ آیا کوششی برای تولید کتاب‌های متفاوت و خلاقانه در حوزه تاریخ از سوی ناشران دیدید؟

همه ناشران در یک سطح نیستند. خوش‌بختانه در سال‌های اخیر تعدادی از ناشران دیدگاه خود را در مورد موضوع‌های کتاب‌های آموزشی و ویژگی‌های آن‌ها تقویت کرده‌اند، اما تا رسیدن به سطح مطلوب راه درازی در پیش است. خلاقیت‌هایی هم در این زمینه‌ها دیده می‌شوند که نمی‌توان منکر آن‌ها شد.

■ نقش جشنواره کتاب رشد را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در مقایسه با گذشته، در دهه اخیر سطح کیفی کتاب‌های جشنواره از روندی رو به رشد برخوردار بوده است. این موضوع نشان می‌دهد که جشنواره تأثیرگذار بوده و ارتباط مناسبی با مؤلفان و ناشران برقرار کرده و بایسته‌های حوزه آموزش را منتقل کرده است. هرچند کتاب‌ها هنوز با سطح مطلوب و موردنظر جشنواره فاصله دارند. علاوه بر این، تعیین خط‌مشی و تدوین معیارهای مناسب برای ارزیابی کتاب‌ها و ارتباط مفید و مناسب با داوران را می‌توان به کارنامه قابل قبول جشنواره افزود.

■ چند عنوان کتاب به گروه تاریخ رسید و کیفیت آن‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

۲۶ عنوان کتاب به گروه ما رسید، که از نظر کیفیت در یک سطح نیستند. کتابی که همه ویژگی‌های کیفی را از نظر تصویر و صفحه‌آرایی، زیبایی متن و اندازه حروف، و دیگر شاخص‌ها داشته باشد، کم پیدا می‌شود.

■ موازنه آثار تألیفی و ترجمه‌ای چگونه است؟

امسال تنها یک کتاب ترجمه‌ای به گروه رسیده است که ترجمه‌ای قوی، روان، یکدست و شیوا دارد. از نظر محتوایی و روش هم، بیشتر ویژگی‌های یک کتاب مناسب را دارد. بنابراین به جرئت می‌توان گفت که این کتاب از بسیاری از کتاب‌های تألیفی برتر است. بین آثار تألیفی هم تعداد کمی کتاب پیدا می‌شود که ویژگی‌های یک کتاب آموزشی مناسب را دارند.

■ آیا کتاب ترجمه‌ای با نیاز مخاطب ایرانی سازگاری دارد؟

طبیعی است که همه ترجمه‌ها نمی‌توانند نیاز مخاطبان را برآورده کنند؛ چون بر اساس نیاز مخاطب ایرانی نوشته نشده‌اند و بسیاری از مترجمان هم کتاب‌ها را صرفاً بر اساس علائق خود انتخاب و ترجمه کرده‌اند. با این حال بین کتاب‌های ترجمه‌ای کتاب‌هایی هست که مترجم به نیاز مخاطب توجه داشته است.

■ به نظر تان در این حوزه، اصلی‌ترین نیاز مخاطبان در زمینه منابع آموزشی چیست؟

کتاب‌های درسی به خاطر محدودیت حجم و زمان تدریس نمی‌توانند تمامی زاویه‌های موضوع‌ها را بشناسانند. کتاب آموزشی باید هم دانش بیشتری به مخاطب بدهد و هم آنان را به تفکر عمیق تر وادارد.

■ در تولیدات این حوزه با چه کمبودهایی روبه‌رو هستیم؟

تعداد کتاب‌هایی که به هدف‌های آموزشی مواد درسی و کتاب‌های درسی توجه دارند، کم است. علت این است که نویسندگان چندان با هدف‌های آموزشی آشنا نیستند. ممکن است کتابی برای مخاطب عام، جذاب باشد، اما هدف‌های آموزشی را پوشش ندهد. بسیاری از کتاب‌هایی که به جشنواره

دیانا فردین، سرگروه داوران ریاضی:

نیاز واقعی و گم شده



■ یکی از مهم‌ترین معیارهای جشنواره همسویی کتاب‌های آموزشی با رویکردهای و اهداف برنامه درسی است. در کتاب‌ها تا

چه حد به این موضوع توجه شده است؟
با عنایت به اینکه اغلب کتاب‌ها ترجمه‌ای بودند، طبیعی است که نباید انتظار داشت برنامه درسی ایران را پوشش بدهند.

■ با توجه به آشنایی معلمان با نیازهای خود و دانش‌آموزان، فکر می‌کنید می‌توانیم برای تألیف کتاب مناسب به آن‌ها تکیه کنیم؟

متأسفانه به دلیل فضای حاکم بر جامعه آموزشی، اغلب معلمان و دانش‌آموزان نیاز واقعی خود را تحت تأثیر تبلیغات بیرونی گم کرده‌اند، اما برای تألیف و ترجمه، حتماً باید متخصص آموزش ریاضی بود.

■ بین کتاب‌هایی که بررسی کردید، آیا کوششی از سوی ناشران برای تولید کتاب‌های متفاوت و خلاقانه در حوزه ریاضی دیدید؟

به دلیل فضای اقتصادی حاکم بر حوزه نشر، به ندرت ناشرانی پیدا می‌شوند که بازار نشر کتاب‌های ارزشمند و متأسفانه کم‌تقاضا را، به بازار پررونق کتاب‌های کمک‌درسی چهارگزینه‌ای ترجیح دهند. بنابراین خلاقیت کمتری هم دیده می‌شود.

■ نقش جشنواره کتاب رشد را در این سال‌هایی که برگزار شده است، چگونه ارزیابی می‌کنید؟

بسیار مثبت؛ به دلیل ایجاد نقطه تأملی برای ناشران تا تولیداتشان مورد داوری و قضاوت قرار گیرد و از طرف دیگر، آن‌ها را به عرصه رقابتی کشانده که فرجام آن تولید کتاب‌های باکیفیت است.

از هفت عنوان کتابی که در گروه ریاضی بررسی شده‌اند، شش عنوان اثر ترجمه‌ای هستند و به همین دلیل، نه با برنامه درسی

ریاضی ایران هم‌خوانی دارند، نه به نیاز مخاطب

ایرانی پاسخ می‌دهند. دیانا فردین، داور گروه ریاضی،

معتقد است: جای کتاب‌هایی که ضمن ایجاد علاقه، به کودک فکر کردن را بیاموزند، خالی است. علاوه بر این، به دلیل فضای حاکم بر جامعه آموزشی، اغلب معلمان و دانش‌آموزان نیاز واقعی خود را تحت تأثیر تبلیغات بیرونی گم کرده‌اند.

■ چند عنوان کتاب به گروه شما رسیده است و کیفیت آن‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

هفت عنوان کتاب را در گروه ریاضی بررسی کردیم که از سطح خیلی خوبی برخوردار نبودند. ضمن اینکه از این هفت کتاب، شش عنوان ترجمه‌ای بودند که کیفیت نسبتاً بالاتری داشتند. اما مشخص است که در کتاب‌های ترجمه‌ای نیاز مخاطب ایرانی لحاظ نمی‌شود؛ اگرچه ممکن است کیفیت بالاتری داشته باشند.

■ اصولاً در تولیدات این حوزه با چه کمبودهایی روبه‌رو هستیم و ریشه آن‌ها را در چه می‌بینید؟

در تولیدات این حوزه بیشتر با کمبود یا نبود کتاب‌هایی مواجهیم که ضمن ایجاد علاقه، به کودک فکر کردن را بیاموزند. چنانچه افراد متخصص در حوزه نشر حضور داشته باشند و در تولیدات این حوزه دخالت داده شوند، به نظر وضعیت بهتر خواهد شد.

■ به نظر تان اصلی‌ترین نیاز مخاطبان در این حوزه چیست؟
کتاب‌هایی که به بچه‌ها طعم خوش یادگیری را بچشانند و در آن‌ها، لذت، انگیزه و علاقه به آموختن ایجاد کند که متأسفانه کمتر دیده شد.



با حوری قاهری، سرگروه داوران مطالعات اجتماعی:

معلمان توانمند دیده شوند



نیست و همه کتاب‌ها در پرداخت قصه تقریباً یکسان هستند و خلاقیتی در آن‌ها دیده نمی‌شود. البته کتاب‌ها رنگ‌ها و تصویرگری خوبی دارند، اما به لحاظ محتوایی جذاب نیستند.

در حوزه ما، کتاب‌های اطلس خیلی دیده می‌شوند، به‌طوری‌که هر سال به دست ما می‌رسند، مثل اطلس مردم‌شناسی، اطلس جنگ‌ها، اطلس جغرافیایی و... تقریباً همیشه کتاب‌های این حوزه یکسان هستند. من اثر نوآورانه‌ای را که ایده و شکل روایی جذابی داشته باشد، ندیدم. به‌طور کلی به نظر من، کتاب‌هایی که امسال به دستمان رسیدند، کتاب‌های چندان خوبی نبودند.

■ به نظر تان آثار سال‌های گذشته بهتر بودند؟

در بعضی از سال‌ها کتابی می‌دیدیم که احساس می‌کردیم، مؤلف برای آن وقت گذاشته است؛ ایده و پرداخت جالبی دارد. ولی کتاب‌های امسال تقریباً یک‌شکل‌اند.

■ اشاره کردید که در مطالعات اجتماعی سه حوزه تاریخ،

جغرافیا و مدنی را بررسی می‌کنید. آیا کتاب‌های یک حوزه بر دیگری غلبه داشت؟

فکر می‌کنم کتاب‌های بخش مدنی بیشتر بودند و تاریخ به شکل عجیبی خیلی کم بود. یک کتاب در حوزه تاریخ جالب بود که شکل روایی خوبی داشت. هر چند مؤلف دچار شتاب‌زدگی شده بود، ولی ایده خوبی داشت. در حوزه جغرافیا هم بیشتر کتاب‌ها حوزه عمومی را شامل می‌شدند.

■ خانم قاهری، اساساً در حوزه مطالعات اجتماعی نیاز

مخاطبان چیست؟

با توجه به اینکه من معلم و به دلیل همکاری با گروه مطالعات

«مطالعات اجتماعی» از جمله حوزه‌های

یادگیری است که خود سه حوزه تاریخ،

جغرافیا و مدنی را دربرمی‌گیرد. با وجود این

تنوع، تنها ۵۶ عنوان کتاب به مرحله نهایی

گروه داوران علوم و مطالعات اجتماعی رسیده‌اند.

حوری قاهری، داور این گروه، معتقد است: نبود ارتباط

مناسب میان معلم، مؤلف و ناشر باعث شده است کتاب‌ها به

نیازهای اصلی مخاطبان نپردازند. از سوی دیگر، بی‌توجهی به

تلاش‌ها و فعالیت‌های معلمان توانمند، آن‌ها را برای تولید اثر

متناسب با نیاز معلمان و دانش‌آموزان بی‌انگیزه می‌کند.

■ چند عنوان کتاب در این دوره از جشنواره به گروه

مطالعات اجتماعی رسیده است؟

۵۶ عنوان کتاب که ۲۳ عنوان درجه یک و بقیه درجه دو بودند. کتاب‌های درجه یک آن‌هایی هستند که در ارزشیابی اولیه بیشتر از ۸۰ امتیاز گرفته‌اند. می‌توان گفت تعداد کتاب‌های درجه یک کم بود و اغلب کتاب‌ها، هم به لحاظ محتوایی و هم از نظر کیفیت، سطح خوبی نداشتند.

■ یعنی به‌طور کلی ارزیابی مثبتی نسبت به کتاب‌ها

ندارید؟

ابتدا این توضیح را بدهم که ما حوزه مطالعات اجتماعی را بررسی می‌کنیم؛ یعنی سه حوزه تاریخ، جغرافیا و مدنی برای مخاطب دانش‌آموز و معلم که البته برخی از آن‌ها خیلی تخصصی هستند. علومی مانند اقتصاد نیز در دوره‌های ابتدایی و متوسطه اول در همین حوزه مطالعه می‌شوند. به نظرم امسال کتاب‌ها خوب نبودند. تعداد زیادی از کتاب‌هایی که به‌عنوان درجه یک به دست ما رسیده‌اند، مجموعه هستند. مثلاً ۱۳ عنوان کتاب در مورد موضوعی مانند بیمه. علاوه بر این، در داستان‌ها هم هیچ خلاقیتی نیست. یعنی روال داستان برای دانش‌آموز جذاب



است. از سوی دیگر، معلم و مؤلف اگر بخواهند خودشان اقدام به چاپ کتاب کنند، در آخر چیزی دستشان را نمی‌گیرد. در آموزش و پرورش هم، حتی اگر معلم چند کتاب نوشته باشد، هیچ مزیتی برایش محسوب نمی‌شود. در ارزیابی‌ها بندی برای امتیاز تألیف وجود داشت که امسال آن را حذف کرده‌اند. مثلاً برخی همکاران مقاله نوشتند یا در تدوین سند تولید کتاب‌های غیردرسی حوزه مطالعات اجتماعی همکاری داشتند یا داور جشنواره رشد و عضو هیئت تحریریه مجلات رشد بودند، اما چنین فردی هیچ فرقی با معلمان دیگر ندارد. آیا برای چنین فردی انگیزه‌ای باقی می‌ماند؟ به خصوص که این فعالیت‌ها سود مادی هم ندارند و فرد بر اساس عشق و علاقه همکاری می‌کند. معلم دست به قلم، خلاق و علاقه‌مند اصلاً در آموزش و پرورش دیده نمی‌شود و همه را یکسان در نظر می‌گیرند. پس طبیعی است که معلمان ما از نوشتن و حتی از خواندن استقبال نکنند.

■ **گسترش وسایل ارتباط جمعی باعث شده است دانش‌آموزان ما با دنیای وسیع‌تری ارتباط داشته باشند. در کتاب‌های حوزه مطالعات اجتماعی این موضوع به چشم می‌خورد؟**

سال گذشته چند کتاب درباره این موضوع داشتیم، ولی امسال چندان به آن نپرداخته‌اند. ضمن اینکه وقتی از ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی حرف می‌زنیم، باید این‌ها را کلاس درس‌مان ببینیم. یعنی این حوزه در آموزش وجود داشته باشد تا معلم احساس نیاز کند و به دنبال اطلاعاتی پیرامون آن باشد. ما در تهران که پایتخت است، برای اینکه کلاس‌مان هوشمند شود، دوندگی می‌کنیم و به نتیجه نمی‌رسیم. البته اینکه ما در کلاس پروژکتور و پرده داشته باشیم، به معنی هوشمند شدن نیست. این‌ها فقط سخت‌افزاراند. هوشمندسازی یعنی اینکه جریان آموزش در آن فضا انجام شود و امکان مبادله اطلاعات با دانش‌آموزان در آن فضا وجود داشته باشد، اما عملاً آن فضا در کشور ما وجود ندارد. فقط برخی سخت‌افزارها در برخی مدرسه‌ها وجود دارند. علاوه بر این، محتوا هم به گونه‌ای نوشته نشده است که ارتباط تنگاتنگی با این موضوع داشته باشد. به معلم هم آموزش داده نشده است. مثلاً ما تخته هوشمند داریم، اما معلم از ماژیک استفاده می‌کند؛ چون حتی آموزش استفاده از این سخت‌افزار را ندیده است.

■ **و نکته آخر؟**

در بازار کتاب، آثار خوبی را می‌بینیم که به جشنواره نیامده‌اند. اگر ناشران از جشنواره اطلاع ندارند که موضوع قابل نقدی است و اگر تمایل به شرکت در آن ندارند که باید پرسید چرا؟

اجتماعی دفتر تألیف کتاب‌های درسی، با معلمان هر دو دوره تحصیلی ارتباط دارم و به‌عنوان مدرس در خدمت آن‌ها بوده‌ام، آنچه که دیده‌ام، ضعف دانش بود. یعنی ما همیشه پیشنهاد برگزاری کارگاه‌ها یا کلاس‌های دانش‌افزایی را برای معلمان ارائه می‌دادیم.

مؤلف و ناشر باید از سرفصل‌ها و هدف‌های کتاب مطلع باشند و بدانند معلم در آن زمینه به چه اطلاعات اضافه‌ای نیاز دارد تا در آن حوزه مطلب و کتاب داشته باشیم. مثلاً طی این سال‌ها کتاب‌های حوزه جغرافیا همواره ضعیف بوده‌اند. در حالی که اتفاقاً این بخش، بخشی است که معلمان حتی در دوره ابتدایی به اطلاعات احتیاج دارند. با توجه به اینکه برخی از مفاهیم جغرافیا را برای معلمان ابتدایی تدریس کرده‌ام، می‌دانم که کجا ضعف وجود دارد و چقدر این ضعف قابل توجه و درخور عنایت افرادی است که دستی به قلم دارند.

■ **شاید اصلاً ناشران ما درباره این موضوع اطلاعی ندارند. بله، من فکر می‌کنم این ارتباط کم است. آدم‌های مطلع با آدم‌هایی که ابزار دارند، ارتباط کمی دارند. یعنی ارتباط ناشر با معلم و معلم با مؤلف کم است؛ در نتیجه نیازها دیده نمی‌شوند.**

■ **شاید هم صدای معلمان برای بیان نیازها چندان بلند نیست.**

در نظام آموزش و پرورش ما تفاوت چندان میان معلم توانمند و معلمی که توانمند نیست، وجود ندارد. ملاک‌هایی هم که معلمان را ارزیابی می‌کنند، این موضوع را نمی‌بینند. پس در معلم انگیزه‌ای برای آموختن ایجاد نمی‌شود. یعنی چه معلم توانمند باشد چه معلمی باشد که فقط به کتاب اکتفا کند، تفاوتی دیده نمی‌شود. این موضوع خود نوعی بی‌انگیزگی را به همراه دارد. گاهی برای کتاب‌های جدید تألیف گروه‌هایی تشکیل می‌شوند که معلمان استقبال زیادی از آن‌ها می‌کنند. مثلاً اگر مفهومی برای معلمی ناآشنا باشد، بقیه به او کمک می‌کنند. حتی معلمی که توانمند نیست، دوست دارد با چنته پر سر کلاس حاضر شود. نبود ارتباط بین ناشر، معلم و مؤلف هم باعث می‌شود، کتاب خوب نداشته باشیم. البته مسائل دیگری هم باعث این موضوع می‌شوند؛ یعنی موضوع ریشه‌ای‌تر از این است.

■ **معلمان حتی اگر بی‌انگیزه باشند، به نیازهای خود و دانش‌آموزان واقف‌اند. آیا فکر می‌کنید با توجه به این موضوع می‌توانیم برای تألیف کتاب‌های مناسب به آن‌ها تکیه کنیم؟**

بله. ما در میان معلمان افراد توانمند زیادی داریم، اما باید کاری کنیم که انگیزه نوشتن پیدا کنند. کار تألیف کاری زمان‌بر



با معصومه ملکی، سرگروه داوران عربی

تغییر رویکرد کتاب‌های عربی از قاعده‌محوری به درک متن



فقدان خلاقیت و نوآوری، بی‌توجهی به تغییر رویکرد کتاب‌های درسی، و توجه به کنکور، باعث شده است کتاب‌های زبان عربی چندان مورد توجه داوران این حوزه قرار نگیرند. معصومه ملکی، یکی از داوران این گروه، معتقد است:

رویکرد کتاب‌های نونگاشت عربی از «قاعده‌محوری» به

«ترجمه‌محوری» تغییر کرده است که این موضوع در کتاب‌ها دیده نمی‌شود. جای نحو کاربردی هم در این کتاب‌ها خالی است. وی با اشاره به اینکه در حال حاضر کنکور پایان مسیر ۱۲ ساله دانش‌آموزان را مشخص می‌کند، غلبه جنبه آموزشی آثار بر جنبه تربیتی و پرورشی آن‌ها را یکی از آسیب‌های جدی کتاب‌های این حوزه می‌داند.

تغییر کرده‌اند، اما این تغییر نگرش نسبت به درس عربی در کتاب‌ها دیده نمی‌شود. یعنی کتاب‌ها از نوآوری و به‌روز بودن دور هستند. خلأ خلاقیت و نوآوری در آن‌ها دیده می‌شود. کتاب‌ها قدیمی هستند؛ حتی کتاب‌های تست.

در کتاب‌های نونگاشت عربی، رویکرد آموزشی تغییر کرده است. یعنی از شیوه «قاعده‌محور» به شیوه «ترجمه‌محور» تغییر یافته است. این تغییر رویکرد در جهت تقویت مهارت‌های چهارگانه زبانی، شامل نوشتن، خواندن، شنیدن و سخن گفتن است تا بتوانیم به فهم بهتر قرآن کریم دست پیدا کنیم. ضرورت و اهمیت درس عربی تا اندازه‌ای است که در اصل ۱۶ قانون اساسی بر الزام تدریس این درس تا پایان دوره متوسطه تأکید شده است. با توجه به این اهمیت‌ها و با توجه به تأکید جشنواره و هدف آن، وقتی کتاب‌هایی را انتخاب می‌کنیم که فقط سمت‌وسوی کنکور دارند، آیا جایی برای تربیت باقی می‌ماند؟

■ یعنی فکر می‌کنید کنکور به تولید کتاب‌های کمک‌آموزشی و تربیتی جهت می‌دهد؟

کنکور الزامات خاص خود را دارد و مسیر پایانی ۱۲ ساله دانش‌آموز را مشخص می‌کند. بنابراین نباید انتظار داشته باشیم که به هدف‌های آموزشی مندرج در «سند تحول بنیادین» دست پیدا کنیم. گرچه در وزارت آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و جشنواره رشد زحمات بسیاری کشیده شده است، ولی کتاب‌هایی که در اختیار ما قرار گرفته‌اند، اثری هستند که پنج عنوان آن‌ها ارتباط مستقیم با کنکور دارند. نکته جالب اینجاست که شیوه نویسندگی این کتاب‌ها دقیقاً مانند کتاب‌های کنکور گذشته است. تغییر رویکرد در کتاب‌ها لحاظ شده، ولی شیوه نویسندگی فاقد خلاقیت است. به همین

■ چند عنوان کتاب به گروه زبان عربی، رسید؟

هفت عنوان کتاب به دست ما رسید. پنج عنوان مربوط به دوره اول متوسطه است و دو کتاب برای بزرگسالان که معلمان یا دانشجو-معلمان می‌توانند برای ارتقای آموزشی خود از آن‌ها استفاده کنند. ولی کتاب‌ها از لحاظ محتوایی نکته جدیدی ندارند. نوآوری در آن‌ها دیده نمی‌شود و بیشتر در حوزه ترجمه هستند. کتاب‌های دانش‌آموزی هم کتاب کار هستند که حتی بعضی از عبارت‌هایشان را عیناً از خود کتاب درسی اخذ کرده‌اند.

■ پس به نظر تان نیازهای اصلی مخاطبان چندان مورد توجه نبوده‌اند؟

کتاب‌هایی که به دست ما رسیده‌اند، ۱۰ درصد کتاب‌های عربی بازار هم نیستند. کتاب‌های قوی‌تری در بازار وجود دارند که به جشنواره نیامده‌اند. حتی برخی از کتاب‌ها از نظر صحافی هم جالب نیستند. علاوه بر این، سرفصل‌های درس‌های دانشگاهی ما

رشد جوانه
شماره ۶۱
پاییز ۱۳۹۷



دلیل کتاب‌ها همانند گذشته به شیوه تست‌های معمولی نوشته شده‌اند.

■ اشاره کردید که دو کتاب هم برای معلمان و دانشجویان مناسب بوده است. آن‌ها را چطور ارزیابی می‌کنید؟

برای این کتاب‌ها هم زحمت زیادی کشیده شده بود، ولی می‌توانیم آسیب‌شناسی هم نسبت به آن‌ها داشته باشیم. نگرش ما نسبت به درس عربی تغییر کرده است. رویکرد کتاب‌های جدید عربی، اسناد بالادستی و دوره‌های دانشگاهی تغییر یافته است. امروزه در حوزه زبان و ادب عربی، نحو کاربردی حرف اول را می‌زند. نحو کاربردی قواعد را در حد لزوم برای دانش‌آموز و دانشجو ضروری می‌داند و در حدی به آن می‌پردازد که بتواند به تقویت مهارت‌های چهارگانه زبانی او کمک کند. پس پرداختن به قواعد پیچیده و معماگونه مطرح نیست. در این کتاب‌ها این رویکرد دیده نمی‌شود. یعنی کتاب‌ها با همان آسیب‌هایی که در کتاب‌های قبلی وجود داشته‌اند، روبه‌رو هستند.

علاوه بر این، یک سلسله عیب هم در آن‌ها دیده می‌شود. مثلاً در این کتاب‌ها گرایش‌های فلسفی و منطقی بر مطالعات نحوی چیره شده‌اند. مثال‌های ساختگی و شواهدی که می‌آیند، باید در نحو کاربردی به فهم و درک بیشتر دانش‌آموزان و سخن گفتن آن‌ها کمک کنند که این‌طور نبودند.

با توجه به این‌ها فکر می‌کنم کتاب‌های مورد بحث از هدف‌های جشنواره دوره هستند. همچنین، مهم‌ترین حلقه مفقوده که در این کتاب‌ها دیده می‌شود، جنبه تربیتی است. البته با توجه به اینکه کتاب‌ها سمت‌وسوی کنکور دارند و با این هدف نگاشته شده‌اند، چنین چیزی دور از انتظار نیست که کتاب‌ها بیشتر جنبه آموزشی داشته باشند.

■ خانم ملکی، اساساً در حوزه زبان عربی معلمان و دانش‌آموزان با چه نیازهایی روبه‌رو هستند؟

برای معلمان باید دوره‌های آشنایی با روش‌های نوین تدریس برگزار شود. خلأیی که دیده می‌شود آن است که معلمان با روش‌های نوین تدریس آشنا نیستند. کتاب‌هایی که این روش‌ها را آموزش می‌دهند هم قدیمی‌اند و قابل استفاده نیستند. ما باید وارد این حوزه شویم.

برای دانش‌آموزان هم، با توجه به اینکه سطوح شناختی تغییر کرده‌اند و در برنامه درسی ملی، به سطوحی از جمله پرداختن به تعقل، ایمان و علم، و رابطه‌ای که کتاب‌های درسی با خود، خدا، خلق و خلقت برقرار می‌کند، تبدیل شده‌اند، باید این سمت‌وسو را در نگارش کتاب‌ها لحاظ کنیم.

■ نظرتان درباره فعالیت معلمان در زمینه تألیف کتاب

چيست؟ به هر حال آن‌ها براساس تجربه‌ای که دارند، از نیازهای خود و دانش‌آموزان آگاه هستند.

تنها گروهی که می‌توانند مؤثر و مفید واقع شوند، معلمان عزیز هستند. ما در حوزه تألیف کتاب‌های درسی هم از معلمان باید بیشتر بهره بگیریم. یعنی درباره نیاز معلم، میزان توانایی او در کلاس درس و میزان مطالبه دانش‌آموزان نیازسنجی نشده است. اگر بدانیم مطالبه دانش‌آموز چه میزان است، حتماً کتاب‌های بهتری را می‌توانیم تألیف کنیم. چه کسی در ارتباط بیشتر و بهتر با دانش‌آموز است غیر از معلم؟ تجربه‌های معلمان صد در صد می‌تواند در این زمینه کمک‌کننده باشد.

■ جشنواره رشد امسال شانزدهمین دوره خود را می‌گذراند. فکر می‌کنید در سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی حوزه عربی، این جشنواره تا چه حد موفق عمل کرده است؟

جایگاه کتاب‌های عربی، چه کمک‌آموزشی و چه تربیتی، در جشنواره رشد بسیار خالی است. در دوره‌های قبل هم خیلی به این حوزه پرداخته نشده است. در دو سه دوره اخیر است که چند کتاب معرفی شده‌اند. باید توجه داشت که اگر یک کتاب کمک‌آموزشی نامناسب را به‌عنوان کتاب برتر معرفی کنیم، آیا بر کتاب‌های کنکور و تست صحنه نگذاشته‌ایم؟ درحالی که قرار است از این موضوع پرهیز کنیم.

وزارت آموزش و پرورش می‌گوید قرار نیست دانش‌آموز را با کتاب تست تربیت کنیم. یا با کتاب‌هایی غیر از کتاب درسی، فراغ بال، آرامش و خلاقیت را از دانش‌آموزان بگیریم. حلقه مفقوده در این کتاب‌ها، خلاقیت و نوآوری است. چرا که چهارسوی آن‌ها به کنکور می‌پردازد. کنکور شاکله‌ای دارد که علم را در حد بازآموزی مطالب و آموخته‌ها می‌خواهد و در نهایت به درک و فهم در درس‌هایی مانند فیزیک و ریاضی می‌رسد. ولی در خیلی از درس‌ها در حد بازآموزی‌اند. این‌گونه است که خلاقیت و نوآوری از دانش‌آموز گرفته می‌شود.

به نظر من جشنواره رشد باید کمی تغییر شیوه بدهد. اگر ما همین کتاب کار را معرفی کنیم، خواه‌ناخواه دانش‌آموز و معلم را به استفاده از آن‌ها ترغیب کرده‌ایم. کتاب‌های کاری که به دست ما رسیده‌اند، واقعاً در سطح نازلی قرار دارند، درحالی که در بازار کتاب، کتاب‌های پربارتری هم هستند که احتمالاً در سال‌های گذشته منتشر شده‌اند. در هر صورت مخالف آنم که کتاب کاری مملو از هدف‌های آموزشی و خالی از مفاهیم تربیتی و پرورشی را به‌عنوان یک الگوی عینی معرفی کنیم. امیدوارم در دوره‌های بعدی جشنواره به این موضوع توجه شود.



حوزه‌ای با موضوعات متنوع و کتاب‌های کم



«کاروفناوری» شامل حوزه‌های متنوعی از جمله مهارت‌های فناوری اطلاعات، یادگیری مبتنی بر پروژه، تولید ایده و محصول و مهارت‌های عملی است. مژگان مولایی‌راد، داور گروه کاروفناوری، معتقد است: شایستگی‌های حرفه‌ای مورد

مخاطب آگاهی خوبی دارند و می‌توان در تألیف کتاب‌ها به آن‌ها تکیه کرد. می‌توان از ابزار نیازسنجی و نظرسنجی هم کمک گرفت.

■ بین کتاب‌های بررسی شده، آیا توجه ویژه‌ای برای تولید کتاب‌های متفاوت و

خلاقانه از سوی ناشران دیدید؟

ناشران باید در زمینه آموزش مهارت‌های عملی، مهارت‌های فناوری اطلاعات، یادگیری مبتنی بر پروژه، حل مسئله، تولید ایده و محصول، و سایر موضوع‌های کاروفناوری فعالیت کنند و این موارد را با شیوه‌های خلاقانه ارائه کنند. متأسفانه فعالیت در این زمینه‌ها بسیار محدود است.

■ اصولاً در تولیدات این حوزه با چه کمبودهایی روبه‌رو

هستیم و ریشه آن‌ها را در چه می‌بینید؟

تعداد کتاب‌ها در بحث پرورش خلاقیت و نوآوری، دست‌ورزی و مهارت‌آموزی، فعالیت عملی براساس پروژه، و معرفی مشاغل کم بود. به نظرم بی‌اطلاعی ناشران از نیازهای مخاطبان و برنامه درسی باعث ایجاد این کمبودها می‌شود.

کتاب‌ها و منابعی که محتوای آن‌ها به‌روز باشد و با شیوه‌های خلاقانه مهارت‌های مورد نیاز را با توجه به شرایط و امکانات و وضعیت بومی و فرهنگی کشور، به مخاطبان انتقال و آموزش دهند، از اصلی‌ترین نیازهای ما در این حوزه است.

■ یکی از معیارهای جشنواره همسویی کتاب‌ها با برنامه

درسی است. تا چه حد به این موضوع توجه شده است؟

در برنامه درسی کاروفناوری کسب این شایستگی‌ها مدنظرند: الف. شایستگی‌های محوری غیرفنی، مانند شایستگی‌های روابط بین‌فردی، تفکر، شخصیتی، کسب‌وکار، و نیز شایستگی‌های اجتماعی و زندگی اخلاقی و کارآمد؛

ب. شایستگی‌های پایه فنی و فناورانه و توسعه حرفه‌ای مورد نیاز نیروی کار حرفه‌ها و شغل‌های گوناگون، مانند رعایت بهداشت و ایمنی فردی و محیطی محیط کار، بلوغ حرفه‌ای، به‌کار بردن ابزارهای پایه در بخش‌های مختلف و...؛

ج. شایستگی‌های مربوط به فناوری اطلاعات و ارتباطات؛

د. شایستگی‌های حرفه‌ای مورد نیاز بازار کار.

متأسفانه بیشتر کتاب‌های دریاقتی، چه تألیف و چه ترجمه، در زمینه فناوری اطلاعات و ارتباطات و کار با رایانه‌اند و در زمینه کسب شایستگی‌های دیگر، فعالیتی انجام نشده یا محدود بوده است.

نیاز بازار کار، و شایستگی‌های محوری غیرفنی، مانند شایستگی‌های روابط بین‌فردی، تفکر، شخصیتی، کسب‌وکار و نیز شایستگی‌های اجتماعی و زندگی اخلاقی و کارآمد، از جمله مهم‌ترین شایستگی‌های مدنظر برنامه درسی کاروفناوری است که بی‌اطلاعی ناشران از آن‌ها، باعث کمبود آثار مناسب در این حوزه شده است.

■ چند عنوان کتاب به گروه شما رسیده است و کیفیت آن‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

۱۱ عنوان کتاب در گروه داور کاروفناوری دریافت شده است. در مجموع کیفیت کتاب‌ها خوب بود، گرچه می‌شد بهتر از این باشند؛ به ویژه در بخش کتاب‌های تألیفی. کتاب‌های ترجمه شده معمولاً از کیفیت بالاتری نسبت به کتاب‌های تألیفی برخوردارند و به عنوان و محتوای بهتری توجه داشته‌اند. هم از نظر ظاهر و گرافیک کتاب، و هم در بخش شاخص‌های تخصصی مانند به‌روز بودن محتوا، خلاقانه بودن شیوه ارائه محتوا، بهره‌گیری از منابع، برخورداری نمودار و نمایه‌های لازم، از کیفیت بالاتری برخوردارند.

■ فکر می‌کنید کتاب‌های ترجمه‌ای با نیازهای مخاطب ایرانی سازگاری دارند؟

بیشترین کسر امتیاز کتاب‌های ترجمه‌ای مربوط به فقدان رویکرد فرهنگی و تربیتی مناسب و ناهماهنگی با وضعیت بومی مخاطب ایرانی بود.

■ با توجه به آشنایی معلمان با نیازهای خود و دانش‌آموزانشان، می‌توان برای تألیف کتاب مناسب به آن‌ها تکیه کرد؟

معلمان مؤلف زیادی وجود دارند که می‌توانند در صورت حمایت از حیث سرمایه‌گذاری، پخش و عرضه کتاب، در حوزه تألیف فعالیت کنند؛ به‌خصوص معلمانی که سابقه تألیف و ترجمه دارند و از انگیزه و علاقه، و دانش و مهارت لازم برخوردارند. معلمان از امکانات آموزشی، وضعیت فرهنگی و اجتماعی و سطح آموزشی



گزارشی از هفتادمین دوره نمایشگاه کتاب فرانکفورت (۲۰۱۸)

بزرگ‌ترین رخداد کتاب در جهان

سازمان مجری نمایشگاه فرانکفورت بوخمس جی. ام. بی. اچ، مستقر در فرانکفورت، این شرکت تابع انجمن ناشران و کتابفروشان آلمان است. در واقع این نمایشگاه توسط یک شرکت متشکل از ناشران و انجمن کتابفروشان آلمانی^۵ سازمان یافته است.

مأموریت

دو هدف عمده از شرکت در نمایشگاه کتاب فرانکفورت کمک به توسعه اقتصاد نشر در گستره جهانی و کمک به تقویت دیپلماسی فرهنگی با استفاده از بستر نشر و کتاب است. نمایشگاه فرانکفورت تلاش می‌کند رویداد کلیدی کسب‌وکار برای مشتریان خود باشد و امکانات و فرصت‌هایی را برای آن‌ها فراهم کند. در تمام دوره‌های برگزاری نمایشگاه، مشتریان در مورد روندها و موضوعات مهم در مقیاس بین‌المللی آگاه می‌شوند؛ شماره تلفن و راه‌های ارتباطی با افراد مهم در اختیارشان قرار می‌گیرد و به‌ویژه برای راه‌اندازی مدل‌های تجاری نوآورانه در صنعت چاپ و رسانه به آن‌ها کمک می‌شود.

این نمایشگاه، افرادی را که کسب‌وکار آن‌ها ایده‌پردازی است، دور هم جمع می‌کند تا گفت‌وگوهای سازنده‌ای در مورد مشکلات چاپ و نشر داشته باشند و با کسانی که دیدگاه‌های متفاوت دارند، ملاقات کنند.

فرانکفورت سالی یک بار تبدیل به پایتخت ایده‌های جهانی^۶ می‌شود. این مهم‌ترین مکان تجاری بین‌المللی برای هر نوع محتوا از رمان‌ها و کتاب‌های کودک گرفته تا پایگاه‌های علمی است. در اینجا کارشناسان نشر جهانی با شرکای صنعت فناوری و صنایع خلاق مرتبط مانند فیلم و بازی ملاقات می‌کنند. در عین حال این نمایشگاه، یک رویداد بزرگ فرهنگی است: ۷۵۰۰ غرفه‌دار از بیش از ۱۰۰ کشور، بیش از ۲۸۵۰۰۰ بازدیدکننده، بیش از ۴۰۰۰ رویداد، حدود ۱۰۰۰۰ روزنامه‌نگار و حدود ۲۴۰۰ وبلاگ‌نویس، این نمایشگاه را به بزرگ‌ترین نمایشگاه تجاری جهانی برای چاپ و نشر تبدیل کرده‌اند.

نمایشگاه کتاب فرانکفورت^۱، معروف‌ترین و بزرگ‌ترین نمایشگاه کتاب در جهان است. این نمایشگاه را در واقع ویتترین به‌روزترین دستاوردهای حوزه چاپ و نشر می‌دانند که هر ساله در ماه اکتبر در شهر فرانکفورت، در جنوب کشور آلمان و در قلب اروپا برگزار می‌شود. سه روز نخست این نمایشگاه به‌طور معمول، به بازدیدکنندگان تجاری (متخصصان و دست‌اندرکاران صنعت چاپ و نشر و نمایندگان رسانه‌های گروهی) اختصاص دارد و فقط در دو روز پایانی آن، بازدید برای عموم آزاد است. در طول مدت برگزاری نمایشگاه، نزدیک به ۷۰۰۰ ناشر از ۱۰۰ کشور در آن شرکت و قریب به ۳۰۰ هزار نفر از آن بازدید می‌کنند. نویسندگان، نمایندگان عرصه نشر و شرکت‌های چندرسانه‌ای به‌منظور تبلیغ آثار خود و مذاکره برای خرید و فروش حق نشر آثارشان می‌کوشند حتماً در این نمایشگاه مهم حضور یابند (سایت نمایشگاه، ۲۰۱۸).

تاریخچه

نمایشگاه کتاب فرانکفورت قدمتی ۵۰۰ ساله دارد و پیشینه آن به سال ۱۴۵۴ م. برمی‌گردد. از آنجایی که فرانکفورت مرکز بانکداری و تجارت اروپا بود، در روزهای ۱۸ تا ۲۳ سپتامبر سال ۱۹۴۹ م.، یعنی چهار سال پس از پایان جنگ جهانی، ۲۰۵ ناشر آلمانی در کلیسای پاول^۲ گرد هم آمدند و با عرضه ده هزار عنوان کتاب، اولین نمایشگاه کتاب بعد از جنگ را برپا کردند (ویتهااس، ۲۰۰۷).

در سال ۱۹۵۸ جوزف کاسپارویچ^۳ یکی از ناشران اروپایی درخواست کرد در نمایشگاه علاوه بر محتوای کتاب به تجارت کتاب نیز توجه شود. به این ترتیب اگر در گذشته، حضور در نمایشگاه به ناشر، کارگزار نشر، خواننده و چند روزنامه محدود بود، در اواسط دهه ۶۰ روزنامه‌ها، رادیو و تلویزیون هم در این عرصه نمایشگاهی ظاهر شدند. در سال ۲۰۱۰ بخش کتاب‌های الکترونیکی و بخش دیجیتال نیز به این مجموعه افزوده شد (آلبانس^۴، ۲۰۱۸).



تصویری از نخستین دوره نمایشگاه کتاب فرانکفورت در کلیسای سنت پل در سال ۱۹۴۹ م.

با هم دیدار کنند. در سال قبل، مؤلفانی از بیش از ۳۰ کشور حضور یافتند.

هفتادمین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت

هفتادمین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت که بزرگ‌ترین نمایشگاه کتاب جهان بر اساس شمار ناشران و تعداد بازدیدکنندگان است، چهارشنبه ۱۰ اکتبر تا یک شنبه ۱۴ اکتبر ۲۰۱۸ (برابر با ۱۸ تا ۲۲ مهر ۱۳۹۷) برگزار شد.

تویاس ووس معاون این نمایشگاه می‌گوید در سال ۲۰۱۸، به عنوان هدیه هفتادمین سال تولد نمایشگاه، غرفه‌ای در فضای باز نمایشگاه ایجاد شده است که اختصاص به خواندن کتاب و همچنین برگزاری رویدادهای ویژه نمایشگاه دارد. این غرفه یک اثر هنری است که مانند جواهری در نمایشگاه می‌درخشد. همچنین در این نمایشگاه جشنی ویژه برای هفتادمین سالگرد امضای اعلامیه حقوق بشر برگزار می‌شود که موضوع بسیار مهمی برای نمایشگاه کتاب فرانکفورت خواهد بود و در راستای ترویج آزادی عقیده، آزادی بیان و انتشار تدارک دیده شده است و در خلال این رویداد مباحث و گفت‌وگوهای بسیار ویژه‌ای صورت می‌گیرد. (مصاحبه با خبرگزاری مهر، ۱۳۹۷)

جایزه صلح کتاب‌فروشان آلمان

در طول برگزاری نمایشگاه، همچنین جایزه صلح کتاب‌فروشان آلمان طی مراسمی خاص در کلیسای پائول اهدا می‌شود. این جایزه از سال ۱۹۵۰ هرساله اعطا شده است.

جایزه کتاب آلمان برای کتاب «مجمع‌الجزایر»

مدیران نمایشگاه فرانکفورت می‌گویند غرفه‌های امسال

نمایشگاه کتاب فرانکفورت حجم گسترده‌ای از انتشار کتاب را پوشش می‌دهد. در این رویداد سمینارهای آموزشی درخصوص خودناشری^۷، نشر الکترونیکی و چگونگی تأثیر رسانه‌های اجتماعی بر چاپ و نشر ارائه می‌گردد. همچنین جدیدترین پلتفرم‌های کتاب مبتنی بر فناوری^۸، روش‌های قصه‌گویی^۹ و مدل‌های کسب‌وکار مرتبط با آن و مذاکره درباره حقوق محتوا^{۱۰} همیشه اهمیت دارد (سایت رسمی نمایشگاه، ۲۰۱۸).

بخش کودک

در این نمایشگاه حدود ۱۵۰۰ ناشر بین‌المللی کودک و نوجوان حضور دارند و نویسندگان کودک به ارائه تجربیات و گفت‌وگو با هم می‌پردازند.

پروژه اسپارک فرانکفورت^{۱۱}

در نمایشگاه کتاب فرانکفورت از ابتکارات دیجیتالی با عنوان اسپارک فرانکفورت تقدیر می‌شود. اسپارک به عنوان بازار ناشران مشترک چند بخشی و مکانی برای رصد گرایش‌ها، نه تنها از حقوق رسانه^{۱۲} حمایت می‌کند بلکه دوره‌های آموزشی جامع و فشرده‌ای را برای کسب‌وکار موفقیت‌آمیز در این حوزه تدارک می‌بیند.

خودناشری

ناشر مؤلفان و شرکت‌های خودناشر به یک برنامه یک‌روزه به موضوع فرصت‌ها و پیشرفت‌های تازه برای خودناشرها دعوت می‌شوند. خودناشری، در سراسر دنیا، به یک فعالیت قوی و زنده تبدیل شده است. این امر در سه سال اخیر، برای ناشرمؤلفان و شرکت‌های خودناشر، به یک سنت تبدیل شده است که اینجا



شرایط حضور در نمایشگاه برای ناشران ایرانی

۱. دارا بودن مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با قابلیت عرضه در بازارهای جهانی نشر و امکان فروش حق نشر (کپی) به ناشران سایر کشورها؛
۲. تألیفی بودن کتاب‌های ارسالی (ارجحیت با کتاب‌های منتشره به زبان‌های خارجی مانند انگلیسی، عربی، آلمانی، فرانسه، اسپانیولی و... یا کتاب‌های دوزبانه است. همچنین اولویت با کتاب‌های برگزیده در یکی از جوایز یا جشنواره‌های ملی یا بین‌المللی است)؛
۳. جدیدالانتشار بودن کتاب‌های ارسالی (اولویت با کتاب‌هایی است که آخرین ویرایش یا تجدید چاپ آن در ۵ سال اخیر باشد)؛
۴. تناسب موضوعی کتاب‌های پیشنهادی (کتاب‌ها از لحاظ موضوعی در یکی از حوزه‌های ادبیات داستانی، ادبیات پایداری، رمان، مذهبی، علمی، ایران‌شناسی، هنرهای ایرانی اسلامی، تاریخ و دفاع مقدس باشد)؛
۵. تهیه بروشور و چکیده حداکثر ۱۵۰ کلمه‌ای به زبان انگلیسی برای کتاب‌های ارائه‌شده به زبان فارسی یا زبان‌های غیر از انگلیسی. (برگرفته از سایت عمومی مؤسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران)

پی‌نوشت‌ها:

1. Frankfurt Book Fair
2. St. Paul's Church
3. Joseph caspar witsch
4. Andrew Albanese
5. Börsenverein des Deutschen Buchhandels
6. world capital of ideas
7. self-publishing
8. technology-driven book platforms
9. storytelling methods
10. content rights
11. Frankfurt SPARKS
12. media rights

منابع:

- Albanese, Albanese, Andrew Richard (2018) Frankfurt Book Fair 2018 Preview. publisher weekly. Sep 21, 2018 at :<https://www.publishersweekly.com/pw/by-topic/international/frankfurt-book-fair/article/78118-frankfurt-book-fair-2018-preview.html>. Retrieved 2018-10-27.
- <https://www.buchmesse.de/en/service>. Retrieved 2018-10-27.
- <https://www.mehrnews.com/> Retrieved 2018-10-27
- <https://www.publishingperspectives.com/tag/frankfurt-book-fair/> Retrieved 2018-10-27
- The Frankfurt Book Fair - The World's Biggest, Oldest Book Event". The Balance. Retrieved 2018-02-27.
- Weidhaas, Peter (2007). A History of the Frankfurt Book Fair. Toronto, Ontario: Dundurn Press

نمایشگاه کتاب فرانکفورت نسبت به سال گذشته ۳ درصد رشد داشته است. در هفتادمین نمایشگاه کتاب بین‌المللی فرانکفورت ۳۷۰۰ رخدادهای فرهنگی برگزار شد و ۹۸۰۰ خبرنگار این رخدادهای را گزارش کردند. پیش از باز شدن نمایشگاه به صورت رسمی، جایزه کتاب آلمان توسط اتحادیه کتاب‌فروشان و ناشران به صورت رسمی به "ماریا ماله"، نویسنده آلمانی برای کتاب «مجمع‌الجزایر» اهدا شد. هیئت داوران که جایزه ۲۸۵۰۰ دلاری را به ماله هدیه کرد، بر این باور است که کتاب این نویسنده آلمانی رخدادهای تأثیرگذار در ادبیات آلمان است. داستان این کتاب، در اسپانیای عصر فرانکو می‌گذرد. در این کتاب تاریخچه استعماری و دیکتاتوری اروپا در قرن بیستم با هم آمیخته شده است.

مهمان ویژه نمایشگاه

امسال کشور گرجستان مهمان ویژه نمایشگاه بود و غرفه این کشور به یک ناشر بین‌المللی تفلیس واگذار شده بود. جواتسا جوباوا، علاوه بر آنکه مدیر روابط عمومی انتشارات اینتلکتی شهر تفلیس است، رئیس اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان گرجستان نیز هست. وی علت اصلی دعوت نمایشگاه فرانکفورت از کشورش را رشد سریع کتاب‌فروشی در کشورش و روش‌های نوین بازاریابی ناشران در این کشور می‌داند. وی می‌گوید گرجستان در سال‌های اخیر شاهد رشد بی‌سابقه‌ای در بازار کتاب بوده است و بیشتر ناشران این کشور از طریق بازاریابی تلفنی موفقیت خاصی در بازار کتاب پیدا کرده‌اند. مسئول غرفه گرجستان در نمایشگاه فرانکفورت می‌گوید: «هرچند بیشتر شرکت‌های گرجستانی از طریق تلفن محصولات خود را می‌فروشند، ولی این روش از سوی ناشران و کتاب‌فروشان ابداع شده است و همین موفقیت باعث شد امسال تجربه خود را در اختیار برگزارکنندگان نمایشگاه فرانکفورت قرار دهند.» (پابلیشینگ پرسپکتیو، ۲۰۱۸)

رئیس اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان آلمان هنریش روتهمولر نیز می‌گوید این رویداد با تلاش جهت تولید و به اشتراک گذاشتن محتوا و اطلاعات، سعی در ارتقای فرهنگ، آموزش و فروش عمومی، گفت‌وگو و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز میان همه جوامع دارد.

حضور ایران در نمایشگاه

غرفه ملی ایران در هفتادمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت، در سالن ناشران بزرگسال واقع شده بود. اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان تهران با ۱۸۰ عنوان کتاب در موضوعات مختلف در این غرفه حضور داشت. ۱۸ ناشر، ۳ آژانس ادبی و ۵ تشکل صنفی نشر همراه با ریزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در برلین در غرفه ملی ایران فعالیت دارند. تمامی کتاب‌های عرضه شده در غرفه ایران دارای چکیده انگلیسی و یک کاتالوگ الکترونیکی بود.

جایزه کتاب مدرسه ۱۰۶۶

جشنواره‌ای با داوری دانش‌آموزان کتاب‌خوان



هدف اول تشویق بچه‌ها به کتابخوانی

سخنگوی این جشنواره می‌گوید: هدف از رقابت‌هایی که در قالب «جایزه کتاب مدرسه ۱۰۶۶» صورت می‌گیرد، صرفاً رأی دادن دانش‌آموزان به کتاب مورد علاقه خودشان نیست؛ بلکه مقصود تشویق نوجوانان به مطالعه و ارائه نظر در مورد کتاب‌هایی است که مناسب گروه سنی آن‌هاست. در حقیقت هدف اصلی از گردآوری دانش‌آموزان نوجوان دبیرستان‌ها و مطالعه و بررسی کتاب‌های نامزد مسابقه، ایجاد علاقه و ارتقای سطح مطالعه در بین آن‌هاست؛ به نحوی که خواندن کتاب برای آن‌ها لذت‌بخش باشد و حس کنند نظر آن‌ها در نگارش کتاب‌های جدید اثرگذار است.

فرایند مسابقه

هر سال کار با دریافت فهرست کتاب‌های نامزد شده آغاز می‌شود. دانش‌آموزان علاقه‌مند برای شرکت در مسابقه ثبت نام می‌کنند و کتاب‌ها را در طی زمانی حدوداً سه ماهه (فصل زمستان) مطالعه کرده و مورد بحث و بررسی قرار می‌دهند.

در این بازه زمانی، دانش‌آموز ضمن آن‌که کتاب‌ها را می‌خواند، نظرش را درباره کتاب ارائه می‌دهد. در روز مراسم علاوه بر بهترین کتاب و بهترین نویسنده که با آرای بچه‌ها انتخاب می‌شود، به بهترین خواننده و بهترین منتقد دانش‌آموز نیز جایزه اعطا می‌گردد.

در روز مراسم، دانش‌آموزان علاقه‌مند به اتفاق مسئولان مدرسه به محل برگزاری مراسم می‌روند. از هر کتاب، بخش کوتاهی توسط دانش‌آموزان مدارس مختلف خوانده می‌شود و دیدگاه بچه‌ها درباره کتاب‌ها شنیده می‌شود. پس از جمع‌آوری آراء، کتاب و نویسنده برگزیده انتخاب می‌شود. در این مراسم معمولاً نویسنده‌ای حضور دارد که درباره نویسندگی برای بچه‌ها صحبت می‌کند. این نویسنده

اشاره: سال ۱۰۶۶ در تاریخ انگلستان، بسیار

مهم و مشهور است. در این سال دوک ویلیام

دوم، معروف به ویلیام فاتح، به انگلستان

حمله برد و آن را به تصرف خود درآورد. ویلیام

و جانشینان او ۳۰۰ سال بر انگلستان حکومت کردند

و در این مدت، ۱۰ هزار واژه فرانسوی، توسط حاکمان جدید

وارد زبان انگلیسی شد. اکنون حدود ۳۰ درصد از واژه‌هایی

که در حوزه‌های گوناگون هنر، ادبیات، نظام قضایی و...

در زبان انگلیسی به کار می‌رود، ریشه فرانسوی دارد.

از آنجا که این تاریخ به باور انگلیسی‌ها، به غنی‌شدن

زبان و شکوفایی فرهنگ و ادبیات انگلیسی انجامیده است،

نام ۱۰۶۶ بر بسیاری از فعالیت‌ها و جشنواره‌های ادبی و

هنری گذاشته می‌شود. «جایزه کتاب مدرسه ۱۰۶۶» یکی

از جوایزی است که با همراهی دانش‌آموزان جنوب این

کشور به کتاب‌های مناسب نوجوانان داده می‌شود. برای

آشنایی با تجربه‌های جهانی مطلب کوتاهی را درباره این

جایزه در این ویژه‌نامه می‌خوانید. در شماره‌های قبل‌تر

«جوان» جوایز دیگری معرفی شده است و امید می‌رود

این مطالب در شماره‌های بعد نیز ادامه داشته باشد.





ممکن است، نویسندگان برگزیده دوره قبل جایزه باشد.

دهمین دوره جایزه

اسفند سال گذشته، دهمین دوره این جایزه (۲۰۱۸-۲۰۰۸ م.) برگزار شد و طبق روال سال‌های گذشته چهار کتاب برای مطالعه دانش‌آموزان و شرکت در مسابقه معرفی شد. اولین بار این مسابقه توسط یک گروه از کتابداران مدارس متوسطه اول منطقه ساحلی هیستینگز و راتر (در جنوب انگلستان) در سال ۲۰۰۸ اجرا شد. از آن زمان تاکنون، در این منطقه، صدها دانش‌آموز مبادرت به خواندن کتاب‌هایی کرده‌اند، که به احتمال فراوان پیش‌تر آن‌ها را نخوانده بودند.

امسال دهمین دوره این جایزه، روز ۱۴ مارس، با شرکت دانش‌آموزان مدارس شرکت‌کننده، کتابداران، نویسندگان و حامیان برنامه در کتابخانه آموزشگاه "هلنز وود" برگزار شد.

ابتدا، جلسه پرسش و پاسخی با حضور کیت اوهرن (Kate O'Hearn) نویسنده پرحرارت کانادایی و خالق مجموعه کتاب‌های سایه اژدها (برنده سال ۲۰۰۹ همین جایزه) و مجموعه‌های Pegasus و Valkyrie آغاز شد.

برنامه با خواندن برشی کوتاه از کتاب‌های نامزد و اظهار نظر درباره کتاب‌ها ادامه یافت. از هر مدرسه، یک دانش‌آموز خواندن این قطعه‌ها را بر عهده داشت. سپس در میان شور و هیجان دانش‌آموزان، خانم اوهرن کتاب برگزیده امسال را اعلام کرد. کتاب "Running on the Roof of the world" (دویدن بر بام جهان) بیشترین رأی را به خود اختصاص داده بود. کتاب توسط خانم جسیکا باتورث (Jessica Butworth) نویسنده کتاب‌های کودک نوشته شده است؛ داستانی ماجراجویانه و روایتی از رشادت و امید و مبارزه برای بقا، که در چشم‌انداز خشن و سرسخت رشته کوه هیمالیا در تبت و هند نوشته شده است.

گزارشی از درس آموخته‌های فعالان حوزه نشر

کار جمعی پر رنج اما اطمینان بخش

کار گروهی در کشور ما، به دلایل گوناگون، چنان‌که باید مورد رغبت پدید آورندگان کتاب و ناشران قرار نمی‌گیرد. نویسندگان آثارشان را در جمع نمی‌خوانند و تصویرگران ترجیح می‌دهند تصویرهایشان را بی‌اعتنا به نویسنده و گفت‌وگو با او تصویر کنند و خیلی زود آن را به ناشر تحویل دهند؛ هر چند که در درک بخش‌هایی از کتاب با ابهام روبه‌رو شده باشند. با این وصف در همین فضای مه‌آلود موجود، هستند ناشران موفقی که رنج و مصائب کار گروهی و بهره‌گرفتن از خرد جمعی را به امید شیرینی میوه‌ای که به بار می‌آید تحمل می‌کنند.

«جوانه» به بهانه برگزاری شانزدهمین جشنواره کتاب رشد، به سراغ ناشرانی رفته است که همچنان برای بهره‌مندی از خرد جمعی در تلاش‌اند. ما به منظور دریافت تجربه‌ها و به اشتراک‌گذاری آن‌ها با خوانندگان محترم این فصل‌نامه، درباره مدل‌هایی که ناشران صاحب تجربه در این حوزه برای تولید کتاب‌های مناسب و استاندارد اجرا می‌کنند، چند پرسش از آن‌ها پرسیدیم: برای دریافت نظرات و ایده‌های مؤلفان و تصویرگران کتاب چه تدابیری اندیشیده‌اند و برای تولید آثار استاندارد چه برنامه‌هایی دارند؟ و چگونه از نشست‌ها و جلسه‌های گروهی با نویسندگان و تصویرگران به منظور افزایش تعاملات بین ناشر، نویسنده و تصویرگر و انتشار کتاب‌های خواندنی و جذاب بهره می‌گیرند؟

در این راستا موفق شدیم به نمایندگی از این ناشران، با محبت‌الله همتی، مدیر تولید انتشارات محراب قلم؛ سیدنوید سیدعلی اکبر، سروراستار و مدیر فرهنگی انتشارات هوپا؛ فریدون عموزاده خلیلی، مشاور عالی واحد ادبیات انتشارات فنی ایران و مصطفی خرامان، مسئول بخش داستان نوجوانان انتشارات مدرسه برهان، گفت‌وگو کنیم. این بزرگواران با اشاره به تجربه‌های عملی و اجرایی خود، نکات ارزنده مطرح کرده‌اند که می‌تواند مورد توجه ناشران دیگر قرار گیرد. گزارشی از این گفت‌وگوها را در ادامه می‌خوانید.

و تولیدات در چارچوب سیاست‌ها شکل می‌گیرند. در مورد موضوع‌هایی از این دست که: «آیا رمان می‌تواند برای ما یک خط تولید باشد؟» و اینکه: «آیا می‌توانیم کتاب مرجع برای بچه‌ها تولید کنیم یا نه؟» و... در شورای سیاست‌گذاری بحث و تصمیم‌گیری می‌شود. در شوراهای تخصصی نیز درباره نیازهای مخاطبان و دیگر حوزه‌های کاری نظرات نویسندگان و مؤلفان دریافت و پیشنهادهایی مطرح می‌شوند. در واقع همه تصمیم‌های مربوط به تولیدات انتشارات، در شوراهای گرفته می‌شود. تصمیم‌گیری انفرادی نداریم. از این رو فرایند تصمیم‌گیری طولانی است، اما از آنجا که مبتنی بر خرد جمعی است، تاکنون موفق بوده است.



محبت‌الله همتی، مدیر تولید انتشارات محراب قلم

تصمیم‌گیری انفرادی نداریم!

در چاپ هر اثر، یک روش این است که نویسندگان، مؤلفان و کسانی که ما را به‌عنوان ناشر کودکان و نوجوانان می‌شناسند، کارشان را به نشر تحویل دهند. این نوع دریافت اثر از مؤلفان و مترجمان، روشی منفعل است. به این معنی که در این شکل از کار، ناشر منشأ ایجاد اثر نیست. در روشی دیگر که ناشر فعال است، خلأهای مخاطبان خود را در حوزه کارشناسایی و آن را به نویسندگان، مترجمان و مؤلفانی که می‌شناسد، پیشنهاد می‌دهد. در این روش ناشر در ایجاد اثر نقش برجسته‌تری دارد. در انتشارات «محراب قلم» با گسترش فعالیت‌ها، برای اینکه پایه‌پای مخاطب و فناوری روز پیش برویم، لازم بود به شکل سازمان‌یافته از وجود افراد متخصص استفاده کنیم. از این رو شورایی با عنوان «شورای سیاست‌گذاری» تشکیل دادیم که اصول و سیاست‌های کلی نشر را با نگاه به آینده تبیین می‌کند

شوراهای تخصصی در محراب قلم

کارهای پیشنهادی، در صورتی که در چارچوب‌های کاری ما تعریف شده باشد، بعد از دریافت نظر کارشناسان، به تناسب موضوع در شوراهای تخصصی، چون «شورای تولید»، «شورای رمان کودک و نوجوان» و «شورای کودک» (به معنی ادبیات محض) بررسی می‌شوند و در مورد انتشار یا عدم انتشار آن تصمیم‌گیری می‌شود. در روند آماده‌سازی، شورای گرافیک و شورای ویرایش هم وارد عمل می‌شوند. برای مثال در حوزه رمان، آثار مطلوب ادبیات کودک و نوجوان در کشورهای متفاوت را شناسایی و در مورد مترجم آن در شورای رمان تصمیم می‌گیریم. شورای رمان در انتشارات محراب قلم در چند سال اخیر بیش از ۱۲۰ عنوان رمان کودک و نوجوان منتشر کرده است.



همتی: تولید اثر با کیفیت از نظر مضمون و فرم، موجب می شود در جامعه مخاطبان شناخته شوید و به عنوان ناشری معتبر مورد قبول مخاطب باشید

براساس تجربیات و مطالعات کارشناسانی تدوین شده اند که در این حوزه ها کار کرده اند.

همچنین سعی می کنیم حضور مؤثری در مجامع فرهنگی و برنامه ای که کتاب را به دست مخاطب برساند، داشته باشیم. یکی از بهترین راهکارهای نیازسنجی که مبتنی بر تجربه زیسته نشر است، «ارتباط مستقیم با مخاطب» است که نمایشگاه بین المللی کتاب و نیز نمایشگاه های استانی از جمله این فضاها هستند. ما به جشنواره هایی چون جشنواره کتاب های آموزشی و تربیتی رشد نیز توجه ویژه داریم و چاپ اول کتاب هایمان را به طور مستمر به دبیرخانه جشنواره ارسال می کنیم و بازخوردهایی که دریافت می کنیم، در ادامه خط تولید به ما کمک می کنند. به علاوه، همواره آثار ناشران باتجربه را چه در سطح ملی و چه در سطح جهانی مطالعه می کنیم و امکان پرداختن به موضوع هایشان را بررسی می کنیم. از تجربیات ناشران برتر دنیا استفاده می کنیم و این لازمه تولید کار با کیفیت و متناسب با نیاز مخاطب است. از فعالیت هایی که قرار است به زودی انجام دهیم، «برگزاری کارگاه های آموزشی برای معلمان» است. کتاب های مرجع، همچون دایره المعارف یا فرهنگ های زبانی و موضوعی، از کارهای مؤثر و گسترده محراب قلم است. این نوع کتاب ها برای کتابخانه های آموزشی و کلاسی ضروری اند. فکر می کنیم خوب است معلمان اطلاع داشته باشند که از کتاب های مرجع چطور می توانند در فرایند یاددهی-یادگیری استفاده کنند. به همین خاطر تصمیم گرفتیم چنین کارگاه هایی برگزار کنیم. توجه داشته باشیم، در کشور ما بخش اصلی کار این است که کتاب را به دست مخاطب برسانیم. تولید کتاب کار سختی است و باید با صبر و حوصله انجام شود. سخت تر از آن رساندن کتاب به دست مخاطب است، چرا که هدف نهایی، مخاطب کتاب است.



سید نوید سیدعلی اکبر، سرویراستار و مدیر فرهنگی انتشارات هوپا

جلسات گروهی داستان خوانی

در «نشر هوپا» و سایر مراکزی که فعالیت داشته ام، جلسه های گروهی داستان خوانی را اجرا کرده ام. نویسندگان در جلسه های داستان خوانی، داستان خود را می خوانند و شرکت کنندگان در مورد آن نظر می دهند و کار مطابق نظراتشان بازنویسی می شود. جلسه های داستان خوانی نشر هوپا روز چهارشنبه هر هفته برگزار می شود. نویسندگان شرکت کننده در این جلسه ها

در شورای تولید، بحث های گسترده تری مطرح می شوند و به آثاری چون کتاب های علمی-آموزشی و کتاب های مرجع، از جمله دایره المعارف ها و فرهنگ های موضوعی می پردازیم. همچنین، در مورد خلاص ها و کتاب های مورد نیاز مخاطب و انتخاب نویسنده تصمیم گیری می کنیم. حوزه کاری شورای کودک هم کتاب های داستانی خردسال و کودک است.

برای انتخاب اعضای شوراهای تخصصی در شورای سیاست گذاری تصمیم می گیریم. در هر کدام از شوراهای کاری نیز، کارشناسان حوزه مرتبط با موضوع شورا که عموماً نویسندگان، مؤلفان و مترجمان هستند، حضور دارند و تعداد افراد حاضر در این شوراها از سه تا هفت نفر هستند. شورای تولید، هر دو هفته یکبار و گاهی به سبب حجم زیاد کار، به صورت هفتگی تشکیل می شود. شوراهای تخصصی دیگر، چون شورای رمان و شورای کودک نیز به صورت ماهانه و گاهی دو هفته یکبار برگزار می شوند.

از خرد جمعی استفاده می کنیم تا ادامه حیات دهیم

وقتی شورای تخصصی در مورد چاپ کردن یا چاپ نکردن یک اثر تصمیم می گیرد، کیفیت اثر تقریباً تضمین شده است و ناشر یقین می کند کتاب مصوب شورا، حداقل استانداردهای لازم را برای چاپ دارد. تولید اثر با کیفیت از نظر مضمون و فرم، موجب می شود در جامعه مخاطبان شناخته شوید و به عنوان ناشری معتبر مورد قبول مخاطب باشید. در واقع شوراها این موضوع را تضمین می کنند. از طرف دیگر، هر کدام از نویسندگان و مترجمان به تنهایی به همه نیازهای مخاطبان توجه نمی کنند و هر کدام براساس تجربه زیسته خود در حوزه ای که علاقه مندند، کار تألیف و ترجمه انجام می دهند. از این رو به عنوان ناشر کودک و نوجوان، به نیازسنجی، شناسایی خلاص ها و پیشنهاد تولید اثر از طرف مخاطبان نیاز داریم. ارتباط مستقیم با مخاطب فرصت مغتنمی است که در نمایشگاه نصب ناشر می شود. در مجموع حرکت و عمل در چارچوب شورا حرکت منطقی تری را به دنبال خواهد داشت. به ویژه در فضای نامطلوب حاکم بر بازار فعلی کتاب که لازم است گزیده عمل کنیم و از خرد جمعی استفاده کنیم تا بتوانیم ادامه حیات بدهیم.

تولید کتاب استاندارد و ارتباط نزدیک با مخاطب

سال ها قبل، زمانی که تصمیم گرفتیم کتاب های کمک درسی تولید کنیم، تیمی از معلمان تشکیل دادیم و مطابق سندهایی که دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی در حوزه استانداردهای کتاب تدوین کرده بود، کتاب های کار تولید کردیم که تعدادی از آن ها در جشنواره کتاب های آموزشی و تربیتی رشد به عنوان کتاب برگزیده و تقدیری انتخاب شدند. البته خط تولید کتاب های کمک درسی را متوقف کرده ایم. هم اکنون نیز از این سندها به ویژه در حوزه تصویرگری استفاده می کنیم. معتقدیم این سندها می توانند به ناشر مشاوره دهند و موجب تولید باکیفیت تر شوند. چرا که استانداردهای ارائه شده در این سندها،



سید علی اکبر:
ناشر باید بداند که
مخاطبان کتاب چه
چیزهایی دوست
دارند و چگونه
خواندن کتاب
ترغیب می‌شوند.
کتاب باید بتواند
با انیمیشن و فیلم
رقابت کند. پس
ناگزیر است ساختار
سنتی را بشکند و
وارد ساختار جدید
شود

تجربه داستان‌نویسی دارند و حتی بعضی از آن‌ها نویسندگان معروف و شناخته شده هستند. تعدادی از آنان نیز ممکن است کتابی چاپ نکرده باشند، اما قبل از اینکه در این جلسه‌ها شرکت کنند، از آنان نمونه کار می‌خواهیم تا مطمئن شویم، اصول اولیه داستان‌نویسی را می‌دانند و با این فضا بیگانه نیستند.

شرکت‌کنندگان ایده‌هایشان را در جلسه مطرح می‌کنند و اگر به نظر آید که ایده برای مخاطب جذاب است و قابلیت رمان شدن دارد، با مشارکت نویسنده صاحب ایده و اعضای جلسه (من نیز دبیر جلسه هستم) شروع می‌کنیم به پرورش دادن ایده و از ایده به طرح داستانی می‌رسیم. منظوری از طرح داستانی، یک نقشه ساده است برای اینکه کتابی نوشته شود. قصه و ماجراهای داستان در طرح داستان پیاده می‌شوند و بعد از طرح داستان، با مشارکت اعضا به پلات (plot) می‌رسیم. پلات حاوی تمام اجزای داستان است؛ شخصیت‌ها پرداخت شده‌اند و می‌دانیم قهرمان داستان و گره‌های داستان کجاست و نقطه‌های شروع و پایان داستان کدام‌اند. پلات در واقع یک نسخه مفصل‌تر از طرح و پیش‌نویسی از رمان است. سپس نویسندگان شروع به نوشتن داستان می‌کنند و بعد از نوشتن هر بخش، آن را در جلسه می‌خوانند و سایرین نظر می‌دهند. داستان دائماً اصلاح می‌شود تا به نسخه نهایی برسد. نسخه نهایی را خودم تنها می‌خوانم و برای نویسنده یادداشت‌هایی می‌گذارم. بعد از اعمال آن توسط نویسنده، به سراغ فرایند تصویرسازی و چاپ کتاب می‌رویم. جلسه‌های داستان‌خوانی می‌تواند فرصت خوبی برای نویسندگان و به‌خصوص نویسندگان تازه‌کاری باشند که کتابی چاپ نکرده‌اند، اما استعداد و توانایی خوبی دارند. نویسندگان می‌توانند در این جلسه‌ها تجربه‌های خوبی کسب کنند، خود را ارتقا دهند و کتاب‌های خوبی چاپ کنند.

ارتباط تنگاتنگ ناشر و مؤلف

ما در نشر هوپا، در هر مرحله از کار، با مؤلف کتاب در تماس هستیم. مؤلف نسخه ویرایش شده را می‌بیند و به ما بر می‌گرداند. تصویرسازی‌ها و طراحی جلد را می‌بیند و نظر می‌دهد. پشت جلد با نظر مؤلف نوشته می‌شود. برای تبلیغات کتاب نیز از نظرات مشورتی مؤلفان استفاده می‌کنیم.

تولید کتاب‌های استاندارد

در جلسه‌های داستان‌خوانی حداقل ۲۰ نفر به‌عنوان نویسنده حضور دارند که با توجه به دریافت و شناختن مخاطب نظر می‌دهیم. معیارهای کیفی داستان ما را به سمت کار موفق هدایت می‌کند. ساختار داستان باید درست باشد، قصه داشته باشد و مورد علاقه مخاطب باشد. علاوه بر جلسه‌های گروهی داستان‌خوانی، می‌توان برنامه‌های دیگری نیز به‌منظور افزایش کیفیت اثر داشت. از جمله اینکه نشست‌هایی مداوم با مخاطبان داشته باشیم، کار برای آنان بخوانیم و نظر آنان را بگیریم. همچنین می‌توان فرایند کارشناسی اثر را با توجه به

موضوع اثر با چندین کارشناس در حوزه‌هایی چون مهارت‌های زندگی، محیط زیست، تاریخ و غیره جلو برد و کار را با توجه به نظرات این کارشناسان اصلاح کرد. به این ترتیب طبیعتاً کتاب با استاندارد بالاتری تولید خواهد شد.

عبور از ساختار سنتی نشر

نشر در ایران ساختاری سنتی و قدیمی دارد. این ساختار سنتی که کتاب را در کتاب‌فروشی بگذاریم تا هر کس که کتاب‌خوان است، برود بخرد، باید برچیده شود. نشر باید بتواند از این ساختار سنتی عبور کند. چرا که مخاطبان همان مخاطبان دیروز نیستند. باید بتواند در زمینه تبلیغات و پخش، موفق عمل کند تا بتواند کتابش را بفروشد. ناشر باید بداند که مخاطبان کتاب چه چیزهایی دوست دارند و چگونه به خواندن کتاب ترغیب می‌شوند. ناشران هدیه‌های جانبی برای کتاب‌هایشان بگذارند و رویدادهای متفاوت، از جمله جلسه رونمایی کتاب برگزار کنند. کانال‌های ارتباطی خود را در شبکه‌های مجازی گسترش دهند و بکوشند از راه‌های گوناگون در دل مخاطبان و در بازار رسوخ پیدا کنند. کتاب یک کالا است؛ کالایی که جنبه اقتصادی دارد و باید مانند کالاهای دیگر با آن برخورد شود تا بتواند به لحاظ اقتصادی روی پای خود بایستد. کتاب باید بتواند با انیمیشن و فیلم رقابت کند. پس ناگزیر است ساختار سنتی را بشکند و وارد ساختار جدید شود.



فریدون عمروزاده خلیلی، مشاور عالی واحد ادبیات انتشارات فنی ایران

هدفمند تألیف می‌کنیم!

ما تنها براساس یک مدل و یک سطح یا لایه برای تألیف کتاب عمل نمی‌کنیم. روندی که در ارتباط با نویسندگان تازه‌کار پی می‌گیریم، متفاوت با روند کار ما با نویسندگان حرفه‌ای است. در «انتشارات فنی ایران» تألیف داستان یا رمان صرفاً به خاطر داستان یا رمان نیست. این انتشارات هدفمند به جلو می‌رود و تألیف آن نیز هدفمند است.

یک مدل تجربه شده موفق

برای تولید یک رمان جذاب برای نوجوان، در مرحله تألیف این چالش وجود دارد که: اصالت با موضوع است یا با ادبیات؟ اصالت با وجه علمی است یا وجه خلاق؟ مثلاً اگر می‌خواهید

رشد جوانه
 شماره ۶۱
 پاییز ۱۳۹۷



آموزش خلیلی:

کتاب تصویری

کتابی است

حاصل تلاش

نویسنده، تصویرگر

و ناشر؛ بنابراین

در شکل گیری

کتاب لازم است

نویسنده و تصویرگر

از همان ابتدا با هم

همهانگ باشند

اهمیت دارد. بنابراین در شکل گیری کتاب لازم است نویسنده و تصویرگر از همان ابتدا با هم هماهنگ باشند.

از این رو کارگاه کتاب تصویری را برگزار می کنیم. برای برگزاری این کارگاه، ابتدا فراخوان می دهیم. نویسندگان و تصویرگرانی که می خواهند شرکت کنند، داوطلب می شوند و نمونه کارهایشان را می فرستند. از میان چند صد نفر شرکت کننده، ۳۰ نفر انتخاب می شوند که شامل ۱۵ تصویرگر و ۱۵ نویسنده است. هم نویسنده و تصویرگر جوان و هم حرفه ای بین شرکت کنندگان دیده می شود. این ۳۰ نفر در جلسه ای توجیهی گرد هم می آیند. نویسندگان ایده هایشان را می گویند و تصویرگران هم تصویرهایشان را روی پرده می گذارند. نویسنده و تصویرگر کار هم را می بینند و افرادی که ایده هایشان به هم نزدیک است، کنار هم قرار می گیرند و درواقع یکدیگر را پیدا می کنند. مثلاً تصویرگر می گوید من بلدم طنز کار کنم و ایده های فلانی ظرفیت طنز دارد و به من نزدیک است. مسئولان کارگاه نیز یک نویسنده و یک تصویرگر هستند. کاری که ما به عنوان مسئول کارگاه انجام می دهیم، این است که در مورد ایده های افرادی که دو به دو با هم تیم شده اند، نظر می دهیم. نمونه های موفق جهانی را به آن ها نشان می دهیم. آن ها دوباره با هم کار می کنند و وقتی ایده مشخص شد، در گروه دو نفره فرم به فرم به جلو می روند.

تا کنون در هر دوره از کارگاه کتاب تصویری اتفاقات خوبی افتاده است و در نهایت ما با یک کار درجه یک مواجه شده ایم که هیچ دعوای نویسنده و تصویرگر هم پشت آن نبوده است. چرا که طی یک ماه نویسنده و تصویرگر در کارگاه کنار هم بوده اند و با هم دیالوگ داشته اند. با این روش نویسنده و تصویرگر به یک اندازه در تولید کتاب نقش دارند و یک حس موفقیت مشترک دارند. هیچ کدام فکر نمی کنند جایگاه پایین تری دارد و مثل یک تیم از کارشان دفاع می کنند. در نمایشگاه کتاب، گروهی از تصویرگران ایتالیایی که کارگاه تصویرگری ما را دیده بودند، موضوع برایشان جالب بود و واقعاً هیجان زده شده بودند. ما در این روش سعی می کنیم کار نویسنده و تصویرگر ممزوج و آمیخته شود و پروژه به صورت مشترک پیش رود. در داوری نیز به عنوان جایزه، نویسنده و تصویرگری را که اثرشان به عنوان کتاب برتر انتخاب شده است، به «نمایشگاه بولونیا» که بزرگ ترین نمایشگاه کتاب کودک دنیاست، می فرستیم.

کار تیمی و پرنج اما قابل دفاع

پایه و رکن اصلی کارگاه ها، کارگروه ها و پروژه های تألیف در انتشارات فنی و سایر مراکزی که فعالیت داشتیم، این بود که کار به صورت تیمی جلو برود. این کار دو نتیجه دارد؛ اول اینکه خروجی این کارگاه ها، کتاب هایی است که استانداردها در آن رعایت شده اند. جلو بردن این پروژه سخت تر از آن است که بخواهید صرفاً رمان یا کتاب آموزشی بنویسید. وقتی می خواهید استانداردها را رعایت کنید، مهارت و رنج بیشتری می برید، اما در نهایت حاصل کار قابل دفاع خواهد بود. نتیجه و خروجی دوم این

در مورد یک گونه حیات وحش بنویسید، واقعاً ابتدا تلاشتان این است که چارچوب علمی ماجرأ حفظ شود و خلاقیت در مرحله بعد باشد یا برعکس؟ به نظرم هر دوی این ها نتیجه های خوبی برای انتشارات ما نخواهند داشت. برای یک ناشر صرفاً آموزشی، اصالت با وجه علمی است. از طرف دیگر، ناشر عمومی برایش این مهم است که مخاطب کارش را بخواند و می خواهد رمان خوب بنویسد. اما در انتشارات فنی، هم می خواهیم داستان خوب بنویسیم و هم می خواهیم که مغایرت علمی نداشته باشد. مثلاً داستانی در مورد «گاندو» بنویسیم و در بلوچستان هم انجام شود. در مورد سنجاب های زاگرس بنویسیم و واقعاً در زاگرس انجام شود. داستانش هم جذاب باشد و هم مغایرت های علمی نداشته باشد. می خواهیم هر دو وجه را داشته باشیم تا بعد از چاپ کتاب بتوانیم سرمان را بالا بگیریم.

برای مثال، مدل ما برای تولید رمان هایی در حوزه محیط زیست این بود که یک کارگروه تشکیل دادیم. از ۱۰ نویسنده که می توانستند خوب بنویسند و ضمناً گرایش به نوشتن در حوزه محیط زیست داشتند، دعوت کردیم. آن ها به صورت گروهی کار را شروع کردند. در یک مرحله یک متخصص محیط زیست آوردیم و برای آن ها در مورد چالش های محیط زیست، اولویت های محیط زیستی در ایران و مباحثی از این دست صحبت کرد. به تدریج برای هر کدام از نویسنده ها، موضوع هایی چون بازیافت زباله، آلودگی دریای خزر و ریزگردها جذاب شد. کارشناس محیط زیست در ارتباط با این موضوع ها برای آنان توضیح داد، به آنان کتاب و فیلم معرفی کرد و اطلاعات جزئی تری در اختیارشان گذاشت. یک دبیر ادبی هم در کنار این گروه بود. توضیحات کارشناس محیط زیست به تدریج به گسترش داستان کمک می کرد و با توجه به اطلاعات کارشناس، نویسنده داستان خود را پردازش می کرد.

روش سنتی و بسیار تجربه شده ناموفق که چند تیر و موضوع به دست نویسنده بدهیم تا در مورد آن بنویسد، کارساز نیست. اما وقتی در این مدل نویسنده، تصویرگر و کارشناس محیط زیست را ممزوج کردیم، در هم تنیده می شوند و چه بسا کارشناس به پا گرفتن داستان کمک می کند. همچنین کارشناس به تصویرگر اطلاعاتی از این دست می دهد که درختانی که شما تصویرشان را گذاشته اید، در جنگل های زاگرس وجود ندارند.

کارگاه های کتاب تصویری

در تألیف داستان برای کودکان سنین پایین تر، چالش بین نویسنده و تصویرگر همیشه وجود دارد. نویسنده داستان را می نویسد و ناشر آن را به تصویرگر می دهد. در آخر در یک حالت، تصویرگر مطیع داستان است و عیناً هر چه داستان گفته را طراحی می کند و نویسنده راضی است. در حالت دیگر، تصویرگر ممکن است خلاقیت خود را وارد کار کند و نویسنده ببیند و راضی نباشد. ما معتقدیم کتاب تصویری کتابی است حاصل تلاش نویسنده، تصویرگر و ناشر. کتاب و محصول برای ما



عموزاده خلیلی:

خلاقیت در

نویسندگی حرف

اصلی را می‌زند،

بنابراین برگزاری

کلاس آموزش

نویسندگی خیانت

به داستان نویسی

و نویسندگان

است. چرا که این

کلاس‌ها در بهترین

حالت یک سلسله

نویسنده مشابه

بیرون می‌دهند

که مثل استادشان

می‌نویسند

است که با این روش داستان‌نویس تربیت می‌شود. وقتی تألیف به صورت کارگاهی پیش می‌رود، مهم‌تر از داستان یا کتابی که از آن در می‌آید، این است که داستان‌نویس از آن در می‌آید. سرمایه انسانی که از این مدل در می‌آید، بسیار ارزشمند است.

ما یک دوره هم برای نوجوانان کارگاه برگزار کردیم تا تمرین نویسندگی داشته باشند. همچنین برای کارگاه محیط زیست، نوجوانان را به باغ گیاه‌شناسی بردیم. در این کارگاه، نوجوانان با کارشناس محیط زیست و کارشناس ادبی تعامل داشتند و نویسندگی کردند. نویسندگی باید فرایندی را طی کند. ممکن است لازم باشد فرد در سه دوره از کارگاه تجربی با سطوح متفاوت شرکت کند تا بتواند به کتاب برسد. این کارگاه‌ها کمک می‌کنند، نویسنده در استاندارد قابل قبول نویسندگی قرار گیرد. وقتی روند تألیف از فیلترهای تجربه شده‌ای چون کارگاه‌ها و گفت‌وگوها و تعاملات تخصصی می‌گذرد، خروجی آن حداقل‌هایی را شامل می‌شود. بنابراین می‌تواند تا حدود زیادی برای ناشر و مخاطب اطمینان خاطر ایجاد کند که استانداردهایی را رعایت کرده است.

مدل اتاق تجربه

از دهه ۱۳۶۰ که در حوزه هنری بودم، با افرادی چون قیصر امین‌پور و قاسمعلی فراست کلاس‌های آموزش داستان‌نویسی داشتیم. این کلاس‌ها ادامه داشت تا در اواسط دهه ۱۳۸۰ به این نتیجه رسیدم که برگزاری کلاس آموزش نویسندگی خیانت به داستان‌نویسی و نویسندگان است. چرا که این کلاس‌ها در بهترین حالت یک سلسله نویسنده مشابه بیرون می‌دهند که مثل استادشان می‌نویسند. در صورتی که نویسندگی مثل شکلات‌سازی نیست که همه را هم شکل بیرون بدهید. خلاقیت در نویسندگی حرف اصلی را می‌زند. بنابراین این کلاس‌ها را کنار گذاشتم. در سال ۱۳۹۱، یکی از ناشران از من خواست تا کارگاه رمان نویسی برگزار کنم. به آنان گفتم معتقدم نویسندگی باید به تجربه شکل بگیرد. اگر به کارگاه بیایم، به شرکت‌کنندگان می‌گویم همه آموزش‌های نویسندگی را دور بریزند. گفتند بیا و همین را برگزار کن. یک مدل با نام «اتاق تجربه» طراحی کردم. اصرار داشتم بگویم اتاق، چرا که صمیمیت در اتاق بیشتر است.

برگزاری اتاق تجربه در فراخوان عمومی اعلام شد و تعداد زیادی نویسندگان جوان شرکت کردند. از بین آن‌ها تعدادی انتخاب شدند تا در کارگاه با آن‌ها کار شود. گفتم اولین جلسه با یک ایده بیاپید. بعد با هم در مورد آن حرف می‌زنیم تا ببینیم این ایده می‌تواند رمان شود یا نه. شرکت‌کنندگان در اتاق تجربه به صورت دایره‌ای دور هم می‌نشینند و همه حتی با استاد هم در موضع برابر هستند. هرگز به آنان نمی‌گویم که این‌طور بنویسید، بلکه می‌پرسم چطور می‌خواهید بنویسید و از تجربه‌های خود می‌گویم و آنان مختارند نظرم را بپذیرد یا نه. خروجی اولین دوره اتاق تجربه این بود که ۱۲ نفر، تعداد ۸ رمان نوشتند. بعضی از نویسندگان این رمان‌ها تا قبل از آن اصلاً ننوشته بودند. هیچ کدام از این ۸ رمان، مثل هم نبودند و اگر قرار بود من بنویسم، خیلی از

آن‌ها را حتی دوست نداشتم. از این تعداد، ۶ رمان نیز جایزه‌های مهمی گرفتند. خروجی اتاق تجربه رمان نوجوان که هشت سالی است آن را برگزار می‌کنم، حداقل ۲۰ نویسنده خوب بوده است که کارهایشان خوانده می‌شوند و جایزه کسب می‌کنند.

در اتاق تجربه به نویسندگان می‌گویم مهم این است که خودتان باشید. اصلاً نگویند که می‌خواهید مثل فلان نویسنده بنویسید. در اتاق تجربه سعی می‌کنم ترس‌هایشان از نوشتن را بریزم. از اینکه ممکن است کسی به ایده آنان بخندد، نترسند. ایده‌های خود را با صراحت بگویند و مقهور و مرعوب هیچ «گونه‌ای» (ژانری) نشوند. مثلاً شاید دوست نداشته باشم ژانر فانتزی بنویسم، اما هرگز حق ندارم در کارگاه بگویم که این ژانر به درد نمی‌خورد. به نویسندگان می‌گویم شما خودتان ایده‌ای را می‌آورید و گام‌به‌گام آن را جلو می‌برید و این ژانر اختصاصی خودتان است. هنر همین است. مگر اولین داستانی که نوشته شد، مبتنی بر یافته‌های منتقدان و نظریه‌پردازان نوشته شد؟ اگر اثر داستانی خوب باشد، می‌تواند به دنبال خود نظریه‌ای به جهان نظریات داستانی اضافه کند. تمام تلاش من در اتاق تجربه این است که کمک کنم، بچه‌ها مرعوب نظریه‌های داستانی و حتی شاهکارهای داستانی نشوند. می‌گویم چه بسا خود شما کسی باشید که شاهکار خلق می‌کند. اگر شما خود را از زیر سایه نام‌ها دریابوید، ممکن است خودتان نام جدیدی بشوید.



مصطفی خرامان، مسئول بخش داستان نوجوان انتشارات مدرسه برهان

بهترین مدل، سرویراستار است

به نظر می‌رسد این روش که با نویسندگان جلسه گروهی داشته باشیم، خیلی جواب نمی‌دهد ما در «انتشارات مدرسه» تنها برای داستان کوتاه جلسه گروهی داریم که با ۱۵ نفر برگزار می‌شود و محصول آن یک کتاب است. در این جلسه یک نویسنده داستانش را می‌خواند و بقیه نظرات خود را اعلام می‌کنند. داستان‌هایی که از آن‌ها استقبال می‌شود، بعد از اصلاحات در قالب کتاب داستان کوتاه چاپ می‌شوند. ظرف یک سال، سه تا چهار کتاب این گونه تولید می‌شود. این کار می‌تواند عامل ایجاد انگیزه در نویسندگان و جذب آنان باشد و رابطه نویسندگان را با نشر مستحکم‌تر کند. اما بهترین مدل کار تولید کتاب برای نشر این روش نیست. بهترین مدل آن است که ناشر یک سرویراستار داشته باشد.



خرامان: کتاب باید به گونه ای باشد که وقتی شروع به خواندن آن می کنیم، جذباتمان را به پایان برسانیم. کتاب نباید غلط املایی، ویراستاری و گاف داستانی داشته باشد

لحاظ فنی، قابل قبول باشد و هر کتابی را از هر نویسنده ای نپذیریم.

مدیر هنری در کنار سرویراستار

اگر ناشری بخواهد طی یک سال، ۵۰ کتاب منتشر کند، از این تعداد ممکن است تنها پنج کتاب به تصویر نیاز داشته باشند. اما هر ۵۰ کتاب به جلد نیاز دارند. بنابراین خوب است که ناشران مدیر هنری داشته باشند. فردی که گرافیک و تصویرگری بلد باشد و بتواند به تصویرگران مختلف کار سفارش دهد. سپس در مورد تصاویر نظر دهد و آن ها را تأیید یا رد کند. بهترین مدل برای همه ناشران این است که در کنار سرویراستار، مدیر هنری هم داشته باشند. سرویراستار در مورد کار تولید و ویرایش کتاب اظهار نظر کند و مدیر هنری نیز درباره صفحه آرای، جلد و قطع کتاب اظهار نظر حرفه ای داشته باشد. حاصل این روش یک کتاب قابل قبول خواهد بود.

ناشران سازوکار داشته باشند

وقتی در داوری مان در جشنواره ها، کتاب را می خوانیم، می بینیم گاهی ناشران بدون بررسی کتاب چاپ می کنند. کتاب باید به گونه ای باشد که وقتی شروع به خواندن آن می کنیم، جذباتمان کند تا کتاب را به پایان برسانیم. کتاب نباید غلط املایی، ویراستاری و گاف داستانی داشته باشد. تشخیص این موارد با فردی است که در این زمینه ها مسلط باشد. اگر قرار باشد ناشران کتاب خوب چاپ کنند، باید سازوکار و ابزار داشته باشند. مشکل اینجاست که تعداد ناشران ما از تعداد نویسندگان ما بیشتر است، در صورتی که تعداد نویسندگان شناخته شده و فعال کم است.

مدل های خارجی معمولاً این گونه اند. آن ها سرویراستار دارند و دنبال کتاب نمی روند. ما در کشورمان با دو مدل کار می کنیم. در مدل اول به عنوان ناشر ایده هایی برای تولید می دهیم و از نویسنده یا نویسندگان مناسب دعوت می کنیم که این کتاب ها را برای ما بنویسند. در مدل دوم، نویسندگان کتاب هایی را برای ما به عنوان ناشر می آورند و ما آن ها را برای بررسی به فرد متخصص می دهیم و در نهایت تصمیم می گیریم که کتاب را چاپ کنیم یا نه. ما تقریباً سرویراستار نداریم. سرویراستار این توانایی را دارد که بگوید این ایده، سوژه یا کتاب که کار کردی، به درد می خورد یا نه. سرویراستار روی همه ارکان کتاب و ادبیات مسلط است و ویرایش می داند. ساختار کتاب و داستان را می شناسد و نسبت به ترجمه هم تا حدی شناخت دارد. پیدا کردن چنین فردی سخت است و دستمزد بالایی می خواهد، اما حضورش به تولید کتاب خوب و افزایش مشتری می انجامد. در واقع سرویراستار به عنوان یک فرد باتجربه در مورد محتوای کتاب و اینکه نویسنده چقدر در تألیف یا ترجمه آن موفق بوده است، اظهار نظر می کند.

ما در انتشارات مدرسه برای تولید کتاب، از نویسنده می خواهیم ایده اش را بیاورد و به او کمک می کنیم تا ایده اش را بپروراند. این کار هم تقریباً مجرای همان سرویراستار است. ما اعلام می کنیم که تصمیم داریم رمان نوجوان تولید کنیم. تعدادی از نویسندگان اعلام می کنند که طرحی برای رمان نوجوان دارند. در جلسه ای سه چهار نفری، با نویسندگان در مورد طرحشان صحبت می کنیم و می گوئیم این طرح به درد می خورد یا نه. اشکالات را می گوئیم تا رفع شود. بعد از اصلاحات و تأیید طرح، نویسنده متن را می نویسد تا فرایند چاپ را طی کند. به این صورت ما می توانیم در کیفیت کتاب هایی که تولید می کنیم، تأثیر بگذاریم تا کتاب حداقل به





عروسک‌هایی که می‌خواهند بدانند

گفت‌وگو با فردوس نادعلی‌زاده، کتابدار کتابخانه روستای مبارک‌آباد قم

اصالتاً شیرازی است و دست تقدیر او را به روستاهای قم کشانده است. کتابداری، آن هم در یکی از روستاهای اطراف شهر، ابتدا برای او فقط یک شغل بود، اما رفته‌رفته با عشق به کودکان درآمیخت. حالا همه هم و غمش این است که در این کتابخانه کوچک، که به گفته خودش به دنیایی بزرگ برای بچه‌های روستا تبدیل شده است، نسلی کتاب‌خوان پیروند. نسلی که کتاب خواندن دغدغه‌اش و درونی‌اش شده باشد. اکنون به لطف وجود او، کتابخانه پاتوق مادران کتاب‌خوان و بچه‌هایشان است. مدرسه روستا زنگ قصه‌خوانی برای دانش‌آموزان ترتیب می‌دهد و دانش‌آموزان کتاب‌خوان را به ادامه راهشان تشویق می‌کند. نمی‌دانیم، شاید تحصیلات او در «جامعه‌شناسی» (کارشناسی) و «مدیریت اطلاعات» (کارشناسی ارشد) در ایجاد این روابط و موفقیت او بی‌تأثیر نبوده است، اما به نظر می‌رسد نقش اصلی در این میانه، با همان عشق و علاقه‌ای است که می‌گوید نسبت به افزایش آگاهی بچه‌ها دارد.

در کتابخانه به وجود آمد. روزهای اول تنها به بازی و نمایش عروسکی اختصاص داشت. کودکان عروسک‌ها را به آغوش می‌کشیدند و با آن‌ها ارتباط برقرار می‌کردند. مدتی که گذشت، به بچه‌ها گفتیم این عروسک‌ها به اینجا آمده‌اند تا شما برایشان قصه بخوانید و به عروسک‌هایی دانا تبدیل بشوند. به این ترتیب قصه‌خوانی برای عروسک‌ها آغاز شد.

پس از مدتی بچه‌ها به‌قدری با عروسک‌ها ارتباط می‌گرفتند که گاه اصرار می‌کردند، عروسک مورد علاقه خود را چند روزی به خانه ببرند و موقع خواب برایشان قصه بخوانند. مادران بچه‌ها تعریف می‌کنند که کودکانشان چنان نسبت به این عروسک‌ها احساس مسئولیت دارند که حتی به آن‌ها غذا می‌دهند و برایشان قصه می‌خوانند تا بخوابد.

بعدها به بچه‌ها گفتم می‌توانند عروسک‌هایی را هم که در منزل دارند، به کتابخانه بیاورند و برایشان قصه بخوانند و به این ترتیب عروسک‌ها از گوشه خانه‌ها و کمد‌ها بیرون آمدند و به درون کتابخانه کشیده شدند. حالا دیگر در همه جشن‌ها و برنامه‌هایی که در کتابخانه برگزار می‌شوند، عروسک‌ها حضوری پررنگ دارند. برخی از بچه‌ها حتی جشن‌های تولدشان را در کتابخانه و با حضور عروسک‌ها برگزار می‌کنند. طی این مدت، ۱۸ جشن تولد برای کودکان عضو کتابخانه برپا شده که نشانه‌ای خوب از ارتباط کودکان با کتابخانه و عروسک‌هاست. به‌طور کلی می‌توان گفت، عروسک‌های پوشالی و بی‌جان، به موجودیایی

■ دوستی که شما را به من معرفی کرد، گفت شما در کتابخانه روستای ولی عصر «مبارک‌آباد» فعالیت‌های جالبی برای جذب بچه‌ها به کتاب و کتاب‌خوانی دارید که از جمله آن‌ها طرح «عروسک‌های دانا» است. اگر اجازه بدهید از همین عروسک‌های دانا شروع کنیم.

راستش همیشه دغدغه‌ام این بود که چرا برای دعوت بچه‌ها به کتابخانه باید فراخوان بدهیم و چرا بچه‌ها، مشتاقانه و خودجوش در کتابخانه حضور مستمر ندارند. به همین دلیل دنبال عواملی بودم که بتوانند در کتابخانه محیطی شاد و لبریز از عاطفه و صمیمیت ایجاد و کودکان را جذب کند. بازی، به‌خصوص عامل جادویی «عروسک» از آن چیزهایی است که کودکان خیلی دوست دارند و از طریق عروسک‌بازی بسیاری از مفاهیم را دریافت می‌کنند. از طرف دیگر می‌دانید که عادت دادن افراد به مفهومی ارزشی و مثبت باید به شکل مستمر و ثابت تکرار شود تا فرد به آن عادت کند و جزو رفتارهای ثابت او شود.

کار با خرید چند عروسک و چیدن آن‌ها در قفسه‌ها آغاز شد. نکته مهم در خرید و انتخاب عروسک‌ها این بود که سعی کردم، عروسک‌ها برای هر دو جنس (مثل عروسک حیوانات یا شخصیت‌های محبوب تلویزیونی مانند کلاه قرمزی) قابل استفاده باشد. روزهای اول که بچه‌ها به کتابخانه می‌آمدند، با شوقی آمیخته به آن‌ها نگاه می‌کردند. وقتی هم می‌فهمیدند می‌توانند هر کدام را که دوست دارند بردارند، بسیار ذوق زده می‌شدند. با حضور عروسک‌ها، فضایی شاد و صمیمی



«جمع‌خوانی» است. من و بچه‌ها کتابی را انتخاب می‌کنیم و در جمع، هر کودک، چند خط از کتاب را می‌خواند و بعد به دوستش می‌دهد تا کتاب تمام شود. این کار توانایی خوانش بچه‌ها، دایره واژگان، اعتماد به نفس، شادابی و روحیه همکاری را افزایش می‌دهد.

یکی دیگر از کارهای ما «مسابقه کتاب‌خوانی» است. من یا یکی از بچه‌ها قسمت‌هایی از یک کتاب را می‌خوانیم و بعد پرسش‌هایی از متن خوانده شده مطرح می‌کنیم تا بچه‌ها پاسخ دهند. هر کس زودتر و کامل‌تر پاسخ دهد، برنده است.

برگزاری نمایشگاه دائمی از نقاشی‌های بچه‌ها یا آثار کارگاه‌های هنری، مانند کاردستی، نقاشی و خوش‌نویسی، برپایی نمایش‌های عروسکی با همکاری خود کودکان، و بازی‌ها و سرگرمی‌های فکری هم به افزایش تمایل حضور بچه‌ها در کتابخانه منجر می‌شود.

■ کتابخانه ولی عصر روستای مبارک‌آباد چه امکاناتی دارد که بقیه ندارند؟

کتابخانه حضرت ولی عصر، همانند دیگر کتابخانه‌های روستایی، از سهمیه حداقلی برای دریافت منابع برخوردار است. این نشاط به دلیل اتفاق‌های داخل خود کتابخانه است. کتابی که چندین بار خوانده شده و برای بچه کسالت‌بار است، با نمایش و گاهی با آمیختن زبان طنز و مانند آن، به شکلی جدید به کودکان عرضه می‌شود. منابع کتابخانه محدود است، اما خلاقیت بیش از تعداد منابع بر جذب کودکان به مطالعه و کتابخانه مؤثر است.

ما تلاش می‌کنیم با مدرسه روستا هم تعامل و همکاری خوبی داشته باشیم. به همین دلیل جایزه برتر هر ماه طرح عروسک دانا، در مدرسه و در حضور معلم، مدیر و دانش‌آموزان دیگر، به فرد برگزیده داده می‌شود تا تشویق کودک چند برابر شود. تأثیر این اتفاق به‌وضوح در کودکان قابل مشاهده است. مدیر مدرسه نیز ساعتی را برای قصه‌خوانی و امتیازاتی را برای بچه‌های کتاب‌خوان در نظر گرفته است.

■ خیلی خوب است که کتابخانه‌ای با مدرسه روستا چنین رابطه خوبی دارد. متأسفانه برخی از خانواده‌ها و حتی معلمان و مدیران مدارس تصور می‌کنند کتاب خواندن مانعی بر سر راه درس خواندن بچه‌هاست. این تصور البته واقعی نیست و یافته‌های کارشناسان نشان می‌دهد اتفاقاً خواندن کتاب‌های داستانی و تخیلی حتی می‌تواند موجب پیشرفت در درس‌هایی مانند ریاضی و علوم شود.

بله چنین تصور اشتباهی وجود دارد که خوش‌بختانه ما به سهم خودمان در حال رفع آن هستیم.

■ و آخرین سؤال من این است که کتابخانه روستا، به خصوص در حوزه کودکان و نوجوانان چند کتاب دارد؟ در حوزه کودک و نوجوان حدود ۱۰۰۰ جلد.

پویا و اثرگذار تبدیل شده‌اند و چه بسا تا ابد این خاطرات شیرین را در ذهن بچه‌ها ماندگار کنند. ناگفته نماند، من در منزل نیز با عروسک‌ها برای کودکانم قصه‌خوانی می‌کنم.

این طرح از مهر ۱۳۹۶ آغاز شده است و هنوز با همان طراوت ادامه دارد. کتابخانه ما فضای کوچک و امکاناتی اندک دارد، اما در همین فضای کوچک، دنیای بزرگی برای کودکان روستا به وجود آمده است.

■ به نظر می‌رسد با توجه به نکاتی که گفتید، طرح از حیث کیفیت خواندن، تأثیر خوبی به‌جا گذاشته است. من می‌دانم که در یک محیط روستایی مراجعان محدود هستند، ولی آیا از نظر کمی هم تعداد کتاب‌خوان‌ها بیشتر شده است؟

این طرح تأثیر خوبی بر افزایش آمار امانت و اعضای جدید، به‌ویژه عضوگیری کودک-مادر داشت. بنابر آمار، تعداد کل امانت‌ها در سال ۹۳ تا شهریور ۹۶ بالغ بر ۱۱ هزار امانت بوده است که پس از شروع این طرح، تنها در یک سال (مهر ۹۶ تا مهر ۹۷) نزدیک به ۶ هزار امانت به ثبت رسید. به عبارت دیگر، از رقم ۳۶۷ امانت در ماه به ۵۰۰ امانت در ماه رسیدیم. در همین مدت، تعداد اعضای کتابخانه از ۲۲۹ نفر به ۳۱۵ نفر افزایش یافته است که نشان می‌دهد، ظرف این یک سال ۸۶ عضو جدید جذب کتابخانه شده‌اند. اما مهم‌تر از افزایش تعداد اعضا، این است که بچه‌ها با شوق به کتابخانه می‌آیند و بچه‌های کوچک‌تر با اصرار، مادر یا خواهرشان را هم به کتابخانه می‌آورند تا با عروسک‌ها قصه‌خوانی کنند. ابتدا هدف ما کتاب‌خوان کردن کودکان بود، اما در دل این هدف، اتفاق مهم دیگری هم شکل گرفت.

■ چه اتفاقی؟

می‌دانید در روستاها، مادران سواد کمی دارند و چون تکرار و تمرین وجود ندارد، پس از چند سال دچار فراموشی می‌شوند و دیگر قادر به خواندن نیستند. با طرح جدید، مادران، همراه با فرزندان‌شان قصه‌های ساده کودکان را می‌خوانند و ضمن آنکه از خواندن آن‌ها لذت می‌برند و به وجد می‌آیند، در واقع با هر کتاب، فرصتی برای تمرین و تقویت سواد خود پیدا می‌کنند. از این رو، مادران نیز از این طرح بسیار استقبال کرده‌اند. آن‌ها از اینکه کودکان، خودشان با ذوق بیدار می‌شوند و به کتابخانه می‌آیند و کنار عروسک‌ها به قصه‌خوانی می‌پردازند، خوش‌حال‌اند. در عین حال از این موضوع هم خوش‌حال‌اند که خودشان هم دارند کتاب می‌خوانند.

■ من می‌دانم برای افزایش رغبت بچه‌ها به کتاب و حضور مشتاقانه در کتابخانه، طرح‌ها و فعالیت‌های دیگری هم داشتید، اما راستش می‌خواهم از زبان خودتان بشنوم. چون حقیقتش شنیده‌ها و خواننده‌های من درباره طرح عروسک‌ها، با چیزهایی که خودتان گفتید، فرق می‌کرد. بله، برنامه‌های زیادی برگزار می‌شود. یکی از این برنامه‌ها



پیرامون آسیب‌شناسی اجرای یک مصوبه:

تدبیر جمعی برای حسن اجرای مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش

نگرانی‌ها از نابسامانی بازار نشر کتاب‌های کمک‌آموزشی غیراستاندارد و آسیب‌هایی که از این ناحیه متوجه دانش‌آموزان و معلمان است، شورای عالی آموزش و پرورش را بر آن داشت تا در سال ۷۹ مصوبه ۸۲۸ را در زمینه الزام مدارس به استفاده از منابع آموزشی و تربیتی استاندارد و مورد تأیید سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی به تصویب برساند، و با ابلاغ آن در سال ۸۰ زمینه را برای همکاری با ناشران آموزشی پایبند به اهداف تعلیم و تربیت فراهم کند.

تبادل نظر به منظور اقدامات لازم برای اجرای هماهنگ این مصوبه دستور جلسه نشست بود که اوایل مرداد ماه با حضور معاونان آموزش ابتدایی و متوسطه وزیر آموزش و پرورش، مدیرکل دفتر ارزیابی عملکرد و پاسخگویی به شکایات، نماینده معاونت فرهنگی و پرورشی وزارت آموزش و پرورش، معاون دبیرکل شورای عالی آموزش و پرورش، مدیرکل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، معاون سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی و مشاوران و کارشناسان سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در محل این سازمان تشکیل شد.

به دنبال سیاست مرزگستری



دکتر حیدر تورانی، سرپرست سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در این نشست با اشاره به استراتژی‌های جدید سازمان در راستای رهبری اثربخش گفت: ماندگاری کتاب‌های

درسی و انطباق آن‌ها با سند تحول، سیاست‌های همسو با این انطباق، پایدارسازی کتاب‌های درسی، چندتألیفی، چندرسانه‌ای، مرزگستری و چاپ‌سازی از جمله استراتژی‌های مهم سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی است.

وی با تأکید بر استراتژی مرزگستری افزود: مرزگستری به این معناست که خودمان را در داخل سازمان حبس نکنیم. باید درها به سوی انجمن‌ها، سازمان‌ها و مؤسساتی که ظرفیت‌های زیادی برای همکاری با آموزش و پرورش دارند باز باشد.

تورانی با اشاره به نقش رهبر، در هر سازمان، در رهاسازی ظرفیت‌ها گفت: ظرفیت‌های زیادی در ابعاد انسانی و مالی در کشور وجود دارد که اگر از آن‌ها درست استفاده نکنیم، فرصت‌ها به تهدید

تبدیل می‌شوند. ما باید نسبت خودمان را با این ظرفیت‌ها در داخل و خارج از آموزش و پرورش تعیین کنیم. معتقدم آموزش و پرورش هم اگر می‌خواهد به سرانجام خوشی برسد باید آغوش خود را روی کسانی که می‌خواهند به آن خدمت کنند باز کند.

سرپرست سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی تصریح کرد: بسیاری مواقع ترس از غالب شدن دیدگاه‌های متقاضیان همکاری با آموزش و پرورش مانع برقراری ارتباط لازم با آنان می‌شود. این اتفاق زمانی رخ می‌دهد که استراتژی نداشته باشیم در این صورت دیگران برای ما استراتژی تعیین می‌کنند. اما وقتی راهنما و چارچوب مناسب داشته باشیم، با قدرت اعلام می‌کنیم که حاضریم همکاری‌های مطلوب را بپذیریم. البته در مسیر کار طبیعی است که اگر حواسمان نباشد ضربه خواهیم خورد.

به گفته وی، آموزش و پرورش در سال‌های اخیر مورد تاخت و تاز برخی از آموزشگاه‌ها و مؤسساتی بوده است که از لحاظ علمی فاقد صلاحیت هستند. این مؤسسات، به واسطه داشتن زر و زور، فشار زیادی را متوجه آموزش و پرورش کرده‌اند. این فشارها منجر به

عکس‌العمل‌هایی از جمله صدور بخشنامه ممنوعیت برگزاری هر نوع آزمون زائد در مدارس شد. وی با تأکید بر رعایت اصل ۸۲۸ در همکاری با مؤسسات و ناشران آموزشی گفت: ابلاغ بخشنامه ممنوعیت برگزاری هر نوع آزمون زائد در مدارس اصلاً به معنای جلوگیری از همکاری با مؤسسات دارای صلاحیت نیست. بازار کالاهای مؤسسات آموزشی، دانشگاه‌ها و مدارس هستند. فقط ما باید ضمن تعریف دقیق نسبت‌مان با آن‌ها جلوی هر گونه سوءاستفاده را بگیریم.

چگونگی شکل‌گیری مصوبه ۸۲۸



محمد ناصری، مدیرکل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی هم در ادامه با اشاره به چگونگی شکل‌گیری مصوبه ۸۲۸ گفت: واقعیت وجود کتاب‌های غیراستاندارد مغایر با اهداف آموزش و پرورش که نه تنها جنبه توسعه دانش نداشتند بلکه حل‌المسائل بودند، در اواخر دهه ۷۰ سبب شد تا بحث ساماندهی کتاب‌های کمک‌درسی و کمک‌آموزشی مطرح شود. وی با تأکید بر تعریف متفاوت کتاب کمک‌آموزشی و کمک‌درسی افزود: «کتاب کمک‌آموزشی» در تعریف ما کتابی است که به تعمیق و توسعه مفاهیم کتاب درسی کمک کند، اما «کتاب کمک‌درسی» یکی از پایه‌های کلاسی را نشانه می‌گیرد و براساس آن کتابی را تهیه می‌کند که ممکن است استاندارد باشد یا نباشد.

ناصری با توضیح روند ساماندهی کتاب‌ها ادامه داد: در ابتدا که کار را شروع کردیم، براساس استانداردهای تعریف شده، فقط ۱۸ درصد کتاب‌هایی که به دست ما می‌رسید مناسب بود. یعنی ۸۲ درصد نامناسب بود، اما در حال حاضر هم در حوزه کتاب‌های کمک‌درسی و خصوصاً کمک‌آموزشی اتفاق‌های خوبی رخ داده و از حدود ۲ هزار ناشر فعال حوزه آموزشی بیش از هزار ناشر با همکاری دارند. حدود ۵ تا ۶ هزار کتاب سالانه از این ناشران به دست ما می‌رسد که توسط ۳۰۰ ارزیاب، متشکل از مؤلفان و اعضای شورای برنامه‌ریزی کتاب‌های درسی و معلمان مجرب مورد ارزیابی قرار می‌گیرند، و ما حدود ۶۰ درصد آن‌ها را در قالب فهرستگان و کتاب‌نامه رشد و سایت سامان کتاب یا سامانه کنترل کیفیت به مدارس معرفی می‌کنیم. در نهایت تعدادی از بهترین کتاب‌ها در پایان کتاب‌های درسی معرفی می‌شوند و در جشنواره سالانه کتاب رشد به رقابت می‌پردازند.

ناصری با اشاره به برگزاری نمایشگاه‌های کتاب برای دانش‌آموزان، توسط معاونت فرهنگی و پرورشی آموزش و پرورش و تجهیز کتابخانه‌ها توسط این معاونت گفت: ما انتظار داریم، هنگام برگزاری این نمایشگاه‌ها، فقط کتاب‌هایی خریداری شود که قبلاً به‌عنوان کتاب مناسب مورد تأیید قرار گرفته‌اند و از انتشار فراخوان عمومی و بررسی مجدد کتاب که معمولاً در یک فرصت چند روزه صورت می‌گیرد و ممکن است دقیق نباشد، خودداری کنند.

وی با اشاره به بخشنامه ممنوعیت برگزاری آزمون‌های زائد در مدارس گفت: این بخشنامه از سوی اداره کل ارزشیابی عملکرد و پاسخگویی به شکایات متوجه مؤسساتی است که در صورت تخلف باید پاسخگو باشند.

تهدیدکنندگان آبروی تعلیم و تربیت



دکتر رضوان حکیم‌زاده، معاون آموزش ابتدایی وزیر آموزش و پرورش هم در ادامه با تأکید بر مقابله با مؤسساتی که به شکل بی‌رحمانه‌ای کودکی بچه‌های ما را می‌سوزانند و در نوجوانی استرس را به آن‌ها وارد می‌کنند، گفت: متأسفانه اکنون آموزش و پرورش در سال ۱۴۰۰ میلیون نسخه کتاب چاپ می‌کند، اما پایان سال و پس از امتحانات بچه‌ها کتاب‌سوزان راه می‌اندازند. من در مدرسه‌ای که سر راهم نزدیک دانشگاه است، می‌بینم که بچه‌ها آخر امتحانات دور هم جمع می‌شوند و کتاب‌سوزان راه می‌اندازند.

وی با انتقاد از کتاب‌های کمک‌درسی و کمک‌آموزشی غیراستانداردی که آبروی تعلیم و تربیت را تهدید می‌کنند، گفت: ما امیدواریم معلمان ما به اندازه‌ای توانمند شوند که آن‌ها برای بچه‌ها تعیین تکلیف کنند که چه چیزی را یاد بگیرند.

حکیم‌زاده با بیان اینکه تعریف مناسبی از بخش دولتی و خصوصی وجود ندارد، گفت: قرار گرفتن همزمان برخی از تصمیم‌گیرندگان در پست‌های دولتی و خصوصی ممکن است منجر به تصمیماتی شود که مشکلاتی ایجاد کند. معتقدم نه تنها در آموزش و پرورش بلکه در همه کشور در کنار به رسمیت شناختن بخش خصوصی، مسئولان دولتی همزمان در این بخش‌ها فعالیت نداشته باشند و فضا برای فعالیت جوانان فارغ‌التحصیل دانشگاهی در بخش خصوصی فراهم شود.

معاون آموزش ابتدایی وزیر آموزش و پرورش تصریح کرد: سال گذشته وقتی بحث داستان‌نویسی دانش‌آموزان در مدارس مطرح شد، ناشران زیادی به ما مراجعه کردند و خواهان حضور در مدارس شدند، اما ما مقاومت کردیم و نتیجه آن شد که ۴۸ درصد بچه‌ها داستان‌نویسی را انتخاب کردند در حالی که اگر ما به آن‌ها به صورت اجباری کتابی را معرفی می‌کردیم، بچه‌ها به خلاقیت خودشان داستان‌نویسی نمی‌کردند.

وی با تأکید بر تولیدات خوب در حیطه کتاب‌های کمک‌آموزشی اظهار داشت: کسی نمی‌کند که کتاب‌های خوبی در بحث فیزیک، نجوم و ... تولید و در انتهای کتاب‌های درسی معرفی شود تا دانش‌آموزان و والدین بیشتر بدانند، اما مشکل از آنجا آغاز می‌شود که متأسفانه برخی از مدیران مدارس دانش‌آموزان را وادار به خرید این کتاب‌ها می‌کنند. برخی از این کتاب‌ها با ادعای استفاده از روش‌های تیمز، پرلز و به کارگیری خلاقیت و تفکر سعی دارند به مدارس ورود کنند و متأسفانه جریان فروش اجباری این کتاب‌ها در مدارس پررنگ است. سیاست ما در معاونت ابتدایی این است که از ورود این مؤسسات به مدارس ابتدایی جلوگیری کنیم.

حمایت از کتاب‌های خوب



مجید رعنائی، معاون دبیرکل شورای عالی آموزش و پرورش هم به عنوان سخنران بعدی گفت: مصوبه ۸۲۸ شورای عالی آموزش و پرورش در سال ۸۹ تصویب و سال ۹۰ ابلاغ شد. این مصوبه با توجه به نابسامانی حوزه کتاب‌های کمک‌درسی و کمک‌آموزشی شکل گرفت تا ضمن حمایت از بحث تنوع‌بخشی



تورانی: ماندگاری
کتاب‌های درسی و
انطباق آن‌ها با سند
تحول، سیاست‌های
همسو با این
انطباق، پایدارسازی
کتاب‌های درسی،
چندتألیفی،
چندرسانه‌ای،
مرزگستری و
چابک‌سازی از جمله
استراتژی‌های مهم
سازمان پژوهش و
برنامه‌ریزی آموزشی
است



**رعنايي: يکي از
خلأها در ارتباط
با مصوبه ۸۲۸،
نبود متولي براي
برخورد با متخلفان
است. وقتي اين
مصوبه، حمايت
از منابع آموزشي
استاندارد را مورد
تأکيد قرار داده، چرا
نباید از اين کتابها
حمايت شود**

منابع آموزش در کنار تنوع بخشی محیط های یادگیری، از کتاب های خوب هم حمايت کند.

وی با بيان رویکرد سياست چندتألیفی آموزش و پرورش گفت: ماده ۶ آئين نامه سامان دهی منابع آموزشی به صراحت اعلام می کند که خريد، عرضه و تبليغ هرگونه منابع آموزشی در واحدهای آموزشی صرفاً از منابع استاندارد مجاز خواهد بود، از این رو زمانی که قانون عرضه، معرفی و حمايت از اين کتابها را تأييد کرده باید از فرصت پيش آمده استفاده کنیم.

رعنايي ادامه داد: ما هم دل نگرانيم که مديران برخی مدارس با اين مؤسسات قراردادهایی می بندند و دانش آموزان را مجبور می کنند که کتابها را بخرند. بدون ترديد باید معلم، دانش آموزان و خانواده ها آزادانه انتخاب کنند و هيچ اجباری در خريد اين کتابها يا حتی طراحی سؤالات از آن ها نباشد.

رعنايي گفت: يکي از خلأها در ارتباط با اين مصوبه، نبود متولي برای برخورد با متخلفان است. وقتي اين مصوبه، حمايت از منابع آموزشی استاندارد را مورد تأکيد قرار داده، چرا نباید از اين کتابها حمايت شود؟ جلوگیری از ورود منابع آموزشی و کمک آموزشی استاندارد در برخی مدارس مناطق محروم به ويژه مناطقی که معلمان توانمندی های لازم را برای تحکيم و تقويت مفاهيم درسی ندارند، هدر دادن فرصتی است که هم معلم و هم دانش آموزان می توانند از آن بهره مند شوند.

نبود هماهنگی لازم بين بخشها



مرتضی مجدفر، کارشناس کتاب های آموزشی با اشاره به شگرد بازی با ساختاری که برخی کتاب های کمک آموزشی نامناسب انجام می دهند، گفت: اين کتابها پس از دادن درس،

در قالب حل تمرين، همان تمرينات کتاب درسی را حل می کنند و باعث از بين رفتن خلاقيت بچه ها می شوند. ضمن اينکه برخی از اين ناشران از مؤلفان زیرمجموعه های آموزش و پرورش برای تأليف کتابها استفاده می کنند تا کتابهايشان مورد تأييد قرار گیرد.

وی افزود: من در ۱۱، ۱۲ سال گذشته در سامان بخشی کتاب های کمک آموزشی فعاليت داشته ام. علی رغم همه تلاش های انجام شده، همچنان کتاب های کمک آموزشی نامناسب حاکميت دارند. معتقدم يکي از دلايل آن معرفي نشدن کتاب های نامناسب است.

مجدفر ادامه داد: يکي از ناشران آموزشی برای مسابقات جام جهاني قراردادی به مبلغ ۳۲ ميليارد تومان با تلويزيون امضا کرده، و جالب آنکه ۵ ميليارد هم به اين مبلغ اضافه کرده است به شرط آنکه ۴۰ دقيقه قبل از شروع بازی صداوسيما هيچ ناشر آموزشی دیگری را تبليغ نکند!

وی با اشاره به بخشنامه ممنوعيت برگزاری آزمون های زائد در مدارس گفت: اتفاقاً اين بخشنامه هيچ آسبتي به مؤسسات آموزشی بزرگ نمی رساند چون اين مؤسسات اصلاً با مدرسه کاری ندارند و در تبليغاتشان مستقيماً دانش آموزان را هدف قرار می دهند. من هم با اين موضوع موافقم که نظارت کافي بر عملکرد اين مؤسسات وجود ندارد.

وی با بيان اينکه متأسفانه بسياری از معلمان ما طرح سامان بخشی

کتاب های کمک آموزشی را نمی شناسند و از معرفي کتاب های کمک آموزشی مناسب توسط سازمان پژوهش و برنامه ريزی آموزشی اطلاع ندارند، اظهار داشت: به طور مثال فقط در حوزه کتاب های کمک آموزشی مناسب دوره ابتدایي، ۱۲۲ عنوان کتاب مناسب معرفي شده است. البته زمانی دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، کتابنامه های رشد را با شمارگان انبوه چاپ می کرد و در اختيار مدارس قرار می داد، اما اين کار فعلاً فقط الکترونيکی شده است.

مجدفر با اشاره به طرح داستان نويسي توسط کودکان که توسط معاونت ابتدایي آموزش و پرورش اعلام شد، گفت: ما به عنوان مقوم طرح سامان بخشی کتاب های کمک آموزشی، همين طرح داستان نويسي را در ۴ صفحه پروپوزال اوليه در شماره مهرماه نشریه مدرسه فردا ارائه کردیم و به آن پرداختيم.

وی افزود: معتقدم باید بحث کتاب را در آموزش و پرورش به صورت پازل ببينيم. در حال حاضر هماهنگی لازم بين بخش های مختلف وجود ندارد. بخشنامه ای که توسط آقای کمره ای ابلاغ شد با ماده ۲۳ آئين نامه اجرائي مدارس در تضاد است. براساس اين آئين نامه، مديران مدارس می توانند برای اجرای امور جاری مدارس با بخش های بيرون قرارداد ببندند. اين همکاری می تواند از کارهای عمرانی تا اجرای آزمون ها را در بر بگيرد. البته اين بخشنامه در بستر کنونی برای جلوگیری از برخی تخلفات لازم است، اما نگاه همه يا هيچ داشتن درست نيست.

مجدفر با اشاره به برخی تخلفات ناشران آموزشی گفت: روی کتاب ۱۲ صفحه ای مؤلف است نوشته قصد دارد طرح مهارت های زندگی، کارآفريني، پرلز و تفکر را به دانش آموز بيايم! چطور چنين چیزی در يک کتاب ۱۲ صفحه ای ممکن است؟ جالب آنکه در پايان کتاب اضافه می کند، براساس برنامه درسی ملی! ابتدای کتاب هم ذکر شده که زیر نظر کارشناسان سازمان پژوهش نوشته شده است! يکي از دوستان من در يکي از شهرستان ها کتابی در حوزه تعليمات دينی نوشته بود، از من خواست که اسم مرا در ابتدای کتاب به عنوان نويسنده ذکر کند با اين توجيه که تو را به عنوان مؤلف سازمان پژوهش و برنامه ريزی آموزشی می شناسند و کتاب را چاپ خواهند کرد!

رعایت اصل مدرسه محوری



علی زرافشان، معاون سابق متوسطه آموزش و پرورش هم در سخنانی با تأکيد بر اينکه باید مبنایي تر به اين مسئله نگاه کرد، گفت: ابتدا باید اهدافمان را در آموزش و پرورش مشخص

کنيم و سپس صحيح يا غلط بودن کارها را با آن مبنا بسنجيم. خانم دکتر حکيم زاده از سيستم آموزشی کشورهای پيشرو صحبت کردند. حرکت در اين جهت به الزاماتی نیاز دارد که يکي از آن ها حرفه ای شدن معلمان است. يکي ديگر، توانايی استفاده صحيح از اختيارات است. اگر ما چشم انداز را در آموزش و پرورش همان طور که دکتر تورانی گفتند، خروج از حاکميت تک کتابی از کتاب های درسی در نظر داشته باشيم و بخواهيم تنوع منابع يادگيري و تنوع محيط های يادگيري داشته باشيم باید کاری بکنيم که ویژگی هایی که برای معلم در برنامه درسی ملی ذکر کرده ايم، محقق شود.

رشد جوانه
شماره ۶۱
پاییز ۱۳۹۷

وی تصریح کرد: همان طور که اشاره شد، آئین نامه اجرایی مدارس با هدف توانمندسازی مدارس نوشته شد. از نوشتن این آئین نامه ۱۸ سال گذشته، اما متأسفانه معلمان و مدارس ما به اندازه لازم قدرت تصمیم گیری و تجزیه و تحلیل مسائل آموزش و پرورش را ندارند. من می توانم این وضعیت را به افرادی تشبیه کنم که ما سال ها آن ها را روی ویلچر نشانده ایم و حالا به آن ها می گوئیم راه بروید، مسلماً باور راه رفتن دیگر در این افراد وجود ندارد. ما هر اختیاری به مدرسه می دهیم پس می گیریم. چند سال پیش ۵ نمره ارزشیابی پایانی را به معلمان واگذار کردیم، اما متأسفانه به اندازه ای معلمان از بابت این موضوع تحت فشار قرار گرفتند که خواستار سلب این امتیاز نسبت به خودشان شدند.

زرافشان ادامه داد: زمانی در سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی برای مشارکت در تألیف کتاب های درسی فراخوان دادیم، یک نفر هم حاضر به مشارکت نشد. زمانی هم برای ۴۰ نفر کارگاه آموزشی تألیف برگزار کردیم، اما حتی یک نفر مؤلف هم خروجی نداشتیم. اگر می خواهیم به جایی برسیم که معلم ما مثل بقیه معلم های دنیا که کتاب درسی ندارند، اما توانایی تجزیه و تحلیل کتاب درسی را دارند، مبنای یادگیری و کتاب های خوب برای یادگیری هر یک از بچه ها را می شناسند، باید ببینیم جهت گیری ما چیست؟

معاون سابق وزیر آموزش و پرورش با اشاره به اختیارات شورای مدارس گفت: یکی از این وظایف بررسی و اتخاذ تصمیم درباره مؤسسات و دستگاه های آموزشی خارج از مدرسه در آموزش های علمی و عملی دانش آموزان براساس آیین نامه های مربوطه است. شورای مدرسه اختیار دارد تصمیم بگیرد که شرکایش چه کسانی باشند. ماده ۱۱ آیین نامه مدارس هم به صراحت اعلام می کند، تبادل نظر و هماهنگی در مورد نحوه استفاده از وسایل آموزشی و کمک آموزشی و کارگاهی وظیفه شورای مدرسه است. معتقدم در معاونت ها نباید به گونه ای عمل کنیم که این طور القا شود ما به جای شورای مدارس تصمیم می گیریم.

به گفته زرافشان، همکاری و برنامه ریزی در مورد چگونگی تشکیل کلاس های فوق برنامه با مشارکت انجمن اولیا و مربیان با رعایت ضوابط مربوط در کنار بررسی منابع آموزشی، کمک آموزشی و انتخاب و معرفی کتب، نشریات، نوارهای صوتی و تصویری جهت استفاده در مدرسه با رعایت مقررات هم از جمله اختیارات شورای مدارس است.

وی با تأکید بر اینکه برخی از آسیب های موجود جزء لوازم حرکت است ادامه داد: اگر جهت گیری ما مدرسه محوری است و می خواهیم شورای مدرسه درکی از منابع آموزشی و کمک آموزشی داشته باشد، باید بدانیم این هدف دفعه تاً حاصل نمی شود. اختیار دادن، حمایت کردن و ایجاد ظرفیت لازم در شورای مدرسه و معلمان از لوازم رسیدن به این هدف است. موارد گفته شده در یک نظام برنامه ریزی متمرکز باید مورد توجه قرار گیرد.

زرافشان با تشریح ضرورت حمایت از کتاب های کمک آموزشی استاندارد گفت: حاکمیت تک کتابی به این معناست که تنوع توانایی ها و استعداد های یادگیری در نظر گرفته نشده و جمع کثیری از مخاطبان مورد بی توجهی قرار گرفته اند. البته لحاظ کردن میانگین توانمندی های دانش آموزان و توجه نداشتن به کسانی که بالا و پایین حد متوسط قرار دارند هم مشکل دیگری است که باید

مورد توجه باشد. پرسش اینجاست که اگر من در مدرسه ای هستم که دانش آموزان را گزینش کرده و معدل همه آن ها بالای ۱۹ است، آیا کتاب های درسی موجود پاسخگوی نیازهای آن ها هست یا باید غنی سازی کنم؟ کاری که مرحوم علاقه مندان تحت عنوان پروژه غنی سازی انجام می داد.

کارکردهای مصوبه ۸۲۸ شورای عالی آموزش و پرورش از موارد دیگری بود که زرافشان با اشاره به آن ها گفت: در صورت اجرای درست این مصوبه در کنار اختیارات شورای مدارس، هم مدارس و معلمان توانمند می شوند و هم منابع مختلف در اختیار آن ها قرار می گیرد. معتقدم اگر می خواهیم به سمت مدرسه محوری و توانمندی معلمان برویم، لوازمش پابندی به جهت گیری های ایجاد شده است. در کنار اینکه باید به مدارس اجازه خطا کردن را بدهیم، باید نظارت لازم را هم برای برخورد با تخلفات داشته باشیم.

زرافشان گفت: به خاطر دارم جهاد دانشگاهی همایشی را در مورد آسیب های فضای مجازی برگزار کرد. یکی از سخنرانان، سردار احمدی مقدم، رئیس وقت نیروی انتظامی تهران بود. من به عنوان یک مستمع وقتی اسم سردار را شنیدم، با خودم فکر کردم، الان او یک قفل و بست به در فضای مجازی می زند و اجازه ورود به کسی نمی دهد، اما با کمال تعجب دیدم که ایشان گفت، «در شهر هر تخلفی ممکن است اتفاق بیفتد، اما مگر می توان شهر را تعطیل کرد؟ فضای مجازی هم مثل زندگی شهری است، نمی توان آن را تعطیل کرد؟» ما هم در تصمیم گیری ها راحت ترین کار را انتخاب می کنیم در حالی که باید با تعمق بیشتری تصمیم گیری کرد.

پیش بینی سازوکارهای نظارتی



علیرضا کمرئی، مدیر کل ارزیابی عملکرد و رسیدگی به شکایات آموزش و پرورش هم در ادامه با بیان اینکه ما در یک نظام به شدت متمرکز عمل می کنیم که در آن همه مفاهیم مانند

کمک درسی و کمک آموزشی بار معنایی خاص خود را دارد، گفت: مطلوب ما ممکن است یک نظام چندتألیفی و چندمنبعی باشد، اما فعلاً ما فرض این موضوع را هم منتفی می کنیم و اقتضائات موجود را می پذیریم. باید در درون محدوده ای از جبرها تصمیم بگیریم و عمل کنیم.

وی افزود: کتاب های کمک درسی و کمک آموزشی نامناسب که به جریان تربیتی به شدت آسیب می زنند، بخشی از بحرانی را تشکیل می دهند که نظام آموزشی ما با آن درگیر است و من فکر نمی کنم کسی مخالف این موضوع باشد. نکته دیگر اینکه جریان آموزشی ما از بُعد کتاب های درسی و نه کمک درسی تغییر رفتارهای زیادی را در رفتارهای دانش آموزان شاهد است و این مسئله قابل تحلیل است. حداقل من در طول ۶ ماه گذشته که به مصوبه ۸۲۸ پرداختم، در مواجهه با منتقدین و اهل تعلیم و تربیت متوجه شدم که خیلی از آن ها انتقادات زیادی را به موضوع کتاب های درسی و آثار پنهان آن دارند. کارکردهای پنهانی که ما اصلاً رصد نمی کنیم، اما فعلاً به دلیل آنکه کارکردهای مضر کتاب های کمک درسی واضح تر است یا بازار پررونق تری دارد، به این موضوع می پردازیم.

وی ادامه داد: تردیدی نیست که سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی باید از برنامه درسی ملی صیانت کند چون این سازمان

زرافشان: در صورت
اجرای درست
مصوبه ۸۲۸ در
کنار اختیارات
شورای مدارس، هم
مدارس و معلمان
توانمند می شوند و
هم منابع مختلف
در اختیار آن ها قرار
می گیرد



باهو: مدرسه کانون یادگیری است؛ اگر فضای مدرسه را متنوع کنیم، در آن صورت مدرسه کانون امن همه خواسته‌های ما خواهد بود

متولی این برنامه است ضمن آنکه برنامه درسی ملی بر سایر کتب، هم از حیث محتوا و هم از حیث نظام‌مندی پیگیری اهداف کلان و جزء، برتری دارد و این مسئله‌ای است که اهالی تعلیم و تربیت در آن تردیدی ندارند.

کمره‌ای ادامه داد: معتقدم در متن مصوبه ۸۲۸ شورای عالی آموزش و پرورش باید سازوکارهایی برای نظارت پیش‌بینی می‌شد تا بتوانیم با کتاب‌های غیراستاندارد برخورد کنیم. در حال حاضر در سامان کتاب جای این موضوع در کنار کارهای اساسی که انجام شده مانند مشخص کردن معیارها و استانداردها و طراحی سامانه‌ای برای معرفی کتاب‌های مناسب خالی است. البته در نوشته‌ای که قبلاً آقای محمدیان، رئیس وقت سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، برای ما ارسال داشتند، عنوان داشتند که وظیفه نظارتی برعهده آموزش و پرورش است.

وی تصریح کرد: بخشنامه ممنوعیت برگزاری آزمون در مدارس ابتدایی بر امر قانونمندی ورود کتاب‌های کمک آموزشی و آزمون‌ها نظارت می‌کند که در مصوبه ۸۲۸ به آن تأکید شده است. این بخشنامه همچنین با دستور برگزاری آزمون‌ها که مرکز سنجش آموزش و پرورش بر آن تأکید کرده و مصوبه شورای نظارت بر مدارس هم هم‌راستاست. بخشنامه‌ای است که شخص وزیر آموزش و پرورش از ۶، ۷ ماه پیش از ابلاغ آن، روی موضوع مطالعه داشتند. این بخشنامه فقط اجازه نمی‌دهد که مدارس با مؤسسات آموزشی قرارداد ببندند.

توجه به اختیارات مدارس



باهو، مشاور فناوری سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی هم با تأکید بر اینکه باید متوجه فاصله مقام نظر و عمل باشیم، گفت: ابلاغ دستورالعمل‌های مختلف سبب می‌شود ما نتوانیم به خوبی با تخلفات مبارزه کنیم. همچنین باید در ابلاغ دستورالعمل‌ها به اسناد هم نیم‌نگاهی داشته باشیم. وی افزود: مدرسه کانون یادگیری است و باید مراقب باشیم بعضی از بخشنامه‌ها اختیارات مدرسه را آن‌چنان تضعیف نکند که فضاهای یادگیری بیرون از مدرسه بسیار پررونق‌تر از داخل مدرسه شود. اگر فضای مدرسه را متنوع کنیم، در آن صورت مدرسه کانون امن همه خواسته‌های ما خواهد بود.

جبرهای نظام متمرکز

دکتر رضوان حکیم‌زاده، معاون ابتدایی آموزش و پرورش در یک جمع‌بندی نهایی گفت: اگر یک کتاب درسی و نظام متمرکز نمی‌داشتیم، مدرسه محوری ایده‌آل و مطلوب همه ماست، اما در این نظام متمرکز با بحث ارزشیابی صفر تا صد، معلم در یک فضای اجبار قرار دارد و بحث انتخاب عمل تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد. وی در ادامه با انتقاد از همکاری برخی از کارشناسان آموزش و پرورش در همکاری با ناشران آموزشی گفت: در صورت توانمند شدن معلمان ما شاهد تألیفات خوبی از سوی آنان خواهیم بود. به‌طور مثال، در ابتدایی و پیش‌دبستانی در بحث حقوق شهروندی شاهد تألیفات عالی از سوی برخی از معلمان بودیم.

حکیم‌زاده با اشاره به حذف پیک نوروزی از مدارس گفت: ما پیک را به دلایلی از جمله گردش مالی بسیار مبهمی که در این میان مطرح بود، حذف کردیم. متأسفانه من در سفر به یکی از مناطق محروم برای افتتاح یک مدرسه خیریه شاهد بودم که چگونه از بچه‌هایی که کفش‌های پاره به پا داشتند، نفری ۳ هزار تومان برای دادن پیک نوروزی پول گرفته شده بود.



عظیم محبی، دبیر شورای هماهنگی علمی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش هم پایبندی به قانون و مصوبه ۸۲۸ را مورد تأکید قرار داد و گفت: سیاست‌گذاری در زمینه مواد و رسانه‌های آموزشی و استانداردسازی آن در اختیار سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی است. ضمن آنکه مرکز سنجش آزمون‌های وزارت آموزش و پرورش به ۱۲ مؤسسه مجوز برپایی آزمون را ارائه کرده که این موارد در تصمیم‌گیری‌ها باید مورد توجه قرار گیرد.

تأکید جمعی بر اصل مصوبه

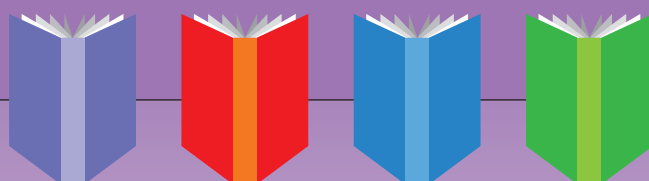


فربا کیا، معاون سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی هم در جمع‌بندی نهایی با تأکید بر پیش‌بینی وظیفه نظارتی در اجرای مصوبه ۸۲۸ گفت: یک سال پیش شورای عالی آموزش و پرورش طرحی را تحت‌عنوان بررسی حسن اجرای مصوبه ۸۲۸ با بخش‌های مرتبط ارائه داد. در جمع‌بندی ارائه شده یکی از آسیب‌هایی که مانع اجرای درست مصوبه ۸۲۸ عنوان شد، تشریح نشدن بخش نظارتی در متن مصوبه ۸۲۸ بود. در همان جلسه من این اشکال را مطرح کردم، اما شورای عالی آموزش و پرورش اعلام کرد هر مصوبه‌ای که ابلاغ می‌شود، بخش نظارتی وظایف خود را پیگیری می‌کند در حالی که پس از گذشت بیش از ۵ سال از ابلاغ این مصوبه، هیچ‌کس وظیفه نظارت بر اجرای آن را به عهده نگرفته است. حیدر تورانی، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش هم گفت: آنچه در این نشست گفته شد، تأکیدی است بر پذیرش اصل مصوبات از سوی همگی، اما چون به مصوبات درستی عمل نشد و نظارت‌ها کافی نبود، بازار سوءاستفاده برای عده‌ای از متخلفان باز شد.

وی افزود: خانم دکتر حکیم‌زاده و دیگران هم با توجه به واقعیت‌هایی موجود بازار عکس‌العمل نشان دادند که منجر به صدور بخشنامه شد. در این بخشنامه وقتی از آزمون‌های زائد و مواد آموزشی غیراستاندارد صحبت شد، منظور ممنوعیت استفاده از کتاب‌هایی نیست که استاندارد را رعایت می‌کنند. بنابراین مصوبه ۸۲۸ شورای عالی آموزش و پرورش به قوت خود باقی است، اما استلزامات نظارتی آن باید به درستی تعریف شود. باید یک طرح جامع نظارت نوشته شود که ناظر بر سه وجه پیشگیری، آموزش و مبارزه باشد. البته این بخشنامه یکی از راه‌های مبارزه با تخلفات است.

تورانی در پایان تأکید کرد: در اجرای مصوبه ۸۲۸ باید با قدرت عمل کنیم و جلوی قراردادهای خارج از چارچوب را بگیریم. در خصوص برخی از کارشناسانی هم که ممکن است با ناشران همکاری داشته باشند، باید برخورد لازم صورت گیرد.

رشدجوانه
شماره ۶۱
پاییز ۱۳۹۷



کارنامه علمی-اجرایی و بیانیه های گروه های داوران شانزدهمین جشنواره کتاب های آموزشی و تربیتی رشد

سال ۱۳۹۷

مهتاب میرایی آشتیانی

گروه داورى آموزش و پرورش کودکان استثنایى

منیره عزیزى (۱۳۵۱)، هرسین کرمانشاه

دانشجوی دکترای روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، با ۲۹ سال سابقه خدمت در آموزش و پرورش استثنایی. ترجمه کتاب «راهکارهای علمی کار با کودکان اتیسم»، تألیف ۹ جلد کتاب «مهارت‌آموزی دوره ابتدایی ویژه طیف اتیسم»، تدوین «طرح ارزشیابی توصیفی ویژه طیف اتیسم» و اجرای پژوهشی «تأثیر مداخله‌های رفتاری بر کاهش علائم دانش‌آموزی بیش‌فعال/کاستی توجه (ADHD)» از جمله خدمات علمی او هستند. وی معلم دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی، معلم رابط دانش‌آموزان ناشنوا، معلم دانش‌آموزان دارای اختلال رفتاری - هیجانی، و کارشناس برنامه‌ریزی آموزشی و درسی دانش‌آموزان دارای اختلال‌های رفتاری هیجانی و اختلال‌های طیف اتیسم بوده است و مدیریت «سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور» را در سوابق اجرایی خود دارد.



هابده بهبودى (۱۳۴۴)، تهران

دانشجوی دوره دکترا در رشته «سیاست‌گذاری فرهنگی» و مؤلف و مترجم مقالات علمی متعدد. از سوابق اجرایی ایشان می‌توان به کارشناس مسئول مشاوره و مددکاری «سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور»، کارشناس مسئول امور اجتماعی سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور، کارشناس مشاوره و مددکاری، دبیر و عضو هیئت تحریریه «مجله تعلیم و تربیت استثنایی»، داور و عضو کارگروه جشنواره الگوهای برتر یاددهی - یادگیری سازمان آموزش و پرورش استثنایی و عضو گروه داورى کتاب‌های آموزشى کودکان استثنایى جشنواره کتاب رشد اشاره کرد.



هاجر عمل صالح (۱۳۴۲)، رشت

کارشناسی ارشد روان‌شناسی کودکان استثنایی، آموزگار و مشاور «مرکز آموزش استثنایی ایمان تهران»، متخصص تست‌های هوش اداره آموزش و پرورش استثنایی شهر تهران، کارشناس مشکلات ویژه یادگیری سازمان کودکان استثنایی تهران و همکار تخصصی دوره‌های آموزشی کودکان کم‌توان ذهنی (پیش از دبستان). عضو مؤلفان کتاب‌های فارسی و علوم دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی است و در کارنامه فعالیت‌های پژوهشی و فرهنگی‌اش، ترجمه کتاب‌های مرتبط با کودکان بیش‌فعال دچار مشکلات نوشتاری، داورى جشنواره‌های تدریس سازمان کودکان استثنایی کشور، عضویت در گروه هنجاریابی و کسeler کودکان، تدریس برنامه‌های ترمیمی در استان‌های ایران برای آموزش مربیان مراکز مشکلات یادگیری، و همکاری با «مرکز روان‌پزشکی دکتر سهامی» به چشم می‌خورد. علاوه بر این، همکار دوره‌های آموزش ضمن خدمت و مدرس آموزش خانواده در «مدرسه استثنایی و انجمن خیریه دخترانه مرزی پیام شاد» است.



رشد جوانه
شماره ۶۱
پاییز ۱۳۹۷

بیانیه گروه داوری آموزش و پرورش کودکان استثنایی

در هر جامعه توجه به افراد دارای نیازهای ویژه و مناسب‌سازی محیط (آموزشی، اجتماعی و...) برای حضور هرچه بیشتر آن‌ها در اجتماع نشانه بالندگی و پویایی آن جامعه است. حضور کودکان و دانش‌آموزان استثنایی در کنار سایر دانش‌آموزان، نیازمند بالا رفتن دانش و آگاهی دست‌اندرکاران آموزش، دانش‌آموزان و والدین در مدرسه‌های عمومی است. برای دستیابی به این مهم، رسانه‌های آموزشی، از جمله کتاب نقش، به‌سزایی ایفا می‌کنند. قرار دادن بخش ویژه کتاب‌های کودکان و دانش‌آموزان استثنایی در جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد، می‌تواند توجه مؤلفان، مترجمان و ناشران را به این گروه از افراد جامعه افزایش دهد.

در شانزدهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد، ۱۸ عنوان کتاب به مرحله نهایی جشنواره در بخش کودکان و دانش‌آموزان استثنایی راه یافتند که تمامی این کتاب‌ها توسط داوران مورد بررسی قرار گرفتند و از بین این کتاب‌ها، چهار عنوان نامزد دریافت جایزه شدند. کتاب‌های مورد بررسی در این دوره نسبت به دوره‌های قبل دارای تنوع بیشتری داشتند و نگاه کتاب‌ها کاربردی‌تر شده بود. از بارزترین نکات این دوره، وجود کتاب‌هایی در خصوص ارتقا و توانمندی دانش‌آموزان چند معلولیتی و جسمی حرکتی بود.

از مواردی که توجه بیشتر ناشران را می‌طلبد، اشتباهات تایپی در متن و یکسان‌سازی واژه‌ها و توجه بیشتر به کیفیت کتاب‌های تألیفی با رعایت استانداردهای علمی است. چون متأسفانه تعدادی از کتاب‌های تألیفی به‌صورت گردآوری نامناسب از سایر کتاب‌ها، بدون توجه به پایه‌های علمی و نظری تألیف شده بودند. به ناشران و نویسندگان فرهیخته توصیه می‌شود، به منظور ارتقای کتاب‌ها در این حوزه، نکات زیر را مدنظر قرار دهند:

- تألیف کتاب‌هایی برای دانش‌آموزان مدارس عادی، در راستای شناخت و پذیرش دانش‌آموزان استثنایی به‌عنوان افرادی متفاوت و پذیرش آن‌ها در کنار خود.
- ابتدا تشخیص نیازهای دانش‌آموزان، خانواده‌ها، معلمان، مشاوران و نیروهای توان‌بخشی، و سپس تألیف یا ترجمه کتاب برای دانش‌آموزان استثنایی.
- توجه ویژه به تألیف کتاب‌هایی که در راستای افزایش مهارت‌های روزمره کودکان و دانش‌آموزان استثنایی هستند.
- توجه بیشتر به محرک‌های بصری در کتاب‌ها.

گروه داوری بازی و سرگرمی

علیرضا باقری جبلی (۱۳۵۱)، تهران

دانش‌آموخته مترجمی زبان انگلیسی. به مدت دو سال و نیم در مدرسه‌ها تدریس کرده و در حال حاضر کتابدار دبستان «صلحا» در منطقه ۴ آموزش و پرورش تهران است. ترجمه هفت جلد کتاب کودک و نوجوان (علمی، داستان و سرگرمی)، و ترجمه و تألیف مطالب سرگرمی برای مجلات کودک و نوجوان (کیهان بچه‌ها، رشد دانش آموز، رشد نوجوان، دوچرخه و همشهری) از فعالیت‌های ایشان است. وی تاکنون ویرایش شش فرهنگ‌نامه را بر عهده داشته است که فرهنگ‌نامه دوجلدی «کلید دانش»، و فرهنگ‌نامه‌های «نوآور» و «ورزش» از جمله آن‌ها هستند. عضویت در شورای سردبیری «رشد دانش آموز» (در سال تحصیلی ۸۴ - ۱۳۸۳)، همکاری با «نشر طلایی» از سال ۱۳۸۸ تاکنون، همکاری با «رشد کودک» و «رشد دانش آموز» در بخش سرگرمی، همکاری با «انتشارات به‌نشر» به مدت سه سال نیز از سوابق اجرایی او هستند.



هوشنگ شرقی (۱۳۴۵)، خدابنده

کارشناسی ریاضی کاربردی. وی به مدت شش سال مدیر داخلی «مجله رشد برهان متوسطه ۲» بوده و عضو شورای سردبیری «مجله رشد برهان متوسطه ۱» است. از سوابق علمی و پژوهشی ایشان می‌توان از تألیف حدود ۲۵ جلد کتاب «ریاضی و تفریح اندیشه»، همکاری در تألیف کتاب‌های درسی «هندسه پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم» و «ریاضی نهم»، ترجمه پنج جلد کتاب معما، سرگرمی و ریاضی، و تألیف ۲۰۰ مقاله علمی نام برد.



سعید کفایتی (۱۳۴۸)، تهران

کارشناسی ارشد آموزش زبان آلمانی و کارشناسی آموزش ابتدایی. وی در دوره‌های متفاوت تحصیلی، از دبستان تا دانشگاه و آموزش ضمن خدمت معلمان، سابقه تدریس دارد. به علاوه در مجتمع بین‌الملل تهران، مدرسه کره‌ای‌ها و مدرسه‌های شهر «باکو» تدریس کرده و در آلمان دوره آموزش خلاق را گذرانده است. همکاری با مجلات رشد، مشارکت در تألیف کتاب‌های درسی، و تألیف چند جلد کتاب کمک‌درسی از دیگر خدمات علمی و فرهنگی ایشان است.



بیانیه گروه دآوری بازی و سرگرمی

کودکان از طریق بازی و سرگرمی بسیاری از مهارت‌های زندگی را می‌آموزند. آن‌ها هنگام بازی با اطرافیان خود ارتباط می‌گیرند و رفتارهای اشتباه خود را اصلاح می‌کنند. بازی می‌تواند شخصیت کودک را بسازد و روح انسان دوستی، مشارکت و همکاری را در او به وجود آورد. در دوره‌ای که فروش کتاب شرایط مطلوبی ندارد و بازی‌های رایانه‌ای وقت زیادی از اوقات فراغت کودکان و نوجوانان را به خود اختصاص داده‌اند، همت بالای ناشرانی که در حوزه بازی و سرگرمی کتاب منتشر می‌کنند، جای قدردانی دارد. در این دوره از جشنواره، گروه داوران پس از بررسی کتاب‌ها به نتایج زیر دست یافتند:

نقاط قوت کتاب‌ها:

- تلاش ناشران برای تولید کتاب‌های تألیفی متناسب با فرهنگ بومی؛
- متناسب‌سازی کتاب‌های ترجمه‌ای با ایجاد تغییراتی در متن‌ها و تصویرها.

نقاط ضعف:

- غلبه کمی کتاب‌های ترجمه بر کتاب‌های تألیفی؛
- وجود ابهام در معرفی بازی‌ها؛
- رعایت نکردن تناسب سطح دشواری سرگرمی‌ها با گروه سنی؛
- وجود ایرادهای ویرایشی و انجام نشدن نمونه‌خوانی؛
- نداشتن پیشگفتار و مقدمه روشن‌گر در برخی آثار؛
- استفاده از منابع خارجی بدون ذکر مأخذ؛
- ناهمخوانی تصویرگری‌ها با متن.

پیشنهادهای:

- توجه بیشتر به کتاب‌های تألیفی؛
- به‌کارگیری نویسندگان، ویراستاران و مترجمان کارآزموده و آشنا با موضوع؛
- مشاوره با کارشناسان حوزه بازی و سرگرمی؛
- گردآوری بازی و سرگرمی‌های مناسب از منابع متفاوت و تولید کتاب با ذکر مأخذ.

گروه داورى پیش دبستانی: کتاب‌های آموزشی

رخساره فضلی (۱۳۴۳)، اراک

دکترای روان‌شناسی تربیتی، دبیر، سرگروه آموزشی، کارشناس مسئول، مشاور معاون وزیر، مدیرکل دفتر آموزش پیش‌دبستانی و معاون آموزش عمومی و معاون آموزش ابتدایی آموزش و پرورش، و مؤلف کتاب‌های: «راهنمای آموزش در کلاس‌های چندپایه»، «بخوانیم و بنویسیم»، «راهنمای تدریس اجتماعی، جغرافیا و تاریخ»، «وضعیت افت تحصیلی در نظام آموزشی عمومی کشور»، «چرا بچه‌ها مدرسه را دوست ندارند» و «خودآموز تدریس در چند پایه». بعضی سوابق علمی - پژوهشی ایشان عبارت‌اند از: راهنمایی و مشاوره پایان‌نامه‌های دانشجویان کارشناس ارشد، ارائه مقالات متعدد در «فصل‌نامه‌های تعلیم و تربیت» و «خانواده و پژوهش»، و ارائه الگویی برای ارتقای کیفیت آموزش دختران روستایی در مناطق کمتر توسعه یافته.



مریم اسفندیاری (۱۳۵۶)، ری

کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، آموزگار، مدرس، مدیر و مربی پیش‌دبستانی، سرگروه آموزشی، مدیر اجرایی گروه‌های آموزشی شهرستان‌های تهران، و رئیس اداره دفتر آموزش پیش‌دبستان. از جمله سوابق علمی و پژوهشی ایشان، همکاری در پروژه‌های علمی و پژوهشی در «دفتر آموزش پیش‌دبستان»، تدریس در دوره‌های ضمن خدمت مربیان پیش‌دبستانی، و داوری آثار «دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی» است. از مهم‌ترین آثار تألیفی وی نیز می‌توان از کتاب‌های چهارجلدی کتاب کار کودک با عنوان «دنیای من»، مجموعه کتاب‌های کودک «اداره کل آموزش و پرورش شهرستان‌های تهران»، و کتاب گل‌واژه‌های امید (پیش‌دبستان) در وزارت آموزش و پرورش نام برد.



اعظم فتحي (۱۳۴۹)، زنجان

کارشناسی ارشد فلسفه آموزش و پرورش که به مدت ۱۵ سال در سمت مربی و مؤسس پیش‌دبستان و آموزگار پایه پنجم ابتدایی در آموزش و پرورش خدمت کرده است. تألیف کتاب‌های کار «کودک پاییز، زمستان و بهار»، و مجموعه کتاب‌های «کودک مربی ایران» و عضویت در کمیته تألیف آموزش و پرورش پیش‌دبستان استان تهران و عضویت در کارگروه تخصصی طراحی، تدوین برنامه درسی شایستگی‌های مربیان با همکاری دانشگاه فرهنگیان و آموزش و پرورش پیش‌دبستانی وزارتخانه از جمله سوابق علمی و اجرایی اوست.



بیانیه گروه دآوری پیش دبستانی: کتاب‌های آموزشی

در طول هفت سال اول زندگی کودک، یعنی سنین پیش‌دبستانی، پایه و اساس شخصیت او شکل می‌گیرد. جدی گرفتن آموزش مناسب در این سنین به قدری حائز اهمیت است که اگر کشوری با سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های صحیح بستر آن را فراهم کند، رشد و پیشرفت آتی خود را صددرصد تضمین کرده است. یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین دوران زندگی آدمی دوران کودکی است. دورانی که در آن شخصیت فرد پایه‌ریزی می‌شود و شکل می‌گیرد. باید به همه ابعاد وجود کودک، شامل رشد اجتماعی، عاطفی، شخصیتی و هوشی او توجه داشت. این ابعاد عواملی تعیین‌کننده و اساسی هستند که از دوران کودکی شکل می‌گیرند. کودک کوچک شده فرد بزرگسال نیست، بلکه شخصیتی منحصر به فرد است و ویژگی‌های خاص خود را دارد. در گروه دآوری پیش‌دبستانی کتاب‌های آموزشی ۶۵ عنوان کتاب در دو حوزه تألیف و ترجمه به جشنواره راه پیدا کرده‌اند که کتاب‌های تألیفی کمتر خلاقانه نگارش یافته بودند و مطالب تکراری داشتند. پراکندگی تولیدات بدون توجه به شناخت کودکان و ویژگی‌های آنان نشان می‌دهد که ویژگی‌ها و نیازهای کودکان برای مؤلفان و ناشران به خوبی درک و شناسایی نشده‌اند.

نقاط قوت و ضعف کتاب‌ها

یکی از نقاط قوت این بود که امسال تعداد کتاب‌های تألیفی نسبت به کتاب‌های ترجمه‌ای فراوانی بیشتری داشتند و در وضعیت بهتری قرار گرفته بودند. این موضوع نشان می‌دهد توجه مؤلفان به تألیف برای کودکان این گروه سنی معطوف شده است. از نقاط ضعف، باید به موضوع درک نکردن تفاوت دو مقوله «کتاب برای کودک» و «کتاب درباره کودک» اشاره کرد. این دو موضوع به جهت ساختاری می‌باید تفکیک شوند تا شاهد تولید منابع آموزشی و کتاب‌های تخصصی در هر دو حوزه باشیم. در منابع، هر دو مقوله در یک گروه و با محتوای درهم‌تنیده مطرح شده‌اند که باعث می‌شود، در ارزیابی‌ها دقت لازم صورت نگیرد.

پیشنهادهای

- ضوابط و معیارهای ارزیابی منابع برای کودکان و درباره کودکان بازبینی و بازتولید شود.
- با توجه به طیف نتایج ارزیابی و سطح‌بندی محتواهای مورد تأیید، نتایج بر اساس این درجه‌بندی، در فهرستگان رشد و سایت مربوطه معرفی شود.
- درج مجوز مربوطه یا هولوگرام تأییدیه سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی روی کتاب‌ها الزامی شود؛ تا امکان رصد کتاب‌های دارای تأییدیه برای عموم وجود داشته باشد.
- طی نشست‌های تخصصی، همایش‌ها و... با حضور مؤلفان و ناشران منابع آموزشی و رسانه‌های تخصصی کودکان گروه سنی پیش‌دبستان، معیارها و ضوابط تولید منابع معرفی و تبیین شوند تا سبب هم‌سویی اندیشه‌ها و تلاش در راستای تحقق هدف‌ها شود.

گروه داورى پیش دبستانی: کتاب‌های داستانی

جعفر ابراهیمی نصر (متخلص به شاهد - ۱۳۳۰)، اردبیل

دارنده نشان درجه یک هنری در ادبیات، شاعر، نویسنده و پژوهشگر ادبیات کودک و نوجوان، و سردبیر «جنگ ادبی آیش» در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. از جمله سوابق خدمتی او، همکاری با مجلات رشد (از نخستین شماره‌های آن‌ها)، همکاری با انتشارات مدرسه و انتشارات رشد، مسئول شورای شعر کانون پرورش فکری (۲۲ سال)، دبیر جشنواره کتاب کودک در کانون (سه دوره)، دبیر جشنواره مطبوعات کانون (هفت دوره)، داور کتاب سال جمهوری اسلامی (۱۰ دوره)، داور جشنواره کتاب رشد (دو دوره)، داور و سرداور کتاب دفاع مقدس (دو دوره)، نویسنده برنامه کودک رادیو (به مدت ۱۰ سال) و برنده جایزه بزرگ «مداد پرنده» و چندین جایزه دیگر است.



مجید راستی (۱۳۳۳)، تهران

کارشناسی ادبیات انگلیسی و مؤلف کتاب‌های «دنیا می‌خواست به دنیا بیاد»، «ماجرای علی کوچولو (دو جلدی)»، «پسر کوچولویی به نام غوره (چهار جلدی)»، «پادشاهی که کشورش را گم کرد»، «جوجه تیغی‌های پسرعمو»، «بی‌بی و بابا (سه جلدی)» و «آرزوی آدم آهنی». از جمله سوابق علمی - پژوهشی او فعالیت در حوزه ادبیات کودک و برگزاری کلاس‌های نویسندگی خلاق در حوزه ادبیات کودک است. سردبیری مجله «رشد کودک» به (مدت سه سال)، عضویت در شورای سردبیری مجلات رشد دانش آموزی و سردبیری مجله «گلک» نیز از سوابق اجرایی او محسوب می‌شوند.



علی باباجانی (۱۳۵۲)، اراک

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، سردبیر «مجله قاصدک»، دبیر ادبی «مجله دیدار آشنا»، کارشناس ادبی اداره ارشد قم، سردبیر «فصلنامه میثاق کوثر»، و کارشناس ادبی «مجله روزهای زندگی».

از سوابق علمی - پژوهشی وی می‌توان به تألیف نزدیک به ۷۰ کتاب، از جمله مجموعه دوازده جلدی «قصه‌های حنانه»، مجموعه شش جلدی «یک نفر او را دوست دارد»، مجموعه داستان طنز «آقای بی‌رویه» و «تو را صدا می‌زنم»، مجموعه نیایش‌های حیوانات اشاره کرد. ایشان همچنین در مدارس، مراکز آموزشی و فرهنگ‌سراها تدریس می‌کند.



رشدجوانه
شماره ۶۱
پاییز ۱۳۹۷

بیانیه گروه داوری پیش دبستانی: کتاب‌های داستانی

در بررسی آثار و کتاب‌های شعر و قصه پیش دبستانی در جشنواره شانزدهم داوران ذکر این نکات را لازم می‌دانند:

نسبت به سال‌های پیش، آثار پیش دبستانی، هم از نظر کیفی و هم از نظر کمی، پیشرفت قابل توجهی داشته‌اند. اما به نظر می‌رسد که هنوز برای رسیدن به وضعیت ایده‌آل راه زیادی داریم.

تعداد آثار متوسط قابل قبول بین کتاب‌ها زیاد شده است؛ ولی به نظر می‌رسد که نویسندگان و شاعران و نیز تصویرگران ما، گاه خلاقیت لازم را در به وجود آوردن یک کتاب خوب در نظر نمی‌گیرند و در این باره دقت نظر ندارند.

تصویرگران گاهی بیش از اندازه به دنیای فانتزی نزدیک می‌شوند؛ لذا داوران نظر تصویرگران را به این نکته جلب می‌کنند که بهتر است به واقع گرایی در تصویرگری این گروه سنی بیشتر نزدیک شوند. گاهی ذهن گرایی و ورود به دنیای فانتزی در تصویرگری‌ها، مربوط به دنیای خردسالان نیست، بلکه مربوط به دنیای ذهنی خود تصویرگران است. این موضوع گاهی در داستان‌های تألیفی نیز به چشم می‌خورد.

جای داستان‌های واقع‌گرایانه در آثار این گروه سنی خالی است یا تعداد آن‌ها بسیار اندک است. تصویرگران بهتر است به جای پرداختن به فرم به دنیای واقعی تخیلات خردسالان نزدیک شوند.

به ناشران نیز توصیه می‌شود، در نشر آثار برای کودکان و نوجوانان، تنوع موضوعی را بیشتر مدنظر داشته باشند. برخی فقط برای خردسالان کار می‌کنند و گروه سنی کودک و نوجوان مغفول می‌ماند.

ترجمه‌ها نسبت به سال‌های پیش بهتر شده‌اند و در انتخاب آن‌ها دقت نظر بیشتری اعمال شده است.

در پایان یادآور می‌شویم، بسیاری از آثار خردسالان (پیش دبستان)، به‌ویژه در شعر و داستان، آثاری مناسب کودکان دبستانی هستند که با زبان پیش دبستانی بیان شده‌اند.

گروه داوران تاریخ و زندگی‌نامه

حشمت‌الله سلیمی (۱۳۴۴)، اسلام‌آباد غرب

دانش‌آموخته رشته تاریخ در دوره کارشناسی‌ارشد، مدرس تاریخ در دوره متوسطه، ریاست دپارتمان علوم اجتماعی دبیرستان البرز و کارشناس پاره‌وقت دفتر تألیف کتاب‌های درسی. از آثار وی می‌توان «مبارزات روحانیون و وعاظ مساجد به روایت اسناد»، «اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم»، «تاریخ‌شناسی پیش‌دانشگاهی» (متناسب‌سازی با رویکرد آموزش از راه دور) و کتاب درسی «تاریخ پایه دهم رشته علوم انسانی» را نام برد. اجرای طرح پژوهشی «تحلیل خط‌مشی‌ها، اسناد مصوب، پژوهش‌ها و منابع معتبر با حوزه تربیت و یادگیری علوم انسانی و مطالعات اجتماعی»، دیگر فعالیت علمی-پژوهشی اوست. ایشان همچنین در سوابق اجرایی خود، کارشناسی معاونت پژوهشی «بنیاد ایران‌شناسی» و کارشناسی «مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری» را دارد.



سیدحسین رضوی خراسانی (۱۳۴۴)، سمنان

دکترای تاریخ با ۳۰ سال سابقه خدمت در آموزش و پرورش به‌عنوان دبیر دبیرستان، مدرس دانشگاه فرهنگیان و مراکز ضمن خدمت، و عضو شورای برنامه‌ریزی کتاب‌های درسی تاریخ. وی از مؤلفان کتاب‌های درسی تاریخ از جمله تاریخ‌شناسی دوره پیش‌دانشگاهی، تاریخ ایران و جهان باستان، تاریخ از اسلام تا پایان صفویه و تاریخ ۳ است. کتاب‌هایی چون «تاریخ ایران در عهد زندیه» و «تاریخ ایران در دوره تیموریان» از انتشارات قدیانی، «جامعه‌شناسی نظام جهانی» و «تاریخ ایران و جهان (۲)» از انتشارات پیش‌دانشگاهیان و مقالاتی مانند «بررسی و ارزیابی جایگاه حاکم در انواع جوامع مورد نظر فارابی» پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی را نیز در کارنامه خود دارد.



کوروش فتاحی (۱۳۵۰)، سنجند

دکترای تاریخ با ۲۱ سال سابقه خدمت در آموزش و پرورش و دانشگاه‌های فرهنگیان، تربیت‌معلم، پیام نور، شهید بهشتی، و آزاد اسلامی واحد شهر ری، و مؤلف کتاب‌های «ایران در عصر غزنویان و سلجوقیان» و «تجددخواهی ایرانیان». ایشان در تألیف کتاب درسی تاریخ ۳ همکاری داشته و همچنین مدیر اجرایی گروه‌های آموزشی، مشاور مدیر کل و سرگروه تاریخ استان کردستان نیز بوده است.





بیانیه گروه دآوری تاریخ و زندگی نامه

حوزه تاریخ به طور عام، بخشی از رسالت تقویت مؤلفه های هویتی را عهده دار است. توجه به جنبه های فکری، فرهنگی و اجتماعی جامعه از رهگذر تاریخ، مخاطبان را با مؤلفه های اساسی هویتی آشنا می کند و موجب استحکام باورهای جمعی و انسجام اجتماعی می شود. حوزه تاریخ ظرفیت گسترده ای در اختیار مؤلفان، مترجمان و ناشران قرار می دهد تا از رهگذر آن بتوانند، به نیازهای فکری مخاطبان علاقه مند پاسخ شایسته دهند.

تعداد ۲۶ عنوان کتاب در زمینه تاریخ و زندگی نامه به جشنواره رسیده است که از نظر موضوعی در مقایسه با دوره های پیشین از تنوع بیشتری برخوردار هستند. همچنین موضوع های جدیدی از نظر حیات اجتماعی زنان و تاریخ تحولات نشر در ایران، بین آثار دیده می شود. نوعی خلاقیت نیز در ارائه محتوای زندگی نامه ها به چشم می خورد که آن ها را از شیوه های پیشین متمایز کرده است.

از جمله نقاط قوت که می توان برای بعضی از کتاب های این دوره برشمرد، از این قرار است: استفاده از منابع و مآخذ معتبر؛ گویاسازی و ارائه توضیحات لازم در پانویس؛ استفاده از محرک های بصری جذاب؛ توجه به حجم متناسب با شرایط سنی گروه دانش آموزان.

کاستی هایی که در کتاب ها دیده می شوند، به چند دسته ساختاری، محتوایی، نگارشی و فنی قابل تقسیم بندی اند: نامناسب بودن فصل بندی و استفاده نکردن از عنوان های فرعی، رعایت نشدن اندازه حرف ها و فاصله کلمات و سطرها با یکدیگر، بی کیفیتی محرک های بصری، روان نبودن و یک دست نبودن متن از نظر انشایی، صفحه آرایی نامناسب، رعایت نکردن اصول معرفی منابع در پاورقی و در کتاب نامه، و نداشتن فهرست اعلام از جمله ایرادها و کاستی های کتاب ها به شمار می رود. همچنین در بیشتر کتاب ها به نیاز مخاطبان و هدف های برنامه درسی و کتاب درسی توجه نشده است.

گروه داوران، ضمن قدردانی از تلاش مؤلفان، مترجمان و ناشران، نکات زیر را به عنوان راهکارهای پیشنهادی، به منظور افزایش کیفیت کتاب های کمک آموزشی، یادآور می شود:

- توجه بیشتر به نیازها، علاقه ها و سطح درک و فهم مخاطبان به ویژه دانش آموزان؛
- متناسب سازی آثار با هدف های برنامه درسی و کتاب های درسی؛
- کیفیت بخشی به محرک های بصری، دقت در انتخاب رنگ ها و قرار گرفتن محرک ها در محل های مناسب؛
- توجه بیشتر به تحولات حوزه های فکری، اجتماعی و سیاسی و گشودن افق های تازه پیش روی مخاطبان.

گروه داورى تربیت‌بدنى

محسن حلاجی (۱۳۴۷)، تهران

دکترای تربیت‌بدنی و علوم ورزش با بیش از ۲۷ سال سابقه خدمت در آموزش و پرورش به‌عنوان دبیر تربیت‌بدنی منطقه ۱۹ تهران، کارشناس مسئول، رئیس گروه، معاون و سرپرست اداره کل تربیت‌بدنی در حوزه ستادی و استادیار دانشگاه فرهنگیان، و مؤلف کتاب‌های «نظریه‌های سازمان و مدیریت»، «اهداف و راهبردها در آموزش تربیت‌بدنی»، «راهنمای معلم تربیت‌بدنی پایه ششم ابتدایی». وی در تألیف راهنمای معلم تربیت‌بدنی دوره‌های اول و دوم متوسطه همکاری داشته است. مدیر و مشاور ورزشی شهرداری منطقه ۱۵، رئیس انجمن شنای دانش‌آموزان کشور، عضو شورای برنامه‌ریزی دفتر تألیف تربیت‌بدنی «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» و عضو هیئت‌تحریریه و شورای سردبیری فصل‌نامه «رشد آموزش تربیت‌بدنی»، از سوابق اجرایی ایشان است.



امید جهانسوز (۱۳۴۲)، شیراز

دانشجوی دوره دکتری رفتار حرکتی، مدرس مراکز تربیت‌معلم کشور، عضو شورای برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی تربیت‌بدنی، مؤلف کتاب «حرکات ورزشی ویژه جانبازان و معلولین» و عضو هیئت‌علمی دانشگاه فرهنگیان. ایشان مترجم سه عنوان کتاب تخصصی در زمینه ورزش است.



سعید خسروی (۱۳۴۴)، کرمانشاه

کارشناسی‌ارشد مدیریت و برنامه‌ریزی ورزشی با بیش از ۳۰ سال سابقه خدمت در آموزش و پرورش. وی در حال حاضر معاون مدیر کل دفتر تربیت‌بدنی و فعالیت‌های ورزشی است. عضویت در شورای تحقیق استان کرمانشاه، تهیه آیین‌نامه مسابقات ورزشی به شیوه مدرسه قهرمان، تألیف و گردآوری مبحث روان‌شناسی ورزشی برای ویژه‌نامه رقابت‌های تخصصی معلمان تربیت‌بدنی، عضو گروه مؤلفان کتاب دست‌نامه آموزگاران و تهیه آیین‌نامه جشنواره فرهنگی - ورزشی دانش‌آموزان دوره ابتدایی از جمله فعالیت‌های اجرایی و تحقیقی ایشان است. وی ناظر کل مسابقات ورزشی دانش‌آموزان، مدیر اجرایی مسابقات ورزشی کارکنان بسیجی پایگاه شهید شهسواری وزارت آموزش و پرورش، و سرپرست تیم ملی هندبال دانش‌آموزان پسر اعزامی به مسابقات جهانی ۲۰۱۰ بوده است که تیم مزبور به مقام دوم جهان دست یافت.



بیانیه گروه داوری تربیت بدنی

تربیت بدنی به عنوان سبکی از تعلیم و تربیت دارای ظرفیت رشد دانش آموزان در حوزه های یادگیری است. سواد جسمانی مهم ترین کلیدواژه حوزه سلامت و تربیت بدنی محور اصلی تولید برنامه های تربیت بدنی و سلامت در مدرسه هاست.

اکنون در کنار برنامه درسی ملی، راهنمای برنامه درسی سلامت و تربیت بدنی به تولید کتاب های راهنمای معلم تربیت بدنی منجر شده است. تولید این کتاب ها خطوط اصلی محتوای درس تربیت بدنی را به شکلی رسمی و مصوب نشانه می رود.

برای تحقق هدف های هر حوزه تربیت و یادگیری و راهنمای برنامه حوزه های یادگیری، بسته آموزشی تعریف شده است که یکی از عناصر این بسته، کتاب کمک آموزشی است.

گذشته از کم و کیف کتاب های آموزشی در حوزه سلامت و تربیت بدنی، امروزه شواهد حاکی از آن است که تعداد کتاب های تولید شده، چه تألیفی و چه ترجمه ای، نسبت به حوزه های دیگر کم است. از این رو باید، با نگاه توسعه ای، عرصه و میدان را برای ناشران و مؤلفان در تولید هر چه بیشتر این کتاب ها باز گذاشت تا به تدریج هر ساله با تعداد کتاب های بیشتری روبه رو باشیم و از بین آن ها کتاب های مفید را انتخاب کنیم.

گروه داورى تعلیم و تربیت دینی

پرویز ازادی (۱۳۵۶)، هشت‌رود

دکترای علوم قرآن و حدیث، معاون پژوهشی دانشکده علوم و تحقیقات و نویسنده کتاب «مؤلفه‌های معنایی حق در قرآن کریم»، و مقالات علمی تخصصی «نژادپرستی رژیم صهیونیستی» و «نقش معتزله بصره در پی‌ریزی نظریه اعجاز». ایشان در تألیف چند درس از کتاب‌های درسی هدیه‌های آسمان و پیام‌های آسمان با «دفتر تألیف و برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی» همکاری داشته است. از دیگر فعالیت‌های وی می‌توان به عضویت در هیئت تحریریه مجله «رشد آموزش معارف اسلامی»، تدریس در دانشگاه امام صادق (ع) و دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، مدیریت گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) اشاره کرد.



مصطفی فیض (۱۳۶۱)، سمنان

دکترای فلسفه دین و مسائل جدید کلامی، عضو شورای برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های پیام‌های آسمان متوسطه اول، دین و زندگی متوسطه دوم و اصول عقاید رشته معارف، عضو کمیسیون برنامه‌های درسی و تربیتی شورای عالی آموزش و پرورش، عضو کارگروه تخصصی تأمین و تولید محتوای تعلیم و تربیت اسلامی دانشگاه فرهنگیان و عضو حلقه علم و دین سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی است و به تدریس دوره‌های ضمن خدمت کشوری و استانی معلمان و دبیران دینی پرداخته است. وی اکنون به تحصیلات حوزوی مشغول است. از جمله فعالیت‌های علمی - پژوهشی او می‌توان به تألیف کتاب درسی اخلاق ۸ (اخلاق فردی)، مشارکت در تألیف کتاب‌های دینی و منطق دوره متوسطه، و همکاری در تولید راهنمای برنامه درسی دوره متوسطه اول، اشاره کرد.



محمدحسین میرباقری (۱۳۳۲)، قم

کارشناسی‌ارشد قرآن و حدیث، مدیر سابق دارالقرآن بنیاد شهید انقلاب اسلامی، مدیر مسئول مؤسسه فرهنگی-هنری مشتاق، و از همکاران واحد قرآن دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی. ایشان مدرس علوم و معارف اسلامی دانشگاه تربیت‌دبیر شهید رجایی و یکی از مؤلفان کتاب درسی قرآن دوره اول متوسطه است که در تألیف چند جلد کتاب آموزش مفاهیم قرآن همکاری داشته است.



بیانیه گروه دآوری تعلیم و تربیت دینی

تألیف و انتشار کتاب در موضوع تعلیم و تربیت دینی نقش اساسی در شکل دهی به شخصیت دینی کودکان و نوجوانان دارد. این کتاب‌ها، علاوه بر تأمین نیازهای فکری دانش آموزان، می‌توانند منشأ تولید محصولات فرهنگی و هنری فراوانی باشند. در این حال، نویسندگان کتاب‌های دینی کودکان همواره تلاش خود را در جهت تغذیه فکری دانش آموزان مبذول داشته‌اند. مسئله اساسی در این میان اهتمام به معیارهایی است که می‌توانند اثر تولیدی را برای مخاطب از جنبه‌های متعدد جذاب و او را به مطالعه کتاب ترغیب کنند.

طی سال‌های اخیر، تولید آثار در زمینه ادبیات دینی کودکان و براساس نیاز مخاطبان از جنبه کمی و کیفی جهش قابل توجهی داشته است. از میان آثار متعددی که به جشنواره ارسال شده‌اند، پس از دآوری‌های اولیه، ۲۹ اثر برای دآوری در جشنواره انتخاب شدند. از میان این تعداد، در پالایش اولیه ۱۵ اثر برای دآوری دقیق‌تر و انتخاب اثر برگزیده و تقدیری به مرحله بعد رفتند. پس از بحث و تبادل نظر میان داوران، از میان این تعداد، شش اثر به عنوان نامزد معرفی شدند.

کتاب‌های برگزیده دارای نقاط قوت قابل توجهی بودند که از جمله به این موارد می‌توان اشاره کرد:

- پرداختن به موضوع‌های کاملاً مورد نیاز و توجه مخاطب و برطرف ساختن نیازهای به‌روز مخاطب.
- توجه به کتاب‌سازی متناسب با سن مخاطب و جذاب ساختن کتاب از نظر جلوه‌های بصری.
- به کار بردن قلم مناسب سن مخاطب و برقراری ارتباط مؤثر و مناسب.
- بیان مطالب و محتواهای دارای اعتبار علمی قابل قبول و صحیح.

در عین حال کتاب‌های موجود دارای نقاط ضعفی نیز بودند که شایسته است ناشران و مؤلفان محترم به این جنبه‌ها توجه بیشتری داشته باشند:

- تصویرسازی‌های ضعیف و به دور از جذابیت برای مخاطبان.
- طرز بیان ضعیف به نحوی که برای مخاطب کودک و نوجوان جذابیت لازم را ندارد.
- بیان موضوع‌های تکراری و غیرمتناسب با نیازهای مخاطبان.
- ضعف علمی مطالب کتاب‌ها.

شایسته است مؤلفان و ناشران محترم به این جنبه‌ها توجه داشته باشند تا در سال‌های آینده شاهد تولید آثار فاخر و ارزشمندتری باشیم:

- توجه به نظرات کارشناسان تعلیم و تربیت دینی و ارائه اثر قبل از مرحله نهایی تولید به کارشناسان برای ارزیابی و بیان نقاط قوت و ضعف.
- الگو قرار دادن آثار که معیارهای لازم برای برگزیده شدن را دارا بودند و توانسته‌اند از جهات متعدد معیارهای لازم را کسب کنند.
- اهمیت دادن به کتاب‌سازی و تصویری‌گری متناسب با سن مخاطب.
- پرهیز از بیان مطالبی که بارها تکرار شده‌اند و پرداختن به موضوع‌های متعددی که در تعلیم دینی وجود دارند و اصلاً به آن‌ها پرداخته نشده است یا کمتر مورد توجه واقع شده‌اند.
- پررنگ‌تر ساختن جنبه اخلاقی دین با بیان سیره زندگی پیامبران و ائمه با روش‌های جدید و جذاب.

گروه داورى حسابداری و بازرگانی

عادل پیغامی (۱۳۵۲)، تهران

دکترای علوم اقتصادی، عضو گروه تألیف کتاب درسی اقتصاد (از سال ۱۳۸۰)، همکار مشاوره‌ای دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش و سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی، عضو کارگروه علوم انسانی سند تحول بنیادین، عضو کمیسیون تعلیم و تربیت شورای عالی انقلاب فرهنگی آموزش و پرورش، و عضو هیئت علمی دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع). ایشان مؤلف آثارى به این شرح است: «تعلیم و تربیت اقتصادى» (دو جلد)، «سواد مالی»، «مؤلفه‌های نرم در تلاقی اقتصاد و فرهنگ»، «جستارهای اقتصاد مقاومتی» (شش جلد)، «گفتارهای عدالت اجتماعی»، «نیکوکاران نابکار» و «ثروت ملل».



محمد یوسفی (۱۳۴۲)، تهران

کارشناسی ارشد حسابداری، مدرس رشته حسابداری در دانشکده‌های انقلاب اسلامی، شهید شمس‌پور، شریعتی، ولیعصر (عج) و دانشگاه فنی و حرفه‌ای، عضو کمیسیون برنامه‌ریزی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی در رشته حسابداری، و عضو کارگروه برنامه‌ریزی درسی رشته حسابداری دانشگاه فنی و حرفه‌ای. ایشان به تصحیح و بازنگری کتاب‌های رشته حسابداری هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای نیز پرداخته است.



زهره شیرزاد (۱۳۵۰)، تهران

کارشناسی ارشد حسابداری، هنرآموز رشته حسابداری هنرستان، سرگروه آموزشی رشته حسابداری مالی اداره کل شهرستان‌های استان تهران و عضو گروه آموزشی رشته حسابداری بازرگانی اداره کل شهر تهران با ۲۲ سال سابقه خدمت در وزارت آموزش و پرورش. از سوابق اجرایی ایشان می‌توان به داوری مسابقات علمی و عملی رشته حسابداری، داوری جشنواره حمایت از تولیدکنندگان، همکاری در تدریس دوره تربیت دبیر دانشگاه شهید رجایی، همکاری با گروه برنامه‌ریزی درسی و تألیف دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی فنی و حرفه‌ای و کار دانش، و همکاری با گروه برنامه‌ریزی درسی امور مالی و بازرگانی سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای اشاره کرد.



بیانیه گروه دآوری حسابداری و بازرگانی

در عصر حاضر، حسابداری و بازرگانی از مهم‌ترین دغدغه‌های بشر در سبک زندگی و ارتقای اقتصاد هر کشور و محیط کسب‌وکار است. از این‌رو نشر و چاپ کتاب‌های مربوط و دقت نظر به نیازهای جامعه و نسل جوان در عرصه اقتصاد و حسابداری، کمک شایانی به اشاعه فرهنگ اشتغال و رعایت اخلاق حرفه‌ای و نیل به اقتصاد سالم در کشور خواهد کرد.

در شانزدهمین دوره جشنواره کتاب رشد در گروه حسابداری، بازرگانی و اقتصاد، متأسفانه تعداد کتاب‌های مورد تأیید بسیار قليل بود و این امر امکان انتخاب کتاب‌های برتر و شایسته را با محدودیت مواجه ساخت. طبعاً نیازسنجی دقیق از مخاطبان و آسیب‌شناسی فضای کسب‌وکار کشور موجب خواهد شد تا کتاب‌های منتشرشده از غنا و اثربخشی بیشتری برخوردار شوند.

هیئت‌داوران، نوآوری در محتوا و موضوع‌ها، پاسخ‌گویی نسبی به نیاز مخاطبان، توجه به عرصه‌های نو از سوی مترجمان جدید، و توجه به ارزش‌های اسلامی در برخی از آثار مورد دآوری را از نکات قوت این دوره می‌داند. در عین حال، نبود تناسب با مخاطب حوزه تعلیم و تربیت، اعم از دانش‌آموز هنرجو، معلم و هنرآموز، فقدان تنوع در موضوع‌ها، و تناسب نداشتن مطلب با فرهنگ ایرانی اسلامی از نقاط ضعف حوزه نشر در این عرصه محسوب می‌شود. همچنین حضور نداشتن ناشران تخصصی و شناخته‌شده کتاب‌های حسابداری و اقتصاد در جشنواره قابل تأمل است.

هیئت‌داوران موارد زیر را به‌منظور بهبود و ارتقای فضای نشر حوزه حسابداری و بازرگانی پیشنهاد می‌دهد:

- ناشران مخاطبان محدوده سنی ۱۲ تا ۱۸ سال را هدف اصلی خود قرار دهند.
- ناشران گرامی با عنایت به نیازهای متنوع مخاطبان و گستره برنامه‌های درسی، تنوع لازم را در کتاب‌های حسابداری، مدیریت، بازرگانی و اقتصاد تأمین کنند.
- همسو و همگام با تحولات برنامه درسی و در جهت تکمیل زنجیره آموزش، با تأکید بر لزوم آموزش‌های کاربردی و عملی، تولید کتاب‌های مهارت‌محور و کارگاهی را وجهه همت خود قرار دهند.

گروه داورى داستان کودک

مرجان فولادوند (۱۳۴۹)، چهارم

دکترای ادبیات فارسی، مؤلف هشت کتاب در رده سنی کودکان و نوجوانان، سردبیر مجله رشد دانش آموز، سردبیر مجله همشهری بچه‌ها به مدت چهار سال، و مترجم کتاب «طوطی و بازرگان» که در فهرست برگزیدگان «کتابخانه بین‌المللی کودک مونیخ» قرار گرفت و از چندین جشنواره کشوری نیز جایزه دریافت کرد. از سوابق اجرایی ایشان می‌توان به سرداوری «جشنواره ربع قرن دفاع مقدس» در بخش خاطرات (سال ۸۷)، داوری «جشنواره کتاب رشد» در بخش کودک و نوجوان (سال ۹۴)، داوری و سرداوری سه دوره جشنواره کتاب کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان، و داوری جایزه پروین اعتصامی در بخش کودک و نوجوان (سال ۹۵) اشاره کرد.



جعفر توزنده جانی (۱۳۴۱)، نیشابور

دانش آموخته رشته اتومکانیک هنرستان اقبال لاهوری کرمان، دبیر و عضو هیئت مدیره انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، و مؤلف کتاب‌های «میهمانی دیوها»، «کرمی که هیولا شد»، «افسون زنگ»، «بهشت گمشده بابام»، و «چرا دریا عصبانی شد». وی به مدت هفت سال با مجلات رشد همکاری داشته و چند سال مسئول داستان نوجوان دوچرخه بوده است.



فروزنده محمد خداجو (۱۳۴۱)، کرمانشاه

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی، نویسنده مجلات رشد و مؤلف بیش از ۱۰۰ جلد کتاب است که از مهم‌ترین آثار وی می‌توان به این موارد اشاره کرد: «اینجا در پرده منم»، «من و عجیب و غریب»، «روزی که لیمویی بود» (نامزد کتاب سال ۱۳۹۵)، «دوست دارم ایران» و «سرزمین ما ایران» (که دیپلم افتخار کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را دریافت کرد). برخی از کتاب‌های وی از جشنواره پروین اعتصامی و جشنواره کتاب شهید حبیب غنی‌پور لوح تقدیر دریافت کرده‌اند. وی همچنین به‌عنوان نویسنده برگزیده دهه ۱۳۷۰-۱۳۶۰ لوح تقدیر گرفت.



بیانیه گروه داوری داستان کودک

داوری جشنواره کتاب رشد فرصت مغتنمی است تا کتاب‌های کودک و نوجوان منتشر شده در یک سال، در نگاهی کلی مقایسه و سنجیده شوند؛ فرصتی برای ترسیم شمایی گویا از داشته‌ها و نداشته‌هایمان. هیئت داوران بخش «داستان کودک» حاصل این سنجش را به شرح زیر به استحضار شما پدیدآورندگان، منتقدان، ناشران و اهالی رسانه می‌رساند:

● هنوز همچون سال‌های پیش، به لحاظ کمی، اکثر عنوان‌ها و شمارگان در اختیار کتاب‌هایی است که در فرم و محتوا از استواری و هنرمندی لازم برخوردار نیستند. ورود مؤسسه‌ها و ارگان‌های مختلف، به این حیطه و چاپ انبوه کتاب برای کودکان، براساس هدف‌های سازمانی و بدون یاری گرفتن از نویسندگان و تصویرگران متخصص این حوزه، یکی از دلایل ضعف این کتاب‌ها بود. امید است که بودجه نهادهای دولتی و غیردولتی برای تولید کتاب‌های کودک با مشورت و همکاری متخصصان هزینه شود.

● با تأکید بر لزوم وجود کتاب‌های ترجمه‌ای برای آشنایی با تجربه‌ها و داشته‌های هنر و ادبیات جهان، و نیز با توجه به تلاش بعضی ناشران برای انتخاب و انتشار بهترین کتاب‌های کودک جهان در ایران که موجب امتنان و قدردانی است، نمی‌توان این نکته را از نظر دور داشت که کتاب‌های ترجمه، که نه در محتوا و نه در شکل، برتری و برجستگی خاصی ندارند، بازار کودک ایران را اشباع کرده‌اند. به نظر می‌رسد رعایت نکردن قانون کپی‌رایت موجب شده است تا بعضی از ناشران بدون هیچ هزینه‌ای بتوانند کتابی را به شکل آماده به دست آورند، تکثیر و منتشر کنند و از این رو حساسیت لازم را برای انتخاب کتاب نداشته باشند. امیدواریم با تصویب قوانین لازم این امر سامان پذیرد.

● تعداد کتاب‌هایی که در آن‌ها به موضوع‌های مورد نیاز کودکان، طرح مسئله، حل مسئله و «شنیدن صدای دیگری» توجه شده باشد اندک بود.

● تقویت نقد تخصصی در ادبیات کودک با همکاری پژوهشگران، دانشجویان و استادان این رشته می‌تواند به تشخیص سره از ناسره و ارتقای سطح ادبی کتاب‌ها یاری رساند.

در نهایت چشم‌انتظار و امیدواریم که اهالی رسانه نیز همت و جدیت بیشتری برای معرفی کتاب‌های خوب به خانواده‌ها و کودکان بهکار گیرند، زیرا آنان می‌توانند حلقه اتصال کتاب و مخاطب باشند. کتاب خوب چراغی است که تنها با شناختن و گشودنش روشن می‌شود و می‌تواند ظلمت و جهالت را گامی به عقب براند.

گروه داورى داستان نوجوان و بزرگ‌سال

مصطفی خرامان (۱۳۳۴)، تهران

کارشناسی ارشد ادبیات فارسی با بیش از ۴۰ عنوان کتاب، از جمله: «دختران علیه دختران»، «فرشته‌ها از کجا می‌آیند» و «جناب قورباغه». وی به مدت هفت دوره داور کتاب دفاع مقدس، سه دوره داور کتاب سال و شش دوره داور کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بوده است. از جمله کتاب‌های ایشان که جایزه گرفته‌اند، می‌توان «به جای دیگر» به‌عنوان تقدیری، «همیشه رفیق» جشنواره دفاع مقدس و «کلاه حصیری» تقدیری سال ۱۳۹۵ را نام برد. از مهم‌ترین سوابق اجرایی ایشان نویسندگی برای برنامه کودک رادیو، مدیر فرهنگی «نشر افق»، مدیر تولید «نشر شهر»، مسئول گروه کودک انتشارات علمی - فرهنگی و مدیر اجرایی «روزنامه آفتابگردان» است.



محمد مهدوی شجاعی (۱۳۴۳)، سلماس

کارشناسی علوم تربیتی، با ۳۱ سال سابقه تدریس به‌عنوان دبیر زبان و ادبیات فارسی دوره متوسطه، و مسئول بخش داستان نویسندگان حرفه‌ای کیهان بچه‌ها، مدرس کلاس‌های داستان‌نویسی، و عضو شورای نویسندگان مسجد جوادالائمه (ع). وی داورى چند دوره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد را نیز بر عهده داشته است.



محمد علی قربانی (۱۳۵۰)، شهریار

کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی، برگزیده مسابقه بهترین مترجم کشور توسط «دفتر مطالعات ادبیات داستانی» و برنده جایزه بهترین تیتیر در جشنواره مطبوعات کودک و نوجوان در سال ۱۳۹۴، با آثاری چون «معلم روشنائی»، «۳۸ خطای رایج داستان‌نویسان»، «آخرین رویای یوسف» و «سردار خطیب».

از سوابق اجرایی او می‌توان به مدیریت روابط عمومی «شرکت سداد ماشین» (۱۰ سال)، کارشناس داستان انتشارات مدرسه، کارشناس انتشارات بنیاد شهید به مدت (پنج سال)، مدیریت پروژه پایش آثار داستانی بنیاد ادبیات داستانی، «سردبیری مجله رشد جوان»، عضویت در شورای کارشناسی مجله رشد نوجوان، و رشد معلم و رشد برهان متوسطه ۲ اشاره کرد.

داوری پنج دوره جشنواره کتاب نماز، شش دوره جشنواره شهید غنی‌پور، پنج دوره جشنواره بنیاد حفظ آثار و یک دوره جشنواره یوسف را نیز در کارنامه سوابق فرهنگی خود دارد.





بیانیه گروه داوری داستان نوجوان و بزرگسال

کتابهای نوجوان و بزرگسال راه یافته به فهرست نهایی، باید کتابهایی جذاب، قابل دفاع و خواندنی باشند، اما متأسفانه در کلیت کتابهای منتشرشده در حوزه نشر چنین نیست. باعث تأسف است که ناشران بزرگ (از نظر تشکیلات و طمطراق) به کتابسازی روی آورده‌اند.

متأسفانه نامزدها را با اغماض انتخاب کردیم. باید به عرض برسانیم که گروه داوری معتقد به خیرالموجودین است و به همین دلیل به کتاب تقدیری رضایت دادیم.

وقتی در یک بیانیه چندخطی سه بار اظهار تأسف کرده‌ایم، یعنی حال کتاب و نشر خوب نیست. آیا همین دلیل کافی نیست که کتابهای ترجمه‌ای رونق داشته باشند؟

با وجود این، ما کتابهای ترجمه را به نفع کتابهای تألیفی کنار گذاشتیم؛ با این باور که جایزه کتاب متعلق به نویسنده است، نه مترجم.

گروه داورى رایانه

زهراسلیمی‌زاده (۱۳۵۹)، اسلام‌آباد غرب

کارشناسی‌ارشد مهندسی کامپیوتر (هوش مصنوعی و رباتیک)، مؤلف کتاب‌های کار دانش و فنی و حرفه‌ای آموزش و پرورش و نیز کتاب‌های «طراحی صفحات وب مقدماتی»، «طراحی صفحات وب پیشرفته»، «سیستم‌عامل مقدماتی»، «سیستم‌عامل پیشرفته» برای «انتشارات دیباگران»، و «بسته‌های نرم‌افزاری (جلدهای اول و دوم)»، برای «انتشارات گویش نو».

از سوابق او در آموزش و پرورش می‌توان به تدریس در آموزش‌سکده فنی و هنرستان‌های فنی و کار دانش، سرپرستی بخش هنرستان، عضویت در گروه‌های آموزشی و تکنولوژی منطقه هفت، داوری جشنواره‌های خوارزمی و جشنواره کتاب رشد، داوری کتاب رشد و رسانه‌های مکتوب و غیرمکتوب سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی، و تدریس در دوره‌های ضمن خدمت اشاره کرد.



مریم‌ازادی (۱۳۵۷)، تهران

کارشناسی‌ارشد مدیریت آموزشی، کارشناسی نرم‌افزار کامپیوتر با ۱۰ سال سابقه همکاری با آموزش و پرورش در حوزه فناوری اطلاعات منطقه ۶ تهران و در حوزه امور مالی و حسابداری، و همکاری با «دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی» به‌عنوان ارزیاب محصولات غیرمکتوب و منابع مکتوب در حیطه رایانه از نظر محتوایی و ارزیابی فنی، داوری دو دوره جشنواره جوان خوارزمی در سطح منطقه، داوری وبلاگ‌ها در پرسش مهر دانش‌آموزی و نیز داوری پانزدهمین جشنواره کتاب رشد. «تحقیق در خصوص هوشمندسازی مدارس شهر تهران» در سال ۱۳۹۲ نیز از فعالیت‌های علمی او محسوب می‌شود.



شهناز امین (۱۳۵۲)، تهران

کارشناسی‌ارشد مهندسی نرم‌افزار کامپیوتر، مدرس دانشگاه، مؤلف بیش از ۱۰ جلد کتاب کمک‌درسی، ۵ جلد کتاب درسی، و بیش از ۱۰ مقاله تخصصی با ۲۱ سال سابقه خدمت در آموزش و پرورش و داوری جشنواره خوارزمی و داوری منابع غیرمکتوب سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.



بیانیه گروه داوری رایانه

هیئت‌داوران گروه رایانه، ضمن قدردانی از نقش سازمان پژوهش برنامه‌ریزی و جشنواره کتاب رشد در ارتقای جایگاه کتاب و کتاب‌خوانی، معتقد است، این جشنواره توانسته جایگاه قابل قبولی در نهادهای متولی تعلیم و تربیت در جامعه، حداقل در راستای انتخاب کتاب‌های مناسب برای کتابخانه‌های مدرسه‌ها پیدا کند و مطالبه‌گری مدیران اهل علم از جشنواره، مبین جایگاه منطقی جشنواره کتاب رشد است. اما جایگاهی که در بخشی از حوزه‌ها بین ناشران و مؤلفان دارد، هنوز با قابلیت‌های جشنواره و ظرفیت آن فاصله دارد.

در یک دیدگاه می‌توان کتاب‌های علوم رایانه‌ای را از دو وجه دسته‌بندی کرد: یکی راهنماهای کار با نرم‌افزارهای کاربردی، و دیگری نگاه زیرساخت به علوم رایانه و مبانی پایه‌ای آن. راهنماهای کار چندان نیازمند نگاه علمی و موشکافانه نیستند و تمام کتاب‌های عرضه‌شده در این جشنواره به‌صورت راهنمای کار با نرم‌افزار ارائه شده‌اند. این کتاب‌ها، توسط شرکت‌های طراح برنامه عرضه می‌شوند و تنها تفاوت آن‌ها در شیوه و زبان ارائه است. اما در بخش نگاه زیرساختی و مبانی علوم رایانه، به شدت ضعف رویکردی احساس می‌شود که البته مطالبه مخاطبان نیز در این راستا بی‌تأثیر نبوده است. برای دستیابی به جایگاه علمی و در شأن این شاخه، نگاه عمیق‌تر به مباحث پایه‌ای در حوزه نشر ضروری است.

البته در جشنواره امسال شاهد افزایش مشهود کیفیت چاپ، صفحه‌آرایی و گرافیک کتاب بودیم که خوش‌بختانه نشان‌دهنده نگاه دقیق‌تر در این حوزه است.

هیئت‌داوران گروه رایانه پس از جمع‌بندی نتایج داوری، یکی از کتاب‌ها را شایسته تقدیر اعلام کرد. بیان شیوا و روان مطالب، صفحه‌آرایی استاندارد، ارائه مثال‌های ملموس و کاربردی از ویژگی‌های شاخص این کتاب است. امیدواریم در آینده نزدیک شاهد افزایش کیفیت محتوا و عمق بخشی به آن در حوزه رایانه باشیم.

گروه داورى روان‌شناسى

عزت‌الله فولادى (۱۳۴۸)، خرم‌آباد

دکترای تخصصی مشاوره در مرحله دفاع از رساله، و مشاور «شورای عالی آموزش و پرورش» با ۳۰ سال سابقه خدمت در آموزش و پرورش که ۲۰ سال آن را در حوزه ستادی و سایر سازمان‌ها، از جمله «مرکز ملی پرورش استعدادهاى درخشان»، معاونت آموزش ابتدایی، شورای عالی آموزش و پرورش، معاونت پرورشی و تربیت بدنی گذرانده است. وی همچنین با سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، معاونت برنامه‌ریزی و نیروی انسانی، سازمان ملی جوانان، ستاد مبارزه با مواد مخدر کشور، وزارت بهداشت و آموزش پزشکی و سازمان نظام روان‌شناسی کشور همکاری داشته است.



میترا عبدوس (۱۳۴۷)، تهران

کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی با نزدیک به ۲۷ سال سابقه خدمت در آموزش و پرورش به صورت مشاور دبیرستان، دبیر، سرگروه درس روان‌شناسی در مناطق و شهر تهران، کارشناس پژوهش دفتر امور زنان در وزارتخانه، و مدیر داخلی مجله رشد مشاور مدرسه.



علیرضا غلامی (۱۳۴۷)، تهران

کارشناسی ارشد روان‌شناسی با ۲۳ سال سابقه کار در وزارت آموزش و پرورش در پست مشاوره تحصیلی، مدیر داخلی مجله رشد مشاور مدرسه، داور جشنواره‌های کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد، عضو هیئت تحریریه رشد معلم و داور جشنواره خوارزمی. ایشان مؤلف بخشی از کتاب‌های «روان‌شناسی سلامت»، «روان‌شناسی سال سوم نظری»، و مقاله پژوهشی «حافظه پنهان» است که در «ژورنال اسکندیناوی» به چاپ رسیده.



بیانیه گروه داورى روان‌شناسى

رشد دانش روان‌شناسى و مشاوره به‌عنوان شاخه‌ای علمى در کشور، از گستره و سرعتى قابل قبول برخوردار است. این رشد شگرف در علم و دانش سبب شده است، کتابى که در حوزه سلامت هنوز از زیر چاپ در نیامده، نیازمند بازنگرى و اصلاح شود.

خدمات مشاوره و حوزه‌های مرتبط با آن، در کشور و سازمان‌ها مورد استقبال افراد و مردم قرار گرفته و رشته‌های دانشگاهى این حوزه با علاقه‌مندی جوانان و استادان جوان در حال پى‌گیرى و توسعه است. در چارچوب «سند تحول بنیادین»، وزارت آموزش و پرورش جایگاه ویژه‌ای برای مشاوره و استفاده از دانش روان‌شناسى قائل است. بر این اساس، در مدرسه‌ها و دوره‌های تحصیلى حضور مشاوران پیش‌بینى شده است. استفاده معلمان از دانش مشاوره و روان‌شناسى، برای رشد و سلامت همه‌جانبه دانش‌آموزان نیز ضرورى و انکارناپذیر است.

گروه داورى روان‌شناسى شانزدهمین جشنواره کتاب‌های آموزشى و تربیتى رشد، از مشارکت مؤلفان، مترجمان و ناشران گرامى با ارائه آثار خود در این جشنواره کمال قدردانى را دارد. از آثار ارسالى، ۲۷ اثر به فرایند داورى وارد شدند. داوران براساس موازین علمى همه‌مى‌ساعى خود را برای ارزیابى منصفانه به کار بسته‌اند.

آثار از تنوع خوبى در حوزه‌های روان‌شناسى اجتماعى، آموزش و پرورش و کلاس درس، خانواده، اخلاق و فضائل، مشاوره و درمان، و مسائل بین‌فردى، برخوردار بودند. از نقاط قوت این دوره مى‌توان، توجه به خلاقیت در حوزه چاپ کتاب و ذائقه خوانندگان، رویکرد فرهنگى- تربیتى، و روزآمدى منابع را برشمرد.

در پایان به‌منظور تأکید بیشتر، انتظار مى‌رود علاوه بر اولویت‌دادن به کتاب‌های تألیفى در حوزه روان‌شناسى و مشاوره، کتاب‌ها با دقت علمى و با توجه به مؤلفه‌های فرهنگى- تربیتى برای ترجمه انتخاب شوند تا علاوه بر ارتقای علمى و تسهیل خدمات بهینه و کارآمد حوزه روان‌شناسى و مشاوره، بیش از پیش، به رشد رویکرد علمى- فرهنگى و پاسخ به نیاز جوانان جامعه توجه لازم مبذول شود.

گروه داور ریاضی

دیانا فردین (۱۳۵۲)، خرم‌آباد

دانشجوی دکترای ریاضی کاربردی با ۲۴ سال سابقه خدمت در آموزش و پرورش به‌عنوان دبیر، کارشناس گروه ریاضی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، ارزشیاب کتاب‌های ریاضی دوم و ششم دبستان، عضو کارگروه‌های «رویکرد»، «اهداف» و «ابتدایی» دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی ریاضی، داور جشنواره کتاب رشد در دو دوره، مصحح و ناظر بین‌المللی آزمون‌های تیمز و پرلز، و مدرس آموزش ضمن خدمت. وی همچنین از مؤلفان «کتاب درسی ریاضی خودآموز دوم دبیرستان آموزش از راه دور» و ویراستار علمی «کتاب فرهنگ ریاضی مدرسه» نیز بوده است.



سپیده چمن‌آرا (۱۳۵۰)، تهران

کارشناسی‌ارشد ریاضی با بیش از ۲۶ سال سابقه خدمت به‌عنوان دبیر ریاضی دبیرستان‌های تهران، مسئول گروه ریاضی دوره‌های ابتدایی و متوسطه ۱، مدرس دوره‌های ضمن خدمت، سردبیر «رشد آموزش ریاضی برهان متوسطه ۱»، معاون آموزشی دبیرستان راه رشد و مدیر داخلی رشد آموزش ریاضی. به علاوه، وی مؤلف کتاب درسی «هندسه تحلیلی و جبر خطی» است و مقالاتی نیز در مجله رشد برهان و در کنفرانس‌های «آموزش ریاضی ایران» و «روانشناسی آموزش ریاضی ایران» ارائه داده است.



سمیه‌السادات میرمعینی (۱۳۵۹)، تهران

کارشناسی‌ارشد مدیریت آموزشی و کارشناسی دبیری ریاضی با ۱۹ سال سابقه تدریس ریاضی در دوره متوسطه ۱ و ۲، سرگروه ریاضی و درس پژوهی شهر تهران، مصحح آزمون تیمز، و کارشناس همکار گروه ریاضی دوره متوسطه ۱ در دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی که مقالاتی را نیز در «رشد برهان» به چاپ رسانده است.



بیانیه گروه دآوری ریاضی

نگاهی اجمالی به وضعیت کتاب‌های آموزشی موجود، بیانگر ناکارآمدی این کتاب‌ها برای ایجاد یادگیری معنادار در دانش‌آموزان است. بسیار محتمل است که توجه ویژه حوزه نشر به انتشار این حجم از کتاب‌های آموزشی تقریباً مشابه، برخاسته از نیاز جامعه مخاطب (دانش‌آموزان) باشد.

بررسی روند آموزشی مدرسه‌ها، احتمال بالا را بسیار پررنگ‌تر می‌کند؛ چرا که متأسفانه وجود معضل کنکور، شکل‌گیری مدرسه‌های متنوع با آزمون‌های ورودی مختلف، تبلیغات فراوان و غالباً غیرعلمی برخی از رسانه‌ها در امور آموزشی - که در حقیقت اغواگر بخش اعظمی از خانواده‌هایی است که صرفاً به ایشان اعتماد کرده‌اند - به نادرست، تصمیم‌گیرندگان آموزشی را بر آن داشته است، به جای آنکه از ارزشیابی به‌عنوان ابزاری ارزشمند در جهت ارتقای آموزش، و رشد و شکوفایی فرزندان این مرزوبوم استفاده کنند، آن را به مثابه وسیله‌ای برای موفقیت در آزمون‌های مختلف تلقی کنند (آموزش در خدمت ارزشیابی). این امر موجب دوری مدارس از هدف‌های واقعی و والای تعلیم و تربیت شده و مسیری یکسویه را برای دانش‌آموزان پایه‌ریزی کرده که خروج از آن تقریباً غیرممکن است و به‌علاوه، بر شیوه هدف‌گذاری حوزه نشر هم اثرگذار بوده است. به همین دلیل، با وجود بیان شفاف ویژگی‌های کتاب کمک‌آموزشی مناسب، متأسفانه بخش اندکی از کتاب‌های منتشرشده ویژگی‌های لازم را برای راهیابی به مدرسه‌ها و جشنواره کتاب رشد دارند.

پس از بررسی کتاب‌های راه‌یافته به شانزدهمین جشنواره کتاب رشد (در بخش ریاضی)، گروه داوران مشاهده کردند که درصد قابل توجهی از کتاب‌ها ترجمه‌ای هستند. این موضوع تأمل‌برانگیز، هشدار جدی برای جامعه آموزش ریاضی ایران محسوب می‌شود. چرا که نشان می‌دهد کتاب‌های تألیفی در حوزه ریاضی برای دانش‌آموزان، معلمان، والدین و... فاقد ویژگی‌های لازم برای ورود به جشنواره هستند و ناشران در این حوزه به چاپ کتاب‌های ترجمه‌ای روی آورده‌اند.

البته این امر می‌تواند برای جامعه آموزش ریاضی ایران فایده‌هایی داشته باشد، اگر:

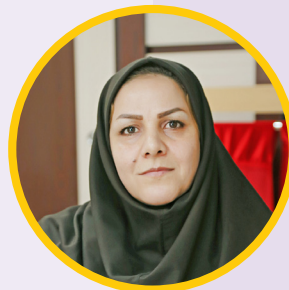
۱. کتاب‌های مناسب و غنی از نظر آموزشی برای ترجمه انتخاب شوند؛
۲. کتاب‌هایی برای ترجمه انتخاب شوند که با برنامه درسی ایران و رویکردهای آموزشی آن همسو باشند؛
۳. ترجمه‌ای مناسب و تخصصی از کتاب ارائه شود.

متأسفانه در کتاب‌های راه‌یافته به شانزدهمین جشنواره کتاب رشد، به موارد فوق کمتر توجه شده بود. گروه داوران بخش ریاضی نبود کتاب‌های کمک‌آموزشی مناسب در جامعه آموزشی ریاضی مدرسه‌ای ایران را بسیار جدی تلقی می‌کند. در این راستا پیشنهاد می‌شود ناشران و مؤلفان در تألیف کتاب‌های کمک‌آموزشی به رویکردهای نوین آموزش ریاضی و مبانی مطرح در این حوزه توجه کنند و در این امر از متخصصان کمک بگیرند.

گروه داورى زبان عربى

معصومه ملكى (۱۳۵۵)، اراك

دانشجوی دکترای مطالعات ترجمه عربی. عضویت در شورای برنامه‌ریزی درس عربی و دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، عضو انجمن زبان و ادبیات عرب ایران، عضو اصلی انجمن عربی دانشگاه تهران، مسئولیت دبیرخانه راهبری کشوری درس عربی، سرگروه عربی گروه‌های آموزشی و دبیری عربی از سوابق خدمت وی در آموزش و پرورش است. مؤلف کتاب «بانوی قرآن پژوه مصری عایشه عبدالرحمن الحسینی» است و ۱۸ عنوان مقاله در کارنامه خود دارد. وی همچنین عضو انجمن زبان و ادبیات عرب دانشگاه تهران و انجمن زبان و ادبیات عرب ایران است.



مهرى سادات ميرحسينى (۱۳۴۷)، تهران

کارشناسی زبان عربی با ۲۷ سال سابقه خدمت در آموزش و پرورش به‌عنوان دبیر عربی و نیز عضویت در شورای برنامه‌ریزی کتاب‌های درسی عربی پایه نهم، همکاری در تألیف کتاب‌های عربی پایه‌های هفتم و هشتم، تألیف ۱۶ جلد کتاب کمک‌درسی، همکاری در اعتباربخشی کتاب عربی هفتم، تدریس در همایش دبیران شهر تهران و داور جشنواره‌های استانی درس پژوهی و روش‌های تدریس برتر، و جشنواره نوجوان خوارزمی. ایشان سرگروه عربی متوسطه ۱ شهر تهران، سرگروه دینی و عربی متوسطه ۱ منطقه ۹ و مدرس ضمن خدمت در سال‌های ۹۲-۱۳۹۱ نیز بوده است.



سکینه مرادخانى (۱۳۴۸)، مشهد

کارشناسی ارشد زیست‌شناسی که از سال ۱۳۷۵ تاکنون به‌عنوان دبیر عربی و زیست‌شناسی مشغول خدمت بوده است. ایشان تألیف کتاب‌های آموزشی عربی متوسطه ۱ و ۲، کتاب‌های داستانی و کتاب کار الکترونیکی را نیز در کارنامه فرهنگی خود دارد و به‌عنوان سرگروه تألیف داستان، با انتشارات مدرسه همکاری کرده است.



بیانیه گروه داوری زبان عربی

زبان عربی زبان قرآن است و هر نوشته‌ای که ما را به قرآن رهنمون سازد، شایسته تقدیر است. شانزدهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد در حوزه زبان عربی از آن نظر اهمیتی دو چندان می‌یابد که در سالیان اخیر، برای اولین بار کتاب‌های زبان عربی را در گروه جداگانه‌ای مورد بررسی قرار داده و در جهت آگاهی بخشی، آموزش و ارتقای کیفی برنامه درس عربی و ارائه الگوهای عینی، مناسب و شایسته آموزشی و تربیتی در حوزه زبان عربی اقدام کرده است. گروه داوری، ضمن تشکر ویژه از برنامه‌ریزان، این توجه را به فال نیک می‌گیرد و امید دارد در سال‌های آتی این بخش از جشنواره با استقبال بیشتر مخاطبان روبه‌رو شود.

گروه داوران از تلاش‌های همه مؤلفان محترم کتاب‌های عربی حاضر در جشنواره قدردانی می‌کند و به اطلاع می‌رساند، آثار راه‌یافته به مرحله نهایی طی چند مرحله، مقایسه و ارزیابی شدند. در مورد نقاط قوت کتاب‌ها تقویت رویکرد مشارکت‌جویانه و استفاده از ظرفیت‌های بومی در تألیف برخی از آثار، شایسته سپاس است. لذا گروه داوری از مؤلفان که آگاهانه و با دقت علمی و نگاهی نو در جذب مخاطبان این حوزه با تقدم تربیت بر آموزش همت نهادند، تقدیر می‌کند و سپاس دارد؛ اما نگاه کنکوردمدارانه برخی از کتاب‌ها سبب نوعی یکنواختی در شیوه ارائه مطالب و محتوای کتاب‌ها شده است. نبود نوآوری، ضعف انسجام در محتوا و روش ارائه مطالب، و نداشتن جذابیت ظاهری از مهم‌ترین نقاط ضعف کتاب‌های مورد بررسی است.

واقعیت آن است که رویکرد آموزش زبان عربی در آموزش و پرورش بر مبنای «سند تحول بنیادین» و «برنامه درسی ملی» تغییر کرده است و کتاب‌های درسی زبان عربی از «قاعده محوری» به ترجمه و درک و فهم متون تغییر یافته است. در این رویکرد، هدف اصلی و مأموریت درس عربی، پرورش مهارت‌های چهارگانه زبان عربی به منظور فهم بهتر قرآن کریم و زبان و ادب فارسی است. انتظار می‌رود در عرصه پژوهش، تألیف و نشر به این موضوع توجه جدی مبذول دارند تا ان شاء الله در دوره‌های آینده شاهد حضور مجدانه‌تری از علاقه‌مندان به زبان قرآن باشیم.

گروه داورى زبان و ادبیات فارسی

مرجان سجودی (۱۳۵۱)، تهران

دانشجوی دکترای برنامه‌ریزی درسی، مدرس آموزش ضمن خدمت، و مؤلف کتاب‌های درسی از جمله: «نگارش پایه یازدهم»، «نگارش پایه ششم دبستان، فارسی آموزشی مقدماتی» (ویژه غیرفارسی‌زبانان)، و فارسی آموز (جلد چهارم از مجموعه‌ای چهارجلدی).
از میان سوابق اجرایی ایشان می‌توان به این موارد اشاره کرد: عضویت در شورای برنامه‌ریزی کتاب‌های فارسی دوم و سوم راهنمایی (قدیم)؛ عضویت در شورای برنامه‌ریزی کتاب‌های هفتم و هشتم، سرگروهی زبان و ادبیات فارسی وزارت آموزش و پرورش، داوری مسابقات پرسش مهر، مسئول پژوهش مجتمع بین‌المللی تهران، عضویت در هسته مرکزی آموزش جهانی و مدرس دوره‌های تأمین مدرس دفتر تألیف کتب ابتدایی و متوسطه نظری (از سال ۸۹ تا کنون).



نصرالله کیا (۱۳۴۵)، نوشهر

دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی با ۲۵ سال سابقه تدریس در مناطق مختلف شهر تهران در دوره متوسطه، ارزیاب دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، و نویسنده مجموعه داستان «همیشه‌های نیم‌سوز» و مجموعه شعر «یاد و یار».



صدف گلمرادی (۱۳۵۵)، ایلام

دکترای زبان و ادبیات فارسی با ۲۰ سال سابقه تدریس در آموزش و پرورش، تدریس درس‌های تخصصی ادبیات فارسی در دانشگاه پیام نور، تدریس در دانشگاه الزهرا (س)، همکاری با دانشگاه غیرانتفاعی آل طه و تدریس در دانشگاه فرهنگیان، و داوری مجله علمی - پژوهشی «ادب معاصر» پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگ. ایشان نویسنده مقاله «روایت پژوهی» است که در بخش پوستر دومین همایش تربیت معلم دانشگاه فرهنگیان ارائه شد و نیز «نقد ساختارگرایانه اشعار منوچهر آتشی در مجموعه خاک» است که در نهمین همایش ملی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند پذیرفته شد.



بیانیه گروه داوری زبان و ادبیات فارسی

قسم به قلم و آنچه می نگارد.

گویند اگر در خویش میل نوشتن سراغ کردی، باید در تو سه چیز باشد: شناختی، هنری و سحر. «شناخت» موسیقی کلمات، «هنر» ساده و بی‌پیرایه‌نویسی، و «سحر» عشق و علاقه به آنانی است که نوشته تو را می‌خوانند.

هیئت داوری زبان و ادبیات فارسی شانزدهمین دوره کتاب رشد، ضمن آرزوی موفقیت برای کلیه نویسندگان، ناشران و دست‌اندرکاران شرکت‌کننده در جشنواره، امید واثق دارد که در دوره‌های بعدی با افزایش کمی و کیفی آثار، جشنواره تداوم یافته و از این رهگذر، شاهد رشد و تعالی تولیدات ارزشمند باشد.

اهمیت حوزه زبان و ادبیات فارسی بر کسی پوشیده نیست و در بیان شیوای رهبر معظم انقلاب اسلامی به روشنی جلوه نموده است: «زبان فارسی یک زبان زنده، شیرین، گسترده و برخوردار از خصوصیات برجسته زبان‌شناسی است که هیچ محدودیتی ندارد و تمام مفاهیم مهم و ظریف و دقیق و جدید را می‌توان با آن بیان کرد» (مجله پرسمان، شهریور ۹۱، ش ۱۱۶).

با توجه به اهمیت حوزه زبان و ادبیات فارسی، شایسته است، ناشران و نویسندگان ارجمند در آثار خود بیش از پیش به مضامینی چون خودباوری، سبک زندگی، گویش، زبان و اقلیم توجه کنند. همچنین از آنجایی که یکی از مهم‌ترین رویکردهای کتاب‌های ادبیات و نگارش، «مهارت‌محوری» است، به تولید آثاری با محتوای تقویت مهارت نگارش و شیوه‌های خلاق نوشتن توجه بیشتری مبذول دارند. توجه به عناصر بصری نیز از دیگر نکاتی است که بر اثربخشی و جذابیت کتاب‌ها می‌افزاید.

بررسی آثار این دوره حاکی از آن است که نویسندگان با بضاعت بیشتری در این حوزه قلم زده‌اند، از این رو، هیئت داوران خرسندی خود را نسبت به رشد کیفی آثار دریافتی اعلام می‌دارد و برای تمامی عزیزانی که در این مسیر خطیر گام نهادند، آرزوی توفیق روزافزون دارد.

پیش از من و تو بسیار بودند و نقش بستند
وین نغمه محبت بعد از من و تو ماند
دیوار زندگی را زین‌گونه یادگاران
تا در زمانه باقی‌ست آواز باد و باران

گروه داورى زیست‌شناسی

محمد ابراهیمی (۱۳۴۵)، تهران

کارشناسی زیست‌شناسی، کارشناسی‌ارشد علوم گیاهی و دکترای زیست‌شناسی سلولی - تکوینی، مدرس ضمن خدمت زیست‌شناسی و آزمایشگاه ۲، مدرس دبیرستان‌ها، مراکز پیش‌دانشگاهی، مجتمع پیامبر اعظم (ص) و دانشگاه شهید شرافت، مؤلف همکار در تألیف کتاب‌های درسی زیست‌شناسی ۱ و آزمایشگاه، زیست‌شناسی ۲ و آزمایشگاه، و زیست‌شناسی سال‌های دهم، یازدهم، دوازدهم و پیش‌دانشگاهی، و مؤلف و مترجم کتاب‌های فتوستنز، مونوترپن‌ها، میکوریزا و بیولوژی سولومون. وی همکاری با «شورای عالی آموزش و پرورش» و همکاری با شبکه رشد به‌عنوان کارشناس محتوایی نرم‌افزار در بخش زیست‌شناسی را نیز در کارنامه علمی و فرهنگی خود دارد.



سیدعلی آل محمد (۱۳۵۰)، تهران

کارشناسی‌ارشد ژنتیک، مدیر علمی «نشر نوشتار» و عضو هیئت تحریریه مجله «رشد آموزش زیست‌شناسی»، مؤلف کتاب‌های درسی زیست‌شناسی ۱، ۲ و ۳، زیست‌شناسی پیش‌دانشگاهی ۱ و ۲، زیست‌شناسی و آزمایشگاه ۱ و ۲، راهنمای معلم زیست‌شناسی ۱ و ۲ و زیست‌شناسی و آزمایشگاه، و کتاب‌های «می‌دانی چرا مارها پوست می‌اندازند» برای «انتشارات مدرسه»، «زیست‌شناسی با رویکرد مولکولی» و «ویروس‌ها» برای «انتشارات فاطمی»، تعدادی کتاب‌های آموزشی و مقاله‌های تحلیلی و پژوهشی در مجلات رشد و کتاب ماه علوم و فنون، و ویراستار ۹ عنوان از مجموعه ۲۹ جلدی مفاهیم پایه در علوم تجربی، لوح فشرده چندرسانه‌ای راهنمای معلم علوم تجربی، و لوح فشرده چندرسانه‌ای زیست‌شناسی پیش‌دانشگاهی. وی هم‌چنین کارشناس گروه زیست‌شناسی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، عضو شورای تحریریه «انتشارات فاطمی»، عضو هیئت تحریریه مجله علمی «گنجینه»، مدرس دوره‌های ضمن خدمت فرهنگیان و داور دوره‌های هشتم و نهم جشنواره کتاب رشد بوده است.



اعظم غلامی (۱۳۵۱)، ازنّا

دکترای فیزیولوژی جانوری، با ۲۵ سال سابقه خدمت در آموزش و پرورش به‌عنوان دبیر دبیرستان، مدرس مراکز آموزش عالی دانشگاه فرهنگیان، همکار طرح اعتباربخشی کتاب‌های علوم تازه تألیف شده، و مؤلف کتاب راهنمای معلم آزمایشگاه علوم پایه یازدهم و کتاب زیست‌شناسی پایه دوازدهم. از دیگر خدمات اجرایی ایشان می‌توان به این موارد اشاره کرد: مدیر گروه زیست‌شناسی پردیس نسیم تهران، هدایت پایان‌نامه‌های دانشجویان رشته علوم تجربی و زیست‌شناسی، و داور مقالات کنگره‌های علمی. تألیف مقاله‌های علمی و تخصصی، از جمله «بررسی دخالت گیرنده‌های دوپامینرژیک هیپوکامپی در کسب و بیان ترجیح مکان شرطی‌شده ناشی از مورفین در موش بزرگ آزمایشگاهی نر، پانزدهمین کنگره فیزیولوژی و فارماکولوژی (ISC)» از جمله سوابق علمی - پژوهشی اوست.



بیانیه گروه داوری زیست‌شناسی

آموزش در کشور متأثر از برنامه دولتی است. تغییر نظام آموزشی نیازهای جدیدی را باعث شده است. آموزش رسمی در راستای تحقق این هدف‌هاست و کتاب درسی که یکی از اجزای آن به‌شمار می‌آید، نمی‌تواند به تنهایی باعث تحقق همه هدف‌های آن شود. کتاب‌های آموزشی یکی از ابزارهای لازم برای رسیدن به این هدف‌هاست.

زیست‌شناسی در دنیای امروز رویکردی کل‌نگر و تلفیقی دارد و می‌کوشد ضمن پی‌بردن به رازهای آفرینش، در بهبود زندگی انسان نقش داشته باشد. تلفیق علم و زندگی یکی از هدف‌هایی است که برنامه درسی دنبال می‌کند و نیازمند تهیه منابع مفید است. جای خالی چنین منابعی در میان کتاب‌های جشنواره بسیار پررنگ است. بیش از نیمی از کتاب‌های رسیده در حوزه کمک‌درسی و با نگاه آزمون‌محور تهیه شده‌اند. همچنین کتاب‌های ارسالی قریب به اتفاق دارای ظاهر و کیفیت چاپ مطلوب هستند.

تقریباً همه کتاب‌های کمک‌درسی با نگاه آزمون‌محور تولید شده‌اند و نیازهای برخاسته از برنامه درسی را پاسخ نمی‌دهند. بنابراین آن گروه از کتاب‌هایی که در چنین راستایی نوشته شده‌اند، حتی اگر با توجه به هدف کنکور کتاب خوبی باشند، در حوزه دانش‌افزایی مدنظر برنامه درسی حرف چندان برای گفتن ندارند. ضمن اینکه تعداد کتاب‌ها و ناشران مشارکت‌کننده بسیار کم است. کتاب‌هایی هم که در حوزه دانش‌افزایی کار کرده‌اند، بیشتر در گروه فرهنگ‌نامه‌ها قرار گرفته‌اند، در حالی که باید در فرایند علم‌ورزی و تفکر علمی وارد شوند.

امید است به همت اهالی قلم و آموزش، برای تقویت سواد و تفکر علمی و مهارت حل مسائل علمی در کنار دانش پایه و به‌روز و پرهیز از سطحی‌نگری و آزمون‌محوری، کتاب‌های مناسبی برای دانش‌آموزان فراهم شوند تا پاسدار ارزش‌ها و تعالیم فرهنگ والای ایرانی اسلامی باشند.

گروه داورى شعر، خاطره و نثر ادبى

افسانه موسوى گرمارودى (۱۳۴۷)، تهران

دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی با ۲۰ سال سابقه تدریس در «دبیرستان فرزندگان تهران» و ۱۰ سال سابقه سردبیری مجله رشد نوآموز، نگارنده آثار متعددی نظیر: «سی حکایت از زندگی امام رضا(ع)» برای انتشارات مدرسه، «گاهی پر آب گاهی کم آب» برای انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، «آقای آدم آقای پلنگ» برای انتشارات امیرکبیر، و «بوی خوش گل محمدی»، و برنده جوایزی چون جایزه کتاب سال جشنواره شهید غنی‌پور، جایزه و دیپلم افتخار و لوح زرین جشنواره مطبوعات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و جایزه کتاب سال رضوی شده است.



سیدامیر سادات موسوی (۱۳۶۹)، ملایر

کارشناسی فیزیک و کارشناسی ارشد تاریخ علم، نویسنده مجله‌های رشد جوان، نوجوان و نوآموز، مدرس مدارس سمپاد و غیردولتی، عضو شورای سردبیری مجلات رشد، سردبیر مجله رشد جوان، دارنده مدال طلای جهانی المپیاد نجوم که آثارش در چند دوره در بخش شعر جشنواره طنز مکتوب برگزیده شده است. دبیری کمیته دانشجویی المپیاد جهانی نجوم سال ۱۳۸۸ و سردبیری مجله دال در سال ۱۳۹۰، از سوابق اجرایی ایشان به‌شمار می‌رود.



کبری بابایی (۱۳۶۱)، تهران

دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات کودک و نوجوان، کارشناس دفتر تألیف کتاب‌های درسی دوره پیش‌دبستانی، مدرس تربیت مربی پیش‌دبستان، داور جشنواره گام اول خانه کتاب، برگزیده جشنواره‌های شعر فجر، پروین اعتصامی، و شعر کودک اصفهان، و برگزیده دو دوره کتاب سال سلام بچه‌ها، با بیش از ۶۰ عنوان کتاب در حوزه ادبیات کودک و نوجوان. از مهم‌ترین سوابق اجرایی او می‌توان برگزاری سه دوره جشنواره فیلم کوتاه در مرکز شماره ۲۲ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، و مسئولیت روابط عمومی کانون را نام برد.



بیانیه گروه داوری شعر، خاطره و نثر ادبی

اهمیت و ارزش کتابخوانی برکسی پوشیده نیست. در این میان، شعر و ادبیات یکی از بهترین ابزارهای ایجاد تخیل و تفکر برتر و تقویت خوانش و زبان آموزی در مخاطبان است و می تواند به کسب تجربه های تازه و بالا بردن سرانته مطالعه در کشور منجر شود.

با وجود این و با توجه به شمار مخاطبانی که می باید در سطح کشور از ادبیات مناسب گروه سنی خود بهره مند شوند و کتاب های مورد نیازشان را در دسترس داشته باشند، انتظار می رفت کتاب های بیشتری به دست ما برسد. اما آمار پایین و حجم کم کتاب های رسیده به دبیرخانه جشنواره، گویای اتفاقی دیگر بود.

داوران گروه شعر و نثر ادبی، از کسانی که آثارشان را به این جشنواره رساندند، تشکر می کند و امیدوارند در سال های آینده شاعران و ناشران بیشتری کتاب های خود را برای شرکت در این جشنواره ارسال کنند. البته بیان این نکته ضروری است که در سال های اخیر، انتشار کتاب های شعر و نثر ادبی به خصوص در بخش نوجوان با مشکلات عدیده ای روبه روست که بیان این مشکلات در این مقال نمی گنجد. از میان کتاب های راه یافته به مرحله دوم، تعداد بسیار زیادی از کتاب ها تجدید چاپ بودند و به همین دلیل از چرخه داوری کنار رفتند. اگر چه تجدید چاپ کتاب های ارزشمند گذشته باعث مسرت است، اما هدف جشنواره بررسی کتاب های تألیفی جدید است.

داوران این دوره جشنواره، با در نظر گرفتن مواردی همچون سلامت و درستی زبان و کلام یا نثر روان، لحظات ناب شاعرانه، هماهنگی قالب و محتوا، بیشتر به تأثیرگذاری، دید تازه و محتوای اثر توجه داشتند.

در مجموع پس از بررسی کتاب های منتشر شده در سال گذشته می توان گفت، کمرنگ شدن شاعرانگی در برخی آثار، ضعف تألیف، و نداشتن نگاه تازه از موارد قابل توجه و قابل ذکر در آثار رسیده بود. به همین سبب تلاش و نظر داوران در بازخوانی های متعدد کتاب ها به این موضوع معطوف بود که از میان کتاب های رسیده، دقت نظر مؤلف و شاعر در انتخاب موضوع و مضمون تازه، و برتری محتوا و القای آن به مخاطب مورد توجه بیشتر قرار گیرد و آثار به جای القای تفکر فردی دربردارنده نکات مشترک و ارزنده انسانی باشند.

بر این اساس کوشیدیم در کتابی که برگزیده و معرفی شده است، محتوای مناسب برای گروه سنی نوجوان، زبان سالم و شیرین و مخاطب پسند، دید تازه شاعر به موضوع ها و از همه مهم تر، کمرنگ نشدن شاعرانگی در برابر بیان احساسات و عواطف شخصی هویدا باشد.

گروه داورى شیمی

نعمت‌الله ارشدی (۱۳۴۶)، شیراز

دکترای شیمی، عضو هیئت علمی گروه شیمی دانشگاه زنجان، سردبیر «رشد آموزش شیمی»، مدرس دانشگاه‌های فرهنگیان و تربیت دبیر شهید رجایی، و مؤلف کتاب شیمی سال اول متوسطه با عنوان «شیمی برای زندگی» که موفق به دریافت جایزه ملی محیط زیست شده است. ایشان در تألیف بخش شیمی «فرهنگ بزرگ سخن» با دکتر حسین انوری همکاری داشته و به مدت ۱۵ سال کارشناس مسئول گروه شیمی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی بوده است.



محبوبه زین‌الدین بیدمشکی (۱۳۴۸)، تهران

کارشناسی ارشد آموزش شیمی با ۲۸ سال سابقه تدریس شیمی در دبیرستان‌های منطقه‌های ۱۵ و ۱۳ تهران، و یکی از مؤلفان سناریوی آموزشی برای مجموعه فیلم‌های آموزشی (آموزش مفهومی شیمی ۳) و راهنمای تولید کتاب‌های آموزشی شیمی. وی در سه دوره موفق به کسب رتبه‌های اول تا سوم جشنواره تولید محتوای آموزشی شیمی شده است. همکاری با گروه شیمی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی و داوری پانزدهمین جشنواره کتاب رشد از دیگر سوابق اجرایی او محسوب می‌شوند.



کیوان قدامی (۱۳۴۹)، تهران

کارشناسی ارشد شیمی معدنی از دانشگاه علم و صنعت با ۲۳ سال سابقه تدریس در مناطق گوناگون شهر تهران، و مجری پروژه‌های تحقیقاتی بهینه‌سازی آسفالت (آسفالت اصلاح شده کم‌صدا)، استخراج مواد مؤثر تخم‌شربتی، و استخراج سیتریک اسید از لیموترش. همچنین ویراستاری کتاب‌های کمک‌درسی انتشارات «گاج» و «ساد» و همکاری در پروژه‌های دانشگاه علم و صنعت را در کارنامه علمی و پژوهشی خود دارد.



بیانیه گروه دآوری شیمی

هیئت داوران ضمن ابراز خرسندی از برگزاری جشنواره کتاب رشد و قدردانی از عزم راسخ دست‌اندرکاران برای ادامه این فعالیت ارزشمند و تأثیرگذار، لازم می‌داند که در زمینه کتاب‌های آموزشی حاضر در جشنواره به موارد زیر اشاره کند:

- همه کتاب‌های رسیده به مرحله نهایی جشنواره، از کم و کیف مطلوب و قابل قبولی برخوردار نبودند و برخی نیز از جمله کتاب‌هایی بودند که تا چندی پیش کارشناسان هم از بررسی آن‌ها پرهیز می‌کردند.

- در مقایسه با گذشته به نظر می‌رسد که گستره دید نویسندگان و ناشرانی که حوزه آموزش را برای فعالیت‌های خود برگزیده‌اند، بسیار محدود شده است. اگرچه میزان فروش کتاب برای ادامه کار ناشران بسیار ضروری است و درعین حال نمی‌توان نیاز دانش‌آموزان را به برخی از کتاب‌های بازارمحور نیز به‌طور مطلق نادیده گرفت، ولی صرف توجه به ضمانت فروش و تولید کتاب‌هایی عامه‌پسند، رویکرد مناسبی به‌ویژه در حوزه آموزش نیست.

- حقوق معنوی نویسندگان منابعی که از آن‌ها برای نوشتن کتاب استفاده شده، غالباً رعایت نشده است. به عبارت دیگر، تألیف کتاب بدون بهره‌گیری از هیچ منبع علمی یا بدون استناد به منابعی که از آن‌ها بهره گرفته‌اند، صورت پذیرفته است؛ رویکرد ناخوشایندی که شایسته نیست از سکویی به نام جشنواره به گسترش آن دامن زد.

- در طراحی ساختار و محتوای کتاب‌ها نوآوری دیده نمی‌شود و بیشتر از قالب‌های تکراری و به نسبت موفق گذشته استفاده شده است.

- لازم است ناشران و نویسندگان کتاب‌ها به نقش چشم‌گیری که فناوری اطلاعات و ارتباطات در زندگی و عادت‌های روزمره نوجوانان و جوانان ایفا می‌کند و تأثیر غیرقابل‌انکاری که در فرایند یاددهی یادگیری و به‌ویژه انتخاب و سازمان‌دهی محتوای یک کتاب آموزشی دارد، توجه بیشتری کنند.

- باید از نگاه یک‌بعدی به نیازهای مخاطبان و بی‌توجهی به انواع سواد و مهارت‌هایی که شهروندان جامعه امروز ایران باید در قرن بیست‌ویکم به آن‌ها مجهز باشند، پرهیز کرد؛ بخشی از بار آموزش‌هایی را که گنجاندن آن‌ها در کتاب‌های درسی به دلیل محدودیت‌های گوناگون امکان‌پذیر نیست، کتاب‌های آموزشی می‌توانند به دوش بکشند.

از این‌رو، هیئت داوران ضمن ابراز دوباره نگرانی و نارضایتی از کم و کیف تولید کتاب‌های علمی آموزشی اعلام می‌کند که از میان ۹ کتاب رسیده به مرحله نهایی جشنواره، به اتفاق آرا هیچ‌یک از کتاب‌های یادشده را شایسته انتخاب به عنوان کتاب برگزیده یا کتاب تقدیری نمی‌داند.

در مجموع این جشنواره نشان داد که در تولید کتاب‌های علمی آموزشی نه تنها پیشرفتی نکرده‌ایم، بلکه پسرفت داشته‌ایم. هیئت داوران امید دارد که نویسندگان و ناشران محترم بیشتر به نشر کتاب‌هایی همت گمارند که یاریگر تحقق هدف‌های برنامه‌های درسی باشند، دانش‌آموزان را به کاوشگری و آموختن برای زندگی بهتر تشویق کنند، یا دست کم باری بر دوش نظام آموزشی کشور نگذارند.

گروه داورى علوم تجربى

بهداد اصفهانی (۱۳۴۹)، تهران

کارشناسی علوم تجربی و کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی با ۲۵ سال سابقه خدمت در آموزش و پرورش به‌عنوان دبیر دوره اول متوسطه شهر تهران، همکار دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، سرگروه علوم تجربی شهر تهران، مسئول دبیرخانه علوم تجربی شهر تهران، مسئول گروه درس‌پژوهی شهر تهران، کارشناس مسئول آموزش متوسطه دوره اول منطقه‌های ۱۹ و ۲ تهران، معاون آموزش متوسطه منطقه ۲، و داور جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد. وی مؤلف مجموعه کتاب‌های «آشتی با علوم» و طراح طرح نوین «ارزشیابی علوم تجربی» است.



فائزه فاضلی (۱۳۴۱)، تهران

دانش‌آموخته فیزیولوژی گیاهی در دوره دکترا، مدرس دبیرستان، مراکز تربیت‌معلم شهر تهران، دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه شهید رجایی، مدیر گروه محیط‌زیست و معاون دانشکده آموزشی و پژوهشی دانشکده مهندسی مواد و فناوری‌های نوین دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، عضو گروه تألیف و شورای برنامه‌ریزی گروه زیست‌شناسی، محیط‌زیست و علوم تجربی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، و مؤلف کتاب‌های علوم تجربی، کتاب کار و راهنمای معلم سوم تا ششم ابتدایی، «روش تحقیق در علوم تجربی» و «روش آماری در علوم تجربی» انتشارات دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی.



مرجان کلهر (۱۳۵۷)، تهران

کارشناسی دبیری علوم تجربی و کارشناسی ارشد مدیریت (گرایش تحول سازمانی)، با ۲۲ سال سابقه تدریس در مدارس نمونه دولتی، تیزهوشان، غیردولتی و فرزانه‌گان، و معاون پژوهشی و آموزشی مدارس، مؤلف ۲ مقاله علمی-پژوهشی، کتاب «اثر هوش هیجانی بر موفقیت و کارایی»، و بیش از ۱۵ کتاب آموزشی دیگر، مدرس سیدی آموزشی فیزیک، شیمی و زیست‌شناسی به مدت ۵ سال، عضو انجمن علمی رفتار سازمانی ایران، و ناظر علمی کتاب‌های تیزهوشان.



بیانیه گروه داورى علوم تجربى

«انجام کار سخت زمان می برد، انجام کار غیرممکن کمی بیشتر زمان می برد.»

ناتسن- کاشف نروژی

ما باور داریم که برای رسیدن به حداکثر استانداردهای کیفی در حوزه نشر هیچ غیرممکنی وجود ندارد. در این فرایند ناشران نقش فعالی در غنابخشی به کتابهای علمی- آموزشی برعهده دارند که هدف آنها ایجاد نگرشها، شایستگیهای پایه و مهارت‌های مدنظر در حوزه تربیت و یادگیری علوم تجربی است. گروه داوران حوزه علوم تجربی، ضمن احترام به تلاش‌های فراوان ناشران، از میان ۳۳ عنوان کتاب راه یافته به مرحله نهایی، هیچ کدام را شایسته دریافت عنوان برگزیده تشخیص نداد و در این مرحله از جشنواره، چهار عنوان کتاب را به عنوان نامزد معرفی و از میان آنها یک کتاب را به عنوان کتاب شایسته تقدیر معرفی کرد.

برخی نقاط قوت کتابها

- هماهنگی محتوا با عنوان و موضوع؛
- رعایت تنوع هنری در استفاده از عکس و تصویر؛
- پیوستگی و انسجام موضوعی در فصلها؛
- ایجاد انگیزه در مخاطب برای تشویق و تحریک به افزایش دانش؛
- توجه به مسائل زیست محیطی و استفاده از کاغذهای بازیافتی.

برخی نقاط ضعف کتابها

- نداشتن توجه کافی به ضرورت برخورداری از منابع و مآخذ؛
- کم توجهی به مسائل اجتماعی، اخلاقی، فرهنگی و بومی سازی؛
- بی توجهی به ارائه فعالیت‌های فکری و عملی که پایه رشد تفکر علمی در مخاطب به حساب می آیند؛
- نداشتن ویراستار علمی و حتی ویراستار ادبی و اشتباه در برگردان دقیق واژه‌ها و اصطلاحات علمی؛
- کمبود آثار تألیفی در مقابل ترجمه‌ای.

با توجه به آنکه الگوهای رفتاری در هر گوشه جهان با فرهنگ و مقتضیات محیطی و ویژگی‌های زمانی و مکانی آمیخته‌اند، پیشنهاد می کنیم در زمینه تألیف کتاب‌های علمی، نیازسنجی مناسبی از خوانندگان صورت گیرد. این مهم فقط با حضور بین مخاطبان و آموزش دهندگان آنها (معلمان و مربیان) میسر خواهد بود. بنابراین بهترین راه، تشکیل جلسه و ارتباط مؤثر بین ناشران، معلمان، گروه‌های آموزشی و مؤلفان خواهد بود. «به امید آن روز».

گروه داورى علوم تربیّتی و مدیریت خانواده

محمدرضا حشمتی (۱۳۴۴)، تهران

کارشناسی‌ارشد آموزش و پرورش تطبیقی، دبیر درس تفکر و سبک زندگی، سردبیر مجله «رشد معلم»، و یکی از اعضای تیم نویسندگان کتاب «فرهنگ‌نامه مشاغل» که در سال ۱۳۹۲ عنوان کتاب برگزیده جمهوری اسلامی ایران را به دست آورد. وی داورى چندین دوره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد را در کارنامه اجرایی خود دارد.



فرحناز نژادی پيله‌ور (۱۳۵۰)، اردبیل

کارشناسی روان‌شناسی بالینی و کارشناسی‌ارشد روان‌شناسی تربیتی، مجری کارگاه‌های آموزشی و مهارت‌های زندگی در مدارس، ارزیاب کتاب‌های حوزه علوم تربیتی و مدیریت خانواده، مدرس دانشگاه جامع علمی - کاربردی، مربی آموزش هنر درمانی، و کارشناس مسئول مراکز مشاوره دولتی استان تهران و صدای مشاوره (۱۴۸) در دفتر معاونت پیشگیری سازمان بهزیستی. وی همچنین دارای مقالاتی در زمینه هنر درمانی است و با ماهنامه «کودک سالم» و برخی نشریات علمی - تخصصی همکاری دارد.



لیلی محمدحسین (۱۳۴۲)، تهران

کارشناسی‌ارشد زبان و ادبیات انگلیسی و معاون منابع انسانی «مؤسسه منظومه خرد» با ۲۷ سال سابقه آموزش زبان انگلیسی، و طراحی و اجرای کارگاه‌های آموزشی برای معلمان، مدیران و کارشناسان آموزش و پرورش. در «برنامه آموزشی تضمین کیفیت در مدارس اسکاتلند» و نیز «برنامه آموزشی ستاد فرهنگی ژاپن برای مدیران و معلمان دوره متوسطه» شرکت داشته و عضو شورای برنامه‌ریزی مجله «رشد آموزش راهنمایی» بوده است. از جمله آثار وی می‌توان «مغز و آموزش»، «بینایی سیستمی»، «بهبود مستمر در کلاس درس»، «یادگیری از طریق هم‌یاری»، «تفکر خلاق»، «حل مسئله» و نیز ترجمه کتاب «خلق محیط یادگیرنده در کلاس، مدرسه و جامعه» را نام برد.



بیانیه گروه دآوری علوم تربیتی و مدیریت خانواده

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های امروز بشر «تربیت» است. صاحب‌نظران علوم تربیتی تلاش می‌کنند با استفاده از دانش، روش و تجربه‌های زیسته، زمینه‌هایی را ایجاد کنند که جنبه‌های متفاوت رشد انسان برای «شدن» مطلوب محقق شود. علوم تربیتی رشته‌ای است پویا که باید بتواند با توجه به مقتضیات زمان و مکان پاسخ‌گوی نیازهای انسان باشد. بر این اساس تلاش هیئت داوران گروه علوم تربیتی و مدیریت خانواده، شناسایی و معرفی کتاب‌هایی بوده است که بتوانند راهنمای گروه مخاطبان (معلمان، مدیران و اولیا) باشند.

در این دوره، از ۷۳ کتاب رسیده به دبیرخانه، پس از بررسی و مطالعه اولیه، ۳۰ عنوان کتاب برای مطالعه عمیق و دقیق انتخاب شدند. متأسفانه در کتاب‌های راه‌یافته به جشنواره، آگاهی نداشتن مؤلفان محترم از اسناد بالادستی کاملاً مشهود است. همچنین تأکید می‌کنیم که روال ارزیابی‌های اولیه کتاب‌ها در دبیرخانه جشنواره به بازبینی دقیق نیاز دارد. علی‌رغم تأکید جشنواره بر چگونگی تألیف کتاب یا ترجمه، شاهد کتاب‌هایی هستیم که منابع و مأخذ مشخصی ندارند و حتی فاقد مقدمه هستند.

نکته دیگر فراوانی کتاب‌های ترجمه شده انواع اشکال‌های تایپی و محتوایی است. متأسفانه چاپ کتاب به هر قیمت و شمارگان، بدون رعایت ساختار مشخص و صرفاً براساس انجام یک پایان‌نامه یا فعالیت پژوهشی دانشجویی، در این حوزه بسیار متداول است. شتاب‌زدگی بعضی از مؤلفان در تنظیم کتاب، و نام تألیف گذاشتن بر کتاب‌هایی که گردآوری بدون ساختار محسوب می‌شوند، از دیگر عیب‌های برخی کتاب‌هاست. شایان ذکر است، تلفیق دو گروه علوم تربیتی و مدیریت خانواده در این گروه دآوری کار را برای هیئت‌داوران سنگین کرده است. به این دلیل که حوزه‌های فوق قابل تلفیق نیستند. بنابراین سعی شد از کتاب‌های هر دو حوزه براساس امتیازهای کسب‌شده، کتاب‌هایی در گروه تقدیری قرار گیرند.

گروه داورى علوم و مطالعات اجتماعى

حورى قاهرى (۱۳۵۱)، ساوه

کارشناسی ارشد ژئومورفولوژی با ۲۵ سال سابقه خدمت در آموزش و پرورش به عنوان سرگروه جغرافیای شهر تهران، عضو شورای برنامه‌ریزی گروه جغرافیای دفتر تألیف، عضو هیئت تحریریه مجله «رشد جغرافیا»، مدرس دوره‌های تأمین مدرس و تدریس در مدارس ایرانی کشور قطر. از جمله آثار او می‌توان به مقاله «بررسی پتانسیل‌های لرزه‌خیزی در تهران»، جزوه آموزشی «جغرافیای قطر» (برای استفاده دانش‌آموزان ایرانی ساکن قطر) و «راهنمای تولید کتاب‌های آموزشی مطالعات اجتماعی» اشاره کرد.



فریبرز بیات (۱۳۴۲)، نویسرکان

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، از جمله سوابق خدمت وی در آموزش و پرورش، دبیر مرکز مطالعات راهبردی دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، و سردبیر «سالنامه رشد» و نیز فصل‌نامه «رشد آموزش علوم اجتماعی» است. وی عضو تیم تدوین «پرسش‌نامه پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲ در تهران» و مجری آن، و مجری طرح‌های تحقیقاتی و «بررسی رابطه عام‌گرایی و اخلاق در قرآن» «بررسی بحران اخلاقی» (پژوهشی بین شهروندان تهرانی)، و «اخلاق رسانه‌ای و تغییر ارزش‌ها بین شهروندان تهرانی» بوده است. از جمله سوابق اجرایی ایشان می‌توان به دبیری گروه اجتماعی مدرسه همشهری، دبیری گروه اجتماعی روزنامه همشهری، معاونت پژوهشی مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دبیر سایت آموزش و پژوهش مدرسه همشهری و سردبیری فصل‌نامه «رسانه» اشاره کرد.



محسن صحرایی (۱۳۴۸)، شمیران

کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، با ۲۰ سال سابقه تدریس در دوره دوم متوسطه. وی مدرس رسمی آموزش خانواده، عضو گروه‌های آموزشی مطالعات اجتماعی و ارزیاب محصولات آموزشی دفتر سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی نیز بوده است.



بیانیه گروه دآوری علوم و مطالعات اجتماعی

گروه دآوری مطالعات اجتماعی سپاس ویژه خود را از توجه «دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی» به نقش کتاب‌های کمک‌آموزشی و کمک‌درسی در دستیابی آسان‌تر، عمیق‌تر و لذت‌بخش‌تر دانش‌آموزان و معلمان به هدف‌های برنامه درسی ملی در حوزه مطالعات اجتماعی اعلام می‌کند. وسیع بودن مفاهیم و موضوع‌های حوزه مطالعات اجتماعی (تاریخ، جغرافیا، علوم اجتماعی، اقتصاد و...) از یک‌سو، و محدود بودن ساعت اختصاص داده شده در مدرسه‌ها به این عنوان‌ها، از سوی دیگر، سبب می‌شود منابع آموزشی غیردرسی در این حوزه اهمیت ویژه‌ای داشته باشد.

از ۲۳ عنوان کتاب درجه ۱ دریافت شده، ۱۳ عنوان فقط به یک موضوع پرداخته‌اند. کتاب‌هایی که مخاطب آن‌ها معلمان بوده‌اند از کیفیت محتوایی مناسب‌تری برخوردارند. همچنین به موضوع‌های، روز مانند بحران آب، محیط‌زیست و حقوق شهروندی نیز توجه مناسبی صورت گرفته است.

از نقاط ضعف کتاب‌های این دوره می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- کتاب‌ها از تنوع بسیار کمی در مفاهیم و موضوع‌های حوزه مطالعات اجتماعی برخوردارند.
- شیوه ارائه محتوا در اغلب کتاب‌های دریافتی یکسان و یکنواخت است که با توجه به ویژگی‌های سنی مخاطبان، تمایلی به مطالعه در آن‌ها ایجاد نمی‌کند.
- عنوان‌ها و محتوای کتاب‌ها با یافته‌های جدید علمی و شیوه‌های جدید آموزش تناسب کمی دارند.
- در حوزه تاریخ و جغرافیا عنوان‌ها بسیار کم و دارای محتوای تکراری هستند.

پیشنهادهای

- تولید کتاب‌های دانش‌افزایی در راستای هدف‌های کتاب‌های درسی، کاوشگری و آموزش مهارت‌های جغرافیایی در دستور کار مؤلفان و ناشران محترم قرار گیرد.
- به تألیف کتاب‌هایی که مخاطب آن‌ها معلم است، اهتمام جدی‌تری صورت پذیرد.
- با توجه به گستردگی این حوزه و جذاب بودن مفاهیم آن برای مخاطبان، نیازها و علاقه‌های مخاطبان بررسی و فهرست‌بندی شود.
- در تألیف کتاب‌ها، شیوه‌های جدید آموزشی و پژوهشی در سطح جهانی مورد توجه قرار گیرند.

گروه داورى فرهنگ و هنر

علاءالدین کیا (۱۳۴۲)، نوشهر

کارشناسی پژوهش علوم اجتماعی و کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی که دبیری دبیرستان‌ها و مراکز آموزش ضمن خدمت، همکاری با دفتر وزارتی حوزه ستادی، رئیس گروه آموزش و پرورش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، معاونت پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش و مدیریت کل فرهنگی دانشگاه فرهنگیان از جمله سوابق ایشان در آموزش و پرورش است. وی دارای مدرک خوش‌نویسی با درجه ممتاز از «انجمن خوش‌نویسان ایران» است، بیش از ۳۰ پژوهش در حوزه‌های تعلیم و تربیت و امور فرهنگی و هنری انجام داده و راهنمای بیش از ۱۰۰ پایان‌نامه و پروژه تحصیلی دانشجویی بوده است. همچنین، عضو گروه پژوهش هنر «پژوهشکده برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی»، عضو کمیته داورى «اقدام‌پژوهی‌های برتر معلمان»، عضو هیئت تحریریه مجله «رشد آموزش هنر» و مدیر اجرایی جشنواره فرهنگی و هنری دانشجو-معلمان کشور بوده است.



مرضیه پناهیان پور (۱۳۴۸)، تهران

کارشناسی هنرهای تجسمی با ۲۳ سال سابقه خدمت در آموزش و پرورش به‌عنوان دبیر هنر مدارس، عضو گروه‌های آموزشی، سرگروه هنر گروه‌های آموزشی استان تهران، همکار دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، و عضو شورای برنامه‌ریزی کتاب‌های درسی فرهنگ و هنر. تاکنون مقالات متعددی نیز به چاپ رسانده که از جمله آن‌هاست: «به‌کارگیری و تلفیق ریاضی و هنر در آموزش فراکتال‌ها در کلاس درس».



کاوه تیموری (۱۳۴۴)، تهران

کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی و دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی فرهنگی که از جمله سوابق خدمت او در آموزش و پرورش می‌توان به این موارد اشاره کرد: سردبیر مجله «رشد آموزش هنر»؛ سرگروه هنر در دانشگاه تربیت‌معلم هنر؛ تدریس در مراکز تربیت‌معلم؛ مشاور قائم‌مقام وزیر در انجمن اولیا و مربیان. نگارش ۹ عنوان کتاب هنری و دو عنوان کتاب در حوزه علوم اجتماعی، انجام دو طرح پژوهشی در فرهنگستان هنر و اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران، و ۱۲۰ عنوان مقاله، یادداشت و مصاحبه آثار او هستند.





بیانیه گروه داوری فرهنگ و هنر

نکاتی درباره کتاب‌های آموزشی و تربیتی در حوزه فرهنگ و هنر

● رویکرد تولید منابع، در مورد کتاب‌های فرهنگ و هنر، در اکثریت مطلق موارد، استفاده از ترجمه است. در حقیقت، نگاه به تولید بومی در حوزه فرهنگ و هنر، به عنوان حاشیه نسبت به متن است. این نقصان در یکی دو سال آینده می‌تواند به فراگیری غیرقابل کنترل بینجامد. بنابراین شایسته است با برگزاری جلسات توجیهی برای ناشران این حوزه، در این زمینه اهتمام جدی به عمل آید.

● تفکیک رده‌های سنی و در نظر داشتن نسبت مخاطبان با نیازهای هنری، از کاستی‌هایی است که در کتاب‌های حوزه فرهنگ و هنر قابل ملاحظه و مشاهده است. شایسته است ناشران محترم از کارشناسان و مشاوران تربیتی در این بخش بهره بگیرند و تولیدات خود را براساس نیازهای مخاطبان تنظیم و منتشر کنند.

● در مواردی، گرافیک و صفحه‌آرایی و همچنین رنگ‌پردازی کتاب‌ها، با فضای شاد هنری در تناقض و تضاد است. تنظیم میانی زیباشناختی و بصری تولیدات هنری براساس علاقه‌ها و سلیقه‌های مخاطبان، نسبت به نظر گرافیسست این آثار رجحان دارد. بنابراین براساس تجربه و دانش شناخت مخاطب، در این مورد اهتمام لازم ضروری است.

● مباحث متنوع مطرح شده در کتاب‌های هنر پایه‌های هفتم، هشتم، نهم و کتاب‌های اختیاری هنر در پایه‌های دهم و یازدهم فرصتی بسیار مطلوب را برای تولیدکنندگان کتاب‌های هنری فراهم آورده‌اند. این تولیدکنندگان و ناشران می‌توانند بر اساس سرفصل‌های هنری و رشته‌های مندرج در این کتاب‌ها به سفارش برای تولید مباحث و مطالب آموزشی اهتمام کنند. طبعاً حرکت براساس نیاز دانش‌آموزان، به خرید آثار بهتر و مطلوب‌تر توسط آن‌ها منجر خواهد شد.

● در نظر داشتن این نکته ضروری است که در کتاب‌های فرهنگ و هنر، جای آثار ارزنده و فاخر در مورد موسیقی و نمایش خالی است.

گروه داورى فیزیک

دکتر منیژه رهبر (۱۳۲۴)، تهران

دکترای مهندسی هسته‌ای و همکار دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی به عنوان داور، مشاور و عضو هیئت‌تحریریه و سردبیر مجله «رشد آموزش فیزیک». از جمله سوابق اجرایی ایشان می‌توان به معاون آموزشی دانشگاه تهران، مسئول تحصیلات تکمیلی دانشکده فیزیک دانشگاه تهران، عضو و نایب‌رئیس هیئت‌رئیسۀ انجمن فیزیک ایران و مسئول گروه فیزیک مرکز نشر دانشگاهی اشاره کرد. وی تدریس در دانشگاه‌های تهران و الزهراء، پژوهش در زمینه فیزیک هسته‌ای و محاسبات راکتورهای هسته‌ای، ترجمه کتاب‌های «فیزیک جدید» و «فیزیک مفهومی» (کتاب سال برگزیده جمهوری اسلامی)، کتاب «آشنایی با کیهان‌شناسی» (کتاب فصل برگزیده جمهوری اسلامی) و کتاب «فیزیک هسته‌ای» (کتاب برگزیده سال دانشگاه تهران) را در کارنامه علمی و تحقیقاتی خود دارد.



سید هدایت سجادی (۱۳۵۶)، پاه

دکترای فلسفه علم و فناوری (فلسفه فیزیک) با ۲۱ سال سابقه خدمت به عنوان دبیر فیزیک، استاد دانشگاه‌های تربیت‌دبیر شهیدرجایی، فرهنگیان و صنعتی شریف، و عضو شورای برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی فیزیک. وی با مجله‌های «رشد آموزش فیزیک» و «رشد جوانه» همکاری دارد، مترجم کتاب «فلسفه علم» است، و از پدیدآورندگان «راهنمای تولید کتاب‌های آموزشی فیزیک» به سفارش «دفتر سامان‌دهی منابع آموزشی» بوده است.



سمیرا بهرامی (۱۳۶۰)، خرم‌آباد

دانش‌آموخته دکترای فیزیک و عضو هیئت‌علمی با مرتبه استادیاری در دانشگاه فرهنگیان که به مدت ۱۰ سال در آموزش و پرورش به عنوان دبیر و مدیر پژوهش‌سرای دانش‌آموزی خدمت کرده است. ۹ مقاله تخصصی-علمی، یک کتاب تألیفی و سه کتاب ترجمه‌ای دارد و داوری جشنواره‌هایی مانند جشنواره خوارزمی و جشنواره تحقیق و پژوهش وزارت آموزش و پرورش را بر عهده داشته است. مدیرگروه فیزیک پردیس شهید چمران تهران، دبیر علمی، داور و عضو کمیته علمی کنفرانس آموزش فیزیک در سه دوره، عضو کمیته علمی اولین همایش منطقه‌ای علوم پایه و فناوری دانشگاه فرهنگیان، و عضو هیئت‌تحریریه فصلنامه پویش در آموزش علوم پایه، از سوابق اجرایی وی است.



بیانیه گروه دآوری فیزیک

با توجه به اینکه هدف از برگزاری جشنواره کتاب رشد شناسایی و معرفی کتاب‌های آموزشی و تربیتی مناسب برای دستیابی به هدف‌های برنامه درسی ملی است، و بدون شک مهم‌ترین هدف هر نظام آموزشی تربیت افرادی است که مهارت و شایستگی‌های لازم را برای زندگی موفقیت‌آمیز در جهان پیچیده کنونی داشته باشند، کتاب‌های دانش‌افزایی باید به گونه‌ای تدوین شوند که ضمن دارا بودن جذابیت لازم برای تشویق خواننده به مطالعه، گام‌های مؤثری در این جهت بردارند.

امروز جامعه ما ضمن برخورداری از امکانات مناسب کافی برای پیشرفت و به دست آوردن جایگاه شایسته خود در جهان، با چالش‌های فراوانی نیز روبه‌روست. کتاب‌هایی که برای رسیدن به هدف‌های پیشرفت و توسعه پایدار جامعه تدوین می‌شوند، باید این نکات را در نظر بگیرند. آن‌ها در مسائلی که مطرح می‌کنند، باید نگاه دقیقی به آنچه در دنیای واقعی می‌گذرد، داشته باشند. متأسفانه هنوز در بسیاری از کتاب‌های ما مسائل به صورت انتزاعی مطرح می‌شوند و دانش‌آموز کمتر می‌تواند بین آنچه که در کتاب می‌خواند و آنچه که در زندگی واقعی با آن روبه‌رو می‌شود، ارتباط لازم را برقرار کند. بنابراین مشاهده می‌شود در حالی که شاگرد صدها مسئله را در مدرسه حل کرده است، از حل ساده‌ترین مسئله در زندگی واقعی عاجز است.

بنابراین پیشنهاد می‌شود، افراد در تنظیم کتاب‌ها مسائل دنیای واقعی را در نظر داشته باشند. نویسندگان کتاب، چه آن‌هایی که کتاب را تألیف می‌کنند و چه کسانی که به ترجمه کتاب‌های خارجی می‌پردازند، باید به موضوع اشراف کامل داشته باشند تا موضوع برای آن‌ها کاملاً روشن باشد و بتوانند آن را به صورت ساده و قابل فهم به خواننده منتقل کنند. همین‌طور است استفاده از زبان فارسی روان، که خوش‌بختانه با تلاش‌هایی که اخیراً صورت گرفته، معادل‌سازی فارسی برای بسیاری واژه‌های علمی در دسترس است و می‌توان از آن‌ها استفاده کرد.

گروه داور قرآن

سیدجواد بهشتی (۱۳۳۳)، کاشان

دارای تحصیلات حوزوی خارج فقه، معاون آموزشی نهضت سوادآموزی در دهه ۱۳۷۰، مشاور وزیر در امر نماز در دهه ۱۳۸۰، مدیرکل قرآن و عترت وزارت آموزش و پرورش، و داور جشنواره کتاب رشد. تاکنون حدود ۲۰ عنوان کتاب و مقاله به چاپ رسانده و در تولید «فرهنگ‌نامه قرآن» و «فرهنگ‌نامه صحیفه» مشارکت کرده است.



مسعود تهرانی فرجاد (۱۳۴۹)، تهران

کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، عضو شورای برنامه‌ریزی آموزشی مراکز دارالقرآن شهر تهران و عضو شورای برنامه‌ریزی گروه درسی قرآن سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. وی همچنین مدرس کارگاه‌های تبیین انس با قرآن ویژه مربیان و کودکان، مشاور تربیتی و مدیر مراکز دارالقرآن و عضو شورای سردبیری مجله «رشد آموزش پیش دبستانی» بوده است. تألیف «راهنمای برنامه انس با قرآن کریم ویژه مربیان و تولیدکنندگان محتوا، اجرای پژوهشی درباره آیات قرآن کریم از منظر ارتباطات اجتماعی، و نگارش بیش از ۲۰ مقاله در حوزه انس با قرآن و تربیت قرآنی، جزو سوابق علمی و پژوهشی او هستند.



سیدمحمد مهاجرانی (۱۳۸۴)، اراک

دارای تحصیلات حوزوی، کارشناسی فلسفه و مبلغ مذهبی که تاکنون بیش از ۱۰۰ اثر در حوزه ادبیات کودکان نوشته است. از آثار مهم وی می‌توان به مجموعه ۱۴ جلدی «پیامبر عزیز ما»، مجموعه ۱۵ جلدی «بهترین مادران» و کتاب «گل‌های باغ آسمان» (ویژه احکام کودکان)، اشاره کرد. انجام فعالیت‌های قرآن پژوهی، پژوهش در مورد نحوه انتقال مفاهیم دینی به کودکان، و پژوهش در مورد سیره پیامبر گرامی اسلام و اهل بیت (علیهم‌السلام)، تدریس عقاید و احکام در حوزه علمیة طلاب ایرانی و تدریس منطق در مدارس علمیة طلاب خارجی را نیز در کارنامه خود دارد.





بیانیه گروه داوری قرآن

«انّ هذا القرآن یهدی للّتی هی اقوم».

● با توجه به اینکه هدف از برگزاری این جشنواره ارتقای مهارت‌های فرهنگیان و دانش‌آموزان است، ضرورت دارد کتاب‌هایی در مراحل اولیه انتخاب شوند که مناسب و کاربردی باشند. در حالی که برخی از کتاب‌های ارائه شده این ویژگی را ندارند.

● با عنایت به حساسیت بالایی تألیف‌های قرآنی، مؤلف باید از اعمال سلیقه شخصی و ذوقی پرهیز کند. در برخی از کتاب‌ها این اعمال سلیقه‌ها مشاهده می‌شود.

● بنابر رسالت تربیتی قرآن کریم، ضروری است کتاب‌های آموزش قرآن نیز از جامعیت در آموزش (روخوانی، درک معنا، تفکر در آیات و نکات تربیتی) برخوردار باشند. در آثار ارائه شده به جامعیت آموزش توجه نشده است.

● در برخی از کتاب‌ها رده سنی مخاطب مشخص نشده است.

● در اغلب آثار ابتکار و نوآوری دیده نمی‌شود.

● درباره نقاط قوت این کتاب‌ها می‌توان گفت که برخی از آن‌ها از نظر قطع، رنگ‌آمیزی و تصویرگری مناسب هستند. همچنین سادگی و روان بودن در بعضی از کتاب‌ها دیده می‌شود.

پیشنهاد مهم گروه داوری این است که با توجه به اهمیت بهره‌مندی از قرآن کریم، ضروری است دبیرخانه از طریق ارتباط فعال با وزارت ارشاد و ناشران معتبر، بکوشد کتاب‌های بیشتری را شناسایی و به جشنواره ارائه دهد.

گروه داوران کار و فناوری

مژگان مولایی‌راد (۱۳۵۱)، تهران

کارشناسی حرفه‌وفن با ۲۶ سال سابقه خدمت در آموزش و پرورش به‌عنوان دبیر مدارس دوره اول متوسطه شهر تهران، عضو و سرگروه گروه‌های آموزشی وزارتخانه، و مدرس دوره‌های ضمن خدمت. تألیف بیش از ۳۰ جلد کتاب کمک‌آموزشی درس‌های کار و فناوری، حرفه‌وفن و آمادگی دفاعی، داوری جشنواره‌های کتاب رشد، معلم پژوهنده، نوجوان خوارزمی، و جشنواره ملی تولید محتوای الکترونیک سوده، ویراستاری انتشارات و رای دانش و رزمندگان اسلام، و همکاری با «پژوهشکده مطالعات آموزش و پرورش» در ارزیابی کتاب‌های کار و فناوری و راهنمای معلم، و تدوین و اجرای طرح پژوهشی «رویکرد برنامه درسی مبتنی بر مدرسه»، از جمله سوابق علمی-پژوهشی اوست.



ناهید حسینعلی‌زاده (۱۳۵۱)، شهرری

فوق‌دیپلم حرفه‌وفن و کارشناسی علوم تربیتی با ۲۴ سال سابقه تدریس در مدارس ابتدایی و متوسطه اول شهر تهران، داوری سیزدهمین جشنواره کتاب رشد، داوری المپیاد درسی حرفه‌وفن، سرگروهی درس حرفه‌وفن در گروه‌های آموزشی و طراحی سؤالات امتحان نهایی، تیزهوشان و مدارس نمونه دولتی، و تألیف شش جلد کتاب کمک‌درسی در حوزه حرفه‌وفن. ایشان از مؤلفان کتاب کار و فناوری ششم و راهنمای معلم آن است.



مینا زند (۱۳۴۸)، تهران

کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی با ۲۸ سال سابقه خدمت در آموزش و پرورش به‌عنوان معلم دوره ابتدایی، همکار گروه‌های آموزشی منطقه ۶، طراح سؤال‌های امتحان نهایی و آزمون ورودی مدارس، تدریس ارزشیابی توصیفی، و عضو کمیسیون برنامه‌ریزی و تألیف گروه کار و فناوری دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی. ایشان مؤلف کتاب‌های چهارم تا ششم ابتدایی کار و فناوری، ارزیاب کتاب‌های کار و فناوری در معاونت سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی، ارزیاب محتوای الکترونیکی آموزشی پایه‌های چهارم و ششم ابتدایی، و داور دوره‌های یازدهم و سیزدهم جشنواره کتاب رشد بوده است.



بیانیه گروه داوری کار و فناوری

گروه داوری درس کار و فناوری، در مرحله نهایی داوری جشنواره، ۱۱ عنوان کتاب را مورد بررسی قرار دادند که ۹ عنوان از این کتابها در حوزه کار با رایانه و ۲ کتاب در سایر حوزهها بودند.

نقاط قوت کتابها:

- پرداختن به مباحث کار با رایانه از دوره ابتدایی؛
- توجه به نیاز مخاطبان در حوزه کار با رایانه در سنین متفاوت؛
- کاربردی بودن مطالب برخی از کتابها؛
- ارائه مطالب همراه با فعالیتها و تمرینهای مناسب و آموزش گام به گام مراحل انجام کار در برخی کتابها.

نقاط ضعف کتابها:

- محدودیت در تنوع موضوعهای ارائه شده؛
- دور بودن برخی از کتابها از هدفهای برنامه درسی کار و فناوری؛
- محدود بودن کتابهای تألیفی؛
- توجه ناکافی به رویکرد فرهنگی و بومی کشور در کتابها حتی در کتابهای تألیفی؛
- محدود بودن توجه به یادگیری مبتنی بر پروژه در این کتابها؛
- نامناسب بودن کیفیت تصویرها و صفحه آرایی در برخی کتابها.

به منظور بهبود کیفیت کتابها پیشنهادهای زیر ارائه می شود:

- توجه و تلاش بیشتر ناشران و مؤلفان به تألیف کتاب در کنار ترجمه؛
- توجه بیشتر به رویکرد فرهنگی و بومی کشور؛
- توجه به هدفهای درس کار و فناوری به خصوص معرفی شغلها؛
- شناخت مخاطب و تألیف کتاب براساس نیازهای او؛
- تدوین و تألیف کتابها براساس مهارت‌های اجتماعی، کارگروهي، حل مسئله و ...؛
- توجه بیشتر به جذابیت و کیفیت تصویرها، صفحه آرایی و نحوه ارائه مطالب؛
- توجه بیشتر به شیوههای متفاوت و فعال یادگیری و ارزشیابی؛
- در نظر گرفتن سطوحهای متفاوت یادگیری (مهارتی، دانشی و نگرشی) در تألیف کتابها.

امیدواریم در سالهای آینده شاهد افزایش کمیت و کیفیت تولید کتابهای آموزشی در حوزه کار و فناوری باشیم.

گروه داورى معماری

ویدا تقوایی (۱۳۳۹)، بهبهان

دکترای مهندسی معماری، استاد دانشگاه‌های الزهرا (س) و آزاد اسلامی، از مؤلفان کتاب‌های درسی نقشه‌کشی ۲، تاریخ معماری قبل از اسلام، تاریخ معماری کشورهای اسلامی و آشنایی با بناهای تاریخی، مجری طرح پژوهشی «نظم و بی‌نظمی در معماری قدیم و جدید» و مؤلف کتاب «از مبانی نظری تا مبانی نظری در هنر معماری». سردبیر فصلنامه کارافن، استاد راهنما و مشاور پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد، مدیرکل برنامه‌ریزی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و عضو شورای دانشگاه فنی و حرفه‌ای از دیگر فعالیت‌های اجرایی ایشان محسوب می‌شود.



الهام السادات اعرجها (۱۳۵۰)، تهران

کارشناسی ارشد معماری با ۲۵ سال سابقه خدمت در آموزش و پرورش به عنوان هنرآموز هنرستان، داور استانی جشنواره خوارزمی، داور استانی و کشوری جشنواره هنرهای تجسمی، طراح سؤال چند دوره از آزمون‌های نهایی کشوری و کنکور آزمایشی فنی و حرفه‌ای، طراح سؤال‌های علمی رشته معماری، و همکار دفتر تألیف فنی و حرفه‌ای. «کتاب متره و برآورد» رشته معماری و پنج جلد کتاب آموزشی (غیردرسی) از جمله تألیفات ایشان است.



شهناز پورناصری (۱۳۵۵)، تهران

دکترای معماری، استادیار و مدیر گروه دانشگاه مهندسی و معماری و شهرسازی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، و مدرس دانشگاه‌های محقق اردبیلی، آزاد اسلامی و پیام نور، مترجم کتاب «برنامه‌ریزی برای طراحی: از تئوری تا عمل»، مؤلف ۱۶ عنوان مقاله علمی-پژوهشی در رشته معماری، و عضو هیئت علمی و کمیته داورى چند همایش و کنفرانس ملی پژوهشی.



بیانیه گروه داوری معماری

تدوین و تألیف کتاب‌های کمک آموزشی، به عنوان بسته‌های آموزشی تکمیلی و تقویت کننده محتوای رشته‌های گوناگون درسی، موجب کیفیت بخشی و غنای روند یاددهی یادگیری در برنامه ریزی درسی دوره‌های آموزشی می‌شود. کتاب‌های معرفی شده در این دوره از جشنواره کتاب رشد در رشته معماری شامل پنج جلد کتاب تألیفی و دو جلد کتاب ترجمه‌ای و به لحاظ کمیت بسیار ضعیف بودند.

کتاب‌های انتخاب شده (برگزیده و تقدیری) دارای شکل و محتوای مناسبی برای هنرجویان و هنرآموزان بودند. کتاب برگزیده ضمن توجه به مصالح بوم آورد (در فرهنگ و سنت معماری پایدار کشورمان) از انسجام خوبی برخوردار بود. کتاب تقدیری نیز ضمن برخورداری از زبان بصری مناسب و محتوای غنی، به چگونگی فرایند یاددهی یادگیری در تدوین مطالب توجه کرده بود.

متأسفانه بعضی از کتاب‌های تألیفی بیشتر با توجه به محتوا و ساختار کتاب، ترجمه‌ای به نظر می‌رسند و به انتشارات یک دانشگاه محدودند که این موضوع نشان از نبود اطلاع رسانی مناسب در این زمینه دارد.

هیئت داوران رشته معماری، با تأکید بر اینکه تمام تلاش خود را به کار گرفت تا بدون هیچ گونه پیش فرضی به ارزیابی کتاب‌ها بپردازد، اعلام می‌دارد که بی شک این مجموعه معرف همه بضاعت جامعه علمی کشور در این رشته نیست. این هیئت ضمن تشکر و قدردانی از تمامی شرکت کنندگان در جشنواره و تبریک به برگزیدگان و سپاس گذاری از همه دست‌اندرکاران برگزاری جشنواره، اعلام می‌دارد، هنوز در آغاز راهیم و با افق‌های پیش‌رو فاصله داریم. در خاتمه ضمن قدردانی از پیگیری، جدیت و استمرار عمل مسئولان سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی امید است در سال‌های آتی ثمرات بهتری را شاهد باشیم.

گروه داوران مهارت‌های زندگی، تفکر و سبک زندگی

مهناز قانعی (۱۳۴۱)، اصفهان

دکترای فلسفه تطبیقی با ۲۸ سال سابقه خدمت در آموزش و پرورش به‌عنوان دبیر دبیرستان و مدرس دانشگاه فرهنگیان، عضو گروه الهیات و معارف مرکز شهید باهنر دانشگاه فرهنگیان، همکار «مرکز سنجش آموزش کشور» و سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، و عضو شورای برنامه‌ریزی درس منطق پایه دهم دفتر تألیف. تألیف کتاب «اخلاق در نگاه مولانا: چیستی و هستی»، تألیف مقالاتی متعدد از جمله «اسرار از زبان اسرار»، و «بازخوانی تفسیر سبزواری از تأویل نی با نظر به هفت لطیفه انسانی»، و تدوین سرفصل‌های برنامه درسی دوره کارشناسی پیوسته رشته آموزش الهیات، از جمله خدمات پژوهشی و علمی ایشان است.



محمدحسن حسینی (۱۳۴۸)، تهران

مهندس متالوژی، محقق و مربی دوره‌های تفکر و یادگیری برای بچه‌ها، دبیر علمی مجموعه ۱۰ جلدی «قصه‌های تفکر برای کودکان» برای «انتشارات مدرسه»، مشاوره علمی قصه‌های تفکر و یادگیری و نشر قصه‌های فکری در «مجله رشد کودک»، مشاور علمی و مسئول موضوع‌های مرتبط با تفکر و یادگیری از طریق بازی و قصه در «مجله رشد جوان»، داور کتاب‌های جشنواره رشد، و مشاور علمی قصه‌های تفکر و یادگیری و مهارت‌های زندگی انتشارات «محراب قلم».



علیرضا متولی (۱۳۴۴)، تهران

کارشناسی روان‌شناسی، تدریس در حوزه‌های هنری و نویسندگی، عضو هیئت تحریریه «مجله کیهان بچه‌ها»، معاون بخش کودک و نوجوان «انتشارات امیرکبیر»، مدیرمسئول و سردبیر ماهنامه «مهتاب»، مدیرمسئول «انتشارات رویش» در حوزه کتاب کودک و نوجوان و در حال حاضر سردبیر رشد «آموزش ابتدایی»، با بیش از ۳۰ سال سابقه نویسندگی برای کودکان و نوجوانان. از جمله آثار ایشان، رمان «گرچه گور به قیر شده»، «سفرنامه باروت و بارون»، زندگی‌نامه‌های داستانی برخی مشاهیر، و شش جلد کتاب با موضوع «سبک زندگی» را می‌توان نام برد.



بیانیه گروه دآوری مهارت‌های زندگی، تفکر و سبک زندگی

باز شدن درهای ملل و فرهنگ‌ها بر روی یکدیگر، پدیده‌های نوظهور زندگی بشر در جهان معاصر، و مسائل و مشکلات روزافزون فراروی تربیت در جامعه جهانی و کشور ما، زنگ‌هایی هستند که اهمیت و ضرورت پرورش قوه اندیشه و آموزش مهارت‌های زندگی فردی و اجتماعی را در دنیای کنونی به ما گوشزد می‌کنند. تلاش‌هایی که در این راستا مدتی است آغاز شده‌اند، هرچند شایسته تحسین‌اند، اما هنوز به نتیجه مورد نظر نرسیده‌اند. وجود رشته‌ای باعنوان مهارت‌های زندگی، تفکر و سبک زندگی در جشنواره کتاب رشد، تلاشی هرچند اندک، از این گونه تلاش‌هاست. امسال ۶۲ عنوان کتاب در این رشته، امتیاز شرکت در جشنواره را کسب کرده بودند که از آن میان، ۴۰ کتاب ترجمه‌ای و سایر آثار تألیفی بودند. موضوع سه عنوان از این کتاب‌ها فلسفه برای کودکان بود.

از نقاط قوتی که کم‌وبیش و به نحو پراکنده در کتاب‌های این دوره وجود دارد، نگاه و بیان تازه در مورد موضوع، گرافیک بسیار خوب، تنوع مهارت‌های مورد پوشش کتاب‌ها (مجموعه)، پرداختن به خود (خودشناسی و مباحث مرتبط) به عنوان نوعی تفکر و نوعی مهارت، توجه به اصول و مراحل تربیت فکری، یا آموزش مهارتی از مهارت‌ها توسط مربی، و تلاش برای آموزش مهارت‌های ارتباطی و اخلاقی به کودکان توسط داستان بود. هرچند هر یک از این نقاط قوت در بیش از یک کتاب دیده نمی‌شد.

کم بودن آثار تألیفی نسبت به کتاب‌های ترجمه‌ای، سطحی و بازاری بودن بسیاری از کتاب‌های ترجمه‌شده یا تألیفی، استفاده از عنوان‌های نادرست دهان‌پرکن برای جلب مشتری، نداشتن منابع و مآخذ، ناهمخوانی با فرهنگ بومی در برخی از کتاب‌های ترجمه‌ای، نبود انسجام یا فصل‌بندی منطقی و مرتب، حتی در مورد آثار شایسته و قابل توجه، کلیشه‌ای بودن سؤال‌های مطرح‌شده در برخی از کتاب‌های آموزش مهارت‌ها یا فلسفه برای کودکان از نقاط ضعف کتاب‌ها بودند.

پیشنهادهای گروه داوران برای رفع نقص‌ها به این شرح است:

- ناشران یا مترجمانی که دغدغه پرورش نسل جوان را دارند، در انتخاب کتاب‌ها به همخوانی با فرهنگ بومی توجه کنند؛
- داستان‌های کهن، حکایت‌ها، شعرها، اندرزنامه‌ها، حدیث‌ها و سایر مظاهر ادبی فکری و اخلاقی مهارتی موجود در فرهنگ غنی اسلامی ایرانی، به زبان و شیوه‌ای نوین، تلفیقی و مطابق با نیازهای امروز به کار گرفته و بازنویسی شوند؛
- شیوه پرسش و پاسخ سقراطی نه شبه سقراطی در پرورش قوه تفکر و تأمل بسیار مؤثر است و به جاست که مورد توجه ویژه مؤلفان توانا در این زمینه قرار گیرد؛
- در عنوان‌های تألیفی یا ترجمه، امانتداری رعایت و منابع و مآخذ مورد استفاده کتاب به طور کامل قید شوند؛
- راهنما یا پیشگفتار روشنگری که خواننده و مخاطب را از سردرگمی نسبت به کتاب، محتوا یا نحوه کاربرد آن نجات دهد، در نظر گرفته شود.

گروه داورى مکانیک و مکاترونیک

محمد رضا نخعی امرودى (۱۳۶۵)، زرنند

دکترای مکانیک با ۱۰ سال سابقه تدریس در هنرستان، پژوهش‌سرا، دانشکده فنی و حرفه‌ای انقلاب اسلامی، دانشگاه غیرانتفاعی پارسیان و دانشگاه شهید رجایی، استاد راهنمای پروژه‌های خوارزمی و استاد مشاور پایان‌نامه‌های فوق‌لیسانس، مؤلف چهار کتاب درسی، از جمله «کاربرد فناوری نوین پایه یازدهم»، «دانش فنی تخصصی مکانیک موتورهای دریایی» و «نگهداری و تعمیر سامانه‌های رانشی کشتی»، رشته مکانیک موتورهای دریایی پایه دوازدهم»، و کتاب تخصصی «جوشکاری مکانیکی و جوشکاری اصطکاکی اغتشاشی و مدل‌سازی ترمو». «بررسی تجربی نیروی ماشین کاری اینکونل ۷۳۸ در شرایط خشک و با سیال خنک‌کننده» عنوان یکی از مقالات ایشان است.



حسین گنجی (۱۳۶۳)، تهران

کارشناسی ارشد مهندسی مکانیک و معاون فنی هنرستان در منطقه ۲، با ۱۳ سال سابقه تدریس درس‌های تخصصی رشته‌های مکانیک خودرو، نقشه‌کشی صنعتی، و ساخت و تولید در هنرستان‌های تهران. ایشان چهار دوره داور جشنواره خوارزمی و دو دوره داور جشنواره ایده‌های برتر بوده است.



بهروز خطیبی (۱۳۵۴)، تهران

دانشجوی کارشناسی ارشد تبدیل انرژی، عضو گروه تألیف و برنامه‌ریزی درسی رشته مکانیک خودرو، و کارشناس دفتر تألیف رشته مکانیک خودرو با ۱۸ سال سابقه هنرآموزی در هنرستان‌های تهران و هشت سال سرگروه آموزشی استان.



بیانیه گروه دآوری مکانیک و مکاترونیک

در دنیای کنونی که نام «دنیای صنعتی» را یدک می‌کشد، لزوم توجه به صنعت و رشته‌های فنی و مهارتی، به خصوص برای کشورهای در حال توسعه و همچنین ایران اسلامی که پیش‌بینی شده است در افق ۱۴۰۴ سرآمد کشورهای منطقه در حوزه‌های علمی و فناوری باشد، بیش از پیش احساس می‌شود. حوزه آموزش و به‌ویژه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، به علت جهش و پویایی همیشگی خود، نیازمند مشارکت همه‌جانبه اصحاب قلم، متخصصان، معلمان و دیگر دست‌اندرکاران حوزه صنعت و تعلیم و تربیت است. آموزش و پرورش نیز با تدوین و اجرای «سند تحول بنیادین» تلاش کرده است با رویکرد شایستگی‌محور، گامی مؤثر و هدفمند در این راه بردارد. در این راستا چند سالی است که رشته مکاترونیک در کنار رشته مکانیک، به‌عنوان یکی از شاخه‌های اصلی گروه صنعت، برای پاسخ‌گویی به رشد فزاینده فناوری پدید آمده است. با توجه به تغییر رویکرد آموزش، بدیهی است که این عرصه نیازمند منابع مکتوب و غیرمکتوب آموزشی است. گروه دآوری مکانیک و مکاترونیک، در جشنواره کتاب‌های آموزشی تربیتی رشد، در تلاش است با نگاه به برنامه درسی ملی به به‌گزینی آثار و همچنین شفاف‌سازی خط مشی برای تدوین منابع کمک‌آموزشی جدید بپردازد.

اگر چه با توجه به گسترده بودن منابع و موضوع‌های مرتبط با برنامه درسی گروه مکانیک و مکاترونیک، انتظار مشارکت بیشتری از ناشران و مؤلفان می‌رفت. با این حال از میان کتاب‌های ارسال شده در طول سال گذشته، ۷ کتاب به مرحله نهایی راه یافتند (۵ اثر تألیفی و ۲ اثر ترجمه). شاخص‌های زیر از اصلی‌ترین محورهای دآوری آثار بوده است:

- توجه به برنامه درسی، انسجام درونی و پوشش محتوایی کتاب درسی؛
- توجه به بارش فکری، پرورش خلاقیت، دست‌ورزی و دوری از محفوظات؛
- پرورش شایستگی‌های هدف، در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (مانند مسئولیت‌پذیری، مدیریت منابع، کسب حلال، کارآفرینی و ...)
- توجه به نقش معلم و تبیین نقش کتاب به‌عنوان راهبر و یا تسهیلگر آموزشی؛
- خلاقیت در ارائه و نوآوری در تألیف.

- گروه داوران برخورد واجب می‌داند تا به منظور کیفیت‌بخشی به منابع کمک‌آموزشی پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه دهد:
- گروه سنی مخاطبان در کتاب به روشنی مشخص شود (به‌خصوص در کتاب‌های ترجمه)؛
- خودآموز بودن یا همیار معلم بودن عموم کتاب‌ها به‌وضوح مشخص نیست (برخی کتاب‌ها برای سازمان‌دهی ذهنی مخاطب و ارتباط عمودی و افقی مطالب نیازمند معلم هستند) که باید مشخص شود؛
- در تألیف کتاب‌های فعالیت‌محور، به ظرفیت‌های سخت‌افزاری مدارس و محیط‌های اجرایی توجه شود (در صورت لزوم استفاده از ابزار خاص حتماً در ابتدای کتاب قید شود)؛
- با توجه به ماهیت درس‌های رشته‌های فنی-مهارتی در صورت امکان استفاده از ظرفیت‌های انتقال اطلاعات به صورت چندرسانه‌ای برای دستیابی به سطوح بالاتر یادگیری "بلوم" مد نظر قرار گیرد؛
- مثال‌ها، عناوین و تصاویر کتاب‌های ترجمه متناسب با فرهنگ و سبک زندگی ایرانی-اسلامی تغییر یابد.

گروه داورى نمایش، فیلم و سینما

منوچهر اکبرلو (۱۳۴۱)، تهران

دانش آموخته رشته پژوهش هنر در دوره کارشناسی ارشد و رشته کارگردانی در دوره کارشناسی، معلم، مدیر و کارشناس وزارت آموزش و پرورش، و بازنشسته این وزارتخانه. از مهم‌ترین سوابق اجرایی وی می‌توان به مدیریت مدرسه فیلم‌نامه‌نویسی حوزه هنری و مجری، نویسنده و کارشناس بیش از ۱۵ برنامه رادیویی و تلویزیونی، و تدریس در مراکز دانشگاهی اشاره کرد. ۷۲ عنوان کتاب تألیفی و ترجمه‌ای در حوزه ادبیات، تئاتر، سینما، دایرةالمعارف و نمایشنامه، سه دهه فعالیت مطبوعاتی، و ۱۰ مقاله پژوهشی حاصل تلاش ایشان است.



مهدی حامد سقاییان (۱۳۴۵)، تهران

دکترای تخصصی تئاتر، استادیار دانشگاه، داور همایش‌ها و جشنواره‌هایی چون «جشنواره تئاتر دفاع مقدس» و «جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر»، دبیر همایش علمی-پژوهشی تئاتر، دبیر دومین «سمینار بین‌المللی نمایش و دین» و بخش هنر نخستین «جشنواره ربع قرن کتاب دفاع مقدس»، عضو هیئت تحریریه مجله علمی «هنرهای زیبا»، و مدیر گروه کارگردانی و بازیگری دانشگاه تربیت مدرس. برگزاری کارگاه‌های آموزشی و سمینارها، کارگردانی و اجرای چند نمایش، کارگردانی نمایش تلویزیونی «سقوط سایه‌ها» و اجرای طرح‌های پژوهشی از دیگر فعالیت‌های ایشان است. وی بالغ بر ۲۹ مقاله تخصصی و ۱۰ جلد کتاب در سوابق علمی-پژوهشی خود دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به بازنویسی و تجدید چاپ کتاب «ریختارهای نمایش ایرانی» و چهار جلد «فرهنگ جامع تئاتر دفاع مقدس» اشاره کرد.



جواد رضاییان طرهبه (۱۳۴۹)، مشهد

کارشناسی ارشد تئاتر (گرایش ادبیات نمایشی)، سرپرست بخش انیمیشن و هنرآموز نمایش و انیمیشن هنرستان کمال‌الملک، مدرس ضمن خدمت، عضو گروه‌های آموزشی منطقه و دبیر هنر مدرسه‌های دوره اول متوسطه، داور شانزدهمین جشنواره نمایش عروسکی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، و نویسنده مقالات علمی در زمینه نمایش و برگزاری کارگاه آموزشی. ایشان نویسنده نمایش‌نامه‌های «بودن یا نبودن»، «اتل متل توتوله»، «پسرک فداکار»، «میهمان» و «سیب جادویی» است و کارگردانی نمایش‌نامه «هفت شهر عشق» در فرهنگ‌سرای خاوران، و اجراهای دانش‌آموزی «پترس»، «لطفاً از روی چمن عبور نکنید»، «سیب جادویی» و «نوشته بر سنگ» را برعهده داشته است.



بیانیه گروه داوری نمایش، فیلم و سینما

امروزه فیلم و تئاتر رسانه‌هایی مهم و تأثیرگذار در امر تعلیم و تربیت و فرهنگ‌سازی تلقی می‌شوند. به این سبب توجه به کتاب‌های این حوزه (چه نظری، چه آموزشی و چه متون نمایشی) الزامی به نظر می‌رسد.

در این دوره زمانی، مانند چند سال گذشته، شاهد رشد انتشارات در این حوزه هستیم؛ گرچه وضعیت اقتصادی ناشران، مشکلاتی را برای انتشار هرچه بیشتر آثار موجود به‌ویژه آثار تألیفی ایجاد کرده است.

از جمله نقاط قوت کتاب‌ها توجه به نیاز جامعه و علاقه‌مندان و هنرمندان تئاتر و سینماست که این آثار را مفید و قابل استفاده می‌کند. اما کم‌توجهی به نثر ویژه مخاطبان سنین پایین‌تر، کیفیت نامرغوب برخی کتاب‌ها و خلأ پژوهشی و آموزشی در برخی زیرشاخه‌های تئاتر و سینما، از جمله نقاط ضعف این آثار به شمار می‌روند.

به‌منظور برگزاری هرچه بهتر جشنواره موارد زیر را پیشنهاد می‌کنیم:

- اطلاع‌رسانی هرچه بیشتر و بهتر فراخوان جشنواره برای حضور کامل‌تر آثار منتشر شده در این حوزه؛
- ایجاد انگیزه در نویسندگان نمایشی برای انتشار بیشتر آثار خود؛
- تشکیل جلسات هم‌اندیشی با حضور آثار برتر و بررسی راه‌های ارتقای سطح کتاب‌های این حوزه.

گروه داورى هنرهای تجسمى و مباحث عمومى هنر

سیدهمایون موسوی (۱۳۵۰)، نویسرکان

کارشناسی ارشد نقاشی، عضو کمیسیون تخصصی تألیف ۱۰ عنوان کتاب درسی و راهنمای معلم دوره فنی و حرفه‌ای گروه هنر، مجری چند پژوهش در دفتر تألیف فنی و حرفه‌ای، و نیز تألیف کتاب درسی «کارگاه چاپ دستی (۱)» فنی و حرفه‌ای متوسطه، سرگروه آموزشی استان تهران، داور جشنواره شرکت‌های آموزشی و تربیتی و داور جشنواره تجسمی و مسابقات علمی و عملی، با بیش از ۲۵ سال سابقه خدمت در آموزش و پرورش.



رضا صفری (۱۳۵۳)، جلفا

دکترای فلسفه هنر، عضو هیئت علمی دانشکده هنر دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز، مدرس دانشگاه سوره و دانشکده هنر و معماری، مشاور رئیس پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی در نشست‌های تخصصی فرهنگی هنری و نشریات تخصصی فرهنگ و هنر، تهیه‌کننده و مجری برنامه «نگاه بلند به فیلم کوتاه»، مدیر دفتر نشریات تخصصی پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی سال ۱۳۸۲، دبیر تحریریه و مدیر داخلی نشریه فرهنگی-هنری «نیوار»، و معاون مرکز خلاقیت‌های هنری پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی. وی نویسنده و کارگردان چند فیلم، از جمله فیلم سینمایی «سهم گمشده»، مستند «نقاشان مسلمان آذربایجان» و مستند «گزارشی از شاعر معاصر، مفتون امینی» است.



سمیه نسیم‌صفت (۱۳۶۰)، قم

کارشناسی گرافیک و کارشناسی ارشد فلسفه هنر، هنرآموز هنرستان‌ها و عضو کمیسیون تخصصی تألیف کتاب‌های درسی رشته گرافیک، مؤلف بخش اول کتاب «تصویرسازی آموزشی تایپوگرافی» برای رشته فتوگرافیک، تدوین و گردآوری مطالب تخصصی مربوط به رشته فتوگرافیک برای «کتاب همراه هنرجو»، گردآوری و تدوین فصل پنجم کتاب «دانش فنی» رشته فتوگرافیک، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده فنی شریعتی، آموزشکده فنی دختران قم و دانشگاه علمی-کاربردی، و داور بخش گرافیک و عکاسی چند جشنواره در قم.



بیانیه گروه دآوری هنرهای تجسمی و مباحث عمومی هنر

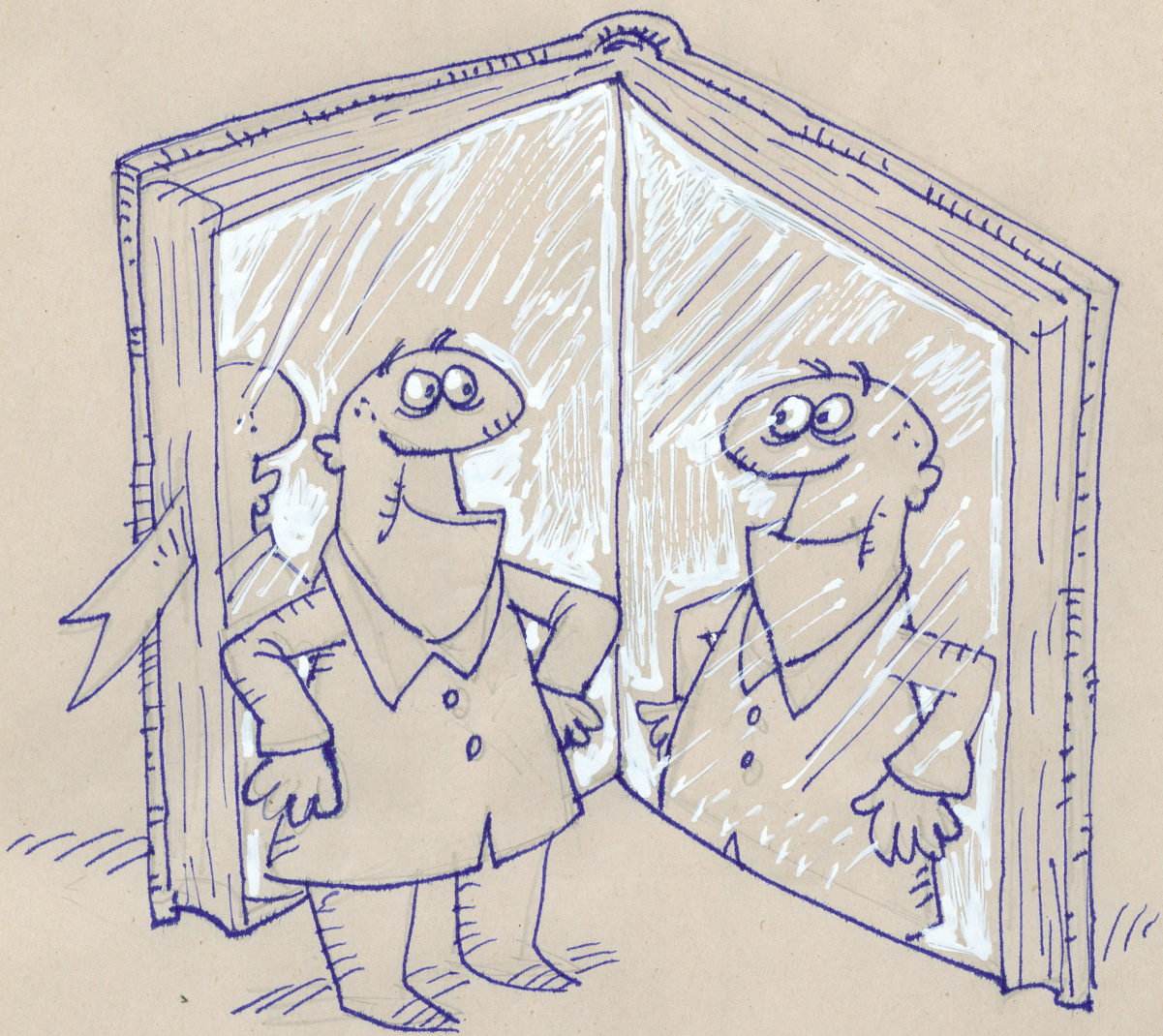
امروزه رسالت هنر و آثار هنری بر هیچ کس پوشیده نیست. هنرگاه آگاهی دهنده است و گاه التیام بخش. وجه روشنگری آن زمانی بارز می شود که انسان را از جهل می رها کند و به سوی دانایی و آگاهی رهنمون می شود. از جنبه دیگر نیز می تواند مشکلات و آلام و رنج های بشری را کاهش دهد و تسهیل کننده زندگی و مسائل بی شمار آن باشد. در این میان، سهم کتاب های هنری نیز در رسیدن به این هدف ها قابل توجه است.

با توجه به انتشار تعداد قابل ملاحظه ای کتاب هنری در هر سال، شرکت تعداد محدودی از ناشران کتاب های هنری در این جشنواره که اغلب از ناشران مطرح و برگزیده کتاب های هنری هم نیستند، موضوعی است که باید بررسی شود. شرکت فقط ۱۷ عنوان کتاب که حدود ۳۵ درصد آن هم متعلق به یک ناشر است، آمار رضایت بخشی برای یک جشنواره در سطح کشوری نیست. با توجه به این مهم، بسیاری از کتاب های منتشر شده در زمینه هنر از دید داوران این گروه پوشیده مانده اند و در نهایت انتخاب کتاب برگزیده را با چالش روبه رو خواهند کرد. زیرا بسیاری از مدیران به منظور تهیه بهترین کتاب های این حوزه برای مدرسه ها به فهرست منتشر شده توسط این جشنواره رجوع خواهند کرد که نتیجه آن خیلی کامل و دقیق نخواهد بود.

از یک طرف، میان کتاب های راه یافته به این جشنواره، بعضی کتاب های تألیفی از سطح قابل قبولی برخوردار بودند که دلیل آن در نظر گرفتن شرایط بومی و فرهنگی و همچنین متناسب بودن کتاب ها با سطح مخاطبان آن ها بوده است. از طرف دیگر، بسیاری از کتاب ها ترجمه کتاب های خارجی بودند که هر ساله شمار بسیاری از آن ها در زمینه هایی مانند عکاسی و صفحه آرایی با تفاوت اندک از نظر سطح علمی و فنی، ترجمه و چاپ شده اند و تکرار مکررات محسوب می شوند.

لازم به ذکر است، با بررسی های انجام شده نتیجه می گیریم، این دوره از جشنواره کتاب رشد پوشش دهی مناسب و کافی از نظر کمی و کیفی (با توجه به کتاب های منتشر شده در بازار کتاب ایران) نداشته که دلیل آن ممکن است بی اطلاعی ناشران و مؤلفان مطرح در زمینه هنری یا رغبت نداشتن آن ها به شرکت در جشنواره باشد. پیشنهاد هیئت داوران گروه هنرهای تجسمی این است که دبیرخانه جشنواره بررسی های لازم را به عمل آورد و در صورت امکان، زمینه شرکت ناشران بیشتری را فراهم کند. همچنین پیشنهاد هیئت داوران برای ناشران و پدیدآورندگان کتاب ها، توجه بیشتر به سطح علمی و محتوایی کتاب ها و در نظر گرفتن ظاهر مناسب کتاب از نظر گرافیک، کیفیت چاپ و صحافی است.

در پایان این گروه مراتب تقدیر و تشکر خود را از دبیرخانه جشنواره کتاب رشد اعلام می دارد و برای همه عزیزان توفیق روزافزون خواستار است.



Zii
9V



تا مرز برگزیدگی

شانزدهمین جشنواره کتاب رشد در واقع رقابتی است بین ۴۹۰۵ کتاب که در سال ۱۳۹۶ به دبیرخانه سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی ارسال شده است. از این تعداد ۲۴۵۷ عنوان از خان نخست گذشتند و عنوان کتاب مناسب را اخذ کردند؛ اما فقط ۱۰۹۹ عنوان کتاب امتیاز کافی را از ارزیابان برای ورود به رقابت‌های جشنواره شانزدهم کسب کردند و به گروه‌های داوری سی‌گانه راه یافتند.

در بین گروه‌های داوری، داستان کودک (دوره ابتدایی) همانند سال گذشته پرکارترین گروه داوری بود. داوران این گروه باید کتاب منتخب خود را از بین ۱۵۳ عنوان کتاب برمی‌گزیدند. گروه پیش‌دبستانی: کتاب‌های داستانی با ۱۳۱ عنوان، داستان نوجوان و بزرگسال (دوره متوسطه و معلمان) با ۷۷ عنوان و زبان و ادبیات فارسی با ۷۳ عنوان کتاب گروه‌های داوری بعدی با بیش‌ترین تعداد کتاب بودند.

داوران محترم، بر اساس میانگین امتیاز به دست آمده و سهمیه در نظر گرفته شده از جوایز، در هر گروه تعدادی از کتاب‌ها را به عنوان نامزد معرفی کرده‌اند که طبعاً در مرحله پایانی کتاب یا کتاب‌های برتر خود را از میان آن‌ها خواهند گزید.

به‌طور کلی در این دوره ۱۲۳ عنوان کتاب از ۶۰ ناشر نامزد دریافت جایزه شده‌اند که مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان با ۱۸، مؤسسه فرهنگی فاطمی با ۱۰ و دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی با ۵ نامزد در صدر قرار دارند و آوای نور و دفتر نشر فرهنگ اسلامی هر دو با ۴ نامزد در جایگاه بعدی قرار گرفته‌اند. در بین ناشران ۹ ناشر ۳ و ۹ ناشر ۲ عنوان نامزد دارند. ۳۷ ناشر نیز به یک عنوان نامزد بسنده کرده‌اند.

گفتنی است از آثار نامزد شده ۳۹ عنوان ترجمه و بقیه تألیفی‌اند.

در گروه داوران ریاضی و مکانیک و مکاترونیک به معرفی دو کتاب کفایت شده است. گروه داوران شیمی نیز تنها گروهی است که در این دوره از جشنواره هیچ کتابی را برای دریافت جایزه نامزد نکرده است.

دبیرخانه شانزدهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد



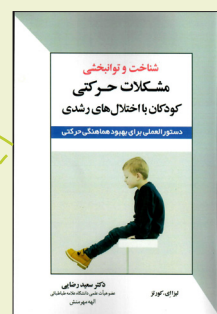
تحریک حسی: فعالیت‌های متمرکز بر حواس برای افراد دچار معلولیت جسمی و چندمعلولیتی. سوزان فاوذر. ترجمه: رضا متقیانی. تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان



تأثیر درمانی در کودکان و نوجوانان مبتلا به اوتیسم (راهنمای والدین و مربیان) و راهنمای عملی برنامه هنر برای خانواده‌های کودکان مبتلا به اختلال‌های طیف اوتیسم. کاوه مقدم. تهران: وانی



راهنمای عملی روان‌درمانی مثبت‌نگر ویژه درمانگران و مشاوران. مهدی خانجانی. تهران: آوای نور



شناخت و توانبخشی مشکلات حرکتی کودکان با اختلال‌های رشدی دستورالعملی برای بهبود هماهنگی حرکتی. لیلا ای کورتز. ترجمه: سعید رضایی / الهه مهرمنش. تهران: آوای نور



۱۰۱ بازی برای آرام سازی کودکان. یافتن صلح و آرامش در میان جمع. الیسون بارتل. ترجمه: سیدعلی دریانی / مریم رنجبر. تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان



بازی های گروهی: ۱۰۱ بازی مهارت های زندگی. برنی بیدگروبر. ترجمه: منوچهر اکبرلو. تهران: صابرین



مجموعه سه جلدی بازی با ابزارهای ساده: بازی های چوب، بازی های سنگ و بازی های طناب. معصومه پورطاهریان. تهران: شهر قلم

پیش دبستانی: کتاب‌های آموزشی



مجموعه کتاب‌های کودک، مربی: از خانه تا مدرسه. سید داوود میرشفیعی لنگری / کلثوم تیرگری / طاهره کاظمیان / خدیجه وفادار / سیده مرضیه شجاعی لنگری. تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان



تربیت دینی کودکان پیش دبستانی: ارائه الگویی برای برنامه درسی تربیت دینی کودکان، برنامه فعالیت والدین و مربیان. مرضیه نوذری / بابک شمشیری. تهران: آوای نور



راهنمای بسته آموزشی کارکردهای اجرایی توجه و تمرکز (ویژه مربیان). گروه روان‌شناسان سوفا / علیرضا سبقتی / سحر شریعتی. تهران: سوفا



کارگاه هنر برای کودکان: ۵۲ تمرین جذاب برای کودکان. سوزان شویک. ترجمه: جمال‌الدین اکرمی / مینا مانی‌قلم. تهران: شرکت انتشارات ویژه نشر



کاملیا آشپزی می‌کند و کاملیا می‌خواهد تلویزیون نگاه کند. الین دوپتینی. ترجمه: آمنه امیرخانی. اصفهان: نوشته



مجموعه سه جلدی: ماجراهای ریحانه و پیشی کوچولو. معصومه یزدانی. تهران: شرکت انتشارات فنی ایران



نخستین بازی‌های شاد و کودکانه: ۱۸۵ بازی و سرگرمی برای بچه‌های سه‌ماهه تا سه‌ساله به همراه روش‌ها و راهنمایی‌های مفید در ایجاد انگیزه برای خردسالان. آلموت بارتل. ترجمه: لی لا لفظی. تهران: ذکر

پیش دبستانی: کتاب‌های داستانی



بفرما آب انار. مریم هاشم پور.
تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان



صدای چی بود؟: تق و تق و تق و تق رو چوبه نجاره میخ
می کوبه. زهرا موسوی. تهران: افق



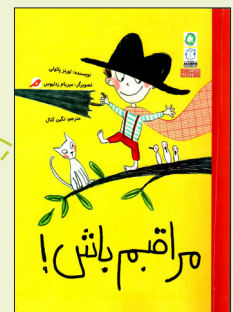
مجموعه پنج جلدی ترانه‌های نیایش. مصطفی
رحمان دوست. تهران: افق



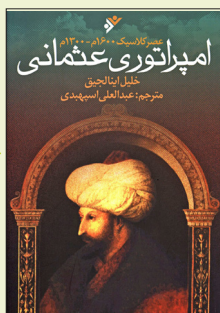
مجموعه هفت جلدی دوست داری... باشی؟ لاله
جعفری. تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان



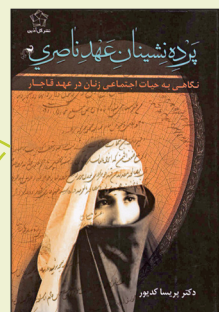
مجموعه هفت جلدی گیلی گیلی. سوسن طاقدیس.
تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان



مراقبم باش! لورنز پائولی. ترجمه: نگین کتال. تهران:
مبتکران



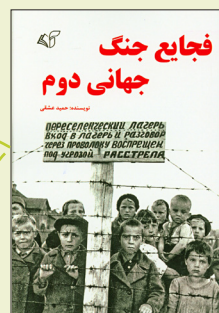
امپراتوری عثمانی: عصر کلاسیک ۱۶۰۰م-۱۳۰۰م.
خلیل اینالجیق. ترجمه: عبدالعلی اسپهبدی. تهران:
دفتر نشر فرهنگ اسلامی



پرده‌نشینان عهد ناصری: نگاهی به حیات اجتماعی
زنان در عهد قاجار. پریسا کدیور. تهران: گل آذین



تاریخ و تحول نشر: درآمدی به بررسی نشر کتاب در
ایران از آغاز تا آستانه انقلاب. عبدالحسین آذرنگ.
تهران: مؤسسه خانه کتاب



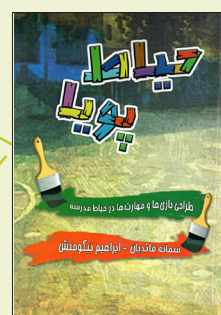
فجایع جنگ جهانی دوم. حمید عشقی. تهران:
مؤسسه فرهنگی آرمان رشد / ابر و باد



مجموعه هفت جلدی: قطره و دریا. ناصر نادری /
محمد رضا بایرامی / بهناز بشیری / حسین فتاحی /
محمد رضا یوسفی / امیر حسین فردی / محمد رضا
شمس. تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان



تحلیل یاددهی و یادگیری در تربیت بدنی. ماری لو
ویل / ویلیام جی اندرسون. ترجمه: جواد آزمون /
محمود عیوضی. تهران: سمت



حیات پویا: طراحی بازی‌ها و مهارت‌ها در حیات
مدرسه. سمانه قائدیان / ابراهیم نیکومنش. قم:
سلسله



پول، خدا، بچه‌ها. غلامرضا حیدری ابهری. قم: جمال



مجموعه دوست عزیزم خدا. سید محمد مهاجرانی.
قم: کتابک



مجموعه ستاره‌های دوست داشتنی. محسن هجری.
تهران: شهر قلم



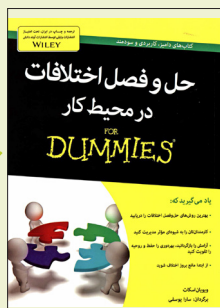
مجموعه کودکان می‌پرسند: ۱۹۶ پرسش و پاسخ.
غلامرضا حیدری ابهری. تهران: قدیانی



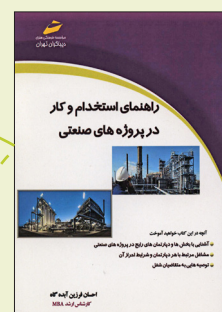
ما فرشته‌ها. غلامرضا حیدری ابهری. قم: جمال



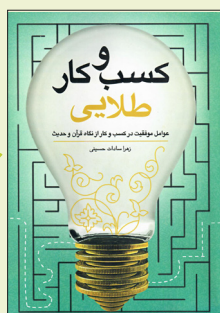
همیار معّلم: روش‌های نوین تدریس. حمید قلندریان /
طیبه خواجه بیدختی. مشهد: چشمه سخن



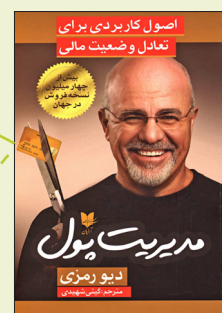
حل و فصل اختلافات در محیط کار For Dummies.
ویویان اسکات. ترجمه: سارا یوسفی. تهران: آوند دانش



راهنمای استخدام و کار در پروژه های صنعتی.
احسان فرزین آبداه. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری دیباگران تهران



کسب و کار طلایی. زهرا سادات حسینی. قم: جمال



مدیریت پول: اصول کاربردی برای تعادل وضعیت مالی.
دیو رمزی. ترجمه: گیتی شهیدی. تهران: آرایان



اردوی بچه خرخون ها. الیسا برنت وایسمن. ترجمه:
هدا نژادحسینیان. تهران: پرتقال



داستان لئو. مک بارت. ترجمه: کیوان عبیدی
آشتیانی. تهران: مؤسسه فرهنگی فاطمی



سر بالایی و سر پایی. محمدرضا شمس. تهران:
مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان



قصه پیرزنی که دلش می خواست تمیزترین خانه دنیا
را داشته باشد. شکور لطفی. تهران: شهر قلم



من مترسکم ولی می ترسم. احمد اکبرپور. تهران:
مؤسسه فرهنگی فاطمی



همه ما شگفت انگیزیم! آ. جی پالاسیو. ترجمه:
شبیم حیدری پور. تهران: پرتقال

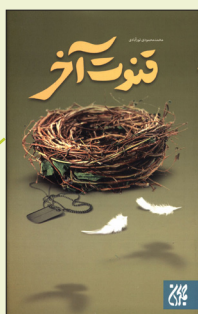
داستان نوجوان و بزرگسال



باد و کاه. محمدرضا بایرامی. تهران: کتاب نیستان



ستاره. محدثه گودرزنیآ. تهران: پیدایش



قنوت آخر. محمد محمودی نور آبادی. قم: کتاب جمکران



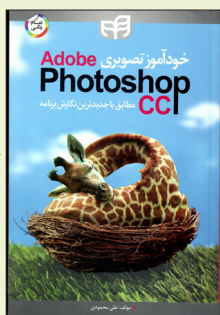
نجات الاغ. فاطمه دهقان نیری. تهران: محراب قلم



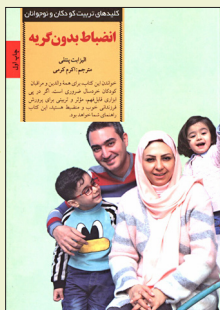
آموزش طراحی و تصویرسازی هنری با ادوبی
ایلوستریتور CC ۲۰۱۸. امید باوی /
سعید گودرز. تهران: نارک / دانشگاهی کیان



مرجع کامل 3ds Max Autodesk ۲۰۱۸. علی
محمودی. تهران: دانشگاهی کیان



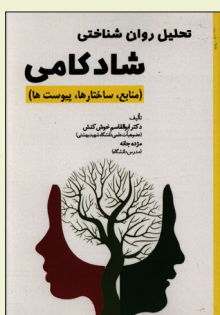
خودآموز تصویری Adobe Photoshop CC. علی
محمودی. تهران: دانشگاهی کیان



انضباط بدون گریه: راهکارهایی ملایم برای تشویق رفتار خوب بدون نق زدن کج خلقی و گریه کردن. الیزابت پنتلی. ترجمه: اکرم کرمی. تهران: صابرین



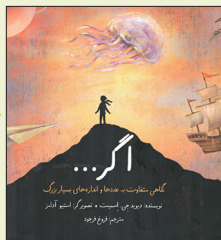
روان‌شناسی اخلاق. سید مهدی موسوی اصل / مسعود آذربایجانی / مهدی علیزاده / محمدرضا جهانگیرزاده / محمדתقی تبیک. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه



تحلیل روان‌شناختی شادکامی: منابع، ساختارها، پیوست‌ها. ابوالقاسم خوش‌کنش / مزده جان. تهران: آوای نور



هنر گوش دادن. مایکل پی نیکولز. ترجمه: روح‌الله میرزاآقاسی. تهران: دانش‌آفرین / رشد اندیشه

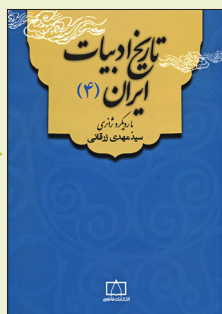


اگر... نگاهی متفاوت به عددها و اندازه‌های بسیار
بزرگ. دیوید. جی اسمیت. ترجمه: فروغ فرجود.
تهران: مؤسسه فرهنگی فاطمی

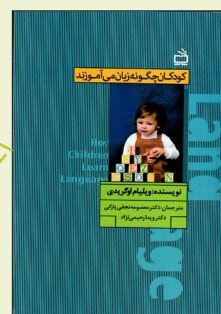


ریاضیات لعنتی: آلیس در سرزمین اعداد. کارلو
فرابتی. ترجمه: لیلا مینایی. تهران: مؤسسه فرهنگی
فاطمی





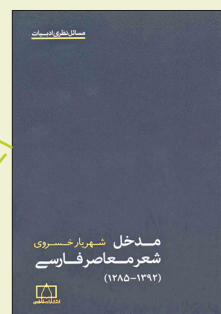
تاریخ ادبیات ایران (۴) با رویکرد ژانری. سید مهدی زرقانی. تهران: مؤسسه فرهنگی فاطمی



کودکان چگونه زبان می آموزند. ویلیام اوگرییدی. ترجمه: معصومه نجفی پاژکی / ویدا رحیمی نژاد. تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان



لذت خواندن، شوق جست و جو، ویژه دانش آموزان پایه های هفتم و هشتم. مرتضی مجدفر / مینو طاهری. تهران: مرآت



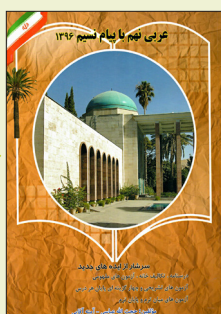
مدخل شعر معاصر فارسی (۱۲۸۵-۱۳۹۲). شهریار خسروی. تهران: مؤسسه فرهنگی فاطمی



آموزش مبادی العربیه به روش دسته‌بندی و نمودار.
مجتبی رحماندوست. تهران: دفتر نشر فرهنگ
اسلامی



عربی پایه کنکور. علی فقه کریمی / محمدامین
شاصنم. تهران: بین‌المللی گاج



عربی پایه نهم پیام نسیم دوره متوسطه اول.
حجت‌الله عباسی رشیدآبادی / آمنه آقایی / عصمت
پارسائیان.:: حجت‌الله عباسی



کار و تمرین عربی (۲) پایه یازدهم ریاضی و فیزیک،
علوم تجربی. مهدی پرکاری. تهران: گل‌واژه



دانشنامه بدن انسان. ریچارد واکر. ترجمه: امیر صالحی طالقانی. تهران: پیام آزادی



شگفتی‌های بدن انسان. فابین کاسان. ترجمه: فواد والی / امیر صالحی طالقانی. تهران: پیام آزادی



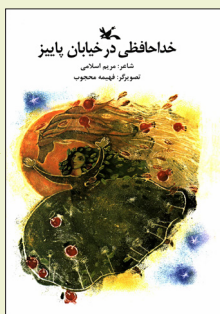
شگفتی‌های بدن: سفری شگفت‌انگیز به ساختمان بدن انسان. ریچارد واکر. ترجمه: لادن خانلری. تهران: پیام بهاران



از فاطمه به فاطمه (س): ۲۰ شعر درباره معصوم سوم.
شکوه قاسمنیا. تهران: قدیانی



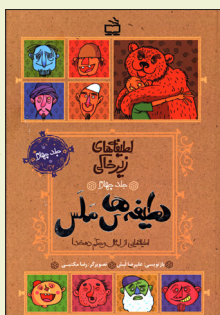
اشک درخت دراوود. مریم هاشمپور. تهران: شرکت
انتشارات فنی ایران



خداحافظی در خیابان پاییز. مریم اسلامی. تهران:
کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان



سوغاتی. مهری ماهوتی. تهران: دفتر نشر فرهنگ
اسلامی



لطیفه‌های ملس: لطیفه‌هایی از امثال و حکم دهخدا.
علی‌رضا لبش. تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان



مجموعه یادداشت‌های یک نویسنده. امیرحسین
فردی. تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان



اگر پاهای شما شبیه پاهای حیوانات بود!؟. ساندرا مارکل. ترجمه: ندا رضوان. تهران: تیمورزاده



آتش نشان‌ها. کتی فرانکو. ترجمه: مهناز عسگری. تهران: محراب قلم



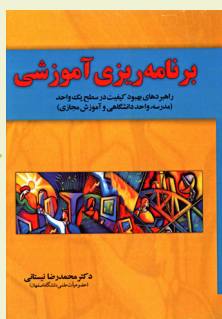
آسان بر فضایی (آشنایی با فناوری نانو). سمانه علی‌رضازاده باقری. تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان



بالی، برو کلی باهوش: چرا باید غذای سالم بخوریم؟. یولیا فلمرت. ترجمه: لیلا علی اکبری. تهران: ابوعطا



دانشنامه اکسفورد علم و تکنولوژی. هیئت علمی دانشگاه آکسفورد. ترجمه: سید حسین ایرایی. تهران: پیام بهاران



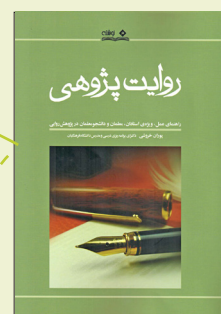
برنامه‌ریزی آموزشی: راهبردهای بهبود کیفیت در سطح واحد آموزشی (مدرسه، دانشگاه، آموزش مجازی). محمد رضا نیستانی. اصفهان: یار مانا



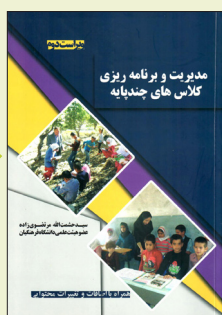
برنامه‌ریزی درسی کلاس‌های چندپایه. صمد صمدیان. تبریز: بوی جوی مولیان



پرواز پروانه‌های سنجاق‌شده. فاطمه صبری / نگار خسروی. تهران: اندیشه افرینش



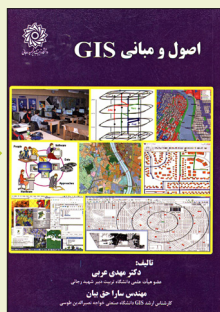
روایت پژوهی: (راهنمای عمل، ویژه استادان، معلمان و دانشجو معلمان در پژوهش‌روایی). پوران خروشی. اصفهان: نوشته



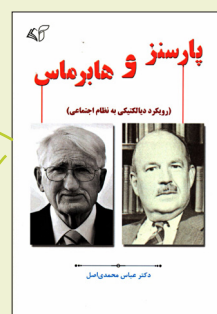
مدیریت و برنامه‌ریزی کلاس‌های چندپایه. سیدحسین‌الله مرتضوی‌زاده. تهران: مؤسسه کورش چاپ



والدین، قطعاً تأثیرگذارند: چگونه کودکانی تربیت کنیم که شخصیتی به خود متکی، مصمم و مهربان داشته باشند. میشل بریا. ترجمه: ستاره بابایی. تهران: صابرین



اصول و مبانی GIS. مهدی عربی / سارا حق‌بیان.
تهران: دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی



پارسنز و هابرماس (رویکرد دیالکتیکی به نظام اجتماعی). عباس محمدی اصل. تهران: مؤسسه فرهنگی آرمان رشد



تبریزین نادر. ابوالقاسم فیض آبادی. تهران: نخستین



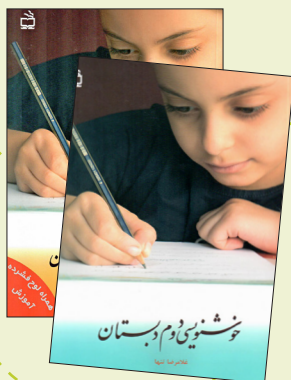
راهنمای حقوقی شهروندان (جلد اول و دوم). محسن اسماعیلی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی



آب، کاغذ، رنگ: خلاقیت با آبرنگ و مواد ترکیبی.
هیثر اسمیت جونز. ترجمه: گلناز کشاورز. تهران:
شرکت انتشارات ویژه نشر



لویی، برای من یک بشقاب پرنده نقاشی کن. یووس
گات. ترجمه: آیدین عمیق. تهران: پیام آزادی



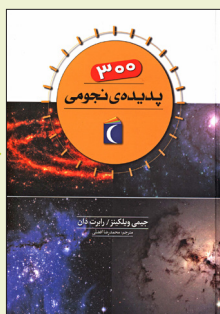
مجموعه خوش نویسی (اول، دوم و سوم دبستان).
غلامرضا تنها. تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان



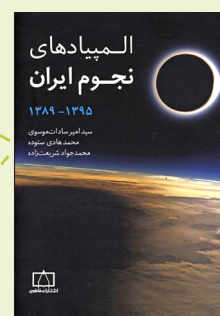
مجموعه دو جلدی: کتاب طراحی خلاق هنرمند
کوچولو. فیلیپ وشر / آنکل کوهل. ترجمه: غزل
جاودانی. تهران: حوض نقره



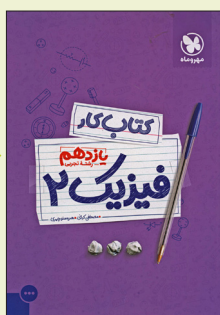
مجموعه شنیدم می خواهی نقاشی کنی (۱-۳).
نیکلاس کتلو. ترجمه: باربد بکان. تهران: حوض نقره



۳۰۰ پدیده نجومی. جیمی ویلکینز / رابرت دان.
ترجمه: محمدرضا افضلی. تهران: محراب قلم



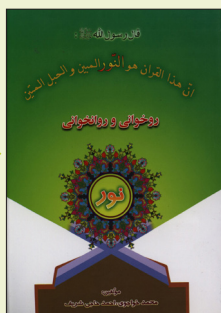
المیادهای نجوم ایران ۱۳۸۹ - ۱۳۹۵. سیدامیر
سادات موسوی / محمدحادی ستوده / محمدجواد
شریعت‌زاده. تهران: مؤسسه فرهنگی فاطمی



کتاب آموزش و کار فیزیک ۲ یازدهم رشته تجربی.
مصطفی کیانی / هدیه منوچهری. تهران: مهر و ماه نو



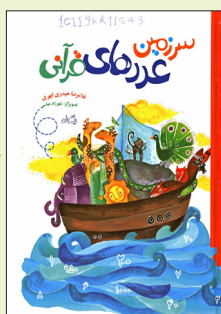
کتاب کار و تمرین فیزیک (۲) پایه یازدهم، ریاضی و
تجربی. مهرناز طلوع شمس / مهدی سینائیان / حمید
فدائی فرد. تهران: مرآت



آموزش روخوانی و روان خوانی قرآن کریم نور. محمد
خواجوی / احمد حاجی شریف. تهران: پیام بهاران



حضرت یوسف علیه السلام. ناصر نادری. تهران:
مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان



سرزمین عرعرهای قرآنی. غلامرضا حیدری ابهری.
تهران: کتاب نیستان



مجموعه هشت جلدی: یک داستان تخیلی با مفاهیم
قرآنی. کلر ژوبرت. تهران: به نشر



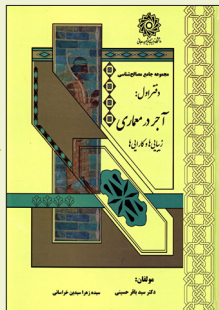
مادر خلاق، کودک خلاق. معصومه نیکبخت. تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان



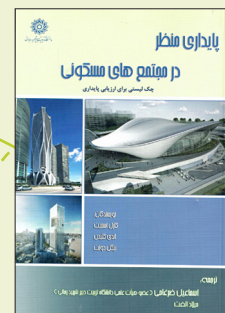
مجموعه رایانه (برای اول تا سوم دبستان). هما ملک. تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان



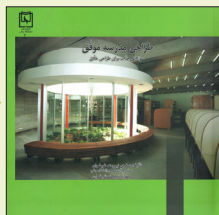
مجموعه معماهای بیراس: در مفاهیم علوم رایانه و تفکر رایانشی (گام اول تا گام سوم). ترجمه: امیرمحمد جذبی. تهران: مؤسسه فرهنگی فاطمی



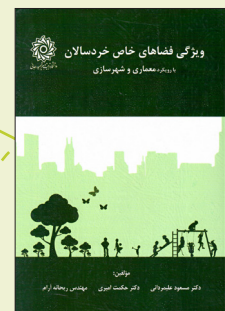
آجر در معماری، زیبایی‌ها و کارایی‌ها. سیدباقر حسینی / سیده زهرا سیدین خراسانی. تهران: دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی



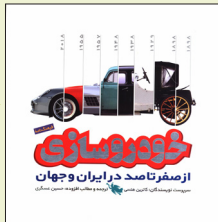
پایداری منظر در مجتمع‌های مسکونی: چک‌لیستی برای ارزیابی پایداری. کارل اسمیت. ترجمه: اسماعیل ضرغامی / میلاد الفت. تهران: دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی



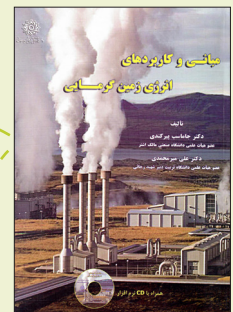
طراحی مدرسه موفق: سؤالاتی جذاب برای طراحی. خلاقانه. صغری نیرومند شیشوان / مهدیه نیرومند شیشوان. بناب: دانشگاه بناب



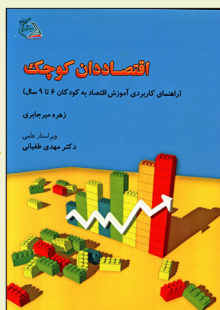
ویژگی فضاهای خاص خردسالان با رویکرد معماری و شهرسازی. مسعود علی‌مردانی / حکمت امیری / ریحانه آرام. تهران: دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی



خودروسازی از صفر تا صد در ایران و جهان. کاترین
هنسی. ترجمه: حسین عسگری. تهران: طلایی



مبانی و کاربردهای انرژی زمین گرمایی. جاماسب
پیرکندی / علی میرمحمدی. تهران: دانشگاه تربیت
دبیر شهید رجائی



اقتصاددان کوچک: راهنمای کاربردی آموزش به کودکان ۶ تا ۹ سال. زهره میرجابری. اصفهان: مفتاح حکیم



بازی و فراغت به مثابه خلاقیت و معنویت (چگونه جدی نباشیم!). عبدالعظیم کریمی. تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان



راهنمای کلاسی فلسفه برای کودکان سال‌های اول دوره ابتدایی: فلسفه‌ورزی با کتاب‌های تصویری. فیلیپ کم. ترجمه: فرزانه شهرتاش. تهران: شهرتاش



شاید سیب باشد. شینسوک یوشی‌تکه. ترجمه: رضی هیرمندی. تهران: افق



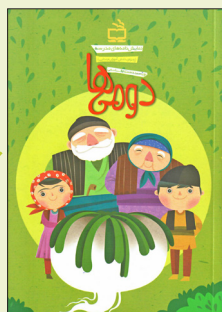
مجموعه کتاب‌های چهار جلدی ده فرمان. علی اصغر سوادکوهی. اصفهان: نوشته



آماده سازی استوری برد. نانسی بید. ترجمه: ناصر گل محمدی. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان



خرگوش باهوش و دو قصه نمایشی دیگر از کلیله و دمنه. حسین فدایی حسین. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان



نمایش نامه های مدرسه: دومی ها. مسلم قاسمی. تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان



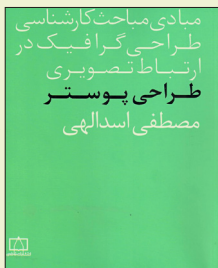
نمایش مرموز. مجید درخشانی. تهران: عابد



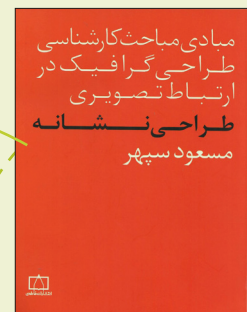
فرهنگ نامه هنر. محمد شمخانی. تهران: طلایی



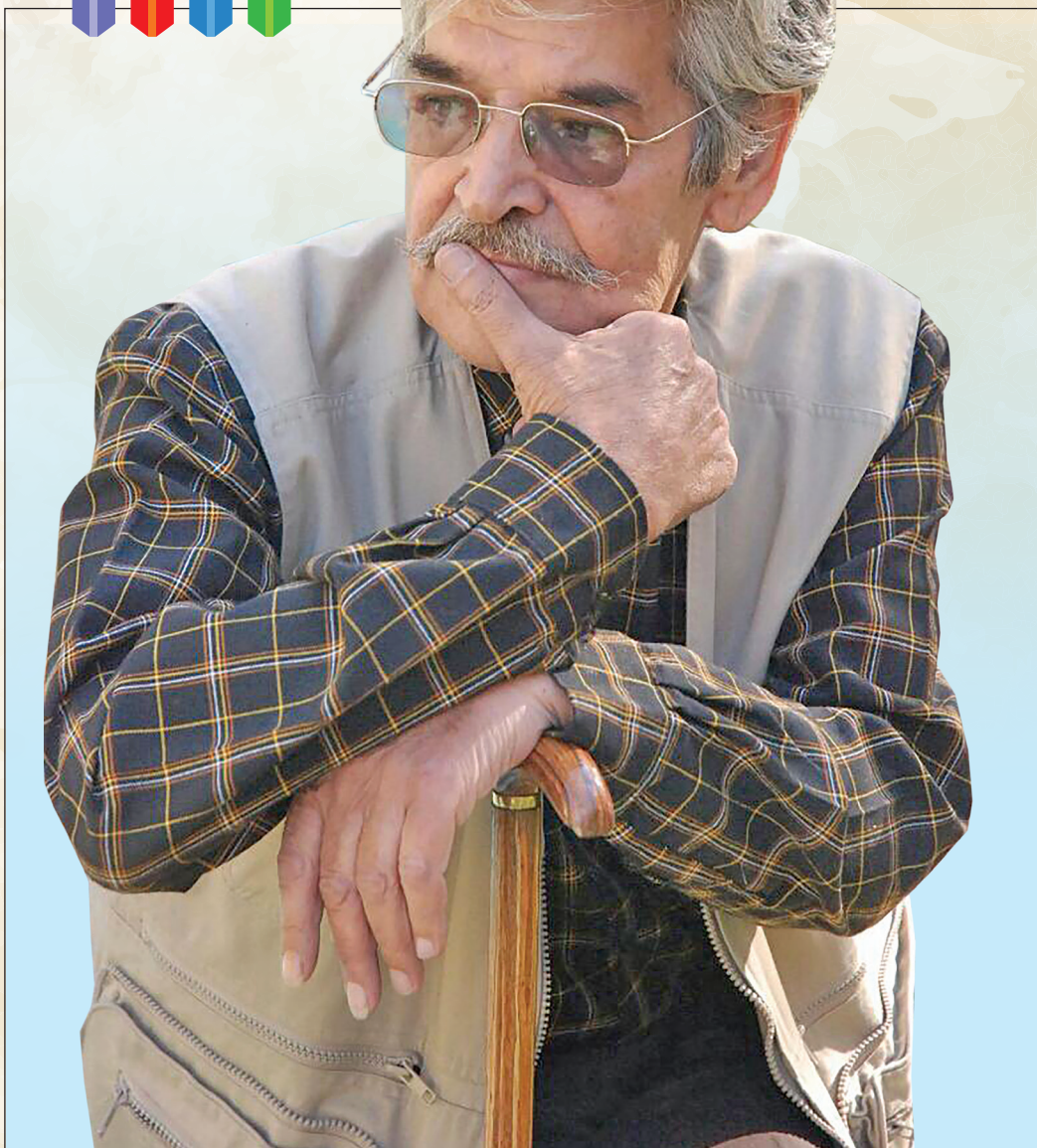
کتاب کار و تمرین طراحی لباس. فاطمه آذرباش /
فاطمه نوریان کفشگری / جمیله خدیوی بروجنی /
ماهرخ علی پناه لو. تهران: ویستادر



مبایده مباحث کارشناسی طراحی گرافیک در ارتباط
تصویری: طراحی پوستر. مصطفی اسدالهی. تهران:
مؤسسه فرهنگی فاطمی



مبایده مباحث کارشناسی طراحی گرافیک در
ارتباط تصویری: طراحی نشانه. مسعود سپهر. تهران:
مؤسسه فرهنگی فاطمی



صندوقي

صادق یادبود

(۱۳۹۷-۱۳۲۱)

بکوشش محبت الله همتی

آدم خود ساخته‌ای بود

یادداشتی از دکتر حسین معصومی همدانی

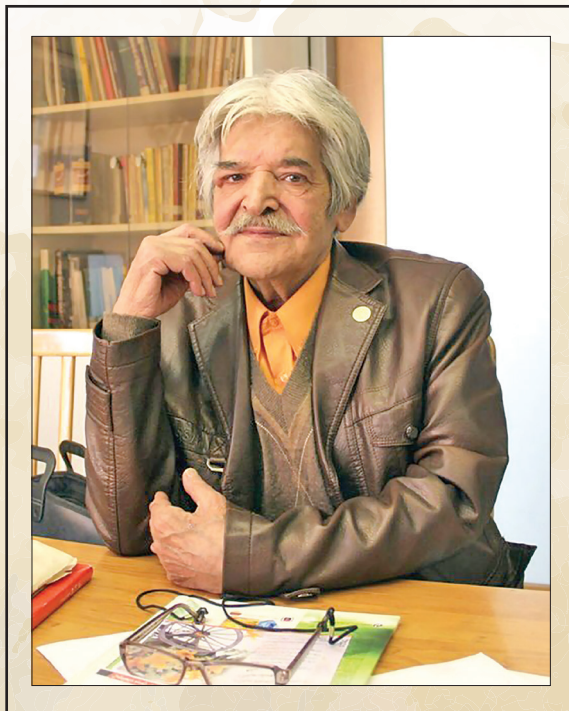
صادق صندوقی همدانی بود. هم مدرسه من بود. در دبیرستان ابن سینا که تا کلاس نهم بیشتر نداشت؛ و او که یک سال از ما جلوتر بود وقتی کلاس نهم را تمام کرد از آن مدرسه رفت. من هم سال نهم را در آن مدرسه نبودم، صندوقی اما از همان وقت نقاشی اش خوب بود. برای روزنامه دیواری مدرسه نقاشی می کرد و حتی یک بار یک روزنامه دیواری با گروهی از دوستان، که هر یک سرنوشت جداگانه‌ای پیدا کردند، در آوردم که در شماره دوم توقیف شد. چون وارد سیاست شده بودیم و مطالبی راجع به نهضت روحانیت نوشته بودیم و خلاصه‌ای از غربزدگی آل احمد را آورده بودیم به همراه یک نقاشی که صندوقی از روی یک نقاشی دیگر کشیده بود و در شماره اول کتاب ماه آل احمد چاپ شده بود. نقاشی از سیکه روس نقاش مکزیک بود که بعدها فهمیدیم بخشی از یک نقاشی بزرگ دیواری از اوست. صندوقی این نقاشی را نقطه چین کار کرده بود که سبک محبوب دبیر نقاشی آن زمان ما بود و ما را وادار می کرد که از روی کتاب‌های مؤیدپردازی و رسام ارزشی نقاشی کنیم. فقط نقطه چین را قبول داشت. خودش هم نقاشی نمی دانست.

بعدها من رد صندوقی را، مثل رد بسیاری از همکلاس‌هایم گم کردم تا بعدها که نقاشی‌هایش را توی کتاب‌های مدرسه بچه‌هایم دیدم.

پدرش اولین فست فودی همدان بود. اما نه از این فست فودی‌های امروزی. یک بساط در سر خیابان سنگشیر همدان داشت و جلیلیز ویلیز می فروخت. یعنی نوعی کباب که روی یک شبکه سیمی درست می شد و هر تکه‌اش به اندازه یک پنجم یک کباب کوبیده بود. بسیار هم چرب بود و خوشمزه. کباب «دامحرم» را همه همدان می شناختند و بچه‌ها عاشقش بودند. چاشنی آن هم پیازچه خرد شده بود و دامحرم این کباب و پیازچه را لای نان لواش مریانچ می پیچید و به یک قران به دست مشتری می داد. او که به نظر ما بسیار پیر می آمد خیلی هم خوشرو بود. می گفتند اصلاً همدانی نیست و مهاجر است و از بالای ارس آمده است. معلوم است که زندگی چنین آدمی خیلی راحت نمی گذرد. صندوقی فرزند او بود و هرچه شد کار خودش بود. آدم خودساخته‌ای بود که من با اینکه پنجاه و چند سالی از او بی خبر بودم با خواندن خبر درگذشتش حس کردم دوستی را از دست داده‌ام که آخرین بار همین دیروز او را دیده‌ام. نمی دانم در این هنگامه مدرنیسم زندگی اش چگونه می گذشت. اما حتماً هر کس که یکی از کتاب‌های درسی یا غیردرسی را که او نقاشی کرده خوانده باشد باید حس کند که بخشی از زندگی اش با او رفته است. خدا رحمتش کند.

رازهای ماندگاری

سرگذشت هنری صادق صندوقی



از زمینه‌های حرفه‌ای دور است. ویژگی بومی پرداختن به تصویرگری در کتاب تو نیکی می‌کن و ... با شخصیت‌پردازی و فضا سازی‌های ایرانی همراه است و زندگی پرچالش خانواده ایرانی را مجسم می‌کند، اما دوری از تخیل، اهمیت دادن بیش از حد به عناصر فرعی تصویر و شلوغی فضا، آن را از عرصه‌های خیال‌انگیز دور کرده است. پرداختن به نشانه‌های واقع‌گرایانه در کتاب روباهی که فریب خورد، توانایی‌های طراحی فیگوراتیو و گاه قدرتمند صندوقی را نمایش می‌دهد؛ نشانه‌هایی که در دوره‌های بعدی آثار او، جای خود را به ویژگی‌های مسلط در پرداختن به زمینه‌های پرماجرا و پرتحرک تصویری می‌سپارد. وجود متن‌های غیرحرفه‌ای و زودگذر همراه با کتاب‌سازی‌های سهل‌انگارانه، بر فضای غیرادبی آثار صندوقی افزوده است و دوری از رنگ و پرداختن به صفحه‌آرایی‌های شتاب‌زده، تقریباً در همه آثار این دوره او به چشم می‌خورد.

۲. دوره تصویرگری متن‌های تاریخی

صندوقی، در دوره دوم تصویرگری خود، به خلق آثار دشواری در عرصه تصویرگری کتاب‌های دینی- تاریخی روی آورد. نزدیک به ۱۰ کتاب از آثار تصویری او به این دوره تعلق دارد. صندوقی در این دوره، با توجه به ویژگی توأمان گرایش به نگارگری و طراحی شخصیت‌ها و فضاهای تاریخی، به خلق آثاری دست زد که در ویژگی‌های حرفه‌ای آن، تنها به برخی از آثار زمان زمانی و بهرام خائف نزدیک می‌شود. ویژگی طراحی‌های صندوقی در این دوره تا حد شگفت‌انگیزی دوگانه است. همچنان که

صادق صندوقی (۱۳۹۷-۱۳۲۱) نگارگر (مینیا توریست) و تصویرگر کتاب‌های کودکان در همدان به دنیا آمد. دوره دبیرستان را در هنرستان هنرهای زیبا و آموزشکده (انستیتو) هنر به پایان رساند و پس از آن در آموزش و پرورش، به کار در زمینه گرافیک و تصویرگری کتاب‌های درسی پرداخت. وی در سال ۱۳۷۵ کار رسمی خود را در آموزش و پرورش به پایان رساند. زمینه اصلی کارهای صندوقی در حوزه تصویرگری، به تدارک تصویر برای کتاب‌ها و متن‌های دینی اختصاص داشت، اما تلاش حرفه‌ای او را باید در نگارگری و توجه به زمینه‌های تشعیر و طراحی نقوش قالی جست‌وجو کرد. او برای برخی از آثار کلاسیک ادبی ایران، تصویرهایی پرکار و ارزشمند خلق کرد.

ویژگی‌های حرفه‌ای صندوقی در تصویرگری کتاب‌های کودکان گرایش او به ماجراهای دینی- تاریخی و توجه به نشانه‌های نگارگری ایرانی بود.

فعالیت‌های تصویرگری صادق صندوقی را می‌توان براساس دوره تاریخی و کیفیت پرداختن به تصویر، به سه بخش جدا از هم تقسیم کرد:

۱. دوره تصویرهای تجربی و نخستین

نخستین دوره تصویرگری صندوقی، ویژگی تجربی و اغلب غیر حرفه‌ای دارد. با آنکه تلاش‌های نخستین او در کتاب‌هایی چون: آزادی، تو نیکی می‌کن ... جرقه‌هایی گذرا دارد ولی



حق کارگر

چند نفر کارگر برای امام صادق
— علیه السلام — کار می کردند و تا
عصر مشغول کار بودند. وقتی که کارشان
تمام شد، مُنْتَظَر ماندند تا مُزدشان را

دریافت کنند.*

حضرت صادق (ع) به خدمتگزارش
فرمود: این کارگران از صبح تا حالا
زحمت کشیده اند و عرق
ریخته اند. می خواهند مُزدی
بگیرند تا آب ویشان محفوظ بماند.*



را قوی تر می کند.

تصویرگری کتاب های **عدی بن حاتم**، **غدير خم**، و **سپاه
فيل**، نمونه های تمام نمای ویژگی های دوره دوم آثار صندوقی
به شمار می رود.

۳. تصویرگری برای کتاب های درسی

دوره سوم فعالیت های صندوقی در تصویرگری بیشتر به تدارک
تصویر برای کتاب های درسی مربوط می شود. دوره ای که مرحله
تکاملی دوره دوم اوست. ویژگی این دوره را باید بیشتر در استفاده
از رنگ در تصویر، شلوغی و ازدحام در عناصر تصویری، افزایش
شخصیت های موجود در یک تصویر، کنار گذاشتن تدریجی
ضعف ها و شتاب زدگی های گذشته و قدرت بخشیدن به طراحی
فیگوراتیو دانست. دامن زدن به نشانه های هیجان و حرکت با
زاویه دیدی سینمایی و برش های تکنیکی، در این دوره افزایش
می یابد. گرایش به ساختارگرایی، که یادگار علاقه او به نگارگری
است، و توجه به عنصر ماجرا و کنش های پرماجرایی همچنان او
را از توجه به تخیل و سادگی بازداشته و البته این ویژگی مسلطی
است که در همه متن های داستانی کتاب های تصویری او وجود
دارد. متن هایی که بیشتر به بازآفرینی حوادث تاریخی- مذهبی
اختصاص دارد، بدون آنکه به حس های درونی، رفتارهای زبانی و
عناصر توصیفی در متن های آن اهمیت داده شود.
از میان کتاب های داستانی و غیرتاریخی صندوقی در این دوره،

در این آثار، رگه های درخشانی از حرکت های گروه انسانی در
میانه جنگ ها، گرد هم آیی ها و مهاجرت ها با طراحی های توانا،
پیچیده و بدون رنگ همراه است، گاه نیز در کنار همین رگه ها،
با نشانه هایی از شتاب زدگی برخورد می کنیم که به نظر می آید
ادبیات نه چندان تخیلی و کم جان کتاب ها، در شکل گیری آن ها
بی اثر نبوده است.

رگه های پر قدرت طراحی در آثار صندوقی نشان می دهد
که او می توانست تا حد برجسته ترین تصویرگران فیگوراتیو،
واقع گرا و تاریخ نگار حرکت کند. نشانه هایی که گاه در برخی
از تصویرهای بعدی او برای کتاب های درسی به چشم می خورد.
اما دوری از نشانه شناسی های تصویری در کتاب های کودکان،
او را به نوعی پرکاری غیرضروری کشانده است. پرکاری هایی
که امکان دارد در تصویرگری برخی حرکت های تاریخی، بسیار
هم گویا و کارساز باشد. با وجود این، تردید صندوقی در اینکه
در حوزه تصویرگری باقی بماند و به خلق تصویرهایی کاملاً
حرفه ای در زمینه کتاب های تاریخی، دینی و روایی در حوزه
ادبیات غیرتخیلی برای کودکان بپردازد، یا آنکه گمشده خود را
در نگارگری برای بزرگسالان جست و جو کند، سرانجام به آنجا
راه می یابد که رویکرد دوم را بپذیرد و تقریباً به تمامی خود را
وقف آن کند و این راهکاری است که تصویرگری، بیشتر فعالیتی
جنبی برای آن به شمار می رود. دوری صندوقی از فعالیت های
جشنواره ای، نمایشگاهی و گفت و گوهای تصویرگری، این انگاره



تنها می‌توان به کتاب **خاله گلدونه** ... اشاره کرد. در تصویرگری این کتاب، صندوقی به خلق تصویرهایی ساختارگرا و پرکار، خوش‌رنگ و بومی پرداخته است. او در تصویرهای این کتاب، همان اندازه به طرح جزئیات لباس‌ها، طبیعت و معماری محیطی اهمیت داده است که به شخصیت‌های اصلی تصویر. ارزش‌گذاری هم‌سنگ به عناصر اصلی و فرعی، که از ویژگی‌های مسلط هنر نگارگری است، سبب شده تا صندوقی از حوزه تصویرگری فاصله بگیرد و از نگاه یک نقاش واقع‌گرا که به عناصر نگارگری کهن گرایش دارد، به کودک و تصویرگری نگاه کند. گرایش به جزئیات غیرضروری و دست و پاگیر در استفاده از نمادهای کاملاً واقعی و روزمره، دوگانگی غریبی است که نه صندوقی و نه هیچ تصویرگر دیگری نتوانسته است به آن زیبایی حرفه‌ای ببخشد.

ایرانی بودن و وفاداری به فضای ایرانی، ویژگی همیشگی آثار صندوقی است.

علاقه او به هنرهای سنتی ایران، در تصویرگری کتاب‌های تاریخی و دینی، گاه به خلق آثاری دشوار، پر ساختوساز و حتی شگفت‌انگیز انجامیده است که سرشار از حرکت‌های ریز و درشت است، به گونه‌ای که حتی گاه می‌توان بخار دهان اسب‌های عرق کرده را در میدان‌های نبرد، از میان برق شمشیرهای آخته و چهره‌های خشمگین و گاه دردآلود احساس کرد. این ویژگی در یکی از تصویرهای صندوقی که برای متن درس آماده کرده، کاملاً آشکار و دیدنی است. چنین ساختوسازهایی، در آثار تصویرگران موفق و پرکار در زمینه تصویرگری کتاب‌های غیرتخیلی، که

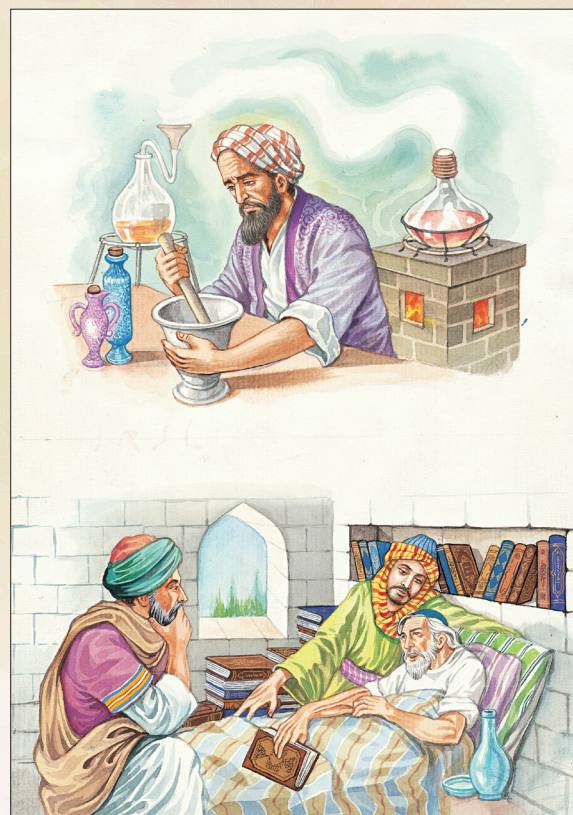
گاه چنین ویژگی‌هایی را طلب می‌کند، کمیاب و نایافتنی است، زیرا پرداختن به چنین ظرافت‌هایی، تجربه‌هایی دشوار و طولانی می‌طلبد که صندوقی از آن بی‌بهره نبوده است.

اگر چه صندوقی تردیدهای خود را سرانجام پس می‌زند و در گرماگرم دل سپردن به هنر نگارگری، تصویرگری را در سایه قرار می‌دهد، اما آثار پرکار او در تصویر کردن صحنه‌هایی از ادبیات کلاسیک ایران در زمینه نگارگری، ارزشمند و به یادماندنی است. نخستین تجربه صادق صندوقی در زمینه تصویرگری، به تدارک تصویری از حماسه عاشورا در سال ۱۳۴۴ باز می‌گردد که برای روی جلد مجله صبح امروز کشید، اما کار حرفه‌ای را در این زمینه، در آخرین سال‌های دهه ۵۰ با تصویرگری قصه‌های قرآنی آغاز کرد.

صادق صندوقی را باید از نخستین تصویرگران معاصر در تصویرگری کتاب‌های دینی- تاریخی به‌شمار آورد. ره‌آورد تلاش‌های او فراهم‌سازی تصویر برای بیش از ۶۵ کتاب مخصوص کودکان و نوجوانان است که در آن‌ها از ویژگی‌های هم‌زمان نگارگری و واقعیت‌گرایی تاریخی، به فراوانی بهره گرفته شده است.

دوره پایانی تلاش‌های صندوقی در تصویرگری، با توانایی‌های فراوانی در پرداختن به طراحی فیگوراتیو و روایت دینی- تاریخی همراه است که متأسفانه هرگز فرصتی برای کامل کردن آن‌ها نیافت و لذا این آثار او باتوجه کافی به رنگ، بافت و کتاب‌سازی امروزی همراه نشد. با وجود این آثار او چشم‌انداز تأثیرگذاری در کارهای تصویرگرانی چون شادروان بهرام خائف پدید آورد. با آنکه تلاش‌های صندوقی در زمینه تصویرگری کتاب‌های کودکان، نیمه‌تمام ماند، با گرایش روزافزون و حرفه‌ای او به نگارگری و فراهم‌سازی آثاری پراساخت و ساز در مینیاتورهای ایرانی، این روند به نحو دیگری کامل گردید. رویکردی که دنباله تلاش‌های هنرمندانی چون **محمود فرش‌چیان**، برای ارزش‌گذاری و احیای هنر نگارگری امروز به‌شمار می‌رود.

صادق صندوقی در داخل و خارج از کشور در زمینه نگارگری، نمایشگاه‌هایی برگزار کرد و در زمینه تصویرگری کتاب‌های درسی نیز پرکار و پرتلاش بود.



گفت‌وگو با صادق صندوقی

جشنواره بهترین. بهانه برای خلاقیت و نوآوری است



اشاره

در اولین جشنواره تصویرسازی کتاب‌های درسی که در سال ۱۳۸۳ برگزار شد از دو تن از تصویرگران برجسته کتاب‌های درسی تقدیر شد؛ مرحوم پرویز کلانتری و صادق صندوقی. آنچه در پی می‌آید مصاحبه کوتاهی است که با مرحوم صادق صندوقی در همان ایام انجام شده است.

این تصویرگر برجسته در مردادماه ۱۳۹۷ درگذشت. روانش شاد.

تقریباً دست تصویرگر بسته است. اما در کتاب فارسی و ادبیات دست تصویرگر بازتر است. این در حالی است که تصویرگر در کتاب‌های غیردرسی و غیرآموزشی عرصه وسیع‌تری برای فعالیت دارد.

❖ به نظر شما در تصویرگری کتاب‌های درسی و آموزشی چطور می‌توان خلاقیت ایجاد کرد و نوآوری داشت؟

برپایی جشنواره بهترین بهانه برای خلاقیت و نوآوری است. کسی که در جشنواره حضور پیدا می‌کند، با موضوع آشنایی دارد و از آن مهم‌تر، کار را در فرصت و زمان بیشتری انجام داده و ارائه می‌دهد. کارهایی که برای جشنواره انجام می‌شود، چون در قالب مسابقه است، از تنوع و گوناگونی برخوردار بوده و خلاقیت در آن مشهود است. من معتقدم جشنواره جای بروز خلاقیت‌هاست. تصویرگر فرصت بیشتری برای فعالیت دارد. در

❖ چه تفاوتی میان تصویرگری کتاب درسی با غیردرسی قائل هستید؟

وقتی بحث آموزش پیش می‌آید، تصویرساز موظف است در چارچوبی که مؤلف در نظر گرفته عمل کند. البته این چارچوب در همه‌جا یکسان نیست، مثلاً در کتاب علوم شاید

تفاوتی با تصویرگری برای سال‌های بالاتر و مقاطع دیگر دارد؟

در سال‌های آغازین تحصیلی، تنوع رنگ در میان تصاویر باید بیشتر باشد. در این سال‌ها، تصویرگر می‌تواند از قوه تخیل خود بهره بیشتری بگیرد و آن را بیش از سال‌های بالاتر به کتاب وارد کند. در دوره ابتدایی گاهی لازم است با ترفندهای خاصی نمک کار افزود و در برخی کارها از چاشنی کاریکاتور هم بهره گرفت تا تصاویر برای کودکان جذاب‌تر و شاداب‌تر به نظر برسد. هرچه کلاس و سطح کار بالاتر می‌رود، کارها باید واقعی‌تر به نظر برسد.

چه زمانی تصویرگری در کتاب‌های درسی می‌تواند به موفقیت نزدیک‌تر باشد؟

زمانی این مهم اتفاق می‌افتد که تصویرگر و مؤلف کنار هم باشند. باید زمینه‌ای فراهم آورد تا مؤلف و تصویرگر همدیگر را بهتر درک کنند. هر عاملی که بتواند موجب تفاهم بیشتر میان مؤلف و تصویرگر شود، ارزشمند است و باید به آن بها داد و زمینه تقویتش را فراهم کرد. در این عرصه، برپایی جشنواره و نمایشگاه تصویرگری کتاب درسی یک گام مهم به شمار می‌آید و ثمره‌اش در سال‌های آتی در کتاب‌های درسی نمودار خواهد شد.

حالی که وقتی کار سفارشی می‌شود، تصویرگر با محدودیت زمان روبه‌روست. در عرصه هنر محدودیت معنا ندارد. وقتی کار به‌عنوان وظیفه اداری ارائه شود و تصویرگر ناچار به تحویل اثر در مدت زمان کوتاه باشد، یکی از محورهای موفقیت در این حوزه سپردن کار به نسل جوان است، البته به شرط آنکه افراد مجرب هدایت و نظارت امور را به‌عهده داشته باشند. جوانی نیروی ارزشمندی برای خلاقیت به حساب می‌آید.

راز ماندگاری یک تصویر در ذهن افراد چیست؟

حضور طولانی‌مدت یک تصویر در کتاب درسی، باعث ماندگاری آن می‌شود. اگر یک تصویر، هر قدر هم که جذاب باشد، تنها یک سال در کتاب درسی باشد و بعد آن را حذف کنند، در ذهن باقی نمی‌ماند. همه ما تصویر درس دهقان فداکار را در ذهن خود داریم. راز ماندگاری این تصویر به دلیل حضور طولانی‌مدت آن است. نسل‌های مختلفی این تصویر را به‌خاطر دارند. دانش‌آموز تنها یک‌سال با یک کتاب درسی ارتباط دارد ولی حضور تصاویر را در سال‌های بعد هم می‌تواند در کتاب شاهد باشد.

تصویرگری برای کتاب‌های سال‌های اول دبستان چه



معلم شوراندیز

یادداشتی از زنده‌یاد صادق صندوقی

شناختی درست و منطقی از حال و هوای زمانه به دست می‌داد و بدین صورت ما را با اشعار نو، افکار نو و هنر نو آشنا می‌کرد. او حتی ما را به خواندن نشریات وزین و مترقی آن زمان، که خارج از درک و فهم هم‌سالانمان بود، تشویق می‌کرد و با تعریف مکاتب گوناگون هنری و سیاسی، دید سیاسی شاگردان را با تحلیل مسائل روز بالا می‌برد. ارزش و اهمیت کار او برای من، با آمدن به تهران و تحصیل در هنرستان هنرهای زیبای آن زمان، تشخص و نمود بیشتری پیدا کرد؛ چرا که بی‌هیچ خودستایی، احساس می‌کردم افکار و اطلاعات و معلومات عمومی و هنری من نوجوان شهرستانی خیلی خیلی بیشتر از شاگردانی است که در تهران زندگی و تحصیل کرده‌اند و این نبود جز نحوه آموزش صحیح و عمل کرد فوق برنامه دبیر دل‌سوز و انقلابی، جناب «علی اکبر بلالی» عزیز که هر کجا هست خدا او را به سلامت دارد.

معرفی

«صادق صندوقی» در سال ۱۳۲۵ در همدان به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در دبستان‌های «شکیبا»، «پرورش» و «هاتف» به پایان برد. دوره اول متوسطه (نظام قدیم) را در دبیرستان‌های «ادیب» تهران و «علویان» همدان به انجام رساند. در سال ۱۳۴۰ دوباره به تهران آمد و دنباله آموزش را در «هنرستان هنرهای زیبای پسران» طی کرد. در سال ۱۳۴۴، پس از اخذ دیپلم هنر، در کسوت سپاهی دانش، به روستای فیروزآباد اسفراین رفت و همراه با تدریس به جست‌وجو در زمینه هنرهای بومی و سنتی پرداخت. در سال ۱۳۴۸ به استخدام رسمی آموزش و پرورش درآمد و دو سال در روستاهای آذربایجان غربی به تدریس و تمرین هنر همت گماشت. سپس به استان مرکزی منتقل شد و معلمی را در روستاهای ساوه و نوبران ادامه داد.

در سال ۱۳۵۲ به تهران آمد و تحصیلاتش را در انستیتو مربیان امور هنری پی گرفت. در پایان دوره، نفر اول و برنده بورس خارج از کشور شد که مقامات مسئول به دلیل کمبود بودجه از اعزام او به خارج سرباز زدند. سپس مسئول امور نمایشگاه‌ها در دفتر تحقیقات ملی و میهنی شد و در سال ۱۳۵۷ به همکاری با امور تربیتی پرداخت و در سال ۱۳۶۱ به دفتر امور کمک‌آموزشی آمد و با مجلات رشد همکاری کرد. در سال ۱۳۶۷ به اداره کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی رفت و تا تابستان ۱۳۷۷ که بازنشسته شد، با واحد طراحی و تصویرسازی آن اداره همکاری می‌کرد. این معلم هنرمند از آن پس در کنار وظایف اداری به کار آزاد در زمینه نقاشی و گرافیک و با تصویرسازی برای متن و روی جلد بیش از ۲۰۰۰ کتاب، به ویژه کتاب‌های تاریخی و مذهبی کودکان و نوجوانان در سال‌های قبل از انقلاب، نامی آشنا در عرصه هنر ایران شد.

در مجله «رشد معلم» شماره ۱۴۶ (دی ۱۳۷۸ - ص ۴۳) مطلبی از صادق صندوقی درباره بهترین معلمانش منتشر شده است. او به گفته خودش، طی دوران تحصیل بیش از ۳۰ معلم داشته است که در این نوشته سه تن از آن‌ها را شایسته ستایش می‌شمارد که باید بر دستانشان بوسه زد. این یادداشت کوتاه را از او بخوانید.

اولین بار بود که این دو کلمه به گوشم می‌خورد: «تشویق» و «ترغیب»؛ آن هم سال اول ابتدایی در دبستان شکیبای همدان و از زبان آقای به نام «پورراد» که معلم پنجم ابتدایی بود و نقاشی‌های مرا فقط بر در و دیوار کلاس‌ها و دفتر و راهروها دیده بود. لذت و شیرینی این دو کلمه، با دادن یک جعبه آب‌رنگ و یک دفترچه نقاشی اعلا، آن هم سر صف و جلوی چشم دانش‌آموزان دیگر که برایم کف می‌زدند و هورا می‌کشیدند، صدچندان شد. نمی‌دانم چه قدرت و کششی در این کلمات بود که راه مرا از همان اوان کودکی مشخص کرد. البته آقای «پورراد» را با همان عینک دودی و لبخند همیشگی، ده‌ها سال بعد، در انستیتو تربیت مربیان امور هنری و در کسوت معاونت آن مرکز دیدم و اظهار آشنایی و ارادت کردم که نشناخت؛ ولی با توافقی آمیخته به شغف گفت نیمی از کسانی که در این‌جا رشته هنر را دنبال کرده‌اند و می‌کنند، از جمله کسانی هستند که شاهد شیرین تشویق را اول بار او به کامشان ریخته و به جانشان انگیزه است!

بخت یار من بود که بعدها، در سال‌های آخر دبستان نیز، نیک‌مردی پاک‌سرشت و شریف به نام «محمد شریفی» معلم ما شد که در ورزش نیز دستی و علاقه‌ای داشت و همو بود که لذت درک ورزش و هنر را به ما شناساند. شگفت آنکه او طریق درست دیدن و انتقاد و تجزیه و تحلیل آثار هنری را، آن هم در کلاس چهارم دبستان و در محیط بسته و مهجور دهه سی همدان، به ما شناساند. چرا که علاوه بر اخذ تکالیف درسی، از ما می‌خواست فیلم‌هایی را که در تنها سینمای شهر می‌دیدیم، در زنگ انشا، به اصطلاح امروزی، نقد کنیم و چه‌قدر گرم و پرجوش و زنده بود ساعات درس آن معلم عزیز در دبستان هاتف همدان که واقعا برازنده نام «معلم» بود.

این سرزندگی و جوشش در ساعات انشا، زمانی که سال سوم متوسطه بودم، با آمدن دبیری آگاه و متعهد به اوج رسید. تا جایی که ساعات درس انشا و ادبیات برای ما دریچه‌ای شد تا از آن به دنیای جدیدی نظر کنیم. او با طرح موضوعاتی بکر و تازه، ذهن ما را به جولان درآورد و گه‌گاه در فواید یا مضرات مظاهر تمدن مثلاً سینما، مناظرانی کتبی بین دانش‌آموزان ترتیب می‌داد و اغلب نیز در فواصل برنامه‌ها، علاوه بر تدریس دروس کلاسیک، باقرائت اشعاری از شعرای نوپرداز و معرفی اجمالی آن‌ها، به ما که از دنیای کودکی به دوران نوجوانی و جوانی قدیم می‌گذاشتیم،

رشد جوانه
شماره ۶۱
پاییز ۱۳۹۷

من يك نقاش مریخی
صادق صندوقی تصویرگر کتابهای درسی از زندگی و هنر خودی:

آیا از آنمورکار در دوران تحصیل خود خاطره‌ای دارید؟

پهلوان دنیا آمده و دهان دلا و در پهلوان خرمایان سارید و در دل
موسو و در پهلوان برای زبانی پهلوان تکران و پهلوان باغی پهلوان
آهنگه که خرمایان خرمایان موسوی با احوال و در پهلوان پهلوان
دی در ارسال ۱۳۴۸ خرمایان خرمایان پهلوان پهلوان
سال اندکس در موسوی خرمایان خرمایان پهلوان پهلوان
۱۳۴۸ خرمایان خرمایان پهلوان پهلوان

چنین می‌گوید: «گویی کوتاه باد ایست، از نکات جالب قصه»
 «ایان همانا خوش صحبت بودن، خوش خطی می‌نویس بودن و البته آدا»
 «...»

نصف از زمان متوجه شدید که رزقش استعداد دارید؟

نام خدا، و حقیقت به خود من گنایا باری است، و هستی من در کس
عاشق و علاقه مندی که در کار برادر بزرگم که در کمال تمام ابتدای هر سال
خدا را در کس می دانم که در کار برادر بزرگم که در کمال تمام ابتدای هر سال
خدا را در کس می دانم که در کار برادر بزرگم که در کمال تمام ابتدای هر سال

آغاز کار، از چه چیزهایی الگو می‌گرفتید؟

آغا زکاء، از چه چیزهای انگو می گرفتید؟
آرژان، یعنی اخضر دبی، مین، شربت و قند و غیره
مرآن دارای مرکزی بود که کودکی بیست می تواند در آنجا نگهداری و فرستاده شود

سالمه قبل از انقلب اسلای، بنای سیه نهاد اعدای... چونی که
مگشت از جانب امام معنی (ره) امر مستور دار تا جوانان را با بعضی
فراتی که نماندند شروع به انجام یک سری کشتن پی کردیم که مستورد
قبضه در گذرگاه جابجایی متصدد رسید، البته عده بران شاید باقی
بیش از ده هزار دوری مجید برای کشتن ملیان می کلاسیک برای فرجوانان
دولتی انقبض می توانی و شاد زنده می توانی برای دولتی
کرده می کنی (در خرابی نوع کسانهای می) می توانی کارمند می
برای مطلق انقبض تحسین معنی کرده می کنی، اینها همانا
غنائی ای کشتی ای جوانی و بعد از این، کارهای اوله، غنائی می
اینچنین تدبیر جدیدی ای می کنی که در مطلق و اما اختیار می کنی
خوشام که در کف بران می توانی برای مطلق یک غنائی از من خود دارد
بنابر این انقبض، معنی می کنی که کار از طرف معنی در دستان
اطلاق شده را جزء اختیار می کنی و این می کنی.
میرزا علی محمد امین

میتواند که از پیشه و دیگر هنر و خدایان هیچ دهد ؟
 سوره من در تصویر سازی کتب علمی ، بیشتر از برای زاهدان
 قوه خدای را رعایت اصول صحیح آتونی و در دستگیر میباید ،

کرامت و اتفاق دارای چه میزان از قدرت
را عین کرده و ادب بر آید
از انبیاست.

که انبیا در مورد تصویرسازی برای کتب غنی نگارگری ایران
شیوه مطلقاً جاری است.

آیا تا بحال از آثار خود غنائی گاهی داشته اید ؟

دورهٔ حضرت فاطمه (ع)
شمارهٔ اول
دورهٔ حضرت علی (ع)

دعای استغاثه برای جی زبیدی شرکت کرده‌ام اما اولین بار
انفردی‌ام در سال ۱۳۸۲ در کار می بینم اما من آن گسترده بودم
فامیلانف در شهر بودم اما

ده و بر غزل
 حضور
 برآمد
 قزاق گزشت و موضوعات کلایم در آنجا که شامل ۲۰ عدد مایه
 نگارگری مجرب با الصام از اشاعه حکم ع

کمی که در همان سال نیز از جانب وزارت آموزش پرورش در
حاشیه برگزاری اولین «سالانه تصویرسازی کتب درسی»

و استاد ابریزد خجابه پرور گلزاری، بمنزله میکسروان نقاشی
کتابهای درسی تحلیل و بزرگداشتی سالیانه عمل آمد

تجزیه نخست:

تجزیه حوزای نخست او، به تقاضای نظری از حاضرا در سال ۱۳۴۱

وینیزی های تصویرگری
نظاره

فصل بیست و نهم در تصویر گری «مستند» را میتوان براساس دورهٔ
پردازش به تصویر «درسخن بردی کرد»
۱- دورهٔ تصویرهای تجریدی

۱- دوره‌های تجربی
۲- دوره‌های تاریخی
۳- دوره‌های کتاب‌های

دوم نگاهداری برای جلد دوازدهم و دوازدهم تصویر سازی

تا بمردود در ازین سیاهی بنری و درایت فرزند ارشاد اسلامی به
نشان دهی یک هنر که معادل مدرک دکتری است نام آن چیست

صندوقی از زبان صندوقی



صادق صندوقی در سال ۱۳۹۲ گفت‌وگویی با باشگاه خبرنگاران جوان انجام داده و در آن به نکات جالب توجهی از زندگی هنری خود اشاره کرده است. بخش‌هایی از این گزارش را که از زبان خود او روایت می‌شود، با اندکی ویرایش بخوانید.

روز اول مدرسه قبل از این که وارد دبستان شوم کتاب‌های برادرم را که تصویری سیاه و سفید داشت، رنگ‌آمیزی می‌کردم. این علاقه کم‌کم در من ایجاد شد و شروع به نقاشی کردم. هیچ وقت خاطره روز اول مدرسه از یادم نمی‌رود اگر آن روز معلم برخورد تنیدی با من می‌کرد معلوم نبود که امروز سرنوشت چه تقدیری را برایم رقم می‌زد. روز اول مدرسه بود. بچه‌ها در کلاس شلوغ می‌کردند و معلم‌مان برای ساعتی کلاس را ترک کرد و به بچه‌ها گفت: «تا برمی‌گردم هر کدامتان یک نقاشی بکشید.» تصویری از یک خرگوش کشیدم و برای یکی از همکلاسی‌هایم همان تصویر را طراحی کردم. در دفتر چند نفر دیگر هم همین تصویر کشیده شد. مبصرمان که دو سال از بچه‌های کلاس بزرگ‌تر بود مرا تهدید کرد که به معلم می‌گوید، با چهره‌ای نگران منتظر آمدن معلم بودم.

وقتی در کلاس باز و معلم وارد شد، اضطراب داشتم. هر لحظه فکر می‌کردم معلم از کلاس اخراجم می‌کند؛ اما برخلاف تصورم وقتی معلم نقاشی‌ها را دید و متوجه شد که همه نقاشی‌ها را من کشیده‌ام، به جای تنبیه، تشویق کرد و بچه‌های کلاس برایم دست زدند. این نخستین بار بود که تشویق را با همه وجود حس می‌کردم. تشویق در وجود هر انسانی از شیرخوارگی تا بزرگسالی، حس خوبی را القا می‌کند. با این کار کوچک مسیر زندگی‌ام به کلی تغییر پیدا کرد. اگر آن روز معلم‌مان مرا تشویق نمی‌کرد، ممکن بود راه دیگری را انتخاب کنم؛ از آنجا بود که به طور جدی همه فکر و ورود به دنیای نقاشی شد. عشق به نقاشی و معلمی با اشتیاق به هنرستان هنرهای زیبای تهران آمده و درسم را ادامه دادم بعد از گرفتن مدرک دیپلم چون علاقه زیادی به رشته معلمی داشتم به استخدام آموزش و پرورش در آمده و به عنوان معلم روستا به آذربایجان غربی رفتم. در روستا که بودم فقط مطالعه می‌کردم و نقاشی از طبیعت بهترین سرگرمی‌ام شده بود. سه سال از بهترین روزهای عمرم

را کنار دانش‌آموزان روستا در آذربایجان غربی گذراندم. از پایه اول تا پنجم تدریس می‌کردم. زمانی که قصد بازگشت داشتم، تمام دانش‌آموزانم را با خطی خوش به آینده‌ای درخشان سپرده و راهی سفری دوباره شدم. دو سال در ساوه بودم و در این شهر در سال ۴۸ زمانی که جوانی ۲۳ ساله بودم ازدواج کردم.

بعد از آن به تهران آمده در انستیتو تربیت مربیان امور هنری که وابسته به آموزش و پرورش بود، مشغول به کار شدم. دانشجوی ممتاز بودم و زمانی که از هنرهای هفت‌گانه فارغ‌التحصیل شدم، به من وعده بورس مطالعاتی در فرانسه و ایتالیا دادند که متأسفانه محقق نشد. در تهران ماندگار شدم و چون برای هنر، نقاشی و قلم حرمت قائل بودم، دیگر هیچ تصویری را طراحی نمی‌کردم.

تصویرسازی به سفارش امام خمینی(ره)

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی کتاب قصه‌های قرآنی را به سفارش امام خمینی(ره) طراحی کردم و زمانی که از کارم استقبال شد به عنوان یک تصویرگر کتاب شناخته شدم. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، کارم وارد مرحله جدیدی شد و تقریباً تمام شخصیت‌های اسلامی و چهره‌های مذهبی را نقاشی کردم.

ورود به کتاب‌های درسی

از سال ۱۳۶۶ بود که وارد دفتر چاپ و توزیع کتاب‌های درسی شده، نقاشی کتاب‌های درسی را به عهده گرفتم. در کتاب‌های درسی ماندگارترین اثرم نقاشی معروف اصحاب فیل است. تقریباً همه افراد مرا با تصویر چهره امیرکبیر می‌شناسند. خیلی از نویسنده‌های معاصر می‌گویند: «نخستین عشق و علاقه به کتاب و کتاب‌خوانی با دیدن نقاشی‌های من در آن‌ها به وجود آمده است.» وقتی می‌دیدم تمام نقاشی‌هایم در همه نقاط ایران حتی در دنیا به عنوان کتاب درسی مورد استقبال قرار می‌گیرد، حس خوبی را تجربه می‌کردم؛ چون این نقاشی‌ها دست پرورده خودم بود که به همه نقاط دنیا سرک می‌کشید. در واقع نیمی از شخصیت من بود. به همین خاطر با عشق و علاقه کار می‌کردم.

علی رغم کار زیاد و وقت اندکی که داشتم، سعی می‌کردم بهترین کار را ارائه دهم. تمام توجهم را به سمت جوانان و نوجوانان جلب کردم و دوست داشتم اثری ماندگار و تأثیرگذار برایشان طراحی کنم. چون آن‌ها آینده‌سازان کشور هستند و به نوعی باید آینده‌نگری را در نقاشی‌هایم نشان می‌دادم. در جنگ شهرها و در موشک باران، پیش‌نهاد دادم در کتاب زبان انگلیسی تصاویری به صورت کاریکاتور نقاشی شود که در آن شرایط متشنج، جوانان را به ادامه تحصیل ترغیب کند. این طرح مورد توجه قرار گرفت و موجب شاد شدن روحیه جوانان زمان جنگ شد.

از مشکلات نهراسیم

گاهی در کار، نظرات مخالف موجب پیش آمدن مشکلاتی می‌شد. با اینکه اغلب آن‌ها (مخالقان) افرادی باسواد و آگاه بودند، اما سواد بصری نداشتند. در عصر جدید، تمام کارها با رایانه پیش می‌رود و با تکنولوژی جدید و دیجیتالی شدن

وسایل، کار سریع‌تر و بهتر شده است؛ اما حال و هوای هنری ندارد و این موضوع کمی علاقه‌ها و انگیزه‌ها را کمرنگ کرده است. به هر حال دوره زندگی ماشینی است و باید مدرنیته را پذیرفت.

کار مدرن در جایگاه خود ارزشمند است، اما نه برای کتاب‌های درسی. این نوع طراحی‌ها (مدرن) برای کتاب‌های غیرآموزشی و تخیلی مناسب‌تر است. در کشورمان فکر و ایده‌های خوبی وجود دارد. از نظر فنی مثل چاپ و صحافی ایده‌های دیگر بالاتر هستند؛ اما از نظر نقاشی و طراحی تقریباً برابری می‌کنیم. یک وقتی کارهایم را در نمایشگاهی در ایتالیا گذاشته بودم، بازدیدکنندگان تصور نمی‌کردند کار فردی است و خیال می‌کردند این تصاویر کار یک گروه باشد. تمام دل‌خوشی‌ام، نقاشی‌هایم هستند بزرگ‌ترین آرزوی یک هنرمند جاودانگی قبل از مرگ است. می‌خواهم تا زمانی که زنده هستم چند نمایشگاه برپا کنم و کتاب بنویسم تا ردپایی از خود باقی بگذارم و کاری ماندگار ارائه دهم. تمام دلگرمی و دلخوشی‌ام همین نقاشی‌ها هستند. الان برای دل خودم نقاشی می‌کشم. در تصاویری که برای نوجوانان طراحی می‌کردم، سعی‌ام این بود که از رنگ‌های خالص استفاده کنم. همه رنگ‌ها زیبایی خاصی دارند، اما در میان آن‌ها رنگ فیروزه‌ای جلوه‌ای خاص دارد و بیانگر فرهنگ شرقی است.

رنگ زندگی

برای اثر خلقی نو و جاودانه باید در ابتدا طرح را مجسم کنم و با قوه تخیل و هنر تجسمی به آن بپردازم. آنجا که اوج داستان است و زمانی که به نقطه طلایی قصه می‌رسیم، نقاشی را شروع می‌کنم تا تأثیرگذار باشد. نقاشی، صبور و با حوصله‌ام کرده است که این دو ویژگی نعمتی بزرگ است. نقاشی در روابط اجتماعی، تربیت فرزندان و ارتباطات خانوادگی‌ام نیز تأثیرگذار بوده و نکاتی را به من یاد داده است. ازدواج با همسرم را رنگ صورتی زده‌ام؛ کودکی‌هایم سبز و میان‌سالی را به رنگ زرد تجسم می‌کنم. تولد برایم رنگ قرمز و رنگ زندگی است و مفهوم مرگ را با رنگ خاکی بیان می‌کنم. از سوی طرفدارانم نقاش مردمی نام گرفته‌ام که از موهبت تولد تا حلاوت مرگ را به تصویر کشیده‌ام.



فرشته های زمین کاش ماندنی بودند

چه خوب می شد اگر خوب ها نمی رفتند
فرشته های گلی چون شما نمی رفتند

چه خوب می شد اگر خاک مهربان تر بود
که ساده این همه گل زیر پا نمی رفتند

زمین بهشت برین بود با وجودت اگر
فرشته ها همه پیش خدا نمی رفتند

چه خوب می شد اجل این قدر عجول نبود
که ناگهانی عزیزان ما نمی رفتند

فرشته های زمین کاش ماندنی بودند
و بی مقدمه از بین ما نمی رفتند

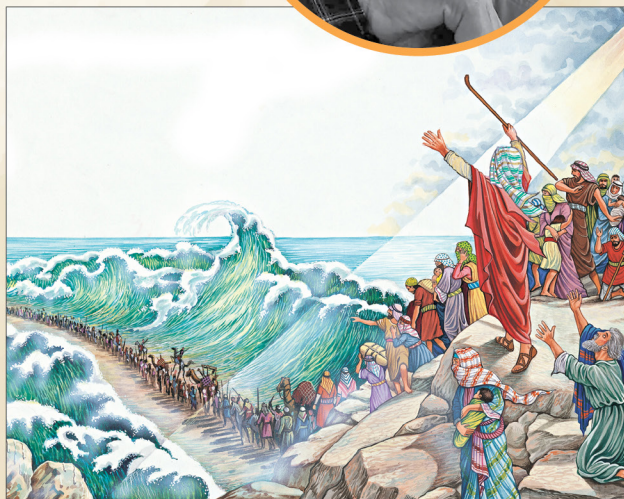
چرا نماندی عزیزم تو خوب بودی که؟!
همیشه اهل وفا بی وفا نمی رفتند!

چه خوب می شد اگر روح های ما بی ما
شبیه بادکنک ها هوا نمی رفتند

تو رفتی و من شادی به غم مبدل شد
که با تو شادی و شور و صفا نمی رفتند.



صندوقی از گنجینه آثار صادق



جشنواره شانزدهم در یک نگاه

